

۴۱۴

کیمهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۱۲ تا ۱۸ خرداد ماه ۱۴۰۲ خورشیدی
سال سی و نهم - شماره ۱۸۸۰



طالبان مواد مخدر سپاه پاسداران



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما ، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684
Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال سی و نهم

کیهان شماره ۱۸۸۰ (۴۱۴)

جمعه ۱۲ تا ۱۸ خرداد ماه ۱۴۰۲
۲ تا ۸ ژوئن ۲۰۲۳



مژده به هم‌میمنائی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به‌زودی در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندر و اسکات کوپر ترجمه رضا تقی‌زاده



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london



وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم **حامد محمدی (افسر خلبان)**

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با **کیهان لندن** ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۳۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

کیهان

* فهرست مطالب *

۴ سرمقاله - گروهی کور روابط جمهوری اسلامی و آمریکا / ال‌ا‌هه بقراط
 ۴-۵ طالبان مواد مخدر سپاه پاسداران... / حامد محمدی

گفتگوی «کیهان لایف» با ارداستوارت پولاک: مادولت بریتانیا را امجاب به... / ۶
 شاهزاده رضا پهلوی: آزاد یخواهی و ملی گرایی از دیروز تا امروز... / نادر زاهدی... / ۷
 حمایت روزنامه نگاران ایتالیایی از الهه محمدی و نیلوفر حامدی... / ۸
 جنایاتی با بعباد تصور ناپذیر؛ جوانانی که پس از آزادی جان می‌بازند... / ۹-۱۰
 وزیر جدید آموزش و پرورش: جاده پیچیده است، ما نیچیده ایم!... / ۱۰
 اذان در خیابان کانپو... / حکیم حق نظر (احمد احرار)... / ۱۱
 آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه (۱۵)... / دکتر هوشنگ نهاوندی... / ۱۲-۱۳
 روزنامه «خریت»: حدود ۱۰۰ کیلومتر دیوار بتنی مرزی بین ایران و ترکیه... / ۱۴
 از تحویل «سوخو ۳۵» روسی چه خبر؟... / ۱۵
 نشست «گفتمان پادشاهی ایرانی و استراتژی پیش رو» در دانشگاه رایس... / ۱۶-۱۷
 هشدار آژانس بین‌المللی انرژی درباره «ضرر به مهلک» جمهوری اسلامی... / ۱۷
 تحریم‌های ۵۰ ساله او کر این علیه جمهوری اسلامی... / ۱۸
 دفاع رابرت مالی از اصرار دولت بایدن به مذاکره با رژیم ایران... / ۱۹
 ایران معبدی است که باید بازسازی شود (بخش دو)... / محمود مسائلی... / ۲۰-۲۱
 ابوالفضل امیر عطایی یکی دیگر از هزاران قربانی سرکوب خشن و ضد بشری... / ۲۲
 فساد ۲۰ هزار میلیارد تومانی در شهر داری بسیجی عدالتخواه... / ۲۳
 سودسرسار کاسبان خودی فیلترینگ: گردش مالی ۴۰ تا ۵۰ هزار میلیارد تومانی... / ۲۴-۲۵
 فیلترینگ نتوانسته برای حضور ایرانی‌ها در اینستاگرام مشکل ایجاد کند... / ۲۵
 علی خامنه‌ای و تمجید و تأیید مجلسی که اعضایش حقوق مردم را... / ۲۶
 درد در دیسی؛ مقاله سوم: واقع بینی و امیدواری... / یوسف مصدقی... / ۲۷
 بحرآن تولید گاز در ایران؛ تادوسال دیگر مصرف از تولید جلومی‌زند!... / ۲۸-۲۹
 شهرک «اکباتان» جولانگاه سرکوب و وحشت آفرینی نیروهای حکومتی... / ۲۹-۳۰
 تشدید فشارهای امنیتی بر خانواده مجید کاظمی متهم اعدام شده... / ۳۱
 کارخانه قدیمی و نامدار «داروگر» تعطیل شد... / ۳۲
 وزیر پیشنهادهی صمت معرفی شد؛ همکار نزدیک سپاه پاسداران و... / ۳۳
 رئیس قوه قضاییه درباره معترضان: آنهایی که باید، اعدام شدند مایمی شوند!... / ۳۴
 آکسیوس: مذاکره مقامات کاخ سفید با عمانی‌ها در مورد «توافق موقت امنی»... / ۳۵
 سی‌ان‌ان: رژیم ایران از دریای خزر برای روسیه تسلیحات ارسال می‌کند و... / ۳۶-۳۷
 ملاها امدادگر بلژیکی را دادند، دیپلمات-بمب‌گذار را گرفتند!... / ۳۷
 گفتگو با کلودیا یعقوبی نویسندهی کتاب «فرهنگ فراملی در دیاسپورای... / ۳۸
 ادعای تهران در مورد رفع اختلاف با آژانس در مورد پرونده سایت «مربوان» و... / ۳۹
 قدرت و جلال و شکوه فرهنگی از پارس تا یونان در لندن... / ۴۰-۴۱
 کشف ۱۷ تن «کالای انفجاری ممنوعه» در انبار فرودگاه «خمینی»... / ۴۱
 چگونه برخی رسانه‌ها به دلیل عدم تخصص و... / محمود مسائلی... / ۴۲-۴۳
 باقر پرهام نویسنده، مترجم و پژوهشگر درگذشت... / ۴۳
 سر باز نیروی هوایی ارتش، متهم جدید پرونده اکباتان... / ۴۴-۴۵
 برگزاری کارگاه‌های آموزشی در ارتش برای مسائل ازدواج و فرزندآوری... / ۴۵
 استقرار نیروهای بسیجی در مدارس به عنوان «سرباز معلم»... / ۴۶-۴۷
 نمایشگاهی در لندن؛ پساامپرسیونیسم و آغاز هنر مدرن... / ۴۷-۴۸
 ارائه پیش نویس لغو گزینش جمهوری اسلامی به عنوان رئیس مجمع... / ۴۹
 تلاش رژیم ایران برای «خنثی سازی تحریم‌ها»؛ درخواست از صندوق... / ۵۰-۵۱
 سی‌ان‌ان: دونالد ترامپ اسناد محرمانه «طرح حمله به ایران» را به خانه... / ۵۱
 پشت جلد - عکس هفته / پسر مامان - ابوالفضل امیر عطایی نوجوان ۱۶ ساله که... / ۵۲

بازنشر
 بازنشر



سرمقاله گرهی کور روابط

جمهوری اسلامی و آمریکا

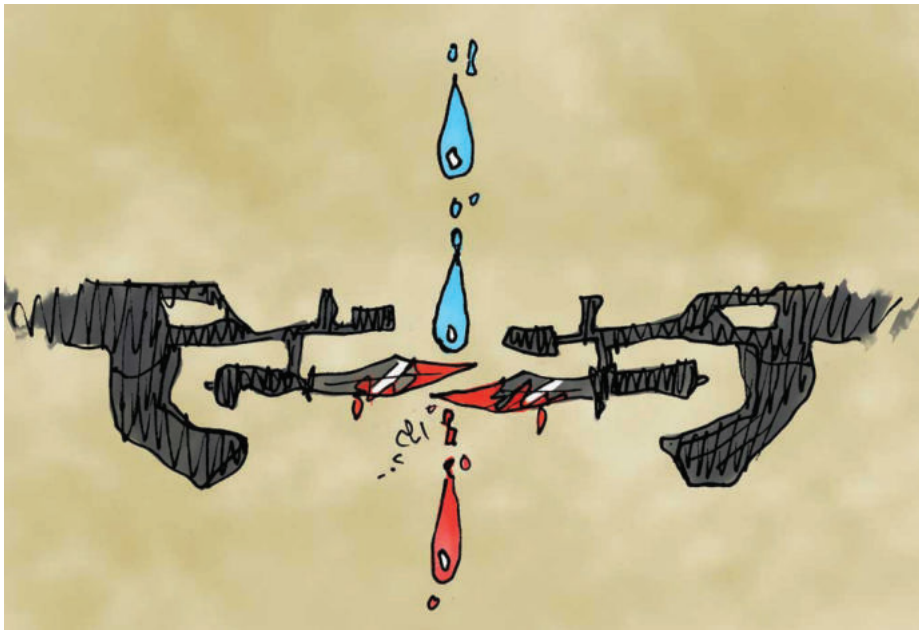
اگر گروگانگیری دیپلمات‌های آمریکا در سفارتخانه‌ی آن کشور در تهران به تاریخ ۱۳ آبان ۵۸ در نهایت به قطع رابطه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی و ایالات متحده منجر شد، برنامه‌ی ام‌ئی حکومت اما به برقراری مناسبات بین آنها انجامید اما چه مناسباتی!

حجت‌الاسلام سیدمحمد خاتمی رئیس‌جمهوری اسلامی وقت که در دوران دولت دوم خود بسر می‌برد، در بهمن ۸۱ به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در حالی درباره‌ی تهیه «سوخت هسته‌ای» توسط «متخصصین ایرانی» مژده داد که در تابستان همان سال تأسیسات مخفی ام‌ئی در ایران لو رفته بود. انواع روایت‌ها درباره‌ی این موضوع در اینترنت در دسترس است. درست یک ماه بعد از بشارت خاتمی، در ۲۹ اسفند ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا و انگلیس به عراق حمله کرد. پیشتر در دی‌ماه همان سال، جرج بوش پسر، «ایران و عراق و کره شمالی» را «محور شرارت» نامیده بود. دلیلی هم که برای حمله به عراق اعلام شد همان بود که رژیم صدام را در این محور قرار می‌داد: تولید تسلیحات کشتار جمعی و تروریسم. طی دو دهه توافق‌های «تهران» و «بروکسل» و «پاریس» که همگی در دولت دوم خاتمی انجام شدند به جایی نرسید و پس از وی فعالیت‌های مخفی ام‌ئی ادامه یافت. همزمان تحریم‌های بین‌المللی نفس جمهوری اسلامی را گرفت و آن را مانند سه کشور اروپایی که طرف دیگر توافقات بی‌خاصیت بودند، به این نتیجه رساند که کار بدون آمریکا پیش نمی‌رود. دولت حجت‌الاسلام حسن روحانی در سال ۹۲ با «نرمش قهرمانانه»ی خامنه‌ای و با هدف توافق با آمریکا روی کار آمد؛ وگرنه با اروپا که بارها توافق صورت گرفته بود! بقیه ماجرا از «برجام» در تیر ۹۴ و کوشش بی‌امان لایبگرا و دلراهایی که توسط دولت اوباما به جیب رژیم سرازیر شد تا صرف سرکوب مردم در داخل و تقویت تروریسم و شبه‌نظامیان نیابتی در خارج شود، و تأثیر خروج آمریکا در اردیبهشت ۹۷ و فشار حداکثری و آنگاه تجاوز نظامی روسیه علیه اوکراین و پس از مدتی شکل گرفتن انقلاب ملی ایران بر عقیم ماندن مذاکرات همچنان ادامه دارد.

اکنون در حالی که دوباره خربهای تکراری از مذاکرات پیدا و پنهان منتشر می‌شود، گرهی کار در کجاست که این بحر طویل هسته‌ای پایان نمی‌گیرد؟ برخی می‌گویند در تهران و واشنگتن! اما واقعیت این است که در تهران! در جمهوری اسلامی! حتا میانه‌روترین جریان اگر قدرت تصمیم‌گیری داشته باشد، قادر به حل مشکلی نیست که ریشه‌ی آن نه در این یا آن فرد و یا این یا آن دولت، بلکه در تفکر و ایده‌ی جمهوری اسلامی به عنوان مدعی اقتدار منطقه‌ای و جهانی است که ایران را فقط مقرّ خود می‌داند و نه پیش از آن! در حالی که نگاه غرب به رژیم ایران، به دلیل خطای ناشی از عدم شناخت، حکومتی است که عین آنها، به خاطر سود خود و مردم‌اش، می‌بایست برای توافقی پایدار تلاش کند! این نگاه اما غیرواقعیتست. تا زمانی که غرب تفاوت بین جمهوری اسلامی و ایران را درک نکند، خیمه‌شب‌بازی توافق و برجام ادامه خواهد داشت تا سرانجام ایران یا از درون یا با اعتراضات مردم منفرج شود و یا غرب به این نتیجه برسد که گزینه‌ای که مرتب سران حکومت اسلامی را با آن تهدید می‌کند، آخرین و تنها گزینه است! حال آنکه چه در دوران اوباما و چه اکنون با پشتیبانی از مردم و انقلاب آزادپخواهانه‌ی آنها می‌توانست هم از شرّ برنامه‌ی ام‌ئی رها شود و هم از جنگ بپرهیزد. مگر آنکه گرهی کوری هم در واشنگتن وجود داشته باشد!

تیر هفته

طالبان مواد مخدر سپاه پاسداران



● به نظر می‌رسد مردم ایران بیش از آنکه بتوانند روی دیپلماسی و اقتدار نیروهای مسلح کشور برای حفظ منافع ملی و امنیت خود حساب باز کنند، این نیروهای طالبان هستند که روی بی‌ارادگی و انفعال حکومت برای تاخت و تاز مرزی و گستاخی حساب ویژه باز کرده‌اند.

محاسبات اشتباه

به نظر می‌رسد مردم ایران بیش از آنکه بتوانند روی دیپلماسی و اقتدار نیروهای مسلح کشور برای حفظ منافع ملی و امنیت خود حساب باز کنند، این نیروهای طالبان هستند که روی بی‌ارادگی و انفعال حکومت برای تاخت و تاز مرزی و گستاخی حساب ویژه باز کرده‌اند.

بدتر آنکه در بالاترین رده‌های نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی روی برآوردها و محاسبات اشتباه تکیه می‌کنند. به عنوان مثال از علی خامنه‌ای که فرمانده کل نیروهای مسلح است و امرای چاکرمآب ارتش و سرداران متوهم سپاه تا دیپلمات‌ها و نمایندگان مجلس شورای اسلامی گمان می‌کردند خروج آمریکا از افغانستان به نفع آنهاست؛ اما در عمل طالبان به تهدیدی برای امنیت ملی ایران تبدیل شده است. وقتی اواسط مرداد ۱۴۰۱ از عبدالرحیم موسوی فرمانده ارتش جمهوری اسلامی در مورد تعرض نیروهای طالبان پرسیدند، پاسخ داد دلیل عمده درگیری مرزی این است که طالبان هنوز «نظم مطلوب» را پیدا نکرده‌اند و دو طرف باید با هم بنشینند و گاهی به دلیل «سوء تفاهم»، درگیری‌های کوچکی رخ می‌دهد و به سرعت تمام می‌شود! اما طالبان نه تنها از پرداخت حبابه هیرمند امتناع می‌کنند بلکه نیروهای مستقر آنها در منطقه مدام به سمت کشاورزان و دامداران ایرانی تیراندازی می‌کنند یا نیروهای مرزبانی را می‌ربایند و به داخل افغانستان می‌برند؛ آنها را تک می‌زنند و فیلم می‌گیرند! گویا طالبان نیز به این باور رسیده‌اند که رژیم ملاحا اراده‌ای برای دفاع از منافع مردم ایران ندارد.

علاوه بر این، تضاد در تشخیص منافع ملی به شکاف میان مقامات جمهوری اسلامی تبدیل شده که نتیجه‌ی آن آشکار شدن ضعف‌هاست. این شکاف زمانی بیشتر روشن شد که پس از شکست مذاکرات با طالبان، ابراهیم رئیسی و حسین امیرعبداللّه‌یان با لحن تهدیدآمیز صحبت از «وادار کردن طالبان» با اهرم‌های «فشار» کردند ←

بعد از حدود یک هفته تبادل آتش میان نیروهای مرزبانی ایران و طالبان در مرز سراوان، با اینکه مقامات جمهوری اسلامی ادعا کردند «سوء تفاهم» برطرف شده و اوضاع آرام است، اواخر سه‌شنبه (۹ خرداد ۱۴۰۲) طالبان ده‌ها عراده توپ و نفربر در مرز «اسلام قلعه» مستقر کرد.

این روزها ویدئوهایی زیادی از رجزخوانی نیروهای طالبان در شبکه‌های اجتماعی خطاب به ایرانی‌ها نیز منتشر شده است. در یکی از این ویدئوها تعدادی از تروریست‌های عمامه به سر با پای برهنه و ریش‌های بلند روی سقف یک نفربر ایستاده‌اند و از اینکه آماده جنگ با ایران شده‌اند ابراز خوشحالی می‌کنند.

یکی دیگر از این ویدئوها که بازتاب زیادی داشت پیامی از سوی عبدالحمید خراسانی از فرماندهان طالبان خطاب به مقامات جمهوری اسلامی است که تهدید می‌کند «قدرت ما را امتحان نکنید! شما در پشت پرده با غربی‌ها هستید ما مسلمانان واقعی هستیم!» و همچنین با گستاخی می‌گوید «اگر بزرگان امارات اسلامی اجازه دهند انشاءالله به زودی ایران را فتح خواهیم کرد!»

در این میان، هرچند بخش عمده تجهیزات و ادوات نیروهای مسلح ایران فرسوده و مستهلک شده و سطح نارضایتی در بین نظامی‌ها بسیار بالاست اما با همان ظرفیت‌هایی که هنوز از ارتش شاهنشاهی ایران باقی مانده، در هم شکست ستون نفربرهای طالبان که در جاده‌های منتهی به نواحی مرزی ایران مستقر شده‌اند به کمتر از یک نصفه روز زمان نیاز دارد.

احتمالاً برای خلبانان هلی‌کوپترهای کبرای هوانیروز و فانتوم‌های نیروهای هوایی نیز هدف گرفتن ادوات زرهی و نفربرهای طالبان در حد دست‌گرمی خواهد بود اما مسئله نگران کننده برای ایران این است که جمهوری اسلامی ظرفیت حل و فصل مناقشات از طریق دیپلماتیک را ندارد.

انتقال اینهمه تانک نفربر و توپ به مرز «اسلام‌قلعه» در سرحدات با ایران نمی‌تواند تصمیمی از سوی «رده‌های پایین» و «خودسر» باشد!

تیراندازی به طرف نیروهای ایرانی می‌کنند که این تیراندازی به درگیری میان دو طرف منجر می‌شود.»
نیروهای مرزبانی ایران در عمل قربانی مراودات شوم رژیم

اما بلافاصله سرداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در نقش ماله‌کشان طالبان پشت دولت جمهوری اسلامی را خالی کرده و گفتند دعوا خانودگی و جزئی است و باید با



در سال ۱۳۹۳ وقتی داعش در عراق از سمت استان دیالی به ۳۰ تا ۴۰ کیلومتری مرزهای ایران رسید دو نیروی زمینی و هوایی علیه آنها اقدام کردند. در حالی که اکنون نیروهای طالبان نه تنها در بعضی موارد از خطوط مرزی جلوتر آمده‌اند بلکه به سمت برجک‌های مرزبانی تیراندازی کرده و شماری از مرزبانان را کشته و زخمی کرده‌اند، ولی اقدامات جمهوری اسلامی اصلاً در حدی که به داعش واکنش نشان داد، نیست!

اینهمه در حالیست که علی‌خامنه‌ای فرمانده کل نیروهای مسلح است و باید تصمیم گرفته و علیه گستاخی‌های نظامی و مرزی طالبان دستور صادر کند. به این ترتیب، می‌توان از این زاویه به عدم واکنش رهبری رژیم به گستاخی‌های طالبان توجه کرد که: در بالاترین رده‌های نظام باور دارند که طالبان خودی است! به نظر می‌رسد رهبران طالبان نیز متوجه این نکته هستند.

از سوی دیگر، درست همزمان با افزایش تنش‌ها در مرز شرقی کشور بین ایران و افغانستان، سپاه پاسداران اعلام کرد که برای برقراری امنیت به مرزهای غربی در استان کردستان نیرو اعزام کرده است!

یک کارشناس نظامی به کیهان لندن می‌گوید: «اگر یک حکومت مشروع و مدافع منافع ملی در ایران سر کار می‌بود، طالبان جرأت تعرض نمی‌داشت. اما وقتی طالبان اولین حلقه‌ی زنجیره‌ی قاچاق مواد مخدر است و جمهوری اسلامی نیز در شراکت با آن سود می‌برد و بین دو شریک اختلافی پیش می‌آید، طرفی که دست بالا را دارد، با زور و گستاخی حرف‌اش را پیش می‌برد و مزارع خشخاش در دست طالبان است!»

در این میان، گذشته از سود عظیم تجارت مواد مخدر نمی‌بایست از نقش تولید و توزیع این مواد به مثابه ابزار فشار و تخریب در دست بنیادگرایان اسلامی علیه کشورهای غربی غافل ماند. تهدیدی که مقامات جمهوری اسلامی در کنار گسیل کردن سیل پناهجویان به سوی این کشورها، از بیان آن پروایی ندارند.

حامد محمدی

ایران و طالبان هستند که بخشی از آن به قاچاق مواد مخدر و «برادران قاچاقچی» سپاه پاسداران مربوط می‌شود. عوامل سپاه پاسداران در قاچاق مواد مخدر شریک طالبان هستند. در سپاه پاسداران تا جایی از منافع ایران دفاع می‌شود که منافع این بنگاه به خطر نیفتد.

بیش از ۸۰ درصد مواد مخدر غیرقانونی جهان در افغانستان تولید می‌شود و ایران یکی از مسیرهای اصلی ترانزیت برای تریاک و مشتقات آن به اروپا و خاورمیانه است. براساس گزارش وزارت خزانه‌داری آمریکا و امور تروریسم این وزارتخانه، سپاه پاسداران شریک عوامل طالبان در کشت و ترانزیت مواد مخدر هستند. حتا گزارش شده سپاه بخشی از مواد مخدر کشف شده را نیز مجدداً ترانزیت و توزیع می‌کند.

از طالبان می‌ترسند

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی با انتقاد از سیاست‌های جمهوری اسلامی در قبال طالبان می‌گوید: «دست برتر را طالبان دارد که بخش عظیمی از حقایق ایران را به کشت خشخاش اختصاص می‌دهند. مرعوب‌ترین سیاست‌گذاران سیاست خارجی کشور، در حوزه افغانستان مشغول به کار هستند که عملاً نوعی ترس را به سیاست خارجی کشور در قبال افغانستان تحمیل کردند و باعث شده کشور ما اقداماتی مانند تحویل سفارت و برخی دیگر از کارهایی که در شأن ما نبوده است را انجام دهند.»

وی تأکید می‌کند «ایران باید دست طالبان را از منابع قاچاق عظیم مواد مخدر به ایران کوتاه کند. درآمدی که طالبان و قاچاقچیان افغان از صادرات مواد مخدر به ایران دارند، بیش از کل عملکرد عمرانی ایران در یک سال است.» با استناد به صحبت‌های فلاحت‌پیشه و گزارش‌های نهادهای امنیتی آمریکا، روشن است که درآمد هنگفتی از شراکت با طالبان عاید سپاه پاسداران می‌شود.

برخی تحلیلگران چنین عنوان می‌کنند که رده‌های پایین طالبان مانند کمیته و سپاه در اوایل شکل‌گیری جمهوری اسلامی در مواردی خودسر عمل می‌کنند. با این حال دستور

دیپلماسی حل شود!

در همین ارتباط سردار اسماعیل کوثری نماینده عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در مصاحبه با وبسایت «عصر ایران» گفت «دعوی ایران و طالبان دعوی خانوادگی است و از این اتفاقات برای بچه‌هایی که در یک خانه باهم هستند می‌افتد که اختلافی به وجود می‌آید و دعوا می‌شود!» او حتا بی‌خبر از آنکه تعداد تلفات نیروهای ایرانی در این درگیری‌ها چقدر است گفت «خداوند روح همه شهدا مخصوصاً مرزبانان را شاد کند؛ مخصوصاً پنج نفر یا سه نفری که اینطوری شدند اما بحث گزینه نظامی مطرح نیست!» امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران نیز گفت «پشت این قضایا خیلی از دشمنان ما هستند که می‌خواهند این را تبدیل به یک موضوع بزرگ بکنند، اما جای نگرانی نیست.»

دیپلماسی ذلیلانه

البته سیاست عقلانی حکم می‌کند که برخورد نظامی هرگز نمی‌بایست در اولویت باشد. اما مسئله اساسی این است که جمهوری اسلامی قادر نیست از طریق دیپلماسی از منافع ایران در برابر طالبان دفاع کند.

در همین ارتباط جلیل رحیمی جهان‌آبادی نماینده مجلس در توییتی نوشت که دیپلماسی ذلیلانه و تحلیل‌های متوهمانه در برابر «جنبش اصیل اسلامی طالبان» چه حاصلی برای کشور داشته است؟ امنیت مرزی؟ حقایق هیرمند؟ قراردادهای تجاری و عمرانی؟ حفظ جان مرزبانان عزیز و مردم مرزنشین؟ حفظ غرور و غیرت ایرانی؟ حامیان طالبان پاسخ دهند.

شراکت در قاچاق مواد مخدر

خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران به نقل از «یک منبع آگاه امنیتی» درباره علت درگیری بین نیروهای مرزبانی و طالبان گزارش داد «شنبه‌شب یک کاروان از قاچاقچیان مواد مخدر از سمت شرق قصد ورود به داخل ایران را داشتند که نیروهای مرزبانی متوجه می‌شوند و با آنها درگیری می‌شوند... در پی این درگیری، نیروهای طالبان مستقر در مرز که از موضوع بی‌اطلاع بودند، اقدام به

گفتگوی «کیهان لایف» با لرد استوارت پولاک: ما دولت بریتانیا را مجاب به تروریستی نامیدن سپاه پاسداران خواهیم کرد

لرد استوارت پولاک دارنده لقب «فرمانده امپراتوری بریتانیا» که از طرف ملکه فقید این کشور به وی اعطا شده است، بیش از ۲۵ سال است که رئیس گروه دوستان اسرائیل است؛ گروهی که با هدف حمایت از اسرائیل و ترویج محافظه کاری در بریتانیا تشکیل شده است. لرد پولاک در سال ۲۰۱۵ به مجلس اعیان پادشاهی بریتانیا راه یافته است. لرد پولاک در گفتگویی با کیهان لایف توضیح می‌دهد که چرا موضع بریتانیا در قبال جمهوری اسلامی تغییر کرده و چرا یک گروه فراجزبی متشکل از ۱۲۵ نماینده پارلمان بریتانیا نامه‌ای را امضا کرده‌اند که در آن از ریشی سوناک نخست وزیر این کشور خواسته‌اند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در لیست سازمان‌های تروریستی قرار دهد و نیز چه چشم‌اندازی در این مناسبات وجود دارد. کیهان لندن متن این گفتگو را همراه با زیرنویس فارسی روی ویدئوی مصاحبه در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد.

متن مصاحبه ویدئویی کیهان لایف با لرد استوارت پولاک

● از زمان ورود شما به مجلس اعیان در سال ۲۰۱۵، برداشت از ایران چگونه تغییر و تحول یافته است؟
من فکر می‌کنم مسئله ایران احتمالا تنها در دو سال اخیر شاهد تغییر و تحولاتی بوده است زیرا مردم اخیرا بیشتر در مورد ایران می‌شنوند و این به دو چیز بستگی دارد؛ یکی بطور مشخص در یکسال اخیر جنگ اوکراین و درگیر بودن و حمایت ایران از روسیه بوده است. این به نظر من باعث شده که مردم ناگهان فکر کنند و زیر سؤال ببرند و کمی بیشتر بفهمند در مورد ماهیت رژیم و چیزهایی که انجام می‌دهند. این احتمالا درک ما را تغییر داده است؛ و البته کنشگران بسیاری در بریتانیا و جاهای دیگر که خواهان زندگی مجدد در ایران هستند؛ انشالله هم خواهند کرد موقعی که یک رژیم دیگر و بهتر سر کار باشد.

● یک گروه ۱۲۵ نفری از نمایندگان پارلمان بریتانیا متشکل از احزاب مختلف نامه‌ای را امضا کرده‌اند که نخست‌وزیر را ترغیب می‌کند سپاه پاسداران را در لیست گروه‌های تروریستی قرار دهد. از آن زمان به بعد چه اتفاقی افتاده است؟

-فکر می‌کنم که روند تثبیت در این رابطه شروع شده است. ۱۲۵ نماینده‌ای که طی دو سه روز این نامه را امضا کرده‌اند، بله، درصد بسیار بالایی نیست ولی بینندگان باید توجه داشته باشند که اعضای ارشد و غیرارشد کابینه نمی‌توانند چنین نامه‌ای را امضا کنند در حالی که بسیاری از اینان می‌توانند پشتیبان چنین نامه‌ای باشند. پس فکر می‌کنم کاری که این نامه کرده باعث شده که مردم فکر کنند و ببینند و درک کنند. نامه‌ای هم به امضای شماری از سناتورهای آمریکایی رسیده است و ۱۲۵ نماینده‌ای که طی دو سه روز نامه را امضا کرده‌اند زیرا کار درستی بوده و در نهایت دولت بریتانیا را مجاب می‌کنیم که این کار را بکنند.

● شما از وزارت خارجه به دلیل گندی در انجام اقدامات معنادار انتقاد کرده‌اید. احساس و پیش‌بینی شما از چگونگی تحول موضع آنها در آینده چیست؟



دولت پرزیدنت جو بایدن تمایلی ندارد که بریتانیا نیز این اقدام را انجام دهد.

-بحثی هست که اگر سفرارتی در ایران نباشد، کار رسیدگی به امور مختلف و حفاظت از دارندگان تابعیت بریتانیایی مشکل می‌شود. حدس من اینست که چنین محاسبه می‌شود که اگر سپاه پاسداران در اینجا تحریم شود، سفارت ما در تهران بسته خواهد شد و ما کنترل کمتری بر تحولات بعدی خواهیم داشت. من البته خریدار این بحث نیستم و بر این باورم که اگر چیزی نادرست است، نادرست است! و کسانی که مرتکب اشتباه می‌شوند باید با عواقب آن روبرو شوند.

● تحریم سپاه پاسداران با افزودن اسامی جدید به لیست تحریم‌ها چه تفاوتی دارد؟

-فکر می‌کنم افزودن اسامی جدید به لیست تحریمی‌ها کمی شبیه وضعیت من است که توسط رژیم ایران تحریم شده‌ام! تحریم سپاه کار درستی است که باید بشود تا فعالیت رژیم را در بریتانیا متوقف کند و امکانات مالی آن را محدود سازد. این دقیقا همان چیزیست که لازم است. من چون متخصص نیستم نمی‌دانم که افزودن نام‌ها آیا در همان مسیریست که گفتم یا نه. تنها چیزی که می‌دانم خواست ما برای تحریم سپاه پاسداران است.

● آیا پیامی برای مردم ایران دارید؟

-پیام من ساده است. برای من آسان است که در اینجا از تحریم سپاه پاسداران صحبت کنم؛ برای من آسان است از اعتصاب غذا و تحصن وحید بهشتی حمایت کنم. در اینجا این کار ساده‌ایست. ولی درواقع قسمت مشکل و خطرناک همان چیزیست که مردم ایران انجام می‌دهند. آنها پیگیرانه تلاش می‌کنند تا نظامی سر کار بیاورند که صلح و آرامش را تحقق بخشد و این نه فقط برای مردم ایران بلکه برای کل منطقه و حتی فراتر از آن؛ زیرا رژیم در آنها مداخله می‌کند. پس مردم شجاع ایران می‌خواهند به سوی آینده‌ای بهتر حرکت کنند و من آرزوی موفقیت آنها را دارم.

-فکر می‌کنم که موضع دولت و وزارتخارجه آنست که آنها ماهیت رژیم را درک می‌کنند. برای آنان این مسئله مطرح است که درواقع چه کاری لازم است که انجام دهند. ما البته نهایت تلاشمان را می‌کنیم که دولت سپاه پاسداران را در لیست سازمان‌های تروریستی قرار دهد. همچنانکه من در



صحن مجلس اعیان به صورت علنی به وزیر امور خارجه گفتم هیچ تصویری از این ندارم که سپاه پاسداران دیگر چه کاری باید بکنند که مورد تحریم بریتانیا قرار بگیرد. آنها فقط حماس و حزب‌الله‌ها تحریم کرده‌اند که درواقع سپاه پاسداران پدرخوانده‌ی آنان است! بنابراین آنها باید مسائل مختلف ژئواستراتژیک و بیشتری از مردم عادی را مد نظر داشته باشند از جمله دارندگان تابعیت بریتانیایی که اکنون در ایران زندگی می‌کنند. ولی دولت پیام ما را دریافته است. من در این مورد یقین دارم.

● سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ایالات متحده در لیست سازمان‌های تروریستی قرار دارد. اما می‌شویم که

شاهزاده رضا پهلوی: آزادیخواهی و ملی‌گرایی از دیروز تا امروز



شاهزاده رضا پهلوی / ۱۴ مه ۲۰۲۳

نیازهای اساسی آوارگان، کوشش برای آزادی اسرای جنگ، ۱۳- تجهیز ارتش و نیروهای انتظامی ایران باید برای نگهداری از استقلال و تمامیت ارضی کشور و تامین امنیت داخلی باشد.

۱۴- حفظ تمامیت ارضی و استقلال منافع ملی باید سرلوحه سیاست خارجی حکومت قرار گیرد.»

شاهزاده رضا پهلوی در کنار تکرار مکرر این مواضع در فرصت‌های مختلف، یکبار دیگر در گفتگو با رادیو فردا (۱۳۸۷/۳/۲۷) نیز تأکید کرد «از روزی که جریان‌ها مرا وادار کرد وارد صحنه سیاست شوم، یعنی پس از فوت پدرم و از زمانی که در قاهره بودم تا امروز، تمام تلاشم بر این بوده که بتوانم در آزادی کشورمان از وضعیتی که در آن قرار دارد، نقشی ایفا کنم و نیز به جریان همسویی و همکاری بین تمام نیروهای طرفدار دموکراسی، آزادی و حقوق بشر در ایران کمک کنم. زندگی من در واقع غیر از ایران، نجات ایران و آزادی برای ایران چیز دیگری نبوده است...»

بر پایه آنچه نقل شد، شاهزاده رضا پهلوی سال‌ها بعد نیز طی سخنانی در پارلمان اروپا (اسفند ۱۴۰۱) ضمن تأکید بر مواضع قبلی خویش گفت « طی سال‌ها، گفته‌ام باید دموکراسی سکولار در ایران ایجاد شود و گفته‌ام رژیم ایران زیست مردم ایران را به خطر انداخته و قابل اصلاح نیست. تمام نافرمانی‌های مدنی و اعتصاب‌هایی که شده به سقوط رژیم کمک می‌کند. در پی سقوط جمهوری اسلامی باید انتخاباتی منصفانه توسط مجلس موسسان انجام شود که همه شهروندان به صورت برابر رأی بدهند در جهت حقوق بشر و یک حکومت غیردینی...»

چنانکه به کوتاهی در این نوشتار اشاره شد، شاهزاده رضا پهلوی همواره از دیروز تا کنون، در همه‌ی سخنان و رفتارهای خویش، خواهان آزادی ایران و استقرار دولتی دموکراتیک، ملی و مبتنی بر اصول حقوق بشر و تأمین امنیت حقوقی و شهروندی هم ایرانیان صرف نظر از تعلقات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و... آنها بوده و هست.

♦ انتشار مطالب دریافتی در «دیدگاه» و «تریبون آزاد» به معنی همکاری با کپهان لندن نیست.

« من به عنوان وارث پادشاهی ایران برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران سوگند یاد کرده‌ام و خود را موظف به دفاع از آرمان‌های انقلاب مشروطیت می‌دانم و نظام پادشاهی مشروطه را با توجه به شرایط تاریخی، گستردگی جغرافیایی کشور و تعدد و چندگانگی قومی و تنوع فرهنگ‌های محلی، بهترین نظام برای تضمین وحدت ملی و گسترش دموکراسی در کشور می‌شناسم، به همه هموطنانم می‌گویم که بحث درباره شکل و عنوان نظام نباید به صورتی مطرح شود که مسئله اصلی ما را تحت الشعاع قرار دهد. ما می‌توانیم و باید تصمیم‌گیری در باب این موضوع را به رأی مردم ایران و مجلس موسسان موکول کنیم که نوع نظام و قانون اساسی آینده ایران را تعیین تدوین خواهند کرد:

۱- نظام سیاسی ایران باید بر پایه حاکمیت مردم و حکومت قانون استوار گردد.

۲- همه مردم ایران در برابر قانون برابرند.

۳- آزادی‌های سیاسی، به ویژه آزادی اندیشه، بیان و نشر عقاید و آراء، آزادی تشکیل احزاب، سندیکاها و انجمن‌ها.

۴- دولت و حکومت باید از دین و مذهب جدا باشد.

۵- ستمی که بر زنان ایران رفته است باید جبران گردد.

۶- با تفکیک قوای سه‌گانه حکومتی.

۷- استان‌ها، شهرستان‌ها و دیگر واحدهای تقسیمات کشوری، هر یک در حد خود، باید برای اداره امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی محلی خویش از حقوق اختیارات کافی برخوردار باشند.

۸- مبارزه جدی و همگانی با بی‌سوادی، فراهم کردن امکانات مادی و معنوی آموزشی برای همه کودکان و نوجوانان کشور.

۹- دانشگاه‌های ایران باید به استقلال اداری، علمی و پژوهشی دست یابند.

۱۰- حق فعالیت و آفرینش هنری و آزادی پژوهش و نشر و تبلیغ آرای علمی و آثار فرهنگی.

۱۱- هدف سیاست‌های اقتصادی و مالی دولت باید رشد و هماهنگ صنعت و کشاورزی کشور، ایجاد اشتغال هرچه بیشتر، توزیع عادلانه درآمد ملی و محیط زیست باشد.

۱۲- حمایت از خانواده‌های شهدا و معلولین جنگ، تامین

● «پس از فوت پدرم و از زمانی که در قاهره بودم تا امروز، تمام تلاشم بر این بوده که بتوانم در آزادی کشورمان از وضعیتی که در آن قرار دارد، نقشی ایفا کنم و نیز به جریان همسویی و همکاری بین تمام نیروهای طرفدار دموکراسی، آزادی و حقوق بشر در ایران کمک کنم.»

● «من به عنوان وارث پادشاهی ایران برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران سوگند یاد کرده‌ام و خود را موظف به دفاع از آرمان‌های انقلاب مشروطیت می‌دانم.»

● «به همه هموطنانم می‌گویم که بحث درباره شکل و عنوان نظام نباید به صورتی مطرح شود که مسئله اصلی ما را تحت الشعاع قرار دهد.»

نادر زاهدی - از زمانی که شاهزاده رضا پهلوی همه‌جانبه وارد مبارزه برای رهایی وطن از فاشیسم مذهبی و ایجاد دولتی دموکراتیک برای ایران شد، محور اساسی و مرکز اصلی فعالیت‌های ایشان گذار از جمهوری اسلامی بوده است؛ وی از اولین بیانیه مبارزاتی، نقشه راه رسیدن به دموکراسی در ایران تبیین و به صورت شفاف و واضح در اختیار همگان قرار داد؛ اکنون با گذشت بیش از چهار دهه از آن دوران، او همچنان ثابت و استوار بر خواسته‌های ملی و دموکراتیک تأکید داشته و راه رسیدن به آزادی ایران را با روش‌های مبارزاتی مدنی و تشریح اصول و مبانی دموکراسی و ایجاد دولتی حقوقی و ملی می‌داند.

برای یادآوری ایده‌های ملی‌گرایی و آزادیخواهی شاهزاده رضا پهلوی - در شرایط فعلی که رفتارها و افراد تازه‌ای داعیه دموکراسی‌خواهی و میهن‌دوستی دارند- بخشی از افکار و سخنان شاهزاده را از متن‌های پیشین در این مقاله یادآوری می‌کنم؛ اشاره به این افکار و سخنان، بی‌تردید تأملی تازه می‌طلبد تا حقانیت دموکراتیک و ملی‌گرایی این شخصیت سیاسی در وضعیت بحرانی و سرنوشت‌ساز فعلی، یکبار دیگر دیده و خوانده شود.

شاهزاده رضا پهلوی در نوشته «ایران آینده- به سوی یک جامعه آزاد و مترقی- بیانیه ۱۴ ماده‌ای» که زمستان ۱۳۶۸ انتشار داد، سرفصل‌های مبارزاتی و افکار خود را به شرح زیر بیان کرده است.

حمایت روزنامه‌نگاران ایتالیائی از الهه محمدی و نیلوفر حامدی



احمد رفت در مراسم اهدای عضویت افتخاری «سازمان اصل ۲۱» به الهه محمدی و نیلوفر حامدی، کارت‌های آنها را در نیابت نمادین دریافت کرد / رم / ایتالیا / ۹ خرداد ۱۴۰۲

می‌گوید: «ما دوم خرداد از طریق سخنگوی قوه قضاییه متوجه شدیم که وقت رسیدگی خانم حامدی برای نهم خرداد تعیین شده و تا این لحظه نیز هیچگونه ابلاغ کتبی دریافت نکرده‌ایم. این در حالی است که حتی اگر ابلاغ کتبی هم در همان روزی که سخنگوی قوه قضاییه وقت رسیدگی را به رسانه‌های عمومی اعلام کرد، دریافت می‌کردیم، مقررات ماده ۳۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری (که مقرر می‌دارد حداقل فاصله بین روز ابلاغ تا روز جلسه رسیدگی باید یک هفته، بدون محاسبه روز ابلاغ و روز جلسه، باشد) رعایت نشده است. به دلیل همین ضیق وقت بود که ما نهایتاً روز هفتم خرداد توانستیم موکلان خانم نیلوفر حامدی را در زندان ملاقات کنیم.» او درباره روحیه نیلوفر حامدی پس از ۲۵۰ روز بازداشت می‌گوید: «در همان ملاقات حضوری هم موکل‌ام با روحیه بسیار قوی، مصرانه تاکید داشت که هیچ فعالیتی خارج از حرفه خبرنگاری نکرده است و همه فعالیت‌هایش در چارچوب قانون بوده است.»

پرتو برهانپور درباره جلسه دادگاه نیلوفر حامدی نیز می‌افزاید: «جلسه دادگاه به قرائت کیفرخواست و پاسخ کتبی و شفاهی موکل به سوالات رئیس دادگاه گذشت و فرصتی برای دفاع شفاهی وکلا نبود.» او با اشاره به جزئیات ایرادات وکلا به روند رسیدگی در همین گفتگو می‌افزاید: «این لایحه متضمن ۱۵ ایراد از جمله عدم دسترسی خانم حامدی به وکیل در طی دوران بازداشت و درخواست رسیدگی به پرونده در دادگاه صالح و با حضور هیات منصفه و به صورت علنی بود. خانم حامدی از اولین روز بازداشت کتبا تقاضای دسترسی به وکیل را کرده بود، ولی تا اواخر فروردین امسال از این حق محروم بود.»

این دو روزنامه‌نگار به نشر اکاذیب، تشویش اذهان عموم، تبانی علیه امنیت ملی و همکاری با دولت متخاصم، متهم شده‌اند. سعید دهقان حقوقدان در کانادا به درستی می‌گوید در جمهوری اسلامی بیان حقیقت را نشر اکاذیب، اطلاع‌رسانی را تشویش اذهان عمومی، پافشاری بر لزوم تامین امنیت مردم را تبانی علیه امنیت ملی و ارتباط با جهان آزاد را همکاری با دولت متخاصم می‌خوانند.

خواهد یافت. اولین دادگاه الهه محمدی ۸ خرداد و دادگاه نیلوفر ابراهیمی روز بعد در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست ابوالقاسم صلواتی پشت درهای بسته برگزار شد. در هر دو روز گروهی از همکاران این دو روزنامه‌نگار، اعضای خانواده و برخی از فعالان مدنی در مقابل دادگاه اجتماع کردند. فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران که مقر آن در پایتخت بلژیک است، رسماً خواهان برگزاری علنی این دو دادگاه با حضور نمایندگان رسانه‌های داخلی و بین‌المللی شده بود.

شهاب میرلوحی وکیل مدافع الهه محمدی روز دوشنبه پس از پایان جلسه دادگاه گفت که به او اجازه هیچ صحبتی داده نشد و فقط توانسته بود برای اولین بار با موکل‌اش در روز یکشنبه ملاقات داشته باشد. این وکیل دادگستری با اشاره به عدم صلاحیت دادگاه انقلاب در رسیدگی به این پرونده در گفتگو با روزنامه «هم‌میهن»، رسانه‌ای که الهه محمدی را برای پوشش مراسم خاکسپاری مهسا (ژینا) امینی به سقز فرستاده بود می‌گوید: «به هر حال ما بنا به وظیفه حرفه‌ای به دادگاه رفتیم تا در جلسه رسیدگی حضور داشته باشیم که به هر ترتیب این جلسه با یک ساعت تأخیر برگزار شد ولی در تمام طول جلسه، به وکلا فرصت هیچ دفاع و یا بیان هیچ مطلبی داده نشد. ما ایرادات شکلی مهم و جدی در پرونده داشتیم؛ به عنوان مثال، از نظر ما دادگاه انقلاب صلاحیت رسیدگی به این پرونده را ندارد و پرونده باید در دادگاه کیفری و با حضور هیات منصفه و به صورت علنی رسیدگی شود. بالاخره همه ما می‌دانیم که بخش غالب این پرونده درباره فعالیت‌های مطبوعاتی یا اظهار نظرات و نوشته‌های خانم محمدی است؛ لذا معلوم نیست چطور پرونده‌ای را که از مصادیق بارز پرونده‌های مطبوعاتی و سیاسی است، خلاف اصل ۱۶۸ قانون اساسی، در دادگاه انقلاب و بدون امکان حضور آزادانه شهروندان و رسانه‌ها و بدون هیات منصفه برگزار می‌کنند.»

پرتو برهانپور یکی از وکلای نیلوفر حامدی پس از پایان اولین جلسه روزنامه‌نگار «شرق» در گفتگو با این رسانه به آخرین وضعیت پرونده موکل خود اشاره کرده و

● اصل ۲۱ قانون اساسی ایتالیا آزادی بیان را در این کشور تضمین می‌کند و سازمانی که به همین نام برای حفاظت از آزادی بیان فعالیت می‌کند، در مراسمی که در دفتر آن در شهر رم برگزار شد، عضویت افتخاری خود را به الهه محمدی و نیلوفر حامدی که به جرم پوشش خبری خاکسپاری مهسا امینی در زندان بسر می‌برند اهدا کرد.

● کارت‌های عضویت افتخاری این دو روزنامه‌نگار را احمد رفت خبرنگار با سابقه ایرانی- ایتالیائی و همکار کیهان لندن و کیهان لایف که از دهه هفتاد میلادی عضو اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران ایتالیا است، به نیابت نمادین از سوی این دو و خبرنگار از البرا مارینگولا سخنگو و عضو هیات مدیره «اصل ۲۱» دریافت کرد.

سازمان «اصل ۲۱» ایتالیا که روزنامه‌نگاران فعال در زمینه آزادی بیان را در بر می‌گیرد روز سه‌شنبه ۹ خرداد ۱۴۰۲ به الهه محمدی و نیلوفر حامدی، دو روزنامه‌نگاری را که این روزها پس از تحمل ۹ ماه زندان در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست ابوالقاسم صلواتی محاکمه می‌شوند، به عنوان اعضای افتخاری خود پذیرفت.

اصل ۲۱ قانون اساسی ایتالیا آزادی بیان را در این کشور تضمین می‌کند. در این مراسم که در دفتر این نهاد در شهر رم برگزار شد، علاوه بر جوزپه جولیتی مدیر «اصل ۲۱»، رئیس افتخاری این نهاد باربارا اسکاراموچی و ویتوریو دی تراپانی، رئیس اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران ایتالیا، حضور داشتند.

کارت‌های عضویت افتخاری این دو روزنامه‌نگار را احمد رفت خبرنگار با سابقه ایرانی- ایتالیائی و همکار کیهان لندن و کیهان لایف که از دهه هفتاد میلادی عضو اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران ایتالیا است، به نیابت نمادین از سوی این دو و خبرنگار از البرا مارینگولا سخنگو و عضو هیات مدیره «اصل ۲۱» دریافت کرد. کارزار حمایت از این دو روزنامه‌نگار در ایتالیا از مدت‌ها پیش با اهدای شهروندی افتخاری شهر ایورثا به الهه محمدی و مونتالدو پیه‌مونته به نیلوفر حامدی آغاز شد و در روزهای آینده با اهدای عضویت افتخاری اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران ایتالیائی ادامه

جنایاتی با ابعاد تصورناپذیر؛ جوانانی که پس از آزادی جان می‌بازند



از راست، بامشاد سلیمان‌خانی، امید مرادپور

شماری از بازداشت‌شدگان استان کرمان به ویژه آندسته از شهروندانی را که برای پرداخت هزینه وکالت مشکل داشتند پذیرفته بود. او همچنین به صورت رایگان مشاوره‌های حقوقی زیادی به خانواده بازداشت‌شدگان ارائه می‌داد.

طیبه نظری آموزگار و مادر مریم آروین نیز همزمان با بازداشت دخترش با ضرب و جرح بازداشت شد. کانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، سه‌شنبه ۱۵ آذر در گزارشی با اعلام خبر دستگیری طیبه نظری و مریم آروین نوشت که «خانم طیبه‌نظری، دبیر دبیرستان دخترانه بنت‌الهدی صدر سیرجان، بیش از ده روز است در زندان «کهن شهر» سیرجان است. گفته شده مأمورین هنگام بازداشت دختر ایشان دکتر مریم آروین وکیل دادگستری، به دلیل دفاع ایشان از دخترشان، خانم نظری را نیز بازداشت کرده و در انتقال به زندان آن دو را مورد ضرب و شتم نیز قرار دادند و با ایجاد جوّ ملتهب روانی سعی در پرورده‌سازی علیه ایشان دارند. مریم آروین وکیل دادگستری به جرم همراهی و ارائه‌ی مشاوره به خانواده زندانیان که حرفه‌ی وی می‌باشد، بازداشت شده و موقع دستگیری مقتضای او را گرفته و روی زمین می‌کشند. این وکیل شریف دادگستری بیش از ده روز است به همراه مادرش، در زندان سیرجان محبوس است.»

در ماه‌های گذشته شماری از شهروندان معترض پس از آزادی از زندان در فاصله چند روز یا چند هفته به شکل مشکوکی جان باختند. هرچند در برخی موارد مشخص شده که نهادهای امنیتی با فشار شدید بر خانواده خواهان اعلام «خودکشی» به عنوان علت درگذشت عزیزانشان هستند اما برخی فرضیه حذف سازمانیافته و یا ایست قلبی به دلیل اثرات داروهای را که عمدا در دوران بازداشت به زندانی خوراند می‌شود مطرح می‌کنند.

در یکی از مرگ‌های مشکوک مشابه محسن جعفری راد متولد سال ۱۳۴۵ و منتقد سینما و کارگردان که نیمه آبان بازداشت شده بود، در نیمه دی‌ماه درگذشت. علت ←

پیش از این گزارش‌هایی درباره خودکشی بعد از آزادی تعدادی از بازداشت‌شدگان اعتراضات ۱۴۰۱ منتشر شده بود. مادر مریم آروین وکیل دادگستری که بهمن‌ماه گذشته در فاصله کوتاهی پس از آزادی از زندان جان خود را از دست داد، به تازگی اعلام کرد علت مرگ دخترش اتفاقات رخ داده در جریان بازداشت و «وصل سرم» در زندان بوده است.

طیبه نظری مادر مریم آروین در صفحه اینستاگرام خود نوشت به دخترش که به دلیل دفاع از موکل بازداشت شده بود، «به بهانه آرام‌بخش و مسکن و تقویتی» در زندان «سرم وصل کرده» و او را «نابود» کرده‌اند.

او افزوده که پزشک زندان در نامه‌ای آسیب‌هایی را که به مریم آروین رسیده، تأیید کرده بود. طیبه نظری همچنین تأکید کرده که یک هفته پس از مرگ دخترش، شعبه ۱۰۳ کیفری، حکم غیابی «۱۵ ماه زندان، یک میلیون تومان جریمه، و ۴۰ ضربه شلاق» نیز برای خودش صادر کرده که سپس تعلیق شده است.

مادر مریم آروین همچنین با شرح خشونت در بازداشت، گفته یک مأمور زن به نام «زهرا علیزاده» معروف به «مبینا» به همراه مأمور «اطلاعات نیروی انتظامی به نام «حمید زیدآبادی» او را در راهرو دادسرا «دستبند زده» و «به خاک می‌کشاندند.»

به گفته طیبه نظری، مریم آروین ۲۹ ساله، وکیل داوطلب «پرورده‌های محرومین» و «بچه‌های بهزیستی و بچه‌های کار» بود که «بیش از دو ماه از عقدش نمی‌گذشت.» مریم آروین عضو کانون وکلای استان کرمان هفته نخست آذر ۱۴۰۱ بازداشت شد. او حدود سه هفته بعد در ۲۱ آذرماه با سپردن قرار کفالت بطور موقت و تا زمان اعلام رأی دادگاه آزاد شده بود.

برخی گزارش‌ها علت درگذشت این وکیل جوان را «خودکشی در پی وضعیت دشوار و فشارهای نیروهای امنیتی و قضایی» عنوان کرده‌اند. حکم دادگاه مریم آروین قرار بود به زودی صادر شود. مریم آروین طی سه ماه نخست اعتراضات وکالت

● امید مرادپور ۲۵ ساله که در جریان اعتراضات ۱۴۰۱ در شیراز بازداشت شده بود دو هفته پیش بعد از تحمل «ماه‌ها» حبس آزاد شد اما دو روز پیش «خودکشی» کرد و جان باخت.

● بامشاد سلیمان‌خانی نیز با علائمی شبیه مسمومیت دارویی به بیمارستان منتقل شد ولی جان خود را از دست داد. بر بدن او آثار شکنجه از جمله خاموش کردن سیگار دیده شده است.

● مادر مریم آروین وکیل دادگستری که بهمن‌ماه گذشته در فاصله کوتاهی پس از آزادی از زندان جان خود را از دست داد، به تازگی اعلام کرد علت مرگ دخترش اتفاقات رخ داده در جریان بازداشت و «وصل سرم» در زندان بوده است.

بر اساس گزارش‌ها دو جوان معترض که در جریان جنبش انقلابی بازداشت شده بودند پس از آزادی از زندان جان باختند. مادر مریم آروین وکیل جوانی که بهمن‌ماه گذشته با فاصله کوتاهی پس از آزادی درگذشت، علت جان باختن فرزندش را «وصل سرم» در زندان عنوان کرده است.

در ماه‌های گذشته تعدادی از بازداشت‌شدگان که در جریان جنبش ملی سال گذشته دستگیر شده بودند پس از آزادی در زندان به دلایل مشکوکی جان باختند. علت درگذشت برخی از این افراد سکنه یا ایست قلبی و برخی دیگر خودکشی عنوان شده است.

در یکی از تازه‌ترین موارد، حساب توئیتری «۱۵۰۰ تصویر» که اخبار مربوط به اعتراضات و دستگیری‌ها را پوشش می‌دهد از مرگ یکی دیگر از بازداشت‌شدگان اعتراض‌های سال گذشته بر اثر «خودکشی» خبر داد.

بر اساس این گزارش امید مرادپور ۲۵ ساله که در جریان اعتراضات ۱۴۰۱ در شیراز بازداشت شده بود دو هفته پیش بعد از تحمل «ماه‌ها» حبس آزاد شد اما دو روز پیش «خودکشی» کرد و جان باخت.

در ادامه این گزارش آمده که این جوان «می‌توانست به قید وثیقه آزاد شود، اما به دلیل شرایط مالی نتوانست وثیقه را تأمین کند و مدت بیشتری در زندان ماند.»

در روزهای گذشته همچنین جوان دیگری که در شهرستان آبدانان در استان ایلام بازداشت شده بود با علائمی شبیه مسمومیت دارویی به بیمارستان منتقل شد ولی جان خود را از دست داد. بر بدن او آثار شکنجه از جمله خاموش کردن سیگار بر بدن هم دیده شده است.

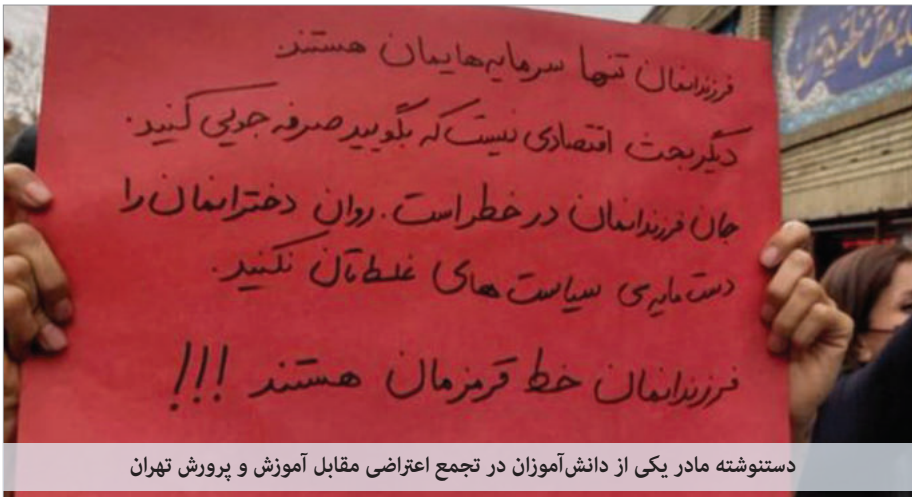
حساب توئیتری «۱۵۰۰ تصویر» در اینباره گزارش داده که بامشاد سلیمان‌خانی از مخالفان جمهوری اسلامی در آبدانان بود. برخی از زندانیان اعتراضات در آبدانان می‌گویند بامشاد برای مدتی بازداشت و هم‌بندی آنها بوده است. چند شب پیش این جوان در خواب حالت بد می‌شود. از دهان بامشاد کف بیرون می‌آید و خانواده‌اش او را به بیمارستان منتقل می‌کنند.

در بیمارستان مشخص می‌شود آثار ضرب و جرح شدید و شکستگی‌های متعدد بر روی او بدن او وجود دارد. همچنین اثر خاموش کردن سیگار بر روی تن او دیده شده است.

این گزارش افزوده که بامشاد دانشجوی ۲۱ ساله هفتم خرداد در بیمارستان جان باخت. خانواده‌ی او تحت فشار قرار گرفته‌اند تا در مورد بامشاد اطلاع‌رسانی و مصاحبه نکنند.

وزیر جدید آموزش و پرورش:

جاده پیچیده است، ما نیچیده ایم!



فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی کودک را به هر سو تنظیم و مهندسی کند.» وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش، پیش از اعلام رای اعتماد مجلس شورای اسلامی در سخنانی گفت: «اگر ایران قوی می‌خواهیم، اگر ایران عزیز می‌خواهیم، اگر اقتصاد خوب می‌خواهیم، اگر جامعه با صلابت و مومن می‌خواهیم، راهش آموزش و پرورش قوی است.» وی تأکید کرد: «دغدغه نمایندگان برای داشتن آموزش و پرورش قوی را می‌ستایم، دغدغه همه ما عزت و سربلندی ایران عزیز است ولی حقیقت این است که حال آموزش و پرورش و معلمان خوب نیست و به همین دلیل حال کشورمان نیز خوب نیست.»

این «خوب نبودن» را فرهنگیان، استادان، آموزگاران و دانشجویان بارها از طریق برپائی گردهمایی‌های اعتراضی و تحصن مطرح ساخته‌اند، اما در هر مورد بجای گرفتن پاسخ مثبت، با رفتار خشونت‌آمیز مسئولان و نهادهای امنیتی و انتظامی از جمله حراست روبرو شده‌اند.

پرسش این است که آیا رضامرد صحرائی، که عضویت در نهاد حراست دانشگاه «علامه» را در کارنامه خود دارد، قادر خواهد بود از پس نهادهای امنیتی گوناگون بر آید، فرهنگیانی را که فقط به خاطر اعتراض مدنی به ساز و کارهای حاکم زندانی شده‌اند آزاد کند، و فضا را برای برخورداری آنها از حقوق‌شان آماده سازد تا حال کشور «خوب» شود؟!

صحرائی نکته‌های دیگری را نیز یادآور شد: «همه ما باید هم دل و هم قسم و همراه شویم، آموزش و پرورش به کمک همه ما یعنی دولت، ملت و مجلس نیاز دارد، با نسلی مواجه هستیم که در چند سال کوتاه عمرشان چندین برابر عمر ما تجربه کرده‌اند و پیچیدگی دیده‌اند.» وی ادامه داد «باید خلاء ادراکی، ارتباطی و شناختی با این نسل را از بین ببریم و باید خاک این باغچه را عوض کنیم. جاده پیچیده است و ما نیچیده ایم و زمان هم نداریم!»

با این توصیفات، آیا وزیر جدید آموزش و پرورش که مدعی است پیچ‌ها و مشکلات را دیده، قادر خواهد بود نهادها و افرادی را که حاضر نیستند این پیچ‌ها را ببینند و پیچند و همچنان به ذهنیت و معیارهای منسوخ قرن‌های بسیار دور گذشته چسبیده‌اند با خود همراه و همگام سازد؟! آنچه گذشته است واقعیات دیگری را اثبات کرده و به نظر نمی‌رسد آینده نزدیک واقعیاتی از جنس دیگر را به اثبات برساند.

● وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش، پیش از اعلام رای اعتماد مجلس شورای اسلامی در سخنانی گفت: «اگر ایران قوی می‌خواهیم، اگر ایران عزیز می‌خواهیم، اگر اقتصاد خوب می‌خواهیم، اگر جامعه با صلابت و مومن می‌خواهیم، راهش آموزش و پرورش قوی است.»

● وی همچنین گفت: «باید خلاء ادراکی، ارتباطی و شناختی با این نسل را از بین ببریم و باید خاک این باغچه را عوض کنیم. جاده پیچیده است و ما نیچیده ایم و زمان هم نداریم!»
همایون مجد - نمایندگان مجلس شورای اسلامی به رضامرد صحرائی برای تصدی وزارت آموزش و پرورش رای اعتماد دادند. به گزارش خبرنگار پارلمانی ایرنا، در جلسه علنی روز سه شنبه ۹ خرداد ۱۴۰۲، رضامرد صحرائی با ۱۶۷ رای موافق، ۸۶ رای مخالف، ۱۴ رای ممتنع، ۲ رای باطله از مجموع ۲۶۹ نماینده حاضر در مجلس رای اعتماد گرفت و به عنوان وزیر آموزش و پرورش بر کرسی مسئولیت این وزارتخانه نشست.

این گرینش در حالی صورت گرفته که فضای آموزش و پرورش کشور تحت تأثیر مجموعه‌ای از رویدادها، از جمله حملات شیمیایی به مدارس دخترانه و اعتصاب‌های اعتراضی فرهنگیان و کادر شاغل و بازنشسته آموزش، ملتهب است و نگاه و نگرش‌های امنیتی و خشن شماری از نهادها و مقامات مسئول تاکنون نتوانسته است فضا را آرام کند.

محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی در پایان شمارش آرای اعتماد نمایندگان به رضامرد صحرائی، به برخی از مشکلات موجود در فضای آموزشی کشور اشاره کرد و گفت: «آقای صحرائی خودش بزرگترین چالش وزارت آموزش و پرورش را لزوم تغییر در مدیریت و حکمرانی در این وزارتخانه تشخیص داده است.» قالیباف افزود: «اگر امروز در حوزه مسائل دینی، علمی و فرهنگی خصوصاً بعد از اتفاقات اخیر مشکلاتی داریم، ریشه در آموزش و پرورش دارد؛ حتی مشکلات اقتصادی هم به این وزارتخانه مهم برمی‌گردد.»

به گزارش خبرنگار سیاسی ایرنا، جمعی از «فرزندان شهدا و ایثارگران» نیز در بیانیه‌ای در حمایت از رضامرد صحرائی یادآور شدند، «آموزش و پرورش بدون تردید زیرساخت توسعه کشور است. معلم و آموزه‌هایش با پر کردن بهترین و زنده‌ترین اوقات کودک، تأثیری بی‌مثال بر رشد و تعالی او می‌گذارد و می‌تواند جهت‌گیری فکری، ارزشی، نگرشی،

درگذشت او «خودکشی» به دلیل افسردگی اعلام شد اما کارنامه حرفه‌ای او آنقدر پر بار بوده که نشان از امید به زندگی و آینده را در او نشان می‌دهد. او جدا از نویسندگی و کارگردانی و فلسفای، در دانشگاه نیز تدریس می‌کرد. از سوی دیگر آنقدر امیدوار بوده که با وجود سرکوب شدید در اعتراضات شرکت کرده و بازداشت او در یکی از تجمعات شهر کرج صورت گرفته بود.

«کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان» دی‌ماه امسال در گزارشی تحقیقی اعلام کرد که از آغاز خیزش انقلابی از شهریور تا کنون دست‌کم ۲۸ شهروند بازداشت‌شده در جریان اعتراضات، زیر شکنجه یا به شکلی مشکوک و غیرقابل توضیح جان باخته‌اند.

بر اساس گزارش‌ها، از آغاز خیزش انقلابی از شهریور تا کنون دست‌کم ۱۵ شهروند بازداشت‌شده به دلیل شکنجه و فشار برای گرفتن اعتراف اجباری جان باخته‌اند. همچنین ۱۲ شهروند بازداشت‌شده نیز به طرز مشکوکی پس از آزادی جان خود را از دست داده‌اند و یا پیکر بیجان آنها در محلی پیدا شده است.

بر اساس گزارش جدیدی که «کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان» ارائه داده شماری از شهروندان بازداشت‌شده زیر شکنجه و فشار که غالباً برای انجام اعتراف اجباری صورت گرفته جان باخته‌اند؛ برخی دیگر از بازداشت‌شدگان هم در مرگ‌های مشکوک و غیرقابل توضیح جان خود را از دست داده‌اند.

از جمله مرگ‌های مشکوک و غیرقابل توضیح عاطفه نعیمی شهروند بازداشت‌شده که پیکر بی‌جان او در بالکن خانه‌اش پیدا شد یا شهروندانی که به فاصله چند روز از آزادی جان باخته و علت درگذشت آنها «خودکشی» یا «ایست قلبی» عنوان می‌شود.

برخی بازداشت‌شدگان هم از داروهایی که در بازداشت به آنها داده شده و مشخص نیست چه بوده‌اند خبر داده‌اند. از جمله این زندانیان محمدرضا آژر نوجوان ۱۸ ساله است که در نخستین روزهای اعتراضات در شهریور ۱۴۰۱ در مشهد بازداشت شد و پس از بیش از سه ماه و نیم بازداشت گفته در روز دوازدهم دی‌ماه رگ‌های چشمانش از شدت فشار عصبی پاره شده و در زندان به او داروهایی داده‌اند که نمی‌داند چه بوده است.

در گزارش «کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان» آمده که اسماعیل دزوار، رامین فاتحی، محمد لطف‌الهی، سامان قادرپور، یوسف رئیسی، احمد گودرزی، میلاد خوشکام، امید حسنی، هیمین آمان، امیر جواد اسعدزاده، محمد حاجی رسولپور، حامد سلحشور، شهریار عادل، ایلید رحمانی‌پور، شادمان احمدی و مهدی زارع اشکذری افرادی هستند که در گزارش کمیته پیگیری بازداشت‌شدگان به عنوان افرادی که در بازداشت و بر اثر جراحات ناشی از شکنجه و ضرب‌وجرح مأموران حکومتی جان باختند، معرفی شده‌اند.

در این گزارش تأکید شده که «به غیر از افرادی که شرح آنان آمده از کشته‌شدگان دیگری از جمله: آیدار رستمی، دنیا فرهادی، کورش پاژخ، مصطفی مباشر، عاطفه نعیمی، رضا شرفی، حسن ناصری‌خور، امین خانلو، مرتضی سلطانیان، محمد عبداللهی، عماد حیدری، مهدی کابلی کفشگیری نیز نام برده شده که مرگ‌های مشکوک و غیرقابل توضیح داشتند. اینکه این افراد در زمان کشته شدن در بازداشت بوده‌اند یا در خیابان و مانند سایر معترضان به شکل‌های دیگر جان باختند، هنوز در دست تحقیق است. به اینها باید افرادی را که نامشان هرگز رسانه‌ای نشده و ما هنوز در مورد آن‌ها چیزی نمی‌دانیم نیز بیافزاییم.»

صدای مؤذن نیست که اهالی غیر مسلمان آن کافرستان را می‌ترساند و می‌رماند. خانم مارتی شارپ چهل و هفت ساله، نانوائی محل می‌گوید «با توجه به تروریسمی که این روزها سراسر جهان را فرا گرفته، طبیعی است که مردم نگران شوند. احتمال دارد مسلمانان به‌هنگام پخش اذان چیزهایی را به زبان عربی به گوش یکدیگر برسانند که ما متوجه نشویم!»

کاریکاتور روزنامه لوموند را در شماره ماقبل کیهان (صفحه آخر - شماره ۱۰۰۴) ملاحظه فرمودید که بن‌لادن در مکالمه تلفنی به مخاطب خود می‌گوید: «الو! مادر بزرگ! دو تا بستنی قیفی با طعم آدامس را که برایت فرستاده بودم گرفتی؟» و البته معنای پیام معلوم است. این خانم آمریکایی که بر اثر اوضاع و احوال دنیای کنونی، مثل بسیاری از ساکنان دنیای غرب، به‌موجب آنچه می‌بیند و می‌شنود تروریسم و گروگانگیری را جزو فرائض و سنن مذهبی مسلمانان می‌پندارد، حق دارد تصور کند که ممکن است این قوم لایبالی الفاظ اذان، از آن پیامهای بن‌لادن هم بگنجانند. در دورانی که مسلمانان آنچنانی مساجد را به زرادخانه و پایگاه تبلیغ عملیات مسلحانه بر ضد کفار تبدیل کرده‌اند چندان دور از ذهن به نظر نمی‌رسد که اذان را هم وسیله رساندن پیامهای رمز برای اقدام به عملیات تروریستی قرار دهند.

همین چند هفته اخیر دولت فرانسه بعد از آنکه کفشهای یک «امام» الجزایری را زیر بغلش گذاشت و او را از فرانسه اخراج کرد و پرونده «امام» دیگری را در پاریس به دادگاه فرستاد، برنامه مفصلی برای سر به‌راه کردن امام‌های شرور ترتیب داده است. مسؤولان امور امنیتی فرانسه می‌گویند این امام‌ها که از کشورهای اسلامی - و اکثراً عربی - به فرانسه هجوم آورده و هر کدام مسجدی را حوزه تبلیغات خطرناک و تبلیغ و تجهیز جوانهای مستعد برای کشتن آنها به دایره عملیات تروریستی کرده‌اند زبان ما را نمی‌دانند، ما هم زبان آنها را نمی‌فهمیم. بنابراین لازم است ابتدا یک دوره درس زبان بخوانند و زبان فرانسه یاد بگیرند. بعد، یک دوره آموزشی برای آشنایی با اصول قانون اساسی و مقررات لازم‌الاجرای کشور فرانسه بگذرانند و امتحان بدهند تا به آنها پروانه «امامت» داده شود همانطور که برای دریافت اجازه‌نامه رانندگی، متقاضی باید رانندگی بیاموزد و با «کد»‌های راهنمایی و رانندگی آشنا شود و هم امتحان فنی بدهد هم امتحان نظری.

برگردیم به ایالت میشیگان و شهر هامترامک. یک شهروند آمریکایی - کاتی ترسیک - که از معترضین به پخش اذان است می‌گوید «حال که آنها اصرار دارند با صدای بلند یکدیگر را برای نماز فرا بخوانند پس دستکم اذانشان را به زبان انگلیسی بگویند که ما هم بفهمیم چه می‌گویند و نگران نشویم».

آقای باب گولین، شصت و هشت ساله، اصلاً از این که در قلب آمریکا مسلمانان روزی چند نوبت به‌زبانی غریبه بیخ گوش او داد بزنند خوشش نمی‌آید اما خاتمش که اهل مداراست می‌گوید «بسیار خوب، اگر آنها می‌خواهند نماز بخوانند ما حرفی نداریم. نماز خواندن خیلی هم خوب است اما دیگر چرا توی پارک جلو منزل ما؟ چرا نمی‌روند نمازشان را در خانه خودشان بخوانند؟!».

خانم گولین خبر ندارد که نماز گزاران در کوچه جزو سنن اسلام انقلابی و از راهکارهای صدور انقلاب اسلامی است. یکی را پرسیدند زندگی در ایران قبل از انقلاب و بعد از انقلاب چه فرقی کرده است. گفت آن زمان نمازشان را در خانه می‌خواندند عرقشان را در خارج از خانه می‌خوردند، حالا عرقشان را در خانه می‌خورند نمازشان را در خارج از خانه می‌خوانند!

× آنچه یا آنچه: مسکوک سیم و زر

اذان در خیابان کانیاو

(کیهان لندن شماره ۱۰۰۷) خرداد ۱۳۸۳

حکیم حق نظر (احمد احرار)



کاروانیان متحیر ماندند که در صوت ناهنجار مؤذن، آن مرد کافر چه لطفی دیده که او را مستحق نوازش و خلعت تشخیص داده است. سبب پرسیدند. گفت دختری دارم که بسیار مورد علاقه من است اما این دختر عزیزکرده و نازپرورده از مدتی پیش مجذوب تبلیغات اسلامی شده و به فکر مسلمان شدن افتاده است. تا کنون به هر زبان و با هر تدبیری خواسته‌ایم او را ازین خیال منصرف کنیم موفق نشده‌ایم. شب و روز من با این غم می‌گذشت تا امشب که این مؤذن بانگ زد و به‌صدای اذان او دخترم وحشتزده از خواب پرید و پرسید این نعره گوشخراش از حلقوم چه دیوانه‌ای در این موقع شب برمی‌خیزد. خواهرش گفت این بانگ اذان مؤمنان و سنت مسلمانان است. او باور نکرد. از دیگران پرسید. آنها نیز همین گفتند و وقتی اطمینان حاصل کرد دل از اسلام و مسلمانی برید. این است که من آمده‌ام به‌شکرانه این موهبت شما را سیاست گویم و روی مؤذنتان را بوسم و جامه حریر بر او بیوشانم:

دختری دارم لطیف و بس سنی (=بلندپایه)

آرزو می‌بود او را مؤمنی

هیچ چاره می‌ندانستم در آن

تا فرو خواند این مؤذن این اذان

گفت دختر، چیست این مکروه بانگ

که به گوشم آید این در چاردانگ

من همه عمر اینچنین آواز زشت

هیچ نشنیدم در این دیر و کنشت

خواهرش گفتا که این بانگ اذان

هست اعلام و شعار مؤمنان

باورش نامد، بپرسید از دگر

آن دگر هم گفت آری، ای قمر

چون یقین گشتش، رخ او زرد شد

وز مسلمانی دل او سرد شد

راحتم این بود از آواز او

هدیه آوردم به شکر، آن مرد کو؟

هشتصد سال پس از مولانا، قصه مؤذن بدآواز به شکل مدرنتری تکرار می‌شود. در شهر «هامترامک» از شهرهای ایالت میشیگان، اهالی از صدای اذان مسجد مسلمانان چنین پنداشته‌اند که مسلمانی همین است و مذهب مسلمانان به آنها حکم می‌کند دیگران را با «آلودگی صوتی» بیازارند و بترسانند. روزنامه «لس‌آنجلس تایمز» در گزارشی که مشروح آن به نظرتان رسید، می‌نویسد: «به سر و صدای خیابان کانیاو شهر هامترامک، یک صدای تازه اضافه شده و آن بانگ اذان مسجد مسلمانان است که شهردار این شهر ۳۳ هزار نفری اجازه داده است روزی پنج بار از بلندگوی مسجد پخش شود. اهالی زبان به اعتراض گشوده‌اند و به دنبال شکایت آنان، امام مسجد رضایت داده است که پیش از ساعت ۶ صبح و بعد از ۱۰ شب، صدای اذان از بلندگو پخش نشود». موارد ناله و شکایت مردم نیز شنیدنی است چون تنها

اذان از مصدر اذن (اجازه دادن) است و در معنای اخص کلمه، اعلام وقت نماز.

بر مسلمانان واجب است پنج نوبت نماز گزاران در شبانه‌روز. اذان، در دورانی که وسایل امروزی، ازجمله ساعت وجود نداشت زمان اقامه نماز را به مؤمنین اعلام می‌کرد و پس از آن نیز جزو سنن اسلامی برقرار ماند. چیزی که هست اذان هم برای خودش دقیق و ظریفی دارد و اگر آن دقیق مراعات نشود عوض آنکه مردم را به‌سوی مسجد بکشاند از مسلمانی بیزارشان می‌کند.

مولانا، این نکته را به شیواترین بیان و با شیرین‌ترین حکایت، در مثنوی آورده است.

می‌فرماید:

یک مؤذن داشت یک آواز بد

شب همه شب می‌دریدی حلق خود

کودکان ترسان ازو در جامه خواب

مرد و زن زآواز او اندر عذاب

اهل شهر که از صدای انکراالصوات این مؤذن بد صدا در زحمت بودند و ضمناً نمی‌توانستند او را از اذان گفتن منع کنند چاره کار در آن دیدند که پولی رویهم گذارند و به مؤذن بدهند و او را همراه کاروان حجاج روانه سفر حج کنند. این سفر، در آن زمان معمولاً چند ماهی طول می‌کشید و همان هم غنیمت بود. چند ماهی بانگ ناموزون مؤذن گوش زن و مرد را نمی‌خراشید و بچه‌ها را وحشت‌زده نمی‌کرد.

مجتمع گشتند مر توزیع را

بهر رفع زحمت و تصدیع را

پس طلب کردند او را در زمان

اقچه‌ها دادند و گفتند ای فلان

از اذانت جمله آسودیم ما

بس گرم کردی شب و روز، ای کیا

بهر آسایش، زبان کوتاه کن

در عوضان همتمی همراه کن

قافله می‌شد به کعبه، از وله

اقچه بستند، شد روان با قافله

بر سر راه کاروان، شهری قرار داشت که ساکنانش اهل کتاب نبودند و با مسلمانان میانه خوشی نداشتند. محض اجتناب از درگیری کافر و مسلمان، طوری حرکت کردند که شب هنگام و بی سر و صدا از کافرستان بگذرند اما مؤذن بدآواز که عاشق صدای خود بود طاقت نیاورد. نزدیک سحر ناگهان بانگ اذان را سر داد:

وان مؤذن عاشق آواز خود

در میان کافرستان بانگ زد

چند گفتندش مگو بانگ نماز

که شود جنگ و عداوتها دراز

او ستیزه کرد و لج بی احتراز

گفت در کافرستان بانگ نماز

کاروانیان ترسان و لرزان از بیم ظهور فتنه، شمع و چراغی دیدند که از جانب شهر به سوی کاروان می‌آمد. یقین کردند که کافران قصد جدال دارند. لکن چنین نبود. کافری که با شمع و چراغ می‌آمد میوه و شیرینی با خود داشت و نیز یک جامه حریر. با شیرینی و میوه کام کاروانیان را شیرین کرد و سراغ صاحب صدا را گرفت تا جامه حریر بر او بیوشاند:

جملگان خائف ز فتنه عامه‌ای

خود بیامد کافری با جامه‌ای

شمع و حلوا و یکی جامه لطیف

هدیه آورد و بیامد، شد الیف (= رفیق - دمساز)

پرس پرسان، کاین مؤذن کو؟ کجاست؟

که صدای بانگ او راحت فراست

ماشین تبلیغات بین‌المللی از ملای پیر و کم‌مایه يك شخصیت جهانی ساخت

بسیج رسانه‌های گروهی و حمایت گروه‌های سیاسی از خمینی بخش آشکار يك دسیسه پنهان بود

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آذر ۱۳۸۳ تا شهریور ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۳۳ تا ۱۰۷۱)



بازنشر

آخرین روزها
پایان سلطنت و
درگذشت شاه
(۱۵)

دکتر هوشنگ نهاوندی

اساس رویدادها و حوادث واقعی زندگی انسانها نوشته می‌شود. برای نوشتن این کتاب، نویسنده از کمک‌های بی دریغ و سخاوتمندانه اردشیر زاهدی، دکتر اصلان افشار، شجاع‌الدین شفا، پروفیسور عباس صفویان و دکتر داریوش شیروانی بهره‌مند بوده است. این شخصیتها که در ماههای آخر سلطنت محمدرضا شاه تماس روزانه با او داشتند، اطلاعات، خاطرها و به‌یادمانده‌های خود را در اختیار نویسنده قرار داده‌اند. نویسنده ضمناً از دکتر هادی هدایتی، دکتر کاظم ودیعی و بیژن خلیلی مدیر شرکت کتاب سپاسگزاری کرده است. کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» دارای ۱۵ فصل است و با يك پی‌نوشت کوتاه و احساسی به‌پایان می‌رسد. کیهان بخشهایی از این کتاب را با موافقت نویسنده و ناشر، از این شماره به‌چاپ می‌رساند.

سر کلاس می‌رفت و هیچگاه کار تدریس را رها نکرد و به‌مدد همین سوابق دانشگاهی بود که پس از مهاجرت به فرانسه ۱۷ سال به‌عنوان استاد در دانشگاه پاریس تدریس کرد. نهاوندی در سالهای ۱۳۵۰ گروه بررسی مسایل ایران را بنیان گذاشت به امید آنکه پیشنهادات این گروه راهگشای اصلاحاتی در ساختار آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران شود. نهاوندی برای جمع‌آوری مطالب کتاب پانصد صفحه‌ای خود، مختصری از حافظه معروفش و مقدار زیادی از یادداشتهای روزانه یا شبانه‌اش سود جسته است. کتاب از آغاز تا پایان، سرشار است از حوادث پرهیجان و اخبار دست اول که بیشتر اوقات نویسنده شخصاً درگیر آن بوده است و به همین دلیل محتوای کتاب شبیه رمانهای جذابی است که بر

ترجمه فارسی کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» نوشته دکتر هوشنگ نهاوندی از سوی شرکت کتاب در لس‌آنجلس منتشر شده است. بهروز صوراسرافیل و مریم سیحون مترجمان این کتاب، به‌خوبی از عهده برگرداندن آن از زبان فرانسه به فارسی برآمده‌اند. دکتر نهاوندی در دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی وزارت آبادانی و مسکن و علوم و آموزش عالی و ریاست دانشگاههای پهلوی و تهران را به‌عهده داشت. وی مدتی نیز رئیس دفتر علیاحضرت شهبانو و چندی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بود. اما در تمام این سالها وی بیشتر با محافل روشنفکری، علمی و دانشگاهی نشست و برخاست داشت تا با دولتیان. نهاوندی در دوران ریاستش بر دانشگاههای پهلوی و تهران هفته‌ای چند ساعت

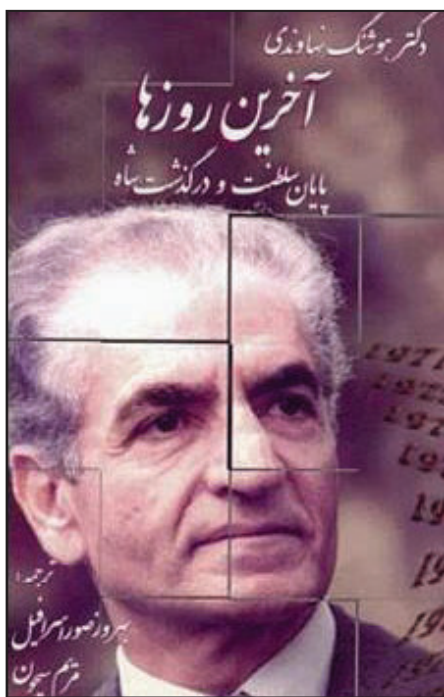
اخیر بسیار پژوهش کرده آورده است، در آن دوره «نوفل لو شاتو»، آمریکاییها ناگهان همه کوشش خود را بر «خمینی» متمرکز کرده بودند تا شاه را سرنگون کند. و برای این کار لازم بود او را برای فرا گرفتن يك دوره روش «برانگیختن احترام» از عراق بیرون آورند و در پاریس قرار دهند. اما این امر، اگر رأس دولت فرانسه با آن مخالف بود، امکان‌پذیر نمی‌شد. بعدها، پژوهشهای دیگر نیز این واقعیت را تأیید کرد.

اندکی پس از رسیدن به پاریس، روح‌الله خمینی در خانه‌ای در نوفل لوشاتو مستقر شد. از همان لحظات، «ساختن» این شخصیت را آغاز کردند: تبار او از هند بود، که هیچ چیز بدی به‌حساب نمی‌آید. فرزند مهاجری از آنها بود که امروز «فال‌بین» خوانده می‌شوند و زیر دست یکی از مالکان بزرگ، جایی در منطقه خمین کاری یافته بود. و سپس، در آغاز قرن گذشته - هنگامی که آیت‌الله دو سه‌ساله بود، در يك درگیری به‌ضرب گلوله کشته شده بود. تبار راسین او را پنهان داشتند، پدرش را تبدیل به «پیشوای مردم خمین» کردند و گفتند که به دست مأموران رضاشاه کشته شده است. در حالی که پدر محمدرضا شاه در آن زمان بیست سال بیشتر نداشت و سربازی گمنام بود.

از زندگانی او دورانی «سراسر رویارویی با امپریالیسم» ساختند. اما او تا سالهای ۶۳ - ۱۹۶۲ ملای بی نام و نشانی بود که تنها فعالیت سیاسی که از آن آگاهی داریم، حضور در میان اطرافیان آخوندی از مخالفان ملی شدن نفت به‌وسیله مصدق است.

او در سالهای نخستین دهه شصت، بلوایی در مخالفت با اصلاحات ارضی و پایان محدودیت حقوق سیاسی زنان به‌راه انداخت که انگیزه آن نیز پولهایی بود که برای آن منظور از مصر و ناصر گرفته بود و بعدها، اطرافیان ناصر نیز این را پذیرفتند. گویا پولهایی هم از سازمانهای جاسوسی اردوگاه شرق گرفته بود.

از اینها که بگذریم، در سالهای پس از جنگ جهانی دوم، سوی نقش ملا، فعالیت شناخته‌شده دیگری نیز به‌عنوان شريك و گرداننده يك بنگاه کوچک ترابری کرده بود. ←



همه این گفتگوها در صورتجلسه هیأت دولت آمده، و از آن هنگام - البته با سوء تفسیرهایی که می‌توان تصور کرد در آن شده - به‌چاپ رسیده است. من، هم درست می‌گفتم و هم اشتباه می‌کردم. خمینی، خود بر آن نشد که به پاریس برود. احتمالاً او حتی نمی‌توانست بر روی نقشه جغرافیا، جای پاریس پایتخت فرانسه را مشخص کند، و یکسره از نقش تاریخی که این شهر، در سیر اندیشه‌ها در دنیا دارد، بی‌خبر بود. او را به پاریس آوردند.

همان گونه که «دومینیک لورنز»، یکی از روزنامه‌نگاران «لیبراسیون» در کتاب خود «جنگ» (از انتشارات Arenes پاریس) که در آن پیرامون چند «ماجرا»ی مهم دهه‌های

امیرنشین کویت از ورود خمینی به خاک خود جلوگیری کرد. در آن هنگام که هیأت وزیران در تهران جلسه داشت، آن شخص هنوز در عراق و در تلاش برای ترك آن کشور بود. شاید بهتر می‌بود به او گذرنامه جدید می‌دادند، ولی کسی شهادت امتناع را نیافت. خمینی بی‌گمان و با روابط خوبی که با لیبی و سوریه داشت، می‌توانست از آنها گذرنامه بگیرد. همچنین می‌توانستیم از بغداد بخواهیم که او را نگه‌دارد و کاملاً زیر نظر بگیرد. به‌احتمال قریب به یقین عراقیها می‌پذیرفتند، و من بعدها به دلایلی دست یافتم که ثابت می‌کرد آنها چنین می‌کردند. ولی این درخواست را نیز از عراق نکردند. امیدشان آن بود که خود وی به دمشق یا طرابلس برود، ولی اشتباه می‌کردند.

در آن جلسه هیأت دولت، با وجود لبخندهای تأییدکننده بر لب شمار بزرگی از همکارانم، اجازه سخن گفتن خواستم: - من بر این گمان خوش‌بینانه نیستم. خمینی نه به سوریه خواهد رفت و نه به لیبی. او به پاریس خواهد رفت. نخست وزیر با مشت روی میز کوفت و گفت: می‌خواهم بدانم چرا شما همیشه برخلاف گفته من سخن می‌گویید؟ - آقای نخست وزیر، باید منطقی بود. خمینی در پی جایگاهی برای تحریک و تبلیغات می‌گردد. او نخواهد توانست این را در «بن» یا «رم» به‌دست آورد. آمریکا هم او را نمی‌پذیرد. می‌ماند پاریس، پایتخت آزادی، پایتخت انقلاب. جایی که گروه بزرگی از ایرانیان مخالف شاه با بازوان گشوده به او خوش‌آمد خواهند گفت. یقین داشته باشیم.

- ساواک درست عکس این را به من می‌گوید. وزیر امور خارجه هم همین طور! می‌توانیم منبع اطلاعات شما را بدانیم؟ چه کسی این اطلاعات را به شما می‌دهد؟ - من از راه درست اندیشیدن و گونه‌ای حس ششم به این نتایج می‌رسم. در این هنگام، خسرو افشار، وزیر امور خارجه رشته سخن را گرفت:

- مرا می‌بخشید آقای نخست وزیر، ولی وزیر امورخارجه هرگز به شما نگفته که خمینی به پاریس نمی‌رود! از دیدگاه من برهان وزیر علوم منطقی است.

→ کاری که نه اصلاً سرزنش‌کردنی است و نه ربطی به قهرمان ضد امپریالیست بودن دارد.

به او داشتن پسر «شهید»ی را نسبت دادند که از سر کینه و نفرت، در سال ۱۹۷۸ به‌دستور شاه کشته شده بود. در حالی که این پسر «شهید» در حقیقت از ابتلا به بیماری «پرخوری» و عوارض آن در سال ۱۹۷۶، یعنی در زمانی که ایران آرام و پدرش فردی به‌کلی فراموش همگان‌شده و گمنام در خارج از کشور بود، مرده بود.

از او یک «فیلسوف و عالم دانشهای الهی درخشان» ساختند، در حالی که هیچ‌کس را از نوشته‌های او خبری نبود. کار دشواری نبود. گزیده‌هایی از افاضات او چندی پس از پیروزی انقلاب، در پاریس به‌چاپ رسید. همگان به‌خنده افتادند، اما دیگر دیر شده بود.

در گذر صد و دوازده روزی که در «نوفل لو شاتو» بود، صد و سی و دو مصاحبه انجام داد و پنجاه اعلامیه صادر کرد. او چیزهایی را که مردم می‌خواستند می‌گفت. از آزادی، حقوق بشر، دموکراسی و... حرف می‌زد. اکنون، همه می‌دانند و شواهدی انکارنکردنی از اطرافینش وجود دارد، حتی در تهران به‌چاپ رسیده که نشان می‌دهد اعلامیه‌هایش که در مطبوعات کشور و رسانه‌های همگانی بین‌المللی بازتاب می‌یافت، از او نبود و یکسره توسط کمیته مشاورانی که به‌ریاست یزدی تشکیل شده بود، تهیه می‌شد. خمینی فقط با گرفتن عکس، یا شرکت در فیلمی، به آنها اصالت می‌بخشید.

چند روزنامه‌نگار، از جمله «پیر دو ویلماره» و «اوربانا فالاجی» به درون پرده دغل‌بازی او نفوذ کردند. بر مقاله‌های اولی سرپوش گذاشتند و سانسورشان کردند، و خود آیت‌الله دومی را به دلیل گستاخی بیرون کرد. آنان بعدها روایات تکان‌دهنده‌ای از آن دوران چاپ کردند، برای ثبت در تاریخ. خاطرات و مشاهدات برخی از مشاورین خمینی، همچون نزیه رئیس کانون وکلا و ملا منتظری هم در مورد این دوره، روشن‌گر است. ولی اینها هم دیر رسیدند.

به این ترتیب در ظرف چند هفته، ماشین تبلیغات جهانی، ملایبی پیر، کم‌مایه، بی‌فرهنگ، اما جاه‌طلب، سرشار از نفرت و کاملاً «در مهار» را به شخصیتی در حد بین‌المللی تبدیل کرد. در آخر کار، حتی لقب «امام» هم به او دادند. کاری که در چشم تقریباً همه عالمان دینی کفر به‌شمار می‌آمد و خلاف سنت‌های شیعه بود. نظام جهانی پراکندن اطلاعات دروغین، از آن پس بارها این رویه را به کار گرفته است. امروز تردیدی نیست که حقایق آشکار شده‌اند، ولی رهبران این عملیات به آماجها و مقاصدشان رسیده‌اند و کوشش تاریخ‌نگاران فقط فایده دانشگاهی دارد. اسلام افراط‌گرا که تا آن زمان حاشیه‌ای بود و فقط در گروهک‌های کوچک عمل می‌کرد، امروز وارد عرصه جهانی شده است.

روح‌الله خمینی که دیگر گذرنامه معتبر ایرانی در اختیارش بود، برای ورود به فرانسه، نیازی به روادید نداشت. او همچنین برخلاف ادعای ژئوسکاردست که بیست سال بعد (در تضاد با گفته‌های پیشینش) عنوان کرد که «خمینی از هنگام ورودش، پناهنده به‌شمار می‌آمد»، هرگز از آن کشور تقاضای پناهندگی نکرده بود. این ادعا نیز که اخیراً یکی از مشاوران وزارت خارجه فرانسه کرده که «حکومت تهران خواستار استرداد او شده بود»، دروغ است. او نه پناهندگی سیاسی خواسته بود، و نه کسی این درخواست را پذیرفته بود. «مسافری» بسیار ویژه بود که از لحظه ورود با او مانند میهمان بسیار پر ارزش فرانسه رفتار شد. و این تازه تعبیری سرشار از حسن نیت است. به این ترتیب از اکتبر ۱۹۷۸، پاریس، به پایتخت انقلاب ایران، پایتخت انهدام کشوری تبدیل شد که از زمان پادشاهی «هانری چهارم» دوست و

هم‌پیمان فرانسه بود.

واکنش شاه

چند روز پس از ورود آن شخص به پاریس، برای یک دیدار کوتاه به حضور شاه پذیرفته شده بودم. از او پرسیدم آیا دولت قصد دارد از فرانسه بخواهد به خمینی گوشزد کند که باید اصول اقامت بیگانگان را رعایت و بر آن اساس، از دخالت در امور ایران خودداری نماید؟ شاه شانه‌هایش را بالا انداخت و گفت: «ژیسکار هم این را تلفنی از من پرسید، گفتم برایم مهم نیست.»

و پس از لختی سکوت افزود: «یک آخوند بدبخت شپشو، با من چه می‌تواند بکند؟»

با این حال، وزارت خارجه فرانسه جانب احتیاط را فرو نگذاشت. «رائول دوله» سفیر فرانسه در تهران، از نخست وزیر خواست تأیید کند که «او هیچ مخالفتی با ماندن خمینی در فرانسه ندارد». برخی محافل سیاسی ایران، این خیال‌خام را در سر داشتند که پرسش سفیر فرانسه، به دلیل روابط استثنایی ایران با آن کشور، ضمانتی است که پاریس جلو اقدامات تحریک‌آمیز و خرابکارانه آن شخص را خواهد گرفت.

بدون تردید، همه چیز از پیش برای اقامت آن شخص در پاریس آماده شده بود. دو فوج از نیروهای امنیتی محافظت او را بر عهده داشتند. با این حال، او که مشکوک بود، تقاضا کرد چند مأمور حفاظتی الجزایری و فلسطینی برای تکمیل

سازمانهای اطلاعاتی و جاسوسی دنیا، از جمله «سیا»، «اینتلجنس سرویس»، «کا.ژ.ب.» (شوروی)، «S.D.E.C.E.»، فرانسه فرا گرفته بودند: مأموران «سیا» حتی خانه مجاور اقامتگاه او را اجاره کرده بودند (به‌نقل از: «کنت الکساندر دومرانش»، آرشوی C.E.I. (مرکز اطلاعات اروپا)، و چند روزنامه چاپ آن زمان. بر اساس مشاهدات همه شاهدانی که گفته‌هایشان به‌چاپ رسیده، سازمانهای اطلاعاتی و جاسوسی آلمان شرقی بخش عمده مسؤولیت مخابرات رادیویی (تلفن، تلگراف، مترجم) و اداره فرستنده‌ها را برعهده داشتند. با این حال، دست کم هشت هزار کاست صدای آیت‌الله در چمدانهای دیپلماتیک از پاریس به تهران فرستاده شد. سازمانهای اطلاعاتی ایران هم که در اطرافیان خمینی نفوذ کرده بودند، به دولت خبر دادند. پیشنهاد کردند در فرودگاه مهرآباد، بسته‌های دیپلماتیک را «اشتباهاً» توقیف کنند تا جریان ارسال نوارهای خمینی سر و صدا به‌پا کند. سپس، از سفارت کشور مربوطه «عذرخواهی» نمایند. اما شاه به‌شدت مخالفت کرد و گفت مصونیت دیپلماتیک مقدس است!

بسیج رسانه‌های گروهی به‌سود خمینی بسیار چشمگیر بود و تأثیر فراوانی داشت. «بی.بی.سی.» که برنامه فارسی‌اش در ایران شنوندگان بسیار داشت، به‌صدای انقلاب تبدیل شده بود و از پیش، ساعت و محل برپا شدن مهمترین تظاهراتی را که قرار بود صورت گیرد، اعلام می‌کرد. رادیو «صدای آمریکا» هم با کمی اعتدال، و «صدای اسرائیل»



تصویر محل اقامت خمینی در نوفل لو شاتو که پس از انقلاب «زن، زندگی، آزادی» تابلوی یادبود این محل توسط معترضین شکسته شد و پس از آن شهرداری نوفل‌لوشاتو به حمایت از مردم ایران، برای همیشه نام خمینی را از این شهرک حذف کرد

نیز که ایرانیان بسیار به آن گوش می‌دادند، همین گونه عمل می‌کردند. دیگر از سه شبکه تلویزیون دولتی فرانسه می‌گذریم. حتی یک بار پخش اخبار ساعت هشت شب یکی از آن شبکه‌ها را به تأخیر انداختند تا به‌گفته خودشان، مصاحبه آیت‌الله را که پس از نماز شب انجام می‌شد، پخش کنند. در حالی که در آن فصل پاییز، آفتاب زود غروب می‌کرد و نماز شب کذایی، دو ساعت پیش از آن اقامه شده بود. هدف همه این کارها، «بزرگ کردن» اغراق‌آمیز اهمیت آن شخص بود!

به این ترتیب، «توپ تبلیغاتی» شلیک شد. مطبوعات، رادیوها و تلویزیونهای سراسر دنیا از «خمینی» چهره یک شخصیت تاریخی را ساختند و زندگینامه منطبق با آن ←

اقدامات امنیتی‌اش به فرانسه بیابند، و با این تقاضا موافقت شد. از همان هنگام تجهیزات یک فرستنده رادیویی «فوق پیچیده» و پیشرفته برای ارسال پیامها، در اختیارش گذاشته شد. «پیر دو ویلماره» روزنامه‌نگار و مورخ فرانسوی، که نخستین دیدارکننده مطبوعاتی با او در نوفل‌لوشاتو بود، از مشاهده آن بساط، بسیار شگفت‌زده شد. او که از شخصیتهای مشهور «نهضت مقاومت فرانسه» (در جنگ جهانی دوم) و از مسؤولان پیشین سازمانهای امنیتی ویژه آن کشور بود، به وزارت کشور رفت و شگفتی و نگرانی خود را ابراز کرد. او بعدها نوشت: «از من خواستند بروم و در این کار دخالت نکنم.»

پیرامون محل سکونت خمینی را مأموران مهمترین

روزنامه «حریت»: حدود ۱۰۰ کیلومتر دیوار بتنی مرزی بین ایران و ترکیه تکمیل شد



دیوار مرزی بین ایران و ترکیه در استان وان

به گفته مقامات آنکارا، این تلاش‌ها منجر به جلوگیری از ورود ۱۵۰ هزار نفر مهاجر غیرقانونی به کشور در سه سال گذشته شده است.

وزیر کشور ترکیه پیشتر گفته بود که ساخت این دیوار در پایان سال میلادی ۲۰۲۳ تمام می‌شود. ایران و ترکیه حدود ۵۳۴ کیلومتر مرز مشترک دارند.

هرچند این دیوار می‌تواند امنیت استان‌های مرزی ترکیه را ارتقاء دهد اما بسیاری فعالان محیط زیست و حامیان حیوانات می‌گویند پیامدهای جبران‌ناپذیری برای طبیعت و زیستگاه‌های جانوری آن مناطق به دنبال دارد.

همچنین مسیر ترکیه برای دسترسی قاچاقچیان مواد مخدر به اروپا حیاتی است. در سال‌های اخیر بارها کامیون‌های حامل مواد مخدر که از ایران به ترکیه رفته بودند متوقف و محموله‌های سنگینی از آنها کشف شده است.

هرچند مقامات جمهوری اسلامی از انتخاب مجدد رجب طیب اردوغان به عنوان رئیس جمهوری ترکیه استقبال کرده‌اند اما اختلافات میان تهران و آنکارا رو به افزایش است. بخشی از این اختلافات به پشتیبانی ترکیه از جمهوری آذربایجان در منازعات منطقه‌ای برمی‌گردد. از سوی دیگر در سال‌های اخیر شهرهای ترکیه به ویژه استانبول و آنکارا جولانگاه مأموران امنیتی جمهوری اسلامی و عوامل نفوذی تهران تبدیل شده است. محور توطئه‌های آنها اقدام علیه شهروندان اسرائیل و همچنین مخالفان رژیم ایران است که عمدتاً به عنوان پناهنده ساکن ترکیه شده‌اند.

هرچند دستگاه اطلاعاتی ترکیه «میت» با همکاری موساد تلاش می‌کند توطئه‌های جاسوسی و تروریستی تهران را خنثی کند اما تهدیدات همچنان ادامه دارد.

● دولت ترکیه با هدف «مهار مهاجرت غیرقانونی» و «تقویت امنیت مرزی»، ساخت دیوار بتنی ۹۶ کیلومتری در امتداد خط مرزی استان وان با ایران را تکمیل کرد. به گفته تحلیلگران این یک نقطه عطف قابل تأمل به شمار می‌رود.

● ارتفاع این دیوار ۵ متر و عرض آن ۸۷/۲ متر است. همچنین در بعضی نواحی حساس‌تر حوالی این دیوار خندق‌های عمیق حفر شده است.

● به گفته مقامات آنکارا، این تلاش‌ها منجر به جلوگیری از ورود ۱۵۰ هزار نفر مهاجر غیرقانونی به ترکیه در سه سال گذشته شده است.

دولت ترکیه با هدف «مهار مهاجرت غیرقانونی» و «تقویت امنیت مرزی»، ساخت دیوار بتنی ۹۶ کیلومتری در امتداد خط مرزی استان وان با ایران را تکمیل کرد. به گفته تحلیلگران این موضوع یک نقطه عطف قابل تأمل به شمار می‌رود.

روزنامه «حریت» روز دوشنبه ۲۹ ماه مه (هشتم خرداد) در گزارشی نوشت این پروژه که در منطقه دوغوبایزید آغاز شده بود و تا منطقه چالدران و منطقه یوکسکوا در استاد حاکاری در جنوب شرقی ترکیه امتداد دارد، بیش از ۵۶۰ کیلومتر از مرز را پوشش می‌دهد و شامل برج‌های دیده‌بانی و سیم خاردار و سیستم‌های الکترونیک هوشمند است. ارتفاع این دیوار ۵ متر و عرض آن ۸۷/۲ متر است. همچنین در بعضی نواحی حساس‌تر حوالی این دیوار خندق‌های عمیق حفر شده است.

برای تقویت امنیت نواحی مرزی، ژاندارمری یگان‌های مرزی و پلیس عملیات ویژه نیز در بعضی نواحی مرزی ترکیه با ایران تقویت شده‌اند.

تصویر را نیز فراهم آوردند. در تهران، مردم می‌دیدند که دنیا چه اهمیتی به آن شخص می‌دهد، و تصویرش را بالا می‌بردند. در غرب، می‌دیدند که او چه محبوبیتی در میان مردم کوچه و بازار پایتخت ایران دارد، و اهمیتش در نگاهشان افزون می‌شد. آیت‌الله شریعتمداری که تا آن زمان رهبر بی چون و چرای یک جنبش نه‌چندان تندرو بود، اندک اندک رنگ باخت و به درجه دوم اهمیت سقوط کرد.

چندین کمیته پشتیبانی از آیت‌الله در پاریس به‌وجود آمد. «میشل فوکو»، «ژان پل سارتر»، «سیمون دو بووار» و گروه همیشگی عریضه‌نویسان «سن‌ژرمن دپره» این کمیته‌ها را اداره می‌کردند. «لیبراسیون» که هنوز چندان



خمینی در نوفل لوشاتو

خواننده‌ای نداشت، هفته‌نامه «نول ابرواتور» و به‌ویژه «لوموند»، وظیفه شناساندن آن جنبش را انجام می‌دادند. «آندره فونت» خمینی را به پاپ «ژان پل دوم» مانده کرد و در «لوموند» سرمقاله‌ای را که با عنوان «بازگشت ایزدی» خواننده بسیار یافت، چاپ کرد که یکسره ستایش و ثنای آن شخص بود.

«ژاک مادل» فیلسوف پیرامون نقش آن شخص نوشت و از خود پرسید آیا جنبش او «درهای آینده را به سوی بشریت نمی‌گشاید؟»

«گابریل ماتزنف»، گرچه خود مجذوب آن جنبش شده بود، واقع‌بینانه‌تر به غایب‌نامه‌ای که در پیش چشمانش به‌اجرا گذاشته شده بود، می‌نگریست: «اگر یک اسقف ارتودوکس روس بساطش را در پاریس پهن کند، ناگهان به بد و بیراه‌گویی به آقای برژنف و رژیم شوروی بپردازد، جنجال و اعتراض همگانی برمی‌خیزد. چپ‌ها، کشیش وحشی و واپس‌گرا را به کثافت می‌کشند، و وزیر کشور، همه کوشش و توان خود را به‌کار خواهد برد تا این مذهبی خروس بی‌محل را خاموش کند.»

حزب سوسیالیست، که در آن دوره «فرانسوا میتران» رهبرش بود، از جنبش پشتیبانی کرد و در این راه تظاهرات خیابانی به‌راه انداخت. بعدها، این حزب، حتی برای پشتیبانی از گروه‌گیری دیپلمات‌های آمریکا به‌وسیله رژیم انقلابی، یک هیأت نیمه‌رسمی به تهران فرستاد!

چند صدای ناموافق هم که از جاهای دیگر بلند شد، فوراً با جار و جنجال دگراندیشان پوشیده و ناشنیدنی شد.

(ادامه دارد)

از تحویل «سوخو۳۵» روسی چه خبر؟ وزیر دفاع جمهوری اسلامی: خودمان تولیدکننده ایم!



پایگاه هوایی زیرزمینی «عقاب ۴۴» که بهمن ۱۴۰۱ رونمایی شد



ماکت دو هواپیمای «سوخو۳۵» روسی در پایگاه هوایی «عقاب ۴۴» ارتش / نیویورک تایمز

می‌شود نه تنها زمان دقیقی اعلام نکرد بلکه طفره رفت و گفت: «ما خودمان تولیدکننده هستیم و در بخش صنعت هوایی در حوزه جنگنده‌ها، هواپیمای ترابری، هواپیمای آموزشی و سایر بخش‌ها کار می‌کنیم اما اگر درباره توان دفاعی‌مان احساس نیاز کنیم، سعی می‌کنیم از هر کشوری که امکانات فناوری و یا تجهیزات داشته باشد، دریافت کنیم.»

وی با این مقدمه توضیح داد: «مباحث مطرح شده درباره جنگنده سوخو نیز بیشتر گمانه‌زنی است... البته بر اساس قراردادهایی که جمهوری اسلامی ایران از قبل در حوزه‌های مختلف با کشورهای مختلف داشته است، کار را دنبال می‌کنیم، ممکن است در هر مقطعی بعضی از آنها به نتیجه برسد و بگوییم موردی که مثلاً ۵ سال پیش قرارداد آن را بستیم، الان به نتیجه رسیده است.»

آشتیانی در پاسخ به این پرسش که «آیا ما منعی برای خرید داریم؟» تصریح کرد: «نه، منعی نیست، هر کجا نیاز داشته باشیم چه در تأمین نیازمندی‌ها و چه در صادرات محدودیتی احساس نمی‌کنیم.»

روزنامه «نیویورک تایمز» اواخر بهمن ۱۴۰۱ با انتشار تصاویر ماهواره‌ای از «پایگاه عقاب ۴۴» نیروی هوایی ارتش با استناد به دو ماکت جنگنده سوخو مدعی شد ایران در حال آماده شدن برای دریافت آنهاست.

حمید واحدی فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی شهریور ۱۴۰۱ از برنامه ارتش برای خرید ۳۰ فروند جنگنده «سوخو۳۵» خرداد و حتا برخی منابع گزارش دادند تعدادی خلبان برای آموزش از ایران به روسیه اعزام شدند.

مقامات جمهوری اسلامی در حالی چشم‌انتظار تحویل گرفتن سوخوها از مسکو هستند که بر اساس گزارش نهادهای امنیتی- نظامی غربی، خود روسیه در جریان جنگ با اوکراین به شدت با کمبود تسلیحات روبروست.

وارد می‌کنیم. این مقام ارشد نظامی یکشنبه هفتم خرداد درباره همکاری‌های نظامی و دفاعی جمهوری اسلامی با ونزوئلا به خبرگزاری «تسنیم» گفت: «ما هیچ محدودیتی برای در اختیار قرار دادن تجهیزات به کشورها نداریم و با همه کشورها در ارتباط هستیم و این ارتباط را با اقتدار ادامه می‌دهیم و هر کشوری به منافع، امنیت و حفظ صلح بین‌المللی متعهد باشد و به امنیت مشترک جهانی فکر کند، ما حتماً به او کمک می‌کنیم.»

آشتیانی عنوان می‌کند: «ونزوئلا کشور بزرگی است که در منطقه حساسی قرار دارد و ما هم از سال‌های گذشته با این کشور ارتباط داشتیم و شاید بتوان گفت بیشترین تعاملات رؤسای جمهور ما با ونزوئلا بوده است.»

وی در بخشی از صحبت‌هایش گفت: «ما در وزارت دفاع به عنوان رئیس کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور ضمن انجام هماهنگی‌های لازم، تمامی توافندی‌های داخلی در حوزه‌های مختلف را سازماندهی می‌کنیم که یک بخش از آن، مباحث امنیتی و دفاعی است.»

از گفته‌های آشتیانی چنین به نظر می‌رسد که گویا وزارت دفاع یا وزیر دفاع «رئیس کمیسیون» مشترک اقتصادی ایران و ونزوئلا است.

یکی از پرسش‌های خبرگزاری «تسنیم» از محمدرضا آشتیانی درباره آخرین وضعیت دریافت جنگنده‌های «سوخو۳۵» از روسیه توسط جمهوری اسلامی است.

شهریار حیدری عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی اواخر دی‌ماه ۱۴۰۲ تأیید کرده بود که ایران تعدادی جنگنده سوخو به روسیه سفارش داده که تا اوایل سال آینده [سال ۱۴۰۲] تحویل می‌گیرد.»

اما وزیر دفاع جمهوری اسلامی در پاسخ به پرسش «تسنیم» که سوخوها چه وقت به ایران تحویل داده

● محمدرضا آشتیانی وزیر دفاع جمهوری اسلامی در پاسخ به پرسش خبرگزاری «تسنیم» که سوخوهای روسی چه وقت به ایران تحویل داده می‌شود نه تنها زمان دقیقی اعلام نکرد بلکه طفره رفت و گفت: «ما خودمان تولیدکننده هستیم و در بخش صنعت هوایی در حوزه جنگنده‌ها، هواپیمای ترابری، هواپیمای آموزشی و سایر بخش‌ها کار می‌کنیم اما اگر درباره توان دفاعی‌مان احساس نیاز کنیم، سعی می‌کنیم از هر کشوری که امکانات فناوری و یا تجهیزات داشته باشد، دریافت کنیم.»

● وی توضیح داد: «مباحث مطرح شده درباره جنگنده سوخو نیز بیشتر گمانه‌زنی است... البته بر اساس قراردادهایی که جمهوری اسلامی ایران از قبل در حوزه‌های مختلف با کشورهای مختلف داشته است، کار را دنبال می‌کنیم، ممکن است در هر مقطعی بعضی از آنها به نتیجه برسد و بگوییم موردی که مثلاً ۵ سال پیش قرارداد آن را بستیم، الان به نتیجه رسیده است.»

● آشتیانی در پاسخ به این پرسش که «آیا ما منعی برای خرید داریم؟» تصریح کرد: «نه، منعی نیست، هر کجا نیاز داشته باشیم چه در تأمین نیازمندی‌ها و چه در صادرات محدودیتی احساس نمی‌کنیم.»

● شهریار حیدری عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی اواخر دی‌ماه ۱۴۰۲ تأیید کرده بود که ایران تعدادی جنگنده سوخو به روسیه سفارش داده که تا اوایل سال آینده [سال ۱۴۰۲] تحویل می‌گیرد.»

محمدرضا آشتیانی وزیر دفاع جمهوری اسلامی با اشاره به صادرات تجهیزات نظامی از ایران به ونزوئلا می‌گوید «هیچ محدودیتی» برای انتقال تجهیزات نظامی به هر کشوری که به منافع امنیت و حفظ صلح بین‌المللی متعهد باشد نداریم. وی تأکید کرده از هر جا نیاز باشد نیز تسلیحات

نشست «گفتمان پادشاهی ایرانی و استراتژی پیش رو» در دانشگاه رایس برگزار شد



شاهنشاهی بیش از ۴۰۰ ساله ساسانیان، تکوین و ساختارمند شد. از این رو با وجود فروپاشی ساختار سیاسی و دولت ساسانیان، ایرانیان توانستند با تکیه بر مؤلفه‌های هویتی خویش مانند اشتراکات کهن و استوار تاریخی و فرهنگی و زبانی و اجتماعی و آیینی و...، هویت مستقل خویش را تا حدود زیادی در دوران خلافت‌های امویان و عباسیان حفظ کنند.»

دیگر سخنران این نشست میلاد آقایی فعال سیاسی از سوئد بود که وی نیز به صورت آنلاین در این نشست حاضر شد. او در مورد «خلاء قدرت: شکست و سرشکستگی» اظهار داشت: «خلاء قدرت سیاسی از ترسناک‌ترین بخش‌های هرگونه جابجایی قدرت است که در جنبش‌های اجتماعی انقلابی نگران‌کننده‌تر نیز می‌شود. چون از میان رفتن بالاترین نهادهای اقتدار در جامعه می‌تواند به هرج و مرج، جنگ و اوباش‌سالاری کشیده شود.»

به گفته آقایی، «چاره جلوگیری از خلاء قدرت، ساختن اقتدار جایگزینی است که هم از پس جمهوری اسلامی برآید و هم از به قدرت رسیدن مافیای دیوانسالاری و امنیتی، اوباش و تروریست‌ها جلوگیری کند. اقتدار جایگزین در آغاز نه زور دارد و نه نیرو. آنچه پیروی از اقتدار جایگزین را ممکن می‌سازد، پذیرش ارزش‌ها و اخلاقیات نهادهای گفتمانی جنبش اجتماعی است.»

روشنگ آسترکی کارشناس اقتصاد و عضو تحریریه‌ی کیهان لندن با حضور آنلاین، صحبت‌های خود را در ارتباط با نقش زنان در جنبش ملی ماه‌های گذشته شروع کرد و گفت: «توضیح نقش زنان در جنبش ملی نیازمند نگاهی به «زن» در اسطوره و تاریخ ایران است چون بر پایه آن می‌توان توضیح داد زنان و دختران ایران بعد از چهار دهه تجربه سرکوب، چهار دهه تجربه خشونت سیاسی و قانونی، و تلاش سیستماتیک جمهوری اسلامی برای زدودن آزادی‌های آنها چطور توانستند نقشی درخشان در جنبش انقلابی اخیر ایفا کنند.»

به گفته‌ی این روزنامه‌نگار، «حافظه تاریخی یاور زنان ایران است تا به یاد بیاورند که در انقلاب مشروطه و در دوران سیاهی که حکومت قاجار، ایران و ایرانی را دچار کرده بود، زنان چگونه از اندرونی‌ها بیرون آمده و به انقلاب ملی مشروطه پیوستند. زنان امروز ایران به یاد دارند در آذربایجان زنان روستایی و عشایر چگونه اسلحه دست گرفتند و دوشادوش مردانشان در برابر فرقه دموکرات ایستادگی کردند و جان دادند تا از میهن دفاع کنند. زنان ایران می‌دانند که پادشاهان فقید پهلوی چگونه

پادشاهی ایرانی، ضامن دموکراسی و بقای جامعه بوده. و شاه، حافظ و مجری عدالت بشری بوده. و در آئین پادشاهی ایرانی، شهریار، حلقه اتصال تمدن است تا دانه‌های زنجیر تمدن را بهم وصل کند. شهریار یا پادشاه نگهدارنده و پاسدار قانون و اخلاق و عدالت و صدای ملت بود. مسامحه و بردباری از اصول حکومت‌مداری و منش سیاسی و رفتار اجتماعی می‌بود.»

دومین سخنران اردوان خشنود دانشیار دانشگاه «لند» در سوئد بود که در مورد «از تعادل ناپایدار تا پیروزی انقلاب» سخنرانی کرد.

به گفته وی، هیچ ساختاری وجود ندارد که به درستی چگونگی پیروزی یک انقلاب در کشوری را مشخص کند. وی افزود «با این حال، ما می‌دانیم که کشورهایی که در یک تعادل ناپایدار قرار دارند، بخت پیروزی یک انقلاب در آن، بسیار است. برای قرار گرفتن کشوری در چنین حالتی، باید پنج سازه برآورده شود. تمرکز مخالفان و براندازان جمهوری اسلامی، باید بر روی این پنج سازه باشد. راهبرد ما با اهداف بلندمدت و شگردهای ما با اهداف کوتاه‌مدت، باید با در نظر گرفتن این پنج سازه باشد که نتیجه آن، ناتوان کردن جمهوری اسلامی خواهد بود.» وی این پنج سازه را چنین برشمرد: «اختلاف گروه‌های حکومتی در جمهوری اسلامی، تحریم‌های هوشمندانه، خشم و نارضایتی عموم از سیاست‌های جمهوری اسلامی، روایت و گفتمان، و روابط بین‌المللی.»

آتوسا صباغ فعال مشروطه‌خواه ساکن وین از اتریش سخنران بعدی بود که به صورت آنلاین در این نشست حضور داشت. وی با اشاره به اینکه شرایط برای به سرانجام رسیدن این انقلاب ملی به سرعت در حال تغییر است تاکید کرد: «دولت‌های غربی مطابق با علی رغم میل‌شان با تلاش میهن‌پرستان داخل و خارج از ایران و عملکرد کاملاً دموکراتیک شاهزاده رضا پهلوی پذیرفته‌اند که تنها رهبر مورد اعتماد مردم ایران شاهزاده رضا پهلوی است و این از نیک‌بختی ملت ایران است که چنین آترناتیو قوی و با اصلاتی دارند که سایر ملت‌های دنیا درگیر حکومت‌های دیکتاتوری از چنین شانس بی‌بهره هستند.»

وحید بهمین پژوهشگر تاریخ در مورد «ملت تاریخی ایران و مسئله هویت ملی» صحبت کرد. وی با اشاره به اینکه ملت ایران به عنوان یکی از کهن‌ترین ملت‌های تاریخی جهان، سابقه دولت‌داری و دیوان‌مداری چند هزار ساله دارد تاکید کرد: «اصولاً بخش مهمی از ارکان هویت ملی ایرانیان که ریشه در تاریخ باستان ایرانزمین دارد، در گستره ایران‌شهر

● در دومین نشست «اندیشکده کوروش بزرگ» سخنرانان درباره موضوعاتی مانند «از تعادل ناپایدار تا پیروزی انقلاب»، «حمایت از رهبری مورد اعتماد در جهت پیروزی»، «سازمان و نیروی انقلاب ملی»، «خلاء قدرت، شکست و سرشکستگی»، «دولت بیدار پادشاهی ایرانی»، «در ضرورت کار قدرتمند نظری در پدافند از پادشاهی مشروطه» «زنان ایران، برای میهن، برای آبادی، برای آزادی» به طرح ایده‌های خود پرداختند.

● در این نشست علاوه بر عرفان قانعی فرد، بابک شکرابی، روشنگ آسترکی، آروین خوشنود، آتوسا صباغ، وحید بهمین، اردوان خوشنود و میلاد آقایی، چارلی وایمرز نماینده پارلمان سوئد نیز شرکت داشت و سخنانی در ارتباط با وضعیت ایران و پشتیبانی از جنبش آزادیخواهی مردم ایران ایراد کرد.

دومین نشست «اندیشکده کوروش بزرگ» با عنوان «گفتمان پادشاهی ایرانی و استراتژی پیش رو» روز شنبه ۲۷ مه ۲۰۲۳ برابر با ۶ خرداد ۱۴۰۲ در دانشگاه رایس هیوستون آمریکا برگزار شد.

«از تعادل ناپایدار تا پیروزی انقلاب»، «حمایت از رهبری مورد اعتماد در جهت پیروزی»، «سازمان و نیروی انقلاب ملی»، «خلاء قدرت، شکست و سرشکستگی»، «دولت بیدار پادشاهی ایرانی»، «در ضرورت کار قدرتمند نظری در پدافند از پادشاهی مشروطه» «زنان ایران، برای میهن، برای آبادی، برای آزادی» از جمله محورهای مورد بحث در این نشست بود. گرداننده این نشست که با سرود ملی «ای ایران» آغاز شد، حامد سپهری بود که در سخنانی به توضیح نشست‌های این اندیشکده پرداخت.

نخستین سخنران این نشست عرفان قانعی فرد پژوهشگر و تحلیلگر ایرانی مقیم آمریکا صحبت‌های خود را با موضوع «دولت بیدار پادشاهی ایرانی» شروع کرد و گفت: «آئین شهریاری را که تمدن ایرانی و شیوهی حکومتی ایرانیان را از اقوام و ملل دیگر جهان، حتی اروپا و گفتمان وارداتی مشروطه متمایز می‌سازد اما پادشاهی ایرانی به دور از چشم سلطان و یا ملا و شرع ساختگی لانه کرده در ذهن مردم و یا گفتمان‌های بی‌ربط تقلیدی، در عین حال مورد احترام و اقتباس جهان مدرن قرار گرفته. چون پادشاهی ایرانی، عامل رشد و توسعه اجتماعی و ایرانگرایی است. پادشاهی ایرانی، در واقع عصاره‌ی تمدن ایرانی و هویت ملی است.»

به گفته وی «با وجود گسست‌های طولانی‌مدت در روند توسعه اجتماعی ایران، سیستم منسجم آموزشی در سامانه

هشدار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره «ضربه مهلک» جمهوری اسلامی به برجام با برداشتن دوربین‌های نظارتی



رافائل گروسی در نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی؛ وین؛ ۹ ژوئن ۲۰۲۲

۲۳ برابر حد مجاز در برجام رسیده است. همچنین آژانس درباره «ضربه مهلک» به توافق هسته‌ای با برداشتن دوربین‌ها توسط رژیم ایران هشدار داده است. به گزارش رویترز آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأیید کرده جمهوری اسلامی با نصب تعدادی دوربین نظارتی و تجهیزات کنترلی در سه مرکز موافقت کرده است. یکی از این مراکز سایت تولید قطعات سانتریفیوژ در نطنز است که سال گذشته دوربین‌های نظارتی از آنجا برداشته شد. رویترز به به دو مرکز غنی‌سازی دیگر اشاره‌ای نکرده است. خبرنگاری آسوشیتدپرس می‌نویسد طبق گزارش آژانس «بازرسان دیگر ابهامی در مورد ذرات اورانیوم ۷/۸۳ درصدی اورانیوم شناسایی شده در تأسیسات فُردو قم ندارند.» در این گزارش آمده است که بازرسان همچنین تحقیقات خود را در مورد آثار اورانیوم کشف شده با «منشاء انسانی» در سایت «مریوان» (آباده) را به پایان رسانده است. جمهوری اسلامی متهم بود در این تأسیسات چاشنی‌های انفجاری تست کرده است.

ارائه چشم‌اندازی روشن از ایران پس از جمهوری اسلامی تأکید کرد و گفت: «تصویر مشخص آینده ایران تنها زمانی قابل ارائه است که تمام نیروهای ملی در کنار یکدیگر قرار بگیرند.»

وی با اشاره به اینکه یک استراتژی اجزای متفاوتی دارد که باید در یک حرکت همسو ما را به یک هدف خاص هدایت کند اضافه کرد: «اعتراضات، اعتصابات تظاهرات در خارج کشور هر کدام ابزارهای گوناگونی هستند که مجموعه اینها برای پیروزی به ما کمک می‌کنند.»

به گفته این تحلیلگر سیاسی، «هنگامی که استراتژی داشته باشیم به تخصیص منابع بیشتر می‌توانیم توجه کنیم، تعیین و رسیدن به اهداف کوچکتر بهترین راه برای دستیابی به اهداف بزرگتر است. همچنین برای استراتژی موثر باید ارزیابی درست و موثر از حقایق و توانایی خودمان داشته باشیم.» شکرابی تأکید کرد: «در این شرایط تنها کسی که می‌تواند شرایط را تغییر دهد شخص شاهزاده رضا پهلوی است به خاطر اقتدار اجتماعی، و همچنین عملکرد خود وی و پدر و پدربزرگ او و به‌خصوص به دلیل وجود نهاد قدرتمند و ریشه‌دار پادشاهی.»

● طبق گزارش آژانس میزان اورانیوم غنی شده ایران به ۲۳ برابر حد مجاز رسیده است.

● آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأیید کرده جمهوری اسلامی با نصب تعدادی دوربین نظارتی و تجهیزات کنترلی در سه مرکز موافقت کرده است.

● خبرنگاری آسوشیتدپرس می‌نویسد طبق گزارش آژانس، «بازرسان دیگر ابهامی در مورد ذرات اورانیوم ۷/۸۳ درصدی اورانیوم شناسایی شده در تأسیسات فُردو قم ندارند.»

● مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که برای شرکت در نشست شورای امنیت به نیویورک سفر کرده تأکید نموده است جمهوری اسلامی در بعضی موارد همکاری کرده و پیشرفت‌هایی داشتیم اما اختلافات میان آژانس و جمهوری اسلامی «پیچیده» است. وی همچنین گفته «ما به هیچ ایستگاه پایانی نرسیده‌ایم.»

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی چهارشنبه ۳۱ ماه مه (۱۰ خرداد) در گزارش «محرمانه» فصلی جدید خود به اعضای شورای حکام اعلام کرده میزان اورانیوم غنی شده ایران به

از تجربه پادشاهی شاهان پهلوی است تأکید کرد: «رفتار تحسین‌برانگیز شاهزاده رضا پهلوی طی این چهار دهه نیز، دیگر عامل قوام حیثیتی این نهاد بوده است. اما اگرچه پادشاهی مشروطه آبروی خود را حفظ کرده و اقبال ملت اکنون به آن آشکار است، این نهاد عمیقاً نیازمند پشتیبانی نظری است.»

به گفته وی، تدارک تکیه‌گاه نظری برای نهاد پادشاهی مشروطه در شرایطی که میدان دارای تب و تاب بالایی است، ضرورت بیشتری پیدا می‌کند زیرا می‌تواند به مثابه لنگرگاه ثبات برای کنشگران میهن‌پرست نقش بازی کند. این پشتیبانی نظری قدرتمند همچنین می‌تواند به کمک این نهاد بیاورد تا مانعی باشد از در غلتیدن آن به محاق ابتذال فکری و روزمرگی سیاسی و نیز عاملی باشد برای ممانعت از سرخوردگی‌هایی که ناکامی‌های مقطعی ناشی از سرکوب ممکن است پدید بیاورد.»

بابک شکرابی تحلیلگر سیاسی به عنوان آخرین سخنان حاضر در این نشست سخنان خود را با موضوع «گفت‌وگو پادشاهی ایرانی و استراتژی پیش رو» شروع کرد. وی به ویژه بر همبستگی نیروهای ملی فراتر از نوع نظام برای

زنان را به عنوان شهروندانی برابر با مردان به مدارس فرستادن و وزیر و وکیل کردند و محمدرضا شاه پهلوی تاج پادشاهی بر سر شهبانو فرح و به بیان دیگر بر سر زنان ایرانی گذاشت.»

سخنران بعدی چارلی وایمرز نماینده سوئد در پارلمان اروپا بود که وی نیز به صورت آنلاین در این نشست حضور یافت. او که تا کنون تمام‌قد به دفاع از انقلاب آزادیخواهی ایرانیان پرداخته درباره این جنبش ملی و اعتراضات مردم در ایران گفت: «از زمان آخرین اعتراضات، جهان نسبت به سیاست‌های شیطانی رژیم آگاه‌تر شده است.»

این سیاستمدار سوئدی همچنین به رأی تمام نمایندگان پارلمان سوئد به طرح قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست گروه‌های تروریستی اشاره کرد و در ادامه این پرسش را مطرح کرد که مردم ایران چگونه می‌توانند آزادی را که لیاقت‌اش را دارند به دست بیاورند؟

وی در ادامه ضمن تأکید بر لغو همیشگی برجام اضافه کرد: «تحریم رهبر جمهوری اسلامی علی خامنه‌ای و ابراهیم رئیسی رئیس جمهوری اسلامی نیز باید در دستور کار اتحادیه اروپا قرار بگیرد.»

وایمرز با گرامیداشت یاد و خاطره تمامی قربانیان از جمله اعدام‌شدگان و زندانیانی که در وحشتناک‌ترین شرایط در زندان‌های جمهوری اسلامی بسر می‌برند تأکید کرد: «با استفاده از دارایی‌های بلوکه شده ایران که متعلق به مردم ایران است می‌توان یک صندوق اعتصابات ایجاد کرد تا مردم ایران بتوانند به حیات این رژیم وحشی پایان بدهند.»

نماینده سوئد در پارلمان اروپا ادامه داد: «اگرچه جمهوری اسلامی آزادی فیزیکی مردم ایران را سلب کرده اما هرگز نخواهد توانست آزادی معنوی و بزرگ‌منشی را از آنها بگیرد.»

آروین خوشنود دیگر سخنران حاضر در این نشست به پژوهش گسترده‌ای از دانشگاه هاروارد اشاره کرد که نشان می‌دهد آن جنبش‌های انقلابی در ۱۲۰ سال گذشته پیروز شده‌اند که دست‌کم سه و نیم درصد مردم در رویدادهای مبارزاتی آنها فعال بوده‌اند.

به گفته وی، چنین پنداشته می‌شود که پیش از جذب این نیروی فعال جنبش‌ها توانسته‌اند مشروعیت دشمن را از بین ببرند، افکار عمومی را به خود جلب کنند و در ستون‌های حکومت ریزش ایجاد کنند. برای این قاعده اما دو استثناء نیز وجود دارد: برونئی در سال ۱۹۶۲ و بحرین در سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۱. در هر دو کشور حکومت از نیروهای بیگانه یاری گرفت تا نیروهای مسلح خود ناچار به برخورد سخت با نیروهای مردمی نشوند که در میان نیروهای مسلح دوره‌های اخلاقی و ریزش بوجود نیاید. در جمهوری اسلامی نیز استفاده از نیروهای بیگانه رایج است و به همین انگیزه مبارزین نیاز به دو رویکرد دارند: یکی رویارویی با ستون‌های حکومتی، و دیگری رویارویی با نیروهای بیگانه پشتیبان حکومت.»

آروین خوشنود بر ایجاد چندین سازمان گوناگون در راستای انجام اموری نظیر تشویق، تعلیم، پشتیبانی و گفت‌وگو تأکید کرد که می‌بایست «مستقل اما با سه هدف مشترک فعالیت کنند: براندازی جمهوری اسلامی، گذر از جمهوری اسلامی به رهبری شه‌ریار ایران و سپس برپایی سامانه پادشاهی ایرانی.»

علیرضا کیانی از اعضای «حزب ایران نوین» به صورت آنلاین در این نشست حضور یافت و «در صورت کار قدرتمند نظری در پدافند از پادشاهی مشروطه» سخنرانی کرد. وی با بیان اینکه پادشاهی مشروطه تنها نهاد تاریخی آبرومند در عرصه سیاسی ایران و این آبرو عمیقاً برآمده

تحریم‌های ۵۰ ساله اوکراین علیه جمهوری اسلامی؛ روزنامه «ایران»: هدفشان دمیدن بر اغتشاشات است!



پارلمان اوکراین با حضور ولودیمیر زلنسکی رئیس جمهوری

بهره گرفته و بر آتش فتنه بدمند.»

این روزنامه با اشاره به پیام ویدئویی اخیر زلنسکی خطاب به مردم ایران در مورد اینکه «در سمت تاریخ ناپستید» تأکید کرده «این ادعا که ایران با آغاز جنگ، دست به کار شده و ظرفیت تولید پرنده‌های بدون سرنشین نظامی خود موسوم به پهپاد «شاهد» را برای کمک به روسیه به خدمت گرفته است؛ ادعایی که قابل انتظار بود از سوی شمار زیادی از کشورهای غربی به رهبری ایالات متحده تکرار و به بخشی از پلنی تبدیل شود که این کشورها در روند متزلزل کردن نظام جمهوری اسلامی در اغتشاشات اخیر در پیش گرفته بودند.»

مقامات جمهوری اسلامی ارسال پهپادهای انتحاری به روسیه را انکار می‌کنند با اینهمه حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه رژیم اواسط آبان ۱۴۰۱ در پاسخ به پرسش خبرنگاران درباره ارسال پهپادها و موشک‌های ایرانی به روسیه گفته بود: «اظهارات در مورد بخش موشکی کاملاً غلط اما بخش پهپاد درست است. ما تعداد معدودی پهپاد ماه‌های قبل و پیش از جنگ اوکراین در اختیار روسیه قرار دادیم.»

سی‌ان‌ان اخیراً در گزارشی نوشت داده‌های ردیابی نشان می‌دهد جمهوری اسلامی با استفاده از کشتی‌هایی که سیستم موقعیت‌یاب آنها دستکاری می‌شود اقدام به لاپوشانی حرکت کشتی‌ها در دریای خزر به سوی روسیه می‌کند.

به گفته کارشناسان، با عمیق‌تر شد همکاری بین رژیم ایران و روسیه، از مسیر دریای خزر برای جابجایی پهپادها، گلوله‌ها و انواع خمپاره که دولت روسیه برای تقویت ارتش خود در جنگ علیه اوکراین خریداری کرده، استفاده می‌شود.

پیش از این میخائیلو پودولیاک مشاور زلنسکی با اشاره به حملات پهپادی به کی‌یف در تویییتی نوشته بود: «شتر همیشه نیاز به ارزیابی روشن دارد. ایران امروز یک رژیم تروزیستی است که تهدیدی برای اروپا و خاورمیانه به شمار می‌رود. فعالیت‌های اتمی آن برای کل جهان خطرناک است. تهران به متحد کلیدی مسکو در این جنگ تبدیل شده و عمداً تسلیحاتی برای حمله به غیرنظامیان در شهرهای اوکراین در اختیار آن می‌گذارد... از نظر حقوقی، [رژیم] ایران با نیت آشکار و درک پیامدهای اقدامات خود این کار را انجام می‌دهد و قطعاً نیز عواقبی خواهد داشت. به همین دلیل پرزیدنت زلنسکی قطعنامه تحریم پنجاه ساله را به مجلس ارائه می‌کند.» وی سپس به جمهوری اسلامی هشدار داده و تهدید کرده است: «با توهم نسبت به فاصله جغرافیایی و یا سوء تفاهم از اولویت‌های امروز اوکراین، مرتکب خطا نشوید!... شاهد [اشاره به پهپادهای انتحاری ساخت جمهوری اسلامی] قطعاً روزی راه بازگشت به سوی سازنده‌اش را خواهد یافت.»

این بسته تحریمی ۵۰ ساله پس از حمله گسترده پهپادی روسیه به کی‌یف تصویب شده است. طبق اعلام مقامات دولتی اوکراین، این کشور روز یکشنبه ۲۸ ماه مه (هفتم خرداد) هدف گسترده‌ترین حمله پهپادهای روسیه از آغاز جنگ تا کنون روبرو شد که چندین کشته و زخمی برجای گذاشت.

روزنامه دولتی «ایران» در گزارشی مفصل که سه‌شنبه نهم خرداد منتشر شده می‌نویسد اقدام دولت اوکراین در امتداد رویکرد دولت‌های غربی است «که در ماه‌های اخیر کوشیدند از فضای اغتشاشات شکل گرفته در داخل ایران،

● لایحه تحریم پنجاه ساله که توسط شورای امنیت ملی و وزارت دفاع اوکراین پیشنهاد شده است، با رأی موافق ۳۲۸ نماینده به تصویب رسید.

● به گفته رسانه‌های اوکراینی، تحریم‌ها شامل ممنوعیت کامل عملیات تجاری، ترانزیت منابع، پروازها و حمل و نقل ایران در خاک ایران می‌شود. همچنین هرگونه سرمایه‌گذاری در ایران و انتقال انواع فناوری و حقوق مالکیت معنوی توسط ساکنان این کشور ممنوع خواهد بود. این تحریم‌ها همچنین وسایل پرداخت الکترونیک ایرانی‌ها با ایرانی‌ها را متوقف می‌کند و بانک ملی اوکراین از ثبت هرگونه سیستم پرداخت بین‌المللی که تحت مدیریت جمهوری اسلامی باشد، منع می‌شود.

● روزنامه دولتی «ایران» در گزارشی مفصل که سه‌شنبه نهم خرداد منتشر شده می‌نویسد اقدام دولت اوکراین در امتداد رویکرد دولت‌های غربی است «که در ماه‌های اخیر کوشیدند از فضای اغتشاشات شکل گرفته در داخل ایران، بهره گرفته و بر آتش فتنه بدمند.»

● پیشتر یکی از مشاوران زلنسکی رئیس جمهوری اوکراین در تویییتی نوشته بود: «از نظر حقوقی، [رژیم] ایران با نیت آشکار و درک پیامدهای اقدامات خود این کار را انجام می‌دهد و قطعاً نیز عواقبی خواهد داشت. به همین دلیل پرزیدنت زلنسکی قطعنامه تحریم پنجاه ساله را به مجلس ارائه می‌کند.» وی سپس به جمهوری اسلامی هشدار داده و تهدید کرده است: «با توهم نسبت به فاصله جغرافیایی و یا سوء تفاهم از اولویت‌های امروز اوکراین، مرتکب خطا نشوید!... شاهد [اشاره به پهپادهای انتحاری ساخت جمهوری اسلامی] قطعاً روزی راه بازگشت به سوی سازنده‌اش را خواهد یافت.»

پارلمان اوکراین روز دوشنبه ۲۹ ماه مه (هشتم خرداد) یک بسته تحریمی ۵۰ ساله علیه جمهوری اسلامی به اتهام کمک تسلیحاتی به روسیه تصویب کرد.

این لایحه که توسط شورای امنیت ملی و وزارت دفاع اوکراین پیشنهاد شده، با رأی موافق ۳۲۸ نماینده به تصویب رسید.

● به گفته رسانه‌های اوکراینی، تحریم‌ها شامل ممنوعیت کامل عملیات تجاری، ترانزیت منابع، پروازها و حمل و نقل ایران در خاک ایران می‌شود. همچنین هرگونه سرمایه‌گذاری در ایران و انتقال انواع فناوری و حقوق مالکیت معنوی توسط ساکنان این کشور ممنوع خواهد بود. این تحریم‌ها همچنین وسایل پرداخت الکترونیک ایرانی‌ها با ایرانی‌ها را متوقف می‌کند و بانک ملی اوکراین از ثبت هرگونه سیستم پرداخت بین‌المللی که تحت مدیریت جمهوری اسلامی باشد، منع می‌شود.

Boloh مشاوران سازمان کمک‌دهنده

با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:

۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵

تماس بگیرید.



Believe in
children
Barnardo's

دفاع رابرت مالی از اصرار دولت بایدن به مذاکره با رژیم ایران: «من متخصص مغز و اعصاب نیستم که برای برجام گواهی فوت صادر کنم!»

مقام وزارت خارجه آمریکا که از حامیان سرسخت «احیای برجام» است توضیح داد: «همه کشورهایی که در حال مذاکره بودند اعم از ایالات متحده، شرکای اروپایی آن، روسیه، چین با پیشنهادی که اتحادیه اروپا روی میز گذاشته بود موافق بودند اما ایران به آن توافق پشت کرد. از آن زمان تا کنون، اتفاقات زیادی افتاده است. ایران دست به سرکوب وحشیانه معترضان زد و به روسیه پهباد ارسال کرد و برنامه‌های اتمی خود را توسعه داد... بنابراین وضعیت تغییر پیدا کرده است.»

نه فقط جمهوریخواهان و برخی اعضای دموکرات کنگره آمریکا دولت بایدن را به دلیل ناتوانی در تصمیم‌گیری در مورد مسائل مرتبط با ایران مورد انتقاد قرار می‌دهند بلکه مخالفان جمهوری اسلامی نیز دائم به واشنگتن هشدار می‌دهند هرگونه توافق یا مامشات با رژیم ایران، علاوه بر تشدید سرکوب شهروندان و اعدام آنها توسط حکومت، صلح و امنیت منطقه را نیز مختل می‌کند.

بطور مشخص دولت بایدن با نادیده گرفتن تحریم‌های رژیم ایران مستقیم و غیرمستقیم برای مقامات تهران فرصت به وجود آورده است. این در حالیست که بایدن صراحتاً اعتراف کرده بود «برجام مُرده» و حتی خود رابرت مالی اواسط تیرماه ۱۴۰۱ پس از شکست مذاکرات در دوحه تأکید کرده بود «مذاکره وقت تلف کردن بود.»

این مقام وزارت خارجه آمریکا در ادامه‌ی گفتگوی خود با رادیو ملی آمریکا به بازداشت چند شهروند آمریکایی در ایران اشاره کرده و می‌گوید «برای آزادی گروگان‌ها غیرمستقیم با تهران در حال مذاکره هستیم و از تهدیدات جمهوری اسلامی علیه شهروندانمان و همچنین نیروهای آمریکایی مستقر در منطقه آگاه هستیم.»

مجری رادیو NPR از مالی می‌پرسد «آیا برجام مُرده است؟» که وی با شوخی از پاسخ طفره می‌رود و می‌گوید: «من متخصص مغز و اعصاب نیستم که گواهی فوت صادر کنم! هدف ما رسیدن به یک نتیجه دیپلماتیک با ایران است که قابل راست‌آزمایی باشد و تضمین کند جمهوری اسلامی نمی‌تواند به سلاح اتمی دست پیدا کند که البته هنوز به چنین چیزی نرسیده‌ایم و ایران به یک توافق بسیار واقع‌بینانه پشت کرده است.»

ماری لوئیز کلی در ادامه پرسیده «آمریکا نمی‌خواست کره شمالی به تسلیحات اتمی شود اما در نهایت شد؛ آیا روزی خواهد رسید که با ایران هسته‌ای روبرو باشیم؟» مالی پاسخ داده «اصلاً این سناریویی نیست که ما به آن فکر کنیم. این به نفع آنها خواهد بود و این چیزی نیست که رئیس جمهور بایدن اجازه دهد.»

مهمان دیگر این برنامه سید ولی‌رضا نصر مشاور ریچارد هولبروک در کابینه باراک اوباما از حامیان توافق دولت آمریکا با رژیم ایران بود که گفت «در حال حاضر به نظر نمی‌رسد که بتوانیم بر اساس توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ با ایران به توافق برسیم زیرا هیچکدام از طرفین به طرف مقابل اعتماد ندارند. ایالات متحده از ایران امتیازاتی می‌خواهد که ایران حاضر نیست مستقیماً به آمریکا و اروپایی‌ها بدهد و آنها حتی دیگر قادر به گفتگو نیستند.»



رابرت مالی

فراهم کند، در مدت کوتاهی به آن می‌رسید. مالی همچنین در پاسخ به این پرسش که «آیا ادعای مقامات جمهوری اسلامی را که می‌گویند دنبال ساخت مپ اتم نیستند باور دارید؟» توضیح داده «بر اساس بررسی اطلاعاتی ما معتقدیم در این مرحله، آنها تصمیمی برای دستیابی به مپ نگرفته‌اند اما این برای ما کافی نیست و به همین دلیل است که برای ما بسیار مهم است و پوزیدنت بایدن به صراحت گفته است که اجازه نخواهیم داد ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد. اگر به این نتیجه برسیم که آنها اقداماتی را انجام می‌دهند که معادل تصمیم برای دستیابی به مپ است، از عوامل بازدارنده استفاده خواهیم کرد تا برای آنها روشن کنیم همه گزینه‌ها روی میز است. اما همچنان دیپلماسی را دنبال خواهیم کرد زیرا فکر می‌کنیم این قابل تأییدترین و پایدارترین راه برای جلوگیری از دستیابی آنها به مپ است.»

مجری می‌پرسد: «وقتی می‌گویید همه اقدامات روی میز است، وقتی می‌گویید ایران اجازه دستیابی به مپ اتم را نخواهد داشت آمریکا واقعاً چه کارهایی می‌تواند انجام دهد؟» رابرت مالی می‌گوید: «در دو سال و نیم گذشته گزینه ما دیپلماسی بود... فکر می‌کنم ثابت شده است که این مؤثرترین و پایدارترین راه برای اطمینان از عدم دستیابی ایران به مپ است. یک مسیر دیپلماتیک معتبر داریم. اما ما یک مسیر بازدارندگی معتبر نیز داریم. به عبارت دیگر، رئیس جمهور گفته است که همه گزینه‌ها روی میز است. شما می‌توانید تصور کنید که چه معنایی دارد. او به صراحت گفته است که گزینه نظامی روی میز خواهد بود. از گزینه مطلوب دور است، اما او هر کاری که لازم است انجام خواهد داد تا مطمئن شود ایران به مپ دست پیدا نمی‌کند. ما امیدواریم که بتوانیم این موضوع را از طریق راه‌های دیپلماتیک حل کنیم و آماده هستیم تا در این مسیر حرکت کنیم.»

رابرت مالی «گفتگوی آمریکا با جمهوری اسلامی به صورت مستقیم را رد کرده» اما همزمان تأکید می‌کند ماه اوت گذشته (اواخر مرداد ۱۴۰۱ و اندکی پیش از جنبش آزادیخواهی ایرانیان) به توافق نزدیک شدیم. این

رابرت مالی مسئول امور ایران در وزارت خارجه آمریکا در مصاحبه با رادیو ملی آمریکا (NPR) جمله‌ای را می‌گوید که چند سال است تکرار می‌شود: می‌دانیم جمهوری اسلامی فقط چند هفته با ساخت سلاح اتمی فاصله دارد و اگر آنها تصمیم می‌گرفتند اورانیوم را تا حد تسلیحاتی غنی کنند، به اندازه کافی به ساختن یک مپ نزدیک بودند.

وی در پاسخ به این پرسش ماری لوئیز کلی (مجری برنامه) که «چقدر طول می‌کشد تا آنها یک مپ و موشک با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای داشته باشند؟» گفت: «این اطلاعات طبقه‌بندی شده‌ای است که من نمی‌توانم وارد آن شوم، اما بیشتر طول می‌کشد... ما به شدت روی جلوگیری از تصمیم ایران برای غنی‌سازی اورانیوم در سطوح تسلیحاتی متمرکز هستیم.»

رئیس جمهور گفته است که همه گزینه‌ها روی میز است. شما می‌توانید تصور کنید که چه معنایی دارد. او به صراحت گفته است که گزینه نظامی روی میز خواهد بود. از گزینه مطلوب دور است، اما او هر کاری که لازم است انجام خواهد داد تا مطمئن شود ایران به مپ دست پیدا نمی‌کند.»

«همه کشورهایی که در حال مذاکره بودند اعم از ایالات متحده، شرکای اروپایی آن، روسیه، چین با پیشنهادی که اتحادیه اروپا روی میز گذاشته بود موافق بودند اما ایران به آن توافق پشت کرد. از آن زمان تا کنون، اتفاقات زیادی افتاده است. ایران دست به سرکوب وحشیانه معترضان زد و به روسیه پهباد ارسال کرد و برنامه‌های اتمی خود را توسعه داد... بنابراین وضعیت تغییر پیدا کرده است.»

مجری رادیو NPR از مالی می‌پرسد «آیا برجام مُرده است؟» که وی با شوخی از پاسخ طفره می‌رود و می‌گوید: «من متخصص مغز و اعصاب نیستم که گواهی فوت صادر کنم! هدف ما رسیدن به یک نتیجه دیپلماتیک با ایران است که قابل راست‌آزمایی باشد و تضمین کند جمهوری اسلامی نمی‌تواند به سلاح اتمی دست پیدا کند که البته هنوز به چنین چیزی نرسیده‌ایم و ایران به یک توافق بسیار واقع‌بینانه پشت کرده است.»

رابرت مالی مسئول امور ایران در وزارت خارجه آمریکا در مصاحبه با رادیو ملی آمریکا (NPR) جمله‌ای را تکرار می‌کند که چند سال است تکرار می‌شود. وی می‌گوید «می‌دانیم جمهوری اسلامی فقط چند هفته با ساخت سلاح اتمی فاصله دارد و اگر آنها تصمیم می‌گرفتند اورانیوم را تا حد تسلیحاتی غنی کنند، به اندازه کافی به ساختن یک مپ نزدیک بودند.»

وی در پاسخ به این پرسش ماری لوئیز کلی (مجری برنامه) که «چقدر طول می‌کشد تا آنها یک مپ و موشک با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای داشته باشند؟» گفت: «این اطلاعات طبقه‌بندی شده‌ای است که من نمی‌توانم وارد آن شوم، اما بیشتر طول می‌کشد... ما به شدت روی جلوگیری از تصمیم ایران برای غنی‌سازی اورانیوم در سطوح تسلیحاتی متمرکز هستیم.»

رابرت مالی تأکید کرده اگر جمهوری اسلامی در نظر می‌داشت تا میزان کافی اورانیوم برای دستیابی به سلاح را

ایران معبدی است که باید بازسازی شود (بخش دو)

● این پرسش به ذهن کنجکاو خطور می‌کند که چرا باید وقایع تاریخی مربوط به یهودیان را از نقطه نظر بررسی فرمانروایی خردمندانه کوروش مورد توجه قرار داد؟ پاسخ را باید در اهمیت خود کتاب «عذرا» در آیین یهود جستجو کرد. این کتاب نه فقط سوابق تاریخی قوم اسرائیل را بیان می‌کند، از همه مهمتر توضیح وی دهد که چگونه این قوم توانستند همواره اتحاد خود را حفظ نمایند. در مرکز این اتحاد نقش کوروش بزرگ پر رنگ می‌شود.

محمود مسائلی - پرسش‌ها: چرا امروزه نام کوروش بزرگ مورد توجه اکثر ایرانیانی که از ظلم رژیم مذهبی به تنگ آمده‌اند، قرار گرفته است؟ آیا منش و روش زمامداری کوروش بزرگ می‌تواند با اندیشه‌های الهی پیوند داشته باشد؟ آیا شیوه زمامداری کوروش بزرگ می‌تواند یکی از منابع الهام برای جنبش آزادیخواهی مردم از حکومت مذهبی باشد؟ چرا شاهزاده رضا پهلوی موضوع رهایی مردم از ستمگری را با مفهوم معبد در پیوند قرار داد؟ به درستی چرا ایران باید به منزله معبدی برای ما باشد که برای بازسازی آن همه ایرانیان باید تلاش کنند؟ آیا این بازسازی می‌تواند موجبات آزادی همه مردمان ستمدیده و پیروان عقاید مختلف دینی را فراهم آورد که همواره مورد ظلم و تبعیض قرار می‌گیرند؟

بخش دوم

منابع مذهبی ستایش کوروش بزرگ

همانگونه که پیشتر در بخش اول توضیح داده شد، یکی از مهمترین ابعاد ویژگی‌های شخصیتی بخشی کوروش بزرگ را می‌بایستی در کتب عهد عتیق جستجو کرد. از کوروش حدود بیست و سه بار در عهد عتیق نام برده شده است. اهمیت این جستجو نیز در این واقعیت قرار دارد که می‌تواند پژوهشگر را با الهام از این منابع از گرافه‌گویی‌های نادرست و غیرحقیقی‌رهایی ساخته فرضیه‌ها را بر مبنای منابع تاریخی معتبر و اصیل قرار دهد.

اولین کتاب مورد مراجعه کتاب «اشعیا» است که شاید مهمترین و عمیق‌ترین منبع مذهبی در ادبیات یهودی-مسیحی است.

ویژگی اصلی این کتاب مقدس این است که اولاً توسط یکی از پیامبران یهود نوشته شده، یعنی اینکه با موضوع وحی الهی در ادبیات دینی ارتباط دارد. بنابراین، بشارت دادن ظهور منجی‌ای به نام کوروش بزرگ، با موضوع وحی الهی ارتباط پیدا می‌کند. از همین زاویه است که می‌توان مفهوم معبد و ضرورت بازسازی آن را علاوه بر ابعاد سیاسی، با ویژگی‌های مربوط به وحی الهی ارتباط مستقیم داد. این ویژگی‌های وحی‌گونه اندیشه‌ورزی سیاسی را بر می‌انگیزد تا از عناد با باورمندی الهی کوتاه آمده و همانگونه که کوروش بزرگ می‌آموزد، ابعاد رهایی‌بخش الهیات برای نجات مردمان در بند را نیز مورد توجه قرار دهد.

دومین ویژگی کتاب «اشعیا» این است که حاوی پیشگویی‌های پیامبرگونه‌ای است که طی آن می‌توان بشارت ظهور کوروش کبیر را از آن دریافت. در حقیقت کوروش منجی‌رهایی‌بخشی است که در امتداد تاریخ ظهور می‌کند تا بتواند مردمان ستمدیده را از ظلم و ستم جباران برهاند. این ویژگی فرجام‌گرایانه [۱] و بشارت کوروش بزرگ می‌بایست موضوع تحقیق فلسفی جداگانه‌ای باشد تا نشان



کوروش اموال معبد یهودیان در بابل را به آنها بازمی‌گرداند (اثر گوستاو دوره)

عمده تقسیم می‌شود: کتاب اول در برگزیده فصل ۱ تا فصل ۳۹؛ تثنیه- اشعیا شامل فصل‌های ۴۰ تا ۵۵؛ و بخش سوم یعنی ترتیو- اشعیا شامل فصول ۵۶ تا ۶۶ است. [۲]

کتاب تثنیه- اشعیا آن مرجعی است که می‌بایست برای توضیح بشارت مربوط به کورش به آن مراجعه نماییم. اشعیا از کوروش به عنوان «مسح» خداوند [۳] یاد می‌کند که برای تسهیل طرح الهی برای مأموریت مقدس رهایی‌بخشی منصوب شد: «این آن چیزی است که خداوند به مسح‌شده‌اش، به کوروش، گفت که دست راستش را می‌گیرم تا اقوام مختلف را در برابر او تسخیر کنم و زره‌های پادشاهان را از تن‌شان درآورم، می‌گوید تا درها را به روی او باز کنم تا دروازه‌ها بسته نشود». [۴] آیه سوم از همین فصل، کوروش را «شبان یهوه» می‌نامد: «خزانه‌های پنهان و ثروت‌هایی را که در مکان‌های مخفی ذخیره شده‌اند ←

دهد که آیا تضادی میان فرجام‌گرایی نقش کوروش بزرگ و اراده آزاد انسانی برای رهایی وجود دارد یا نه. به نظر این نویسنده، متفکران ایرانی باید بخشی از تلاش خود را به این موضوع اختصاص دهند.

سومین ویژگی برجسته کتاب «اشعیا» این است که به دلیل مضامین مسیحایی، یعنی شخصیت نجات‌بخش دینی، به نظر این نویسنده جایگاه مهمی در فلسفه سیاسی بازی کرده است. این جایگاه با تضادهایی همراه است. یعنی اینکه از یکسو می‌تواند توان بالایی برای احقاق حقوق مظلومان و ستمدیدگان داشته باشد، در عین حال ممکن است تصورات و باورهای غلطی را دامن بزند که نتایج آن جز ویرانی چیز دیگری نخواهد بود.

کتاب «اشعیا» شامل ۶۶ فصل است و طی یک دوره حدود دو قرن گردآوری شده و عموماً توسط محققان به سه بخش

→ به شما خواهیم داد تا بدانید که من پیهو خدای اسرائیل هستم که شما را به نام احضار می‌کنم». با این استعاره‌ها، کوروش بزرگ به آن ماموریت گماشته می‌شود تا مکان‌های ناهموار را هموار کرده، و امکان بازگشت عبرانیان به سرزمین فلسطینی‌شان را فراهم می‌آورد. این ماموریت رهایی‌بخش در اجرای عدالتی است که خداوند وعده آنرا داده و کوروش بزرگ مامور اجرای آن است: «من تو را تقویت خواهم کرد، هرچند مرا نشناختی» و «ای آسمان‌ها، عدالت مرا ببارید. اجازه دهید ابرها آن را باران کنند. بگذار زمین گسترده شود، رستگاری ببارد، عدالت با آن شکوفا شود. من خداوند آن را آفریده‌ام.» [۵] در نهایت کوروش بزرگ مسئولیت بازسازی معبد را نیز به عهده می‌گیرد: «کوروش را به عدالت خود برمی‌خیزم و تمامی راه‌های او را هموار می‌سازم. خداوند قادر متعال می‌گوید که شهر مرا بازسازی خواهد کرد و تبعیدیان مرا آزاد خواهد کرد، بدون انتظار پادشاه و یا بهایی.» [۶]

با توجه به اهمیت این ماموریت رهایی‌بخش که به عهده کوروش گذاشته می‌شود، وی مورد احترام همه مردم قرار می‌گیرد و همگی این شخصیت رهایی‌بخش کوروش بزرگ را که برآمده از ویژگی‌های شخصیتی اوست تقدیس می‌کنند: «در برابر تو سجده می‌کنند و با تو دعا می‌کنند و می‌گویند: «خداوند با توست و دیگری نیست. خدای دیگری وجود ندارد.» [۷] اینگونه پیشگویی‌های رهایی‌بخش که در وجود کوروش تبلور یافت، توسط خداوند به بندگان به بند کشیده خود بشارت داده شده است: «چه کسی این را مدت‌ها قبل پیشگویی کرده است، چه کسی آن را از گذشته‌های دور اعلام کرده است؟ آیا من خداوند نبودم؟ و جز من خدایی نیست، خدای عادل و نجات‌دهنده. هیچکس جز من نیست.» [۸] آنچه در بابل اتفاق افتاد، درسی است برای بشریت تا همگان دریابند که روزی از بند رهایی خواهند یافت. اما این بشارت منوط به تسلیم در برابر بزرگی و خواست خداوندی است که راست می‌گوید و حق را اعلام می‌کند: «من از جایی در سرزمین تاریکی پنهانی صحبت نکرده‌ام. من به نسل یعقوب نگفتم: «بیهوده مرا بجوید.» من، خداوند، راست می‌گویم. من حق را اعلام می‌کنم.» [۹] هرگاه بندگان خداوند در جستجوی کلام حق باشند، دارای آن شایستگی خواهند شد تا از اسارت رهایی یابند.

این پیشگویی‌ها پس از فتح بابل توسط کوروش بزرگ، مورد تقدیر منابع مذهبی دیگری قرار گرفت. اهمیت فتح بابل به ویژه در این حقیقت قرار داشت که بابل پایتخت باستانی یک امپراتوری بزرگ بود که مرزهای آن عراق، سوریه، لبنان و اسرائیل امروزی را در بر می‌گرفت و بابل پایتخت علم و دانش جهان باستان بود. بعد از فتح بابل توسط کوروش، دیگر سرزمین‌های تابع نیز کوروش را به عنوان فرمانروای قانونی خود به رسمیت شناختند. اما اهمیت این تحولات در این امر قرار دارد که کوروش مردمی را که در اسارت بودند رها ساخت، آزادی مذهب را مورد احترام قرار داد، و خدایان مردم را تکریم نمود: «تصاویر خدایان را که در آنجا ساکن بودند، به مکان‌هایشان برگرداندم و آنها را در خانه‌های ابدی قرار دادم. همه ساکنان آنها را جمع کردم و خانه‌هایشان را به آنها بازگرداندم.» [۱۰]

از آنجا که یهودیان به عنوان پیروان مذهبی که به خدای واحد اعتقاد داشت، و پیشتر توسط فرمانرایان بابلی به اسارت و تبعید رهایی یافته و به سوی سرزمین اصلی خویش روانه گشتند، یکی دیگر از کتب عهد عتیق این نوع رهبری خردمندانه کوروش را ستایش کرده است. کتاب «عذرا» به فرمانی از کوروش اشاره دارد که می‌گوید بسیاری از مردم را

جمع کرده و به محل‌های سکونت اصلی و پیشین بازگرداند. این اقدام کوروش در پیشگویی ارمیا که پیش‌بینی می‌کند یهودیان پس از هفتاد سال باز خواهند گشت، متبلور شده است. در واقع تبعید یهودیان از سال ۵۵۵، یعنی زمانی که نبوکدنصر (بخت‌النصر) پادشاه بابل اورشلیم را تصرف کرد، تا سال ۵۳۹ که کوروش بابل را فتح کرد، ادامه داشت. برای توضیح این ستایش کوروش بزرگ، متن ترجمه شده بخشی از کتاب «عذرا» در ارتباط با نقش خردمندانه کوروش توضیح داده می‌شود. [۱۱]

۱،۱ در سال اول کوروش پادشاه ایران، برای تحقق کلام خداوند، که توسط ارمیا بیان شده بود، خداوند قلب کوروش پادشاه ایران را به حرکت درآورد تا در سراسر قلمرو خود بیانی‌های صادر کند و آن را به صورت مکتوب نماید:

۱،۲ این همان چیزی است که کوروش پادشاه ایران می‌گوید: خداوند، خدای آسمان، تمام حکمرانی زمین را به من بخشیده و مرا مأمور ساخته است تا معبدی برای او بنا کنم.

۱،۳ هر یک از قوم او در میان شما، خدایش با او باشد، به اورشلیم در یهودا برود و معبد خداوند، خدای اسرائیل، خدایی که در اورشلیم است، را بسازد.

۱،۴ مردم در هر مکانی که ممکن است هنوز زندگی کنند باید نقره و طلا، کالاها و احشام، و هدایایی را آزادانه برای معبد خداوند در اورشلیم برای آنها فراهم کنند.

۱،۵ سپس سران قوم یهودا و بنیامین و کاهنان و فرزندان یعقوب- همه کسانی که خدا دل‌شان را با یاد خود آرام ساخته بود- آماده شدند تا بروند و خانه خداوند را در اورشلیم بسازند.

۱،۶ همه همسایگان آنها با اقلام نقره و طلا، کالاها و احشام، و هدایای ارزشمند، علاوه بر همه هدایای اختیاری، به آنها کمک کردند.

۱،۷ علاوه بر این، کوروش پادشاه همه متعلقات معبد خداوند را که نبوکدنصر از اورشلیم برده و در معبد خدای خود قرار داده بود، بیرون آورد.

۱،۸ کوروش، پادشاه ایران، آنها را فرستاد که آنها را نزد شش‌بازر، شاهزاده یهودا، قرار دهند.

۱،۹ این موجودی عبارت بود از: سی ظرف طلا، هزار ظرف نقره، بیست و نه تابه نقره، سی کاسه طلا، چهارصد و ده کاسه نقره‌ای، و یک هزار قلم دیگر. در مجموع ۵۴۰۰ قطعه طلا و نقره وجود داشت.

همانگونه که پیشتر توضیح داده شد، اشعای نبی این موضوع را حدود ۲۰۰ سال قبل از پادشاهی کوروش این رویدادها را در اجرای فرمان خداوند پیشگویی کرده بود. در حقیقت، با این پیشگویی بود که کوروش بزرگ انگیزه یافت تا آنچه را در کتاب «اشعیا» نوید داده شده بود به انجام برساند.

هم‌اکنون این پرسش به ذهن کنجکاو خطور می‌کند که چرا باید وقایع تاریخی مربوط به یهودیان را از نقطه نظر بررسی فرمانروایی خردمندانه کوروش مورد توجه قرار داد؟ پاسخ را باید در اهمیت خود کتاب «عذرا» در آیین یهود جستجو کرد. این کتاب نه فقط سوابق تاریخی قوم اسرائیل را بیان می‌کند، از همه مهمتر توضیح وی دهد که چگونه این قوم توانستند همواره اتحاد خود را حفظ نمایند. در مرکز این اتحاد نقش کوروش بزرگ پر رنگ می‌شود.

هنگامی که یهودیان به بابل تبعید شدند، یهود به عنوان یک ملت مستقل دیگر وجود خارجی نداشت. اما یهودیان برای زنده ماندن و بازسازی آنچه ویران شده بود تلاش کردند. آنها باور داشتند که هنوز قوم خدا هستند و خدا آنها را فراموش نکرده است. کوروش بزرگ این ماموریت

را از جانب خداوند به عهده گرفت تا یهودیان را در احیای باورهای خویش و بازگشت به سرزمین اصلی یاری بخشد. به همین دلیل است که کوروش بزرگ در کتاب «عذرا» مورد ستایش قرار گرفته است. علاوه بر این، اهمیت کوروش را می‌توان از نقطه نظر تحقق وعده الهی نیز مورد توجه قرار داد. با کمک کوروش بزرگ، یهودیان نه تنها توانستند به سرزمین اصلی خود بازگشته و معبد بزرگ را بازسازی کنند، بلکه توانستند به تحولی معنوی نیز دست یابند. این تحول همانا در باور به وعده الهی قرار دارد. تحقق وعده خداوند توسط کوروش بزرگ زمینه‌های این تحول معنوی و تجدید اعتقاد به خدای رهایی‌بخش را برای یهودیان به ارمغان آورد. شایان ذکر است که فرمان کوروش بزرگ برای تحقق این وعده الهی، در کتاب «تواریخ» که از دیگر کتب عهد عتیق است نیز به همان شکل و مضمونی که در کتاب «عذرا» بیان شده، تکرار گشته است. این بازتأیید نقش تاریخی کوروش در اجرا و تحقق وعده الهی، بار دیگر اهمیت الهی فرمانروایی کوروش را برای آیندگان یادآوری می‌نماید. آیه ۲۲ از فصل ۳۶ کتاب دوم «تواریخ» نقش کوروش را اینگونه توضیح می‌دهد: «اکنون در سال اول کوروش پادشاه ایران، برای اینکه کلام خداوند که در زبان ارمیا بیان شده بود تحقق یابد، خداوند روح کوروش پادشاه پارس را برانگیخت و او در سراسر قلمرو پادشاهی خود اعلامیه کرد و به شکل مکتوب بیان داشت که: «کوروش، پادشاه پارس، چنین می‌گوید: خداوند، خدای آسمان، تمامی ممالک زمین را به من بخشیده است. و او به من دستور داده است که برای او خانه‌ای در اورشلیم، که در یهودا است، بسازم. هر که در میان شما از تمام قوم او باشد- یهوه خدایش با او باشد.» [۱۲]

آیه ۲۳ از همان منبع نیز بیان می‌دارد که: «یهوه خدای آسمان همه قلمرو پادشاهی زمین را به من بخشیده است. و او به من دستور داده است که برای او خانه‌ای در اورشلیم که در یهودا است بسازم. از بین همه قوم او چه کسی در میان شماست؟ خداوند خدایش با او باشد.»

این ماموریت الهی در لوح کوروش نیز مورد تأکید قرار گرفته است: «من تصاویر خدایان را که در آنجا [یعنی در بابل] ساکن بودند به مکان‌هایشان برگرداندم و آنها را در خانه‌های ابدی قرار دادم. همه ساکنان آنها را جمع کردم و خانه‌هایشان را به آنها بازگرداندم.»

[ادامه دارد]

*دکتر محمود مسائلی بنیانگذار و دبیرکل افتخاری اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل؛ با مقام مشاورتی نزد سازمان ملل متحد؛ بنیانگذار و مدیر مرکز مطالعات عالی حقوق بشر و توسعه دموکراتیک؛ اتاوا؛ کانادا

[۱] Teleological

[۲] نگاه کنید به ادبیات کتاب مقدس در دانشنامه بریتانیکا
 [۳] "This is what the LORD says to his anointed, to Cyrus"

[۴] The Book of Isaiah, chapter 45, verse number 1

[۵] The same, verse 8

[۶] Verse 13

[۷] Verse 14

[۸] Verse 21

[۹] Verse 19

[۱۰] Cyrus Cylinder. See: livius.org

[۱۱] Articles on Ancient History. Livius.org

[۱۲] <https://www.mechon-mamre.org/p/pt/pt25b36.htm#22>

ابوالفضل امیرعطایی یکی دیگر از هزاران قربانی سرکوب خشن و ضدبشری جمهوری اسلامی



ابوالفضل امیرعطایی

به گفته آنها سی‌ام شهریورماه، ابوالفضل به محله مادر بزرگش رفته بود و «قرار بود مدرسه‌ها باز شود. پاتوقش همیشه همانجا بود رفته بود دوستانش را ببیند و خداحافظی کند» که اعتراضات شروع شد و ابوالفضل هدف اصابت گلوله قرار گرفت.

بر اساس گزارش‌ها، فردی از یک شماره ناشناس با مادر ابوالفضل تماس گرفته و خبر مجروح شدن فرزندش را به او اطلاع داده اما ادعا کرده که ابوالفضل فقط یک زخم کوچک برداشته است.

شاهدان گفته‌اند بیمارستان اجازه ملاقات با ابوالفضل را نمی‌داد و در بخش آی‌سی‌یو تخت او را با فاصله زیادی از پنجره گذاشته بودند که حتی خانواده‌اش نمی‌توانستند صورت او را ببینند. گفته می‌شود که مأموران امنیتی نگران انتشار عکس و فیلم آسیب فبیج در مجموعه‌ی این کودک بودند. ابوالفضل پنج ماه در آی‌سی‌یو بیمارستان «هفتم تیر» بستری بود و در طول این مدت پس از چندین روز مقاومت در نهایت مسئولان بیمارستان اجازه دادند مادرش روزی فقط ده دقیقه بالای سر فرزندش حاضر باشد.

درمان ابوالفضل در حالی طی هشت ماه گذشته ادامه داشت که او پس از پنج ماه بستری بودن در بخش آی‌سی‌یو بیمارستان «هفتم تیر» مرخص و به خواست بیمارستان برای ادامه درمان به خانه منتقل می‌شود. برخی منابع مطلع گفته‌اند که در بیمارستان «هفتم تیر» پیش از ترخیص ابوالفضل از خانواده تعهد گرفته بودند که از سپاه، بسیج و نیروی انتظامی شکایت نکنند.

پس از انتقال وی به خانه با توجه به وضعیت این نوجوان، او تب و لرز کرده و سرش به شدت ورم می‌کند و دچار هیدروسفالی می‌شود. ابوالفضل بار دیگر به بیمارستانی دیگر منتقل شده و یک خیریه هزینه درمان او را به عهده می‌گیرد. در بیمارستان جدیدی که ابوالفضل بستری بود بار دیگر عمل جراحی انجام شد و حالش رو به بهبود رفت. چشم‌هایش را حرکت می‌داد، پلک می‌زد و دکتر وی امیدوار بود روند بهبود ادامه پیدا کند. هرچند گفته شد که با توجه به خرد شدن یک بخش از جمجمه و ضربه شدید مغزی او برای مدت‌های طولانی و احتمالاً برای همیشه از بازگشت به زندگی عادی محروم شده است.

ابوالفضل اما روز جمعه ۵ خرداد ۱۴۰۲ جان باخت و به ده‌ها کودک و نوجوانی پیوست که توسط جمهوری اسلامی کشته شده‌اند.

گزارش منابع حقوق بشری نشان می‌دهد جمهوری اسلامی بیش از ۶۰ کودک را در ۷ ماه گذشته به قتل رسانده است و صدها کودک را بازداشت و شکنجه کرده است.

بود. دوست داشت زبانش را کامل کند و خیلی دوست داشت از ایران برود.

ابوالفضل روز ۳۰ شهریور در جریان اعتراضات جنبش ملی، با شلیک گاز اشک‌آور از سوی مأموران جمهوری اسلامی در شهری از فاصله یک متری به سرش مجروح شد. گلوله وارد سر ابوالفضل شده و سمت چپ جمجمه این کودک را متلاشی کرده بود.

ابوالفضل به کما رفت و پزشکان برای نجات جان وی چند عمل جراحی روی جمجمه و مغز او انجام دادند و حتی ناچار به تخلیه برخی رگ‌های عصبی‌اش شدند.

طی هشت ماه گذشته ابوالفضل در کما بود. ولی چند روز پیش چشم‌هایش را باز کرد و سطح هوشیاری او افزایش یافت اگرچه اما توان حرکت یا صحبت کردن نداشت.

پنج روز پیش از جان باختن ابوالفضل مادرش خبر داده بود که ابوالفضل امیرعطایی از کما درآمده و به اطرافش واکنش نشان می‌دهد. در ویدئوی دردناکی که مادر وی منتشر کرده،



● ابوالفضل امیرعطایی نوجوان متولد ۳۰ تیرماه ۱۳۸۴ دانش‌آموز کلاس دهم هنرستان «شهید کریمی» ورامین، یکی از هزاران قربانی سرکوب‌های خشن و ضدبشری جمهوری اسلامی است.

● او به کلاس زبان می‌رفت. عاشق فوتبال بود. هم فوتبالیست خوبی بود و هم گیمر خیلی خوبی بود. خیلی بچه شادی بود. پرانرژی و اجتماعی بود. خیلی حیوان‌دوست بود. ● در بیمارستان «هفتم تیر» پیش از ترخیص ابوالفضل از خانواده تعهد گرفته بودند که از سپاه، بسیج و نیروی انتظامی شکایت نکنند.

ابوالفضل امیرعطایی نوجوان ۱۶ ساله‌ای که در جریان اعتراضات با شلیک مستقیم گاز اشک‌آور از فاصله نزدیک به سرش مجروح شده و به کما رفته بود پس از هشت ماه جان باخت. ابوالفضل امیرعطایی نوجوان متولد ۳۰ تیرماه ۱۳۸۴ دانش‌آموز کلاس دهم هنرستان «شهید کریمی» ورامین،



این نوجوان در پاسخ به درخواست مادر، انگشت خود را حرکت داده و پلک می‌زد.

مادر ابوالفضل روز گذشته پس از جان باختن فرزندش با انتشار تصویری از او نوشت: «ماه‌م رفت؛ ماهت پمیرد آسمان.» یک شاهد عینی پیشتر درباره مجروح شدن ابوالفضل به «رادیو فردا» گفته بود که شب سی شهریور در میدان نماز شهر ری، نیروهای گارد ویژه، مردم معترض را دوره کردند و از فاصله بسیار نزدیک و در حالی که معترضان در میان مأموران گیر افتاده بودند به سوی آنها گاز اشک‌آور شلیک می‌کردند.

یکی دیگر از هزاران قربانی سرکوب‌های خشن و ضدبشری جمهوری اسلامی است که در اعتراضات ۱۴۰۱ هدف اصابت گاز اشک‌آور از فاصله یک متری قرار گرفت و پس از هشت ماه روز گذشته، جمعه پنجم خرداد ۱۴۰۲، جان باخت. به گفته نزدیکانش وی از کودکی به کلاس زبان می‌رفت. عاشق فوتبال بود. هم فوتبالیست خوبی بود و هم گیمر خیلی خوبی بود. خیلی بچه شادی بود. پرانرژی و اجتماعی بود. خیلی حیوان‌دوست بود. مخصوصاً سگ‌ها را خیلی دوست داشت و خیلی به سگ‌ها کمک می‌کرد. خوش‌قلب و مهربان



فساد ۲۰ هزار میلیارد تومانی در شهرداری بسیجی عدالتخواه!

برای دوره ما نبوده و برای یکی از معاونین سابق بوده که ما به محض مطلع شدن موضوع وی را از سمت خود برداشتیم و شخص معاون نیز خود این کار را انجام نداده بود؛ بلکه سه نفر از افرادی که توسط این فرد منصوب شده بودند اقدام به اختلاس به مبلغ ۶.۵ میلیارد تومان کرده بودند... ماه گذشته نیز وبسایت «اقتصاد نیوز» در گزارشی از ریخت و پاش‌های شهرداری تهران خبر داد و نوشت شهرداری تهران برای چراغانی میدان ولیعصر چهار میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان هزینه کرده است.

در این گزارش آمده است: «شاید بسیاری از شهروندان تهرانی با سامانه شفافیت و کارکردهایش آشنایی نداشته باشند. در این سامانه بودجه سالیانه شهر تهران، قراردادهای شهرداری و آرای کمیسیون ماده ۵ و... بازگذاری می‌شود.

از میان قرار دادهای بازگذاری شده در سامانه شفافیت در اسفند ماه، یکی مربوط به سقف نوری میدان ولیعصر است. ۴ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان هزینه این پروژه شده است. سازمان زیباسازی در این ماه قرار دادهای دیگری هم به ثبت رسانده مانند اجاره دو واحد مسکونی ۱۳۱ متری و ۹۲ متری در برج‌های دیپلمات کیش که مجموعه ۳ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان برای تهران هزینه داشته است. این سازمان قرارداد دیگری هم با شبکه افق به ثبت رسانده که ۲ میلیارد تومان برای تولید برنامه تلویزیونی «جشن محله‌ها» هزینه کند. در قرار داد دیگری که مربوط به سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران است، سازمانی که حوزه فعالیت هایش حمایت از بی‌خانمان‌ها و آسیب دیدگان اجتماعی است. ساخت مستندی نیمه بلند با موضوع امام حسین با عنوان «روی خط امام حسین» دیده می‌شود. این سازمان برای تولید انیمیشن و موشن گرافیک احتمالا با موضوع مرتبط با حوزه فعالیت‌هایش هم قراردادی ۹۰۰ میلیونی به ثبت رسانده است. این درحالی است که چند سالی است در شهرداری تهران مرکزی برای تولیدات رسانه‌ای در حوزه شهری با عنوان شبکه شهر ایجاد کرده است.

بدون شک همین ریخت‌وپاش‌های غیرضروری که مبالغ هنگفتی در آنها رد و بدل می‌شود یکی از درگاه‌های فساد و رانت‌پاشی شهرداری تهران است.

حسین حسینی استاد بازنشسته اقتصاد و از فعالان شورای شهرسازی پیش از این در مورد نقش شوراهای اسلامی شهر در فساد شهرداری‌ها به ایرنا گفته بود: «بزرگترین چالش ایجاد فساد در شهرداری‌ها به عدم نظارت شوراهای و ضعف آنها و حتی آلودگی خودشان به فساد بر می‌گردد و به عبارتی، آنچه امروز در شهرداری‌ها به عنوان شهرداری ناسالم می‌شناسیم، خروجی شوراهای ناسالم است.»

سال ۱۳۹۸ از بروز فساد به ارزش ۲۰ هزار میلیارد تومان در شهرداری تهران و در یک بازه ۱۲ ساله خبر داده بود.

مجید فراهانی با بیان بررسی بودجه و ردیف هزینه‌ها و درآمدها از سال ۸۴ تا ۹۶ توضیح داده بود که «وقتی مجموع درآمدهای حاصله را از مجموع هزینه‌های انجام شده در این بازه زمانی کسر می‌کنیم به یک شکاف ۲۰ هزار میلیارد تومانی طی مجموع ۱۲ سال گذشته می‌رسیم و معلوم نیست این ۲۰ هزار میلیارد تومان کجا رفته و باید این رقم گمشده تعیین تکلیف شود.»

بر اساس توضیحات مجید فراهانی اکثر مبالغ «ناپدید» شده در شهرداری تهران به قراردادهای صوری باز می‌گردد که میان شهرداری و افراد حقیقی و حقوقی امضا و بعد مبالغ هنگفت میلیاردری جابجا شده است.

محمد جواد حق‌شناس رئیس پیشین کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر تهران دو سال پیش در گفتگو با «ایسنا» به موضوع فساد شهرداری تهران در زمان محمد باقر قالیباف اشاره کرده و گفته بود: «با وجود چنین فساد است که هر روز شاهد بروز انواع و اقسام سوء استفاده‌های بزرگ و سرپوش‌های قانونی بزرگ برای فسادهای بزرگ هستیم.» وی اضافه کرده: «یکی از حوزه‌هایی که دست کم در دو دهه اخیر به شدت تحت تاثیر فساد سیاسی و اقتصادی بوده مدیریت شهری تهران است. جناب آقای قالیباف با افتخار فرمودند که اصلاح طلبان در باتلاق شهرداری غرق خواهند شد. ایشان به خوبی به زوایا و عمق فساد و کلاف سر درگمی که برای مدیریت جدید به میراث گذاشته شده با خبر بودند.» روزنامه دنیای اقتصاد نیز دو سال پیش بر اساس «طرح تدوین سند راهبردی مقابله با فساد در شهرداری تهران» به بررسی ۲۰ فرایندی پرداخته که مهمترین درگاه‌های فساد در شهرداری تهران بوده است. این روزنامه از جمله به «برگزاری مزایده‌ها و مناقصه‌ها» و «فرایند تعامل شهرداری و شوراها و نظارت بر آنها» اشاره کرده بود.

شهرداری‌ها از جمله مراکز توزیع رانت و فساد در جمهوری اسلامی هستند و در تهران به دلیل حجم بالای بودجه‌های جاری در بخش‌های مختلف شهرداری و گستردگی فعالیت‌های این نهاد در پایتخت، فساد بیشتری در جریان است. در سالهای گذشته بارها خبر بازداشت مدیران و کارمندان شهرداری‌ها در شهرهای مختلف به دلیل فساد مالی و اداری منتشر شده است. اعضای شورای اسلامی شهر تهران اسفندماه گذشته در جریان بررسی بودجه سازمان‌ها و شرکت‌های شهرداری تهران از اختلاس ۶.۵ میلیارد تومانی در سازمان میادین میوه و تره‌بار خبر دادند. پس از افشای این فساد، ایوب فصاحت مدیرعامل سازمان میادین میوه و تره‌بار شهرداری تهران گفته بود: «این اختلاس

● ناصر امانی عضو شورای اسلامی شهر تهران: سخنگوی شهرداری تهران اعلام کرد که پرونده فساد در شهرداری تهران کشف کردند که به اندازه نصف بودجه شهرداری یعنی حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان است.

● مشخص نیست این پرونده فساد جدید و به دوران علیرضا زاکانی مرتبط است یا همان پرونده پیشین مربوط به دوره ریاست سردار محمدباقر قالیباف در شهرداری تهران است.

● شهرداری‌ها از جمله مراکز توزیع رانت و فساد در جمهوری اسلامی هستند و در تهران به دلیل حجم بالای بودجه‌های جاری در بخش‌های مختلف شهرداری و گستردگی فعالیت‌های این نهاد در پایتخت، فساد بیشتری در جریان است.

بر اساس اطلاعات ارائه شده از سوی یکی از نمایندگان شورای اسلامی شهر تهران، فساد به ارزش ۲۰ هزار میلیارد تومان در شهرداری تهران رخ داده که برابر با نیمی از بودجه سالانه شهرداری است!

ناصر امانی عضو شورای اسلامی شهر تهران در مورد کشف پرونده فساد ۲۰ هزار میلیارد تومانی در شهرداری تهران، خواستار ارائه گزارشی از سوی شهرداری به شورای شهر شد و بر انتشار جزئیات بیشتر پرونده تأکید کرد.

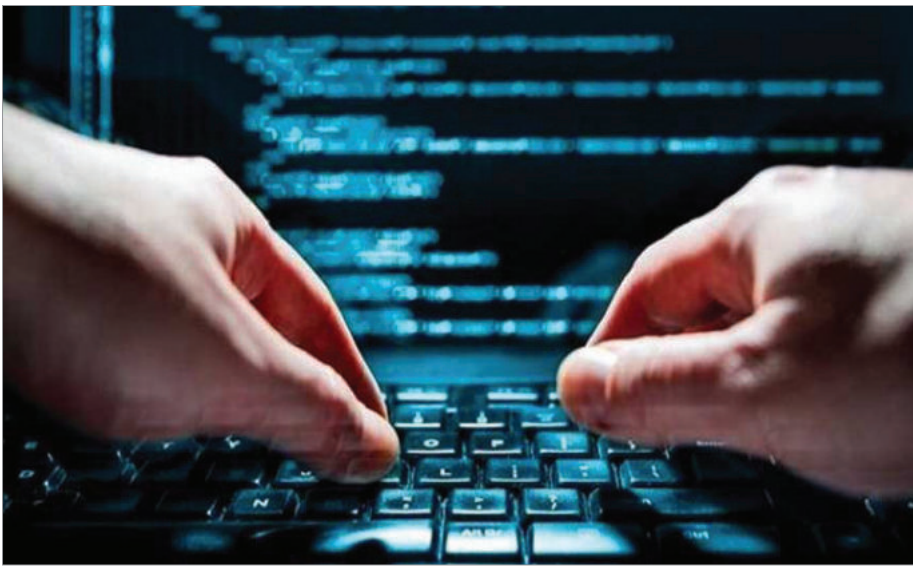
ناصر امانی گفته که در ابتدا سخنگوی شهرداری تهران اعلام کردند که پرونده فساد در شهرداری تهران کشف کردند که به اندازه نصف بودجه شهرداری یعنی حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان است که «این عدد برایم عجیب و تکان‌دهنده بود.»

این عضو شورای اسلامی شهر با تأکید بر اینکه علیرضا زاکانی شهردار تهران نیز در مصاحبه مطبوعاتی خود از این پرونده ۲۰ هزار میلیاردری سخن گفتند، افزوده که «آقای زاکانی با سخنان خود وجود چنین پرونده‌ای را تأیید کردند و ما منتظر هستیم که گزارشی را در این خصوص به شورای شهر ارائه بدهند و یا در راستای تنویر افکار عمومی، جزئیات بیشتری از این پرونده را منتشر کنند.»

ناصر امانی در پاسخ به این سوال که آیا از شهرداری درخواست جزئیات پرونده را داشتید، گفت: «در فضای رسانه‌ای از آنها خواستیم که گزارش را به اعضای شورای شهر تهران به عنوان نماینده مردم ارائه بدهند؛ اما تا کنون که مطلبی به ما نرسیده است.»

ناصر امانی اشاره نکرده این پرونده فساد جدید و به دوران علیرضا زاکانی مرتبط است یا همان پرونده پیشین مربوط به دوره ریاست سردار محمدباقر قالیباف در شهرداری تهران است. چهار سال پیش اعضای شورای شهر تهران درباره این پرونده افشاکاری کردند. مجید فراهانی رئیس کمیته بودجه شورای شهر تهران آذرماه

سود سرشار کاسبان خودی فیلترینگ؛ گردش مالی ۴۰ تا ۵۰ هزار میلیارد تومانی



● جلال رشیدی کوچی نماینده مجلس شورای اسلامی: با فیلترینگ فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بازار پرسود مکاره‌ای برای فروش فیلترشکن رقم می‌زنیم. متأسفانه اکنون صحبت از عددهای بالای ۴۰ هزار میلیارد و ۵۰ هزار میلیارد تومان حاصل از فروش فیلترشکن است.

● حسن آصفری عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور در مجلس شورای اسلامی: درآمد و گردش مالی کاسبان فیلترینگ در سال بیش از ۵۰ هزار میلیارد تومان است و یک ریال هم مالیات نمی‌دهند.

● جواد نیک بین عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی: با بستن دهان‌ها افکار بسته نمی‌شود و انسان‌ها آرام نمی‌گیرند. ما باید مغزها، فکرها، دیدگاه‌ها و نگاه‌ها را تغییر دهیم لذا فیلتر کردن قطعا نتیجه مثبتی نداشته و ندارد.

یک نماینده مجلس شورای اسلامی گردش مالی فیلترینگ در ایران را ۴۰ تا ۵۰ هزار میلیارد تومان اعلام کرده و گفته بازار پرسود و مکاره‌ای پشت پرده فیلترینگ شکل گرفته که دست افراد خاصی است.

فیلترینگ، کاهش سرعت و ایجاد اختلال در اینترنت همچنان ۹ ماه پس از آغاز اعتراضات خیزش ملی در ایران ادامه دارد. دولت مدت‌هاست در تلاش است طرح معروف به «صیانت از فضای مجازی» را نیز به قانون تبدیل کند. هرچند محدود ساختن اینترنت و دیگر بخش‌های این طرح در عمل در حال اجراست اما به دلیل مخالفت و مقاومت برخی نمایندگان این طرح در مجلس شورای اسلامی به بن‌بست خورد و در نهایت سرنوشت آن به دست شورای عالی فضای مجازی سپرده شد.

جلال رشیدی کوچی از جمله نمایندگان مخالف طرح صیانت از فضای مجازی و محدودیت شبکه‌های اجتماعی که پیشتر این طرح را «تولد یک نوع دیکتاتوری در فضای مجازی» دانسته بود، اکنون از گردش مالی ۴۰ تا ۵۰ هزار میلیارد تومانی فیلترینگ در کشور خبر داده است.

این نماینده مجلس شورای اسلامی گفته که «با فیلترینگ فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بازار پرسود مکاره‌ای برای فروش فیلترشکن رقم می‌زنیم. متأسفانه اکنون چنین بازار مکاره‌ای شکل گرفته و صحبت از عددهای بالای ۴۰ هزار میلیارد و ۵۰ هزار میلیارد تومان حاصل از فروش فیلترشکن است. بازاری که هیچ نظارتی هم روی آن وجود ندارد».

او افزوده که «اخیرا در پیچ اینستاگرام شخصی خودم درخصوص میزان هزینه‌کرد ماهانه برای خرید فیلترشکن نظرسنجی ترتیب دادم که ۳۰ هزار نفر در آن نظرسنجی شرکت کردند و ۸۰ تا ۸۵ درصد شرکت‌کنندگان اعلام کردند ماهانه بالای ۱۰۰ هزار تومان هزینه فیلترشکن می‌پردازند.» او همچنین تأکید کرده که «این فیلترشکن‌ها بعد از دو هفته هم قطع می‌شوند و مصرف‌کننده دستش به جایی بند نیست» گفته که «وقتی چنین عدد بزرگی را در ضریب‌های بالاتر ضرب کنیم، به عدد بسیار بزرگ و گردش مالی عجیبی می‌رسیم که هیچ نظارتی هم بر این بازار پرسود وجود ندارد. بازاری که تبعات منفی برای کشور، جامعه و اقتصاد ما همراه داشته است. بازاری که دست افراد خاصی است و به دلیل پرسود بودن حتماً افراد معمولی نمی‌توانند به آن راه پیدا کنند.» این نماینده مجلس شورای اسلامی از جنبه دیگری از درآمدزایی کاسبان فیلترینگ خبر داده و گفته که «وقتی فیلترشکن روی گوشی‌هایمان نصب می‌کنیم و وارد اینترنت

می‌شویم، عملاً مصرف دیتای ما بالا می‌رود. یعنی اگر در مواقع عادی یک بسته ۱۰ گیگی را در یک ماه استفاده می‌کردیم، در صورت استفاده از فیلترشکن مصرف دیتا و ترافیک به ۱۵ گیگا بایت در ماه افزایش می‌یابد. به همین دلیل آنجا هم هزینه اضافی به شما تحمیل می‌شود. هزینه‌ای که پولش به جیب مخابرات می‌رود.»

جلال رشیدی کوچی گفته که در نظرسنجی‌ای که اخیراً در یکی از پیج‌های شخصی خود منتشر کرده و ۳۰ هزار نفر در این نظرسنجی شرکت کرده‌اند، حدود ۸۵ درصد شرکت‌کنندگان اعلام کرده‌اند ماهانه بیش از ۱۰۰ هزار تومان برای خرید فیلترشکن هزینه می‌کنند. رشیدی، این تراکنش مالی را در سطح بالاتر کشوری رقمی بسیار عجیب توصیف کرد و گفت که هیچ نظارتی هم بر این بازار مکاره وجود ندارد.

حسن آصفری عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور در مجلس شورای اسلامی هم پیشتر از سود سرشار «کاسبان فیلترینگ» خبر داده و گفته بود که «درآمد و گردش مالی کاسبان فیلترینگ در سال بیش از ۵۰ هزار میلیارد تومان است و یک ریال هم مالیات نمی‌دهند. چطور دولتی که می‌تواند فیلتر کند، نمی‌تواند این‌ها را نیز مجدداً فیلتر کند؟ به نظر می‌رسد کاسبان فیلترینگ در برخی مجموعه‌ها نفوذ دارند و اعتقاد دارم این موضوع باید مدیریت شود.» همچنین جواد نیک بین عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی درباره فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی گفته که «با بستن دهان‌ها افکار بسته نمی‌شود و انسان‌ها آرام نمی‌گیرند. ما باید مغزها، فکرها، دیدگاه‌ها و نگاه‌ها را تغییر دهیم لذا فیلتر کردن قطعا نتیجه مثبتی نداشته و ندارد. فیلتر کردن باعث نمی‌شود مردم کمتر فضای مجازی ببینند اتفاقاً درصد خیلی کمی کاهش پیدا کرده آن هم به جهت اینکه هجمه بسیار زیادی در حوزه فیلترینگ است.» این نماینده مجلس هم به درآمدهای ناشی از فیلترینگ اشاره کرده و گفته که «فیلترینگ باعث شده تا فروش VPN در فضای غیررسمی آنقدر زیاد شود که بخش زیادی از هزینه‌های مردم و پول این کشور خرج VPN شود. این VPN را چه کسی تولید می‌کند همان که ما با آن ارتباط خوبی نداریم. خرید VPN یعنی فروش اطلاعات شخصی ما به یک کشور واسطه و بعد به آن کشور مبدأ؛ مثلاً اگر

می‌شویم از واتس‌آپ استفاده کنیم و مبدأ کشور الف باشد ما به صورت مستقیم نمی‌توانیم به آن کشور مرتبط شویم لذا می‌رویم به کشور ب اطلاعات خود را می‌دهیم و بعد می‌آییم از کشور الف اطلاعاتمان را می‌گیریم.» فیلترینگ اگرچه برای برخی «خودی»های جمهوری اسلامی کاسی جدید و سود سرشار در بر داشته اما زیان گسترده‌ای به اقتصاد ایران وارد کرده و دست‌کم یک میلیون شغل را نابود کرده است.

جلال محمودزاده نماینده مجلس شورای اسلامی فروردین امسال درباره خسارت‌های ناشی از فیلترینگ گفته بود که «با محدودیت اینترنت و اجرای طرح صیانت، قبل از ابلاغ مجلس و اجرای غیرقانونی آن، ۱۰ میلیون شغل در سطح کشور از دست رفت، یعنی در طول یک سال و نیم دولت آقای رئیسی به جای اینکه یک میلیون و نیم شغل ایجاد کنیم، هشت میلیون و نیم شغل را از دست دادیم. بر اساس آمارهای موجود، دولت از شروع کار فقط ۳۰۰ هزار مسکن ساخته است، یعنی شعارهای دولت کاملاً غیرعملی و برعکس بوده است.» شرکت «Top1۰Vpn» که در زمینه آزمایش و بررسی خدمات VPN فعالیت دارد اسفندماه گذشته با انتشار یک گزارش از خسارت‌های ناشی از محدود ساختن اینترنت در کشورهای مختلف منتشر کرده است. بر اساس این گزارش در سال ۲۰۲۲ ایران در کنار روسیه و قزاقستان بیشترین خسارت‌های اقتصادی ناشی از محدودیت‌های اینترنتی توسط دولت‌های مستقر را متحمل شده‌اند.

در این گزارش ایران در رتبه دوم رده‌بندی کشورهایی با بیشترین خسارت اقتصادی ناشی از محدود ساختن حکومتی اینترنت قرار دارد. رقم خسارت ناشی از فیلترینگ و قطع اینترنت در ایران ۷۷۳ میلیون دلار برآورد شده و تأکید شده است که محدود ساختن اینترنت زندگی ۷۲ میلیون کاربر ساکن ایران را به اشکال مختلف متأثر کرده است.

در این گزارش آمده که فیلترینگ اینستاگرام و واتس‌آپ از ابتدای مهرماه سال ۱۴۰۱ تقاضا برای VPN از سوی کاربران ایرانی را بیش از سه هزار درصد افزایش داده است. این شرکت جمع تعطیلی شبکه‌های اجتماعی در ایران طی سال ۲۰۲۲ را حدود ۴۸۶۳ ساعت برآورد کرده است. ←

فیلترینگ نتوانسته برای حضور ایرانی‌ها در اینستاگرام مشکل ایجاد کند



در اینستاگرام آمده که بسیاری از این کاربران تصور داشتند با فیلترینگ اینستاگرام، این شبکه اجتماعی نیز همچون فیسبوک از رده‌بندی شبکه‌های اجتماعی پرتعداد ایرانی خارج می‌شود، اما داده‌های «دیتاک» نشان می‌دهد که پس از اعتراضات، حجم محتوای عمومی این بستر به مرور افزایش یافته است.

در سال ۱۴۰۱، بیشترین هشتگ‌ها به موضوع اعتراضات مربوط بوده که در شبکه‌های اجتماعی مختلف توسط کاربران ایرانی استفاده شده است.

در اینستاگرام کاربران ایرانی هشتگ «ایران» بالاترین تکرار را داشته و هشتگ‌های «بلوچستان»، «تهران»، «عشق» و «مهسا امینی» هم جزو هشتگ‌های پرتکرار بوده‌اند.

یافته‌های دیتاک نشان می‌دهد در سال گذشته از ۶ میلیون اکانت عمومی ایرانی در اینستاگرام ۴۵۰ میلیون پست منتشر شده و کاربران ایرانی در هر ثانیه بیش از ۲۵ هزار بار پست‌های اینستاگرام را می‌بینند.

سال گذشته، ایرانی‌ها در هر ثانیه حدوداً ۲۳۳ توییت منتشر کرده‌اند و ۹۵ درصد از مجموع توییت‌ها، بازنشر توییت‌ها و تنها پنج درصدشان دست اول بوده است.

فیسبوک، یوتیوب، اینستاگرام، واتس‌آپ، وی‌چت، تیک‌تاک، تلگرام، اسنپ‌چت، توییتر و پینترست محبوب‌ترین شبکه‌های اجتماعی در جهان هستند و بیشترین تعداد کاربران را دارند اما همه این ۱۰ شبکه پُرکاربر جهان در ایران فیلتر هستند. «دیتاک» با شعار «مانیتورینگ و مدیریت هوشمند شبکه‌های اجتماعی» شرکتی است در تهران که بر مبنای دانش تکنولوژی، گزارش‌های تحلیلی، از جمله فعالیت‌های آن است.

مؤمن‌نسب با بیان اینکه هر کشور متناسب با نیازهای کشور خود، محدودیت‌هایی را برای فضای مجازی تصویب و اجرا کرده است، گفته که مدل کره شمالی مورد مطلوب نبوده و در ایران قابل اعمال نیست: «اما بطور مثال در کره جنوبی که سیاست‌هایش نزدیک‌تر به ماست، هیچ پیام‌رسانی شاید فیلتر نباشد، اما مردم پیام‌رسان بومی را ترجیح داده‌اند.»

● در اینستاگرام کاربران ایرانی هشتگ «ایران» بالاترین تکرار را داشته و هشتگ‌های «بلوچستان»، «تهران»، «عشق» و «مهسا امینی» هم جزو هشتگ‌های پرتکرار بوده‌اند.

● بر اساس آخرین اطلاعات «دیتاک» با وجود فیلترینگ گسترده، ۴۲ تا ۴۶ درصد مردم در ایران از اینستاگرام استفاده می‌کنند. تعداد کاربران تلگرام هم به ۶۱ میلیون تن می‌رسد.

● تا پایان سال ۱۴۰۱ حدود ۵۸ تا ۶۱ میلیون ایرانی از تلگرام استفاده کرده‌اند. اینستاگرام هم ۴۲ تا ۴۶ میلیون کاربر ایرانی دارد و حدود چهار میلیون تن هم در توییتر فعال هستند.

وبسایت «زومیت» خبری درباره گزارش سالانه «دیتاک» در مورد استفاده ایرانیان از شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده است. بر اساس این گزارش، ۶۰ درصد از کل کاربران اینترنت در جهان عضو شبکه‌های اجتماعی هستند.

در ایران ۵۴ درصد از مردم در شبکه‌های اجتماعی مختلف عضو هستند. «دیتاک» با هدف دریافت اطلاعات از رفتار کاربران ایرانی در سال ۱۴۰۱ گزارش سالانه خود را منتشر کرده است.

بر اساس یافته‌های این سازمان، با وجود تمام محدودیت‌هایی که برای اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در ایران وجود دارد، تا پایان سال ۱۴۰۱ حدود ۵۸ تا ۶۱ میلیون ایرانی از تلگرام استفاده کرده‌اند. اینستاگرام هم ۴۲ تا ۴۶ میلیون کاربر ایرانی دارد و حدود چهار میلیون تن هم در توییتر فعال هستند.

در گزارش «دیتاک» در مورد میزان فعالیت کاربران ایرانی شده است که اینستاگرام با تغییر رمزنگاری خود، کل این رویه فیلترینگ را دور زد.

این نماینده مجلس شورای اسلامی درباره جایگزین‌های فیلترینگ گفته که «در حوزه رمزنگاری، محدودکردن بخشی از نرم‌افزارها ممکن نیست. الان دو راه وجود دارد: یا پلتفرم‌ها در ایران دفتر بزنند و برای محتواهایشان پاسخگو باشند یا از اساس بسته (فیلتر) شوند. اگر راه سوم وجود دارد، بگویید.»

سازمان «سیمیلار وب» نیز در فروردین ۱۴۰۲ فهرست پربازدیدترین وبسایت‌ها و پیام‌رسان‌های جهان در سال ۲۰۲۲ را منتشر کرد. داده‌های این وبسایت نشان می‌دهد که از ۱۰ وبسایت پربازدید جهانی، ۵ پیام‌رسان در ایران مسدود و فیلتر هستند که شامل یوتیوب، فیس‌بوک، توییتر، اینستاگرام و واتس‌آپ می‌شود.

از ۵ وبسایت فیلترنشده هم ۲ مورد برای ایرانی‌ها کاربردی ندارد چون به زبان چینی (یادو) و روسی (یاندکس) هستند. بنابراین، از ۱۰ وبسایت پربازدید جهان، تنها ۳ پلتفرم (گوگل، ویکی‌پدیا و یاهو) قابل استفاده برای ایرانی‌هاست که دسترسی به آنها نیز با محدودیت‌های مودی روبروست.

فیلترینگ اینترنت در ایران دارای قواعد چندان روشنی نیست. بر اساس ماده ۲۲ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، کمیته‌ای به نام «کمیته تعیین مصادیق محتوای مجرمانه» در دادستانی کل کشور تشکیل شده که اعضای آن ۱۲ نفرند و ریاست آن با دادستان کل کشور است. اما کارشناسان می‌گویند تصمیم برای فیلترینگ در محافل حکومتی و دولت و با دستورات و نظارت رهبری جمهوری اسلامی اتخاذ می‌شود.

عیسی زارع‌پور وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات به تازگی درباره فیلترینگ گفته بود که «در حوزه شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها همانطور که قبلاً اعلام شد، ما از فعالیت هر پلتفرم و سکوی خارجی در جمهوری اسلامی ایران استقبال می‌کنیم، مشروط بر اینکه به قواعد خودشان پایبند باشند و در ایران دفتر ایجاد کرده و در قبال اتفاقاتی که در پلتفرم‌شان رخ می‌دهد، پاسخگو باشند.»

وی با بیان اینکه «در مورد فیلتر یا رفع فیلتر، یک کمیته ۱۳ نفره تصمیم می‌گیرند که وزارت ارتباطات نیز یک عضو از آن کمیته است» گفته بود که ابراهیم رئیسی در حکم دبیر جدید شورای عالی فضای مجازی یک بند را قید کرده که باید در مصادیق و سیاست‌های فیلترینگ که در سال‌های گذشته وضع شده، بازنگری انجام شود که این مسأله در دستور کار مرکز ملی فضای مجازی است.

وزیر ارتباطات همچنین درباره گوگل‌پلی و رفع فیلتر آن برای کاربران ایرانی گفته که «نظر تخصصی وزارت ارتباطات بر باز شدن گوگل‌پلی است و در کارگروه پیگیری بازگشایی آن هستیم.» گوگل‌پلی (GooglePlay) فروشگاه اصلی و رسمی گوگل برای خرید و فروش بازی، اپلیکیشن و دیگر محتوای مربوط به دستگاه‌های اندروید است که فیلترینگ آن چندی پیش در واکنش به حذف برخی پیام‌رسان‌های ایرانی از این بازار صورت گرفته بود.

اینهمه در حالیست که همچنان بخشی از حکومت به شدت به دنبال ادامه فیلترینگ هستند. محمدجعفر منتظری دادستان کل کشور معتقد است که «فیلتر برخی شبکه‌های اجتماعی مصوبه لازم‌الاجراست و تا زمانی که مدیران شبکه‌های اجتماعی حاضر نشوند مقررات ما را بپذیرند شرایط ادامه خواهد داشت.»

جمهوری اسلامی هزینه زیادی هم برای انجام فیلترینگ هوشمند انجام داده که البته تا کنون بی‌نتیجه بوده است. روح‌الله مؤمن‌نسب حامی طرح صیانت و دبیرکل جبهه انقلاب اسلامی در فضای مجازی، مدعی شد طی سال‌های گذشته حدود ۲۰۰ میلیارد تومان خرج فیلترینگ هوشمند

جمهوری اسلامی هزینه زیادی هم برای انجام فیلترینگ هوشمند انجام داده که البته تا کنون بی‌نتیجه بوده است. روح‌الله مؤمن‌نسب حامی طرح صیانت و دبیرکل جبهه انقلاب اسلامی در فضای مجازی، مدعی شد طی سال‌های گذشته حدود ۲۰۰ میلیارد تومان خرج فیلترینگ هوشمند



علی خامنه‌ای و نمایندگان مجلس یازدهم / ۳ خرداد ۱۴۰۲

است. الان هم بعد از سه سال همین را تکرار می‌کنم. این مجلس بحمدالله مجلسی است انقلابی، باسواد، جوان، پُرتحرک، پُرکار... حالا از گوشه و کنار، از چپ و راست، یک متلکی، یک حاشیه‌ای، یک مثلاً چیزی گاهی به مجلس زده می‌شود، خوب بگویند؛ نمی‌شود انتظار داشت که همه از آدم تعریف کنند؛ نه، بالاخره مخالفت‌هایی هم می‌شود، اما واقع قضیه همین است که عرض کردم؛ یعنی از روی آن اطلاع و آگاهی‌ای که بنده دارم، این است که این مجلس انصافاً این خصوصیات را دارد. مجلس یازدهم مشکلات کشور را شناخته؛ مهم این است. مشکلات کشور شناخته شده و بر اساس شناخت مشکلات، قانون گذاشته شده؛ قانون‌هایی که تصویب شده یا الان در مجرای تصویب قرار دارد، اینها همه حاکی از آشنایی با مشکلات کشور است. وقتی مشکلات را انسان دانست، قانون را بر طبق مشکل وضع می‌کند. هدف این قوانین، مبارزه با فساد بوده، رفع تبعیض بوده، رفع انحصار بوده، بهبود فضای کسب و کار بوده و بقیه‌ی مسائل اقتصادی دیگر. این قوانین با صراحت و قاطعیت نظر داده، حکم کرده و تصویب شده. اینهم مهم است؛ یعنی ملاحظه و لاپوشانی و مانند اینها در قوانین نیست.»

علی خامنه‌ای همچنین با نادیده گرفتن گزارش‌هایی که در مورد فساد و رانتخواری از جمله تحویل اتموبیل‌های شاسی بلند به برخی نمایندگان منتشر شده است گفت: «یکی از امتیازات مجلس یازدهم که من اصرار دارم بگویم و به زبان بیاورم، ساده‌زیستی است؛ یعنی تا آنجایی که به من گزارش شده نسبت به بسیاری از افراد این مجلس، رفتار اشرافی‌مآبانه و نگاه از موضع بالا و به مردم بی‌اعتنائی کردن، یا نیست یا کمتر هست. حالا عرض کردم استثناء‌هایی هم وجود دارد؛ یعنی استثناء‌ها هم الان جلوی چشم بنده هست، اما روش کلی این است؛ این روش کلی خیلی چیز خوبی است. اینها را از دست ندهید.»

اما آیا مردمی که به نمایندگان فعلی رأی داده‌اند، یا کسانی که انتظار می‌رود به نمایندگان مجلس بعدی رأی بدهند، این «روش کلی» را تایید می‌کنند و قبول دارند؟! آیا عملکرد آنرا در شرایطی که هزاران مشکل، از جمله معیشتی، گریبان‌شان را گرفته، می‌پذیرند؟! خامنه‌ای پیشتر نیز در اظهار نظری درباره پیشنهاد برگزاری رفراندوم، روشن ساخت که برای او آنچه اساساً اهمیت ندارد، خواست و نظر مردم است.

امثال استالین و مائو التفات دارند، معتقدند رضاشاه و محمدرضا شاه پهلوی را نیز می‌بایست در این ردیف قرار داد.

اما، در روزگار ما سیدعلی خامنه‌ای تصویر روشن‌تری از یک دیکتاتور دوران مدرن ارائه می‌دهد.

او در دوره زمامداری و حکومت مطلقه خود در نشان دادن ویژگی‌های چنین پدیده‌ای هیچ فرصتی را از دست نداده است. با همکاری و یاری طیف گسترده‌ای از گماشتگان و «آتش به اختیارهای» خود در تقریباً تمام نهادهای کشوری، لشکری و مذهبی، هرآنچه «دل تنگ‌اش» می‌خواهد به زبان می‌آورد، مخاطبان خودخواسته یا خودناخواسته را وادار می‌کند روی زمین بنشینند و به حرف‌های او گوش کنند، مهم نیست خوش‌شان بیاید یا نیاید، چون «امت» هستند و باید بشنوند و نظری نیز ابراز ندارند. کسانی را که از جمله ابوابجمعی «بیت رهبری» می‌پندار می‌ستاید- حتی اگر منفور ملت باشند- و کسانی را که «دشمن» می‌نامد می‌کوبد. هیچ حرف و نظر مخالفی را بر نمی‌تابد و مهم‌تر از همه اینکه به هیچکس پاسخگو نیست.

علی خامنه‌ای در سخنان اخیر خود با اشاره به اقلیتی که به نام مردم کرسی‌های مجلس را اشغال کرده‌اند، آنها را ستود: «سرافراز وارد مجلس شدید، انشاءالله سرافراز هم خارج شوید.»

نمایندگانی که با نادیده گرفتن نیازها، کاستی‌ها و دشواری‌های مردم، از جمله گرانی کمرشکن و بحران مسکن، و پرداخت متعصبانه به مقوله‌هایی مانند نوع حجاب، و حمایت از سرکوب خشن خیزش مردمی و اعدام‌های گسترده، خشم عمومی را برانگیخته‌اند.

پیشتر انتظار می‌رفت این حالت به کاهش شانس نمایندگان برای انتخاب دوباره منجر شود، اما، به گفته صاحب‌نظران، با توجه به اینکه اصلاح‌طلبان و اعتدالیون از منتقدین عملکرد مجلس فعلی هستند، دفاع رهبر نظام از عملکرد مجلس اسلامی یازدهم باعث کاهش تمایل این دو جریان به صورت منسجم به انتخابات مجلس دوازدهم خواهد شد که قرار است در اسفندماه ۱۴۰۲ برگزار شود زیرا نقدشان به عملکرد مجلس فعلی به معنای تقابل با «مقام معظم رهبری» تلقی خواهد شد.

خامنه‌ای که در دیدار با نمایندگان مجلس کنونی سخن می‌گفت اظهار داشت: «من از اول تشکیل این مجلس، اعتقاد خودم و علاقه‌ی خودم به این مجلس را که از روی اطلاع بود، عرض کردم، گفتم مجلس، مجلس انقلابی

علی خامنه‌ای و تمجید و تأیید مجلسی که اعضایش حقوق مردم را نمایندگی نمی‌کنند!

● علی خامنه‌ای در جدیدترین سخنان خود با اشاره به اقلیتی که به نام مردم کرسی‌های مجلس را اشغال کرده‌اند، آنها را ستود: «سرافراز وارد مجلس شدید، انشاءالله سرافراز هم خارج شوید.»

● پیشتر انتظار می‌رفت این حالت به کاهش شانس نمایندگان برای انتخاب دوباره منجر شود، اما، به گفته صاحب‌نظران، با توجه به اینکه اصلاح‌طلبان و اعتدالیون از منتقدین عملکرد مجلس فعلی هستند، دفاع رهبر نظام از عملکرد مجلس اسلامی یازدهم باعث کاهش تمایل این دو جریان به صورت منسجم به انتخابات مجلس دوازدهم خواهد شد که قرار است در اسفندماه ۱۴۰۲ برگزار شود زیرا نقدشان به عملکرد مجلس فعلی به معنای تقابل با «مقام معظم رهبری» تلقی خواهد شد.

همایون مجد - وقتی صحبت از دیکتاتوری و دیکتاتورها به میان می‌آید، در هر زمان و در هر کشوری، آنها همه وجوه مشترکی داشته‌اند با هدف‌های مشترک: کوشش برای تحمیل نگرش‌ها و برداشت‌های خود از مقوله‌ها و مباحث پیرامونی و بیرونی به مردمی که بر آنها حکومت می‌کنند و نادیده گرفتن خواسته‌ها و تمایلات کسانی که «تبعه» و پائین‌دست تلقی می‌شوند.

استالین در اتحاد جماهیر شوروی با ایجاد وحشت در میان مردم بر آنها حکومت می‌کرد؛ حکومت‌اش به شدت تمامیت‌خواه بود و هر کسی را که با وی مخالفت می‌کرد از میان بر می‌داشت. نخست قدرت پلیس مخفی را افزایش داد و مردم را تشویق می‌کرد که از همدیگر جاسوسی کنند. بدین ترتیب در سال‌های حکمرانی خود میلیون‌ها نفر را به جرم‌های واهی به قتل رساند و بسیاری دیگر را بر اساس سیستم کمپ‌های کار اجباری به نام «گولاک» (Gulag) در سبیری به کار اجباری وادار کرد.

در نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۱۹۳۰، استالین سیاست موسوم به «پاکسازی بزرگ» (Great Purge) را در پیش گرفت که بر اساس آن افرادی را که به آنها سوء ظن می‌رفت از ارتش کشور و حزب کمونیست حذف کرد.

هیتر در آلمان نازی، موسولینی در ایتالیا و مائوتسونگ در چین، هرکدام به گونه‌ای ماهیت دیکتاتوری را تصویر می‌کردند. در دنیای امروزی‌تر از جمله حافظ اسد، صدام حسین، روح‌الله خمینی و معمر قذافی را در چنین جایگاهی می‌بینیم. آنهم در حالی که برخی بر اساس دیدگاه‌های سیاسی خود، همزمان با اینکه نسبت به



درد دگرذیسی؛ مقاله سوم: واقع بینی و امیدواری

● جامعه ایران درگیر یک دگرذیسی اساسی است و خیزش سال ۱۴۰۱ مرحله‌ای از فرجام این دگرذیسی بود. وجه تمایز این خیزش نسبت به باقی اعتراضات پیشین هم در این نکته نهفته است که برخلاف تمام اعتراضاتی که در چهار دهه اخیر علیه حکومت تبهکار جمهوری اسلامی بروز کرده بودند، خیزش ۱۴۰۱ از زمان حال فراتر رفت و با نفوذ به وجدان جمعی ایرانیان دارای تاریخ شد. بخش‌های متنوعی از جامعه ایران با پذیرش خیزش ۱۴۰۱ به عنوان یک نقطه ارجاع برای اشاره به شرایط سیاسی و اجتماعی اکنون ایران، موجب تاریخی شدن این خیزش شده‌اند.

یوسف مصدقی- دگرذیسی، تغییری نمایان و بنیادین است در ظاهر و هویت موجودات زنده. در این پدیده، وضعیت زیستی و خصوصیات ظاهری جانداران چنان تغییر می‌کند که پس از کامل شدن فرآیند دگرذیسی، محصول نهایی هیچ شباهتی به گذشته‌اش نخواهد داشت. در نتیجه هر دگرذیسی، موجودیتی نوین به صحنه هستی وارد می‌شود و نوعی دیگر از زیست آغازین می‌گیرد. هر دگرذیسی را دردی همراهی می‌کند که حکایت از نابودی موجود پیشین و تولد هویتی نو دارد. جوامع انسانی هم به فراخور گنجایش و ظرفیت‌هایشان دچار دگرذیسی می‌شوند. هرچه طول و عرض تاریخ جامعه‌ای وسیع‌تر و تنوع و تکثر میان باشندگان آن بیشتر باشد، به دلیل تقابل میان عناصر ناهمگون شکل‌دهنده به آن جامعه، وقوع دگرذیسی در آن دردناک‌تر می‌شود. جامعه‌ای تاریخی که از پس قرن‌ها سکون و خواب‌زدگی ناگهان تکان خورده و هوشیاری‌اش را بازیافته، برای بقا و همچنین برای جبران عقب‌ماندگی و واپس‌رفتگی‌اش، چاره‌ای جز یک دگرذیسی دردناک ندارد. چنین تحولی اگر به ثمر بنشیند، به هر میزان که پرهزینه باشد اما از فنا شدن آن جامعه جلوگیری می‌کند و راهی نو برای بقا پیش پای آن می‌گذارد.

تاریخی شدن یک خیزش

چنانکه در مقالات پیشین آمد، جامعه ایران درگیر یک دگرذیسی اساسی است و خیزش سال ۱۴۰۱ مرحله‌ای از فرجام این دگرذیسی بود. وجه تمایز این خیزش نسبت به باقی اعتراضات پیشین هم در این نکته نهفته است که برخلاف تمام اعتراضاتی که در چهار دهه اخیر علیه حکومت تبهکار جمهوری اسلامی بروز کرده بودند، خیزش ۱۴۰۱ از زمان حال فراتر رفت و با نفوذ به وجدان جمعی ایرانیان دارای تاریخ شد. بخش‌های متنوعی از جامعه ایران با پذیرش خیزش ۱۴۰۱ به عنوان یک نقطه ارجاع برای اشاره به شرایط سیاسی و

اجتماعی اکنون ایران، موجب تاریخی شدن این خیزش شده‌اند. توجه به این نکته هم اهمیت دارد که برخلاف جنبش‌های اعتراضی پیشین، خیزش ۱۴۰۱ بهانه تولید و عرضه آثار هنری بسیاری شده و هنرمندان دلبسته به این خیزش برای تثبیت و ماندگاری آن سنگ تمام گذاشتند. این آثار، فارغ از کیفیت و ارزش هنری آنها، به دلیل استمرار در تولید و عرضه‌شان به جامعه ایران، خود به تاریخی شدن خیزش ۱۴۰۱ یاری رسانده و موجب جایگیری آن در حافظه جمعی ایرانیان شده‌اند. شک نیست که آثار هنری، اسباب ماندگاری هستند و چنته خیزش ۱۴۰۱ از این اسباب خالی نیست.

شتاب عمر آدمی و آهستگی تحولات اجتماعی

این تاریخی شدن اما به معنی اتمام ماجرا نیست. یکی از شوربختی‌های نوع بشر، عدم تناسب عمر کوتاه آدمی در مقابل ضربه‌های کند تحولات اجتماعی است. این مسئله همیشه موجب سرخوردگی فعالان تغییرجوی نسل‌هایی شده که عمرشان به دیدن دگرگونی‌ای که عمر و توانشان را برای آن صرف کرده‌اند، قد نداده است. اشاره شد که دگرذیسی جامعه ایران با خیزش سراسری ۱۴۰۱ وارد مرحله فرجامین خود شده است اما این فرجام شاید آنقدر طول بکشد که بسیاری از کوشندگان خیزش اخیر را ناامید و افسرده کند. این افسردگی و ناامیدی خود می‌تواند به کندتر شدن فرآیند تغییر و تحول در جامعه بیانجامد. اینجاست که واقع بینی می‌تواند به دارویی تلخ اما کارآمد در مقابله با ناامیدی و افسردگی حاکم بر جامعه بدل شود.

واقع بینی ایجاب می‌کند که خیزش اخیر را در پیوند با جنبش‌های متناوب پیش از خودش بسنجیم و در سایه این سنجش، برآیند حضور نیروهای مختلف و متفاوتی را که به بهانه قتل مهسا امینی و اعتراض به حجاب اجباری گرد هم جمع آمدند تا علیه جمهوری اسلامی طغیان کنند، ارزیابی کنیم.

معادله‌ای که به براندازی می‌رسید

خیزش سراسری ۱۴۰۱، تا اکنون، وسیع‌ترین و مستمرترین مجموعه اعتراضاتی بوده که حکومت تبهکار جمهوری اسلامی با آن روبرو شده است. این رخداد، بخش بزرگی از جامعه ایران را درگیر خود کرد و به دلیل فراگیری و تنوع همدلان و دلبستگانش، فرصت به حاشیه راندن و منزوی کردن و در نهایت نابودی کوشندگان را از دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی گرفت. گستره همدلان با خیزش ۱۴۰۱ شامل بخش بزرگی از نیمی از جمعیت ایران (زنان برابری خواه)، قومیت‌های قربانی تبعیض، طبقه متوسط رو به فقر و زوال و فعال‌تر از همه، نسل جوان موسوم به Z (متولدین انتهای

دهه هفتاد تا نیمه دهه هشتاد خورشیدی) را شامل می‌شود. البته اعضا این گروه‌ها همپوشانی فراوان دارند و یک معترض به سادگی می‌تواند متعلق به همه گروه‌های یادشده باشد. به عنوان بهترین نمونه می‌توان خود مهسا امینی را مثال زد که عضوی از تمامی گروه‌های یاد شده به شمار می‌رود.

در جامعه امروز ایران، چنین گستره متنوعی از ناراضیان را نمی‌توان منزوی کرد. اما در مقابل، این گروه‌های معترض هم به دلیل عدم دسترسی به نهادهای اداره حکومت و عدم امکان سازماندهی برای فلج کردن این نهادها، امکان براندازی آبی نظام جمهوری اسلامی را ندارند. اگر واقع بینانه و فارغ از احساسات به شرایط فعلی بنگریم، خیزش ۱۴۰۱ هرچند بسیاری از نیروها و ارکان حکومت تبهکار را فرسوده اما به هسته اصلی قدرت حکومت گزند جدی نرسانده است. در معادله فعلی، براندازی حاصل نمی‌شود مگر آنکه توازن نیروهای متخاصم از بیرون دچار تغییر شود.

تکمله

اینکه خیزش ۱۴۰۱ در کوتاه‌مدت منجر به براندازی نظام تبهکار جمهوری اسلامی نشد، نباید موجب ناامیدی معترضان شود. این خیزش دستاوردهای بسیاری برای براندازان داشت که همگی باعث امیدواری هستند. از بزرگترین دستاوردهای این جنبش که نباید از آن غافل شویم این است که در اثر این خیزش، برای بار اول در چهار دهه اخیر، حکومت در برابر معترضان کم آورد و خیابان را به آنها واگذار کرد. اینکه زنان بی‌حجاب در خیابان‌ها جولان می‌دهند و حکومتگران تنها تلاش می‌کنند تا از ورود بی‌حجابان به اماکن دولتی و محیط‌های محصور عمومی جلوگیری کنند، حکایت از کمبود نیرو و فقدان منابع لازم برای قدرت‌تمایی خیابانی حکومت دارد. چنین دستاوردی را نمی‌توان کوچک شمرد.

حکومت‌های مستبد و تبهکار از قماش جمهوری اسلامی که با اوباشگری خیابانی به قدرت رسیده‌اند، اگر خیابان را از دست بدهند- به دلیل غیاب نشانه‌هایی که حکایت از حضور مستمر حامیان‌شان در فضای عمومی کند- اعتماد به نفس‌شان تحلیل می‌رود و مثل لات‌هایی که از «مردانگی» افتاده باشند، دچار عمیق‌ترین شکل بحران هویت می‌شوند. چنین بحرانی را چاره و علاجی نیست و نهایت‌اش یأس و خودویرانگری است.

اگر واقع بینانه و از فاصله به آنچه در نیمه دوم سال ۱۴۰۱ در ایران رخ داد بنگریم، درمی‌یابیم که برای نخستین بار، «ما» به «آنها» ضربه نواخته‌ایم! نواختنی به یاد ماندنی که البته آخرین نوازش نخواهد بود!

بحران تولید گاز در ایران؛ تا دو سال دیگر مصرف از تولید جلو می‌زند!



توسعه، یک میلیارد و ۲۵۰ میلیون متر مکعب باید گاز را به شبکه تزریق کنیم اما این عدد در سال گذشته با تمام ظرفیت ۸۵۰ میلیون متر مکعب بوده است.»
مجید چگنی معتقد است که اگر برنامه‌های بالادستی به درستی پیش می‌رفت، این اختلاف ۴۰۰ میلیون متر مکعبی ایجاد نمی‌شد.

مدیر عامل شرکت ملی گاز ایران افزوده که ناترازی گاز در ماه‌های گذشته بالغ بر ۳۰۰ میلیون متر مکعب بوده است که این رقم نیازمند اقدامات جدی است.
این مقام وزارت نفت موضوع مصرف در بخش صنعت و کشاورزی را از حیطه وزارت نفت خارج و درباره مصرف خانگی نیز مردم را مسئول دانسته است!

او گفته که «بیشتر مصارف و شدت مصرف انرژی در بخش مسکن، صنعت، نیرو و کشاورزی است و خارج از مسئولیت‌های وزارت نفت قرار دارد. در بخش مسکن نیز الگوی مناسبی برای توسعه مسکن نداریم و با وجود مبحث ۱۹، شاهد این هستیم که ساختمان‌ها از الگوی استاندارد پیروی نمی‌کنند. همچنین هدردهی در بخش کشاورزی نیز بسیار بالا است.»

ایران در شرایطی برای تأمین گاز مورد مصرف داخلی با بحران روبروست که قراردادی برای تأمین گاز مورد نیاز عراق را در دست اجرا دارد. آمارهای وزارت نفت نشان می‌دهد طی سالهای گذشته جمهوری اسلامی روزانه به طور متوسط ۵۰ میلیون متر مکعب صادرات گاز به عراق و ترکیه کرده است.

جواد اوجی وزیر نفت جمهوری اسلامی ۲۳ اردیبهشت از توافق با عراق برای تمدید «پنج ساله» قرارداد صادرات گاز به این کشور خبر داد.

در آئسو قرارداد ۲۵ ساله صادرات گاز ایران به ترکیه نیز تا سه سال آینده به پایان می‌رسد و مقام‌های جمهوری اسلامی می‌گویند مذاکره برای «تمدید» این قرارداد نیز در جریان است.

مجید چگنی مدیر عامل شرکت ملی گاز ایران در

تأمین گاز مورد نیاز در فصول سرد سال سبب جیره‌بندی گاز بخش صنعت می‌شود.

بی‌توجهی به برنامه‌های توسعه، عدم سرمایه‌گذاری جدید و فرسوده شدن زیرساخت‌ها تأمین گاز مورد نیاز کشور را با چالش روبرو کرده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به تازگی در گزارشی اعلام کرد که ناترازی گاز ایران با افزایش سالانه، تا سال ۱۴۲۰ به ۵۱۲ میلیون متر مکعب در روز خواهد رسید. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه اثرات ناترازی گاز به زودی نه فقط در فصول سرد بلکه در همه سال نمایان خواهد شد اعلام کرده که در سال ۱۴۰۰ مصرف روزانه گاز کشور ۶۵۰ میلیون متر مکعب بود، اما تا سال ۱۴۲۰ این رقم به ۱.۴ میلیارد متر مکعب خواهد رسید. این گزارش همچنین با اشاره به کسری گاز کشور در طول فصل زمستان توضیح داده که با شروع فصل سرد میزان مصرف در بخش خانگی و تجاری در سردترین ماه ۷/۶ برابر گرمترین ماه سال می‌شود که سهم بخش خانگی و تجاری را از ۱۰ به ۴۹ درصد می‌رساند و سهم نیروگاه‌های برقی از مصرف گاز کشور از ۵۰ درصد به ۱۰ درصد کاهش پیدا می‌کند. در سال‌های گذشته کمبود گاز در فصل پاییز و زمستان سبب شده دولت گاز بخش صنعت از جمله نیروگاه‌های تولید برق را قطع کند و در نتیجه نیروگاه از مازوت (نفت کوره) به جای گاز به عنوان سوخت استفاده کنند. مازوت‌سوزی در نیمه دوم سال سبب افزایش آلودگی هوا به ویژه در کلانشهرها شده است و مشکلات زیادی در زندگی شهروندان ایجاد کرده است.

در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز به مازوت‌سوزی و گازوئیل‌سوزی به دلیل کمبود گاز اشاره شده و آمده که در سال ۱۴۰۰ نیروگاه‌های برق کشور حدود ۱۰ میلیارد لیتر گازوئیل و نزدیک هفت میلیارد لیتر مازوت سوزاندند. مجید چگنی مدیر عامل شرکت ملی گاز ایران ماه گذشته با اشاره به اینکه مصرف گاز بخش خانگی در سال گذشته رشد ۸ درصدی داشته است، گفت: «بر اساس برنامه ششم

مشاور کمیسیون انرژی اتاق ایران: از ۱۴۰۴ به بعد مصرف از تولید جلو می‌زند و کشور با کسری گاز شدید در چند سال آینده مواجه خواهد شد و این وضعیت چند دهه طول خواهد کشید و باید فکر اساسی کرد.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به تازگی در گزارشی اعلام کرد که ناترازی گاز ایران با افزایش سالانه، تا سال ۱۴۲۰ به ۵۱۲ میلیون متر مکعب در روز خواهد رسید. بی‌توجهی به برنامه‌های توسعه، عدم سرمایه‌گذاری جدید و فرسوده شدن زیرساخت‌ها تأمین گاز مورد نیاز کشور را با چالش روبرو کرده است.

یک کارشناس انرژی می‌گوید مصرف گاز در ایران از سال ۱۴۰۴ به بعد از تولید جلو می‌زند و کشور در چند سال آینده با کسری شدید گاز روبرو خواهد شد.

حامد فرنام کارشناس انرژی و مشاور کمیسیون انرژی اتاق ایران گفته که از ۱۴۰۴ به بعد مصرف از تولید جلوتر می‌زند و کشور با کسری گاز شدید در چند سال آینده مواجه خواهد شد و این وضعیت چند دهه طول خواهد کشید و باید فکر اساسی کرد.

این کارشناس انرژی علت بحران پیش رو برای تأمین گاز را با ناترازی گاز مرتبط دانسته و توضیح داده که «چالش‌های ناترازی گاز به حدی رسیده است که سرمایه‌گذاری و انجام طرح‌های بهینه‌سازی نیز نمی‌تواند در کوتاه‌مدت و حتی میان‌مدت آن را حل کند و باید با نگاهی جامع در حوزه انرژی به مسئله‌ی ناترازی به عنوان یک خطر جدی نگاه کرد. ناترازی گاز در کشوری که ۹۸ درصد مشترکین آن از لوله‌کشی برخوردار هستند یک خطر امنیت ملی در کنار یک خطر اقتصادی است، زیرا گاز مصرفی در صنایع از اهمیت بخصوصی در میزان رشد اقتصادی برخوردار است.»
ایران با دارا بودن حدود ۳۳ هزار میلیارد مترمکعب ذخایر گاز قابل استحصال، ۱۷ درصد از ذخایر گازی جهان را به خود اختصاص داده و بالاتر از قطر و قبل از روسیه دارای دومین ذخایر گازی جهان است. اینهمه در حالیست که سال‌هاست ایران با کمبود گاز تولیدی روبروست و عدم

شهرک «اکباتان» جولانگاه سرکوب و وحشت آفرینی نیروهای حکومتی؛ هشدار نسبت به اعدام سه جوان پرونده «اکباتان»



اعتراف‌گیری اجباری از بازداشت‌شدگان پرونده ایمان‌علی‌وردی با حضور صداوسیما

و مهدی ایمانی سه شهروند به دلیل اتهامات سنگین علیه آنها هشدار داده است.

در جریان اعتراضات چهارم آبان امسال آرمان‌علی‌وردی از اعضای یگان امنیتی بسیج اکباتان مجروح و دو روز بعد در بیمارستان درگذشت. سازمان اطلاعات سپاه (ساس) پرونده آرمان‌علی‌وردی را با عنوان «قتل» پیگیری و در پی آن میلاد آرمون، حسین نعمتی، علیرضا کفایی و مهدی حسینی چهار جوان ساکن اکباتان را به قتل این بسیجی متهم کرد.

بر اساس گزارش «دادبان» بنا بر کیفرخواست صادره، میلاد آرمون، علیرضا کفایی و مهدی ایمانی سه متهم ردیف اول تا سوم پرونده به «محاربه» متهم، و مهدی حسینی و حسین نعمتی و یک جوان دیگر نیز به «مشارکت در قتل عمد» و اتهاماتی از جمله «تبلیغ علیه نظام» متهم شده‌اند.

انتساب اتهام واهی «محاربه» به متهمان ردیف اول تا سوم در حالیست که به عنوان نمونه میلاد آرمون متهم ردیف اول به صراحت اعلام کرده هرگز هیچ سلاحی اعم از سرد و گرم در دست نداشته است. در ویدیوهای رسانه‌های جمهوری اسلامی از مواجهه میلاد آرمون با حسین رحیمی فرمانده انتظامی استان تهران منتشر کرده‌اند، میلاد آرمون به وضوح اعلام می‌کند که هرگز چاقو در دست نداشته و اصرار رحیمی به داشتن چاقو و ضربه‌زدن به آن به بسیجی کشته‌شده را رد می‌کند.

پیام درافشان وکیل حسین نعمتی نیز به دادبان گفته که حمله‌های مأموران امنیتی و انتظامی به اکباتان با خشونت و اعمال غیرقانونی همراه بوده و با هدف ایجاد رعب و وحشت در میان ساکنان این شهرک انجام گرفته است.

پیام درافشان تأکید کرده که «این حمله‌ها سلامت روان ساکنان به‌ویژه کودکان در اکباتان را به شکل جدی به خطر انداخته و گزارش‌های موثقی از اختلال خواب و کابوس‌های شبانه در میان کودکان - پس از این حمله‌ها - وجود

● بنا بر کیفرخواست صادره، میلاد آرمون، علیرضا کفایی و مهدی ایمانی سه متهم ردیف اول تا سوم پرونده به «محاربه» متهم شده‌اند.

● حتی با تکیه بر مستندات موجود در پرونده هم مشخص نیست عامل اصلی کشته شدن آرمان‌علی‌وردی چه کسی است و در نتیجه صدور حکم اعدام برای این سه متهم با قوانین قضایی خود جمهوری اسلامی مغایرت دارد.

● پیام درافشان وکیل حسین نعمتی گفته که حمله‌های مأموران امنیتی و انتظامی به اکباتان با خشونت و اعمال غیرقانونی همراه بوده و با هدف ایجاد رعب و وحشت در میان ساکنان این شهرک انجام گرفته است.

● برخی از ساکنان اکباتان تنها به دلیل انتشار پست یا مطلبی درباره آرمان‌علی‌وردی یا شهرک اکباتان در شبکه‌های اجتماعی نیز بازداشت می‌شوند!

● بیش از ۵۰ نفر از ساکنان اکباتان در جریان اعتراضات جنبش انقلابی بازداشت و برای دست‌کم ۱۴ نفر از آنها اتهامات سنگین «محاربه»، «مشارکت در قتل عمد»، «تبلیغ علیه نظام»، «اخلال در نظم عمومی» و «ضرب و جرح عمدی» صادر شده است.

پس از اعدام سه شهروند معترض پرونده «خانه اصفهان» اکنون نگرانی بابت اجرای حکم سه شهروند معترض در تهران و در پرونده معروف به پرونده «اکباتان» افزایش یافته است. بر اساس گزارش‌ها شهروندان ساکن شهرک «اکباتان» در هشت ماه گذشته زیر شدیدترین فشارهای امنیتی و قضایی قرار داشته و دست‌کم ۵۰ نفر از ساکنان بازداشت شده‌اند.

وبسایت «دادبان» که به بازداشت‌شدگان مشاوره حقوقی داده و گزارش‌هایی از پرونده‌های آنها را بازتاب می‌دهد، در گزارشی نسبت به احتمال اعدام میلاد آرمون، علیرضا کفایی

→ اینبار گفته که صادرات گاز به عراق نیز در جریان است و مذاکره با عراق برای تمدید ۵ ساله صادرات گاز به عراق ادامه دارد. در موضوع دریافت گازبهای صادراتی نیز اقداماتی انجام شده تا تعهدات کافی برای پرداخت قیمت گاز صادراتی قرارداد بصره نیز سال آینده به اتمام می‌رسد که شرایط را به طرف عراقی اعلام کردیم تا گازبها را به‌موقع دریافت کنیم.

اکنون در حالی برق صنایع از ابتدای خردادماه امسال سهمیه‌بندی شده تا دولت بتواند برق مورد نیاز بخش خانگی را با توجه به افزایش مصرف در فصل گرم تأمین کند، که خبرهایی از محدودسازی مصرف گاز صنایع در تابستان نیز منتشر شده است.

دولت تصمیم دارد قیمت گاز در بخش‌های مختلف صنعتی را افزایش دهد و مذاکرات در اینبار در حال انجام است. بر اساس فهرست منتشر شده نرخ گاز برای سوخت پتروشیمی، پالایشگاه و تلمبه‌خانه‌ها افزایش از ۲۰۰۰ به ۴۰۰۰ تومان در هر مترمکعب مطرح است.

همچنین برای صنعت سیمان افزایش قیمت گاز از ۵۰۰ به ۱۰۰۰ تومان در هر مترمکعب، برای صنایع فلزی از ۱۵۰۰ به ۳۰۰۰ تومان در هر مترمکعب و برای سایر صنایع از ۵۰۰ به ۶۰۰ تومان؛ همچنین خوراک پتروشیمی افزایش از ۵۰۰۰ تومان به ۷۰۰۰ تومان در هر مترمکعب و نرخ خوراک فولاد افزایش از ۲۰۰۰ به ۴۰۰۰ تومان در هر مترمکعب!

این در حالیست که در سال‌های گذشته صنایع کشور زیان هنگفتی بابت قطع گاز و برق داشتند و امسال با توجه به افزایش هزینه‌های تولید به دلیل افزایش تورم عمومی اقتصاد، دیگر توان افزایش بیشتر هزینه‌ها از محل انرژی را ندارند. بر اساس آمار ارائه شده از سوی علی رسولیان رئیس سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، صنایع کشور در تابستان ۱۴۰۰ رقمی معادل ۷ میلیارد دلار از قطعی شدن‌های نامنظم و مکرر برق متضرر شدند.

رقم زیان صنایع به ویژه صنایع سیمان و فولاد از قطع برق در تابستان گذشته افزایش پیدا کرد. بر اساس برآوردها قطع برق روزانه بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیارد تومان برای صنعت فولاد هزینه به همراه دارد.

قطع برق در تابستان ۱۴۰۱ بالغ بر ۶ میلیارد دلار برای واحدهای فولادسازی خسارت به بار آورد. میزان تولید فولاد به‌صورت ماهانه حدود ۵/۲ میلیون تن و روزانه حدود ۱۰۰ هزار تن در روز برآورد می‌شود که با قطع برق و گاز این میزان در سال گذشته کاهش قابل ملاحظه داشته و منجر به کاهش درآمد شرکت‌های تولیدکننده فولاد و افزایش قیمت در بازار شد.

با تعطیلی و کاهش تولید صنعت فولاد به دلیل قطع برق و گاز، هزاران شغل غیرمستقیم که به‌واسطه فعالیت فولادسازان شکل گرفته نیز به تعطیلی کشیده شد و واحدهای پایین‌دست با آسیب جدی و خطر تعطیلی همراه شدند. همچنین به گفته مقامات صنفی صنعت پتروشیمی ایران در سال ۱۴۰۰ به دلیل قطع گاز زبانی معادل ۶۸۲ میلیون دلار متحمل شده است.

حسن حسینی رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت خراسان رضوی «مهمترین چالش این روزهای صنایع تأمین حامل‌های انرژی و تأثیر قیمت آن بر روی تولید» است.

-به گفته رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت استان خراسان رضوی، «فعالیت‌های تولیدی در حال حاضر از لحاظ زیرساخت با چالش‌های مختلفی همچون تأمین برق، گاز و زمین مواجه هستند. در حوزه تولید و حمایت از فعالیت‌های تولیدی شعارهای متعددی وجود دارد، اما در عمل حمایت و پشتیبانی لازم جهت توسعه این مهم دیده نمی‌شود.»

دارد و همچنین نقاشی‌های آن‌ها حاوی محتوای خشونت‌آمیز ناشی از حمله‌ها بوده است.»

در این گزارش تأکید شده که «در پی جان باختن این بسیجی، برای مدت بیش از سه هفته شهرک اکباتان تهران تبدیل به زمینی برای تاخت‌وتاز انواع و اقسام نیروهای امنیتی و انتظامی شده و شمار قابل توجهی از جوانان ساکن این شهرک در نتیجه یورش‌های بی‌امان ماموران بازداشت می‌شوند.» این فشارها همچنان ادامه دارد و استفاده از مپ‌های صداساز، فریادهای همراه با فحاشی به ساکنان، استفاده از دستگاه‌های صوتی برای تهدید ساکنان، شلیک گلوله‌های ساچمه‌ای به پنجره منازل، شکستن درهای ورودی ساختمان‌ها و بلوک‌ها و حمله به منازل همراه با شکستن در ورودی، با هدف بازداشت در نیمه‌های شب و با خشونت فراوان از جمله اقدامات نیروهای امنیتی و انتظامی جمهوری اسلامی علیه ساکنان اکباتان است.

«دادبان» همچنین با استناد به جزئیات پرونده نوشته حضور آرمان علی‌وردی در ظاهر یک نیروی امنیتی در اکباتان نیز به شدت محل سوال است. بر اساس اظهارات معاون عملیات گردان امنیتی امام رضا که در پرونده موجود است، آرمان علی‌وردی با هدف شناسایی لیدرهای «اعتشاشات» در اکباتان حضور داشته و در حال انجام عملیات شناسایی بوده است. این ادعا در حالیست که او هیچ یک از اصول مربوط به شناسایی از جمله تلاش برای مخفی ماندن و همچنین انطباق ظاهر خود با ساکنان محلی را رعایت نکرده و با ظاهری که کاملاً برای ساکنان قابل تشخیص است، در محل حضور داشته و مشغول اجرای عملیات شناسایی بوده است.

سرکوب و خشونت اعمال شده پس از جان باختن این بسیجی در اکباتان، این شائبه را به ذهن متبادر می‌کند که حضور او در محل با سر و وضعی کاملاً نمایان به عنوان یک نیروی امنیتی و نداشتن اطلاعات و دانش کافی از عملیات شناسایی و چگونگی پنهان کردن هویت خود، طرحی از پیش برنامه‌ریزی شده در راستای فراهم آوردن شرایط برای سرکوب حداکثری و اعمال خشونت بی‌حد و حصر در اکباتان بوده است.

همچنین آنطور که پیام درافشان توضیح داده ایرادهایی اساسی به پرونده وارد است. «حضور ضابطان متعدد و در نتیجه متهمان متعدد در پرونده» یکی از این ایرادات است به نحوی که هر یک از ضابطان یک عمل ارتكابی را به چند متهم نسبت داده‌اند و در نتیجه مشخص نیست که کدام یک از متهمان به‌واقع مرتکب عمل مجرمانه شده‌اند. اقرار بر اعترافات اجباری متهمان با اعمال فشار و آزار و اذیت از آن‌ها گرفته شده است. همان‌طور که پیام درافشان می‌گوید، به عنوان نمونه یکی از ضابطان پرونده (حفاظت اطلاعات نیروی هوایی ارتش) جوانی را در استان خوزستان بازداشت کرده است و شماری از اقدامات را - که پیش‌تر به چندین متهم نسبت داده شده بود - جداگانه به او نسبت داده‌اند و این جوان نیز در اثر فشارهای وارده به‌اجبار همه آن‌ها را پذیرفته است.

از سوی دیگر حتی با تکیه بر مستندات موجود در پرونده هم مشخص نیست عامل اصلی کشته شدن آرمان علی‌وردی چه کسی است و در نتیجه صدور حکم اعدام برای این سه متهم با قوانین قضایی جمهوری اسلامی مغایرت دارد.

پیام درافشان در اینباره توضیح داده که در بخش کیفری پرونده نیز انتساب اتهام «مشارکت در قتل عمد» و تلاش برای اعمال ماده ۳۷۰ قانون مجازات اسلامی» از سوی محمد شهریاری مبنی بر اعمال مجازات قصاص برای متهمان هم دارای ایراد است. در همین زمینه با وجود اینکه پزشکی

قانونی به‌صراحت در گزارش خود علت مرگ را ضربات به سر اعلام کرده است و در نتیجه بنا بر ماده ۳۶۸ قانون مجازات اسلامی، فقط افرادی که به سر ضربه زده‌اند به عنوان شریک در قتل شناخته می‌شوند، اما اساساً مشخص نیست که کدام یک از متهمان به کدام بخش از بدن بسیجی جان‌باخته و با چه شدتی ضربه زده‌اند. از این‌رو بر اساس ماده ۴۷۹ قانون مجازات اسلامی، در چنین شرایطی به دلیل نامشخص بودن عمل ارتكابی متهمان، آن‌ها قانوناً به پرداخت دیه محکوم خواهند شد، نه مجازات قصاص.

یکی دیگر از ایرادهای پرونده اعتراف‌گیری اجباری و شهادت از متهمان علیه یکدیگر است. «دادبان» در اینباره نوشته که ایراد دیگر در پرونده این است که عمده اعترافات اجباری متهمان نه اعتراف علیه خود که در واقع شهادت علیه یکدیگر است و به این شهادت‌ها بر خلاف قانون به عنوان دلیلی بر ارتكاب جرم استناد شده است. این اعترافات اجباری اخذ شده از متهمان علیه یکدیگر در حالی است که از منظر حقوقی، قانونی و شرعی اقرار متهمان یک پرونده



علیه یکدیگر دلیلی بر اثبات ارتكاب جرم توسط آن‌ها نیست. «دادبان» تأکید کرده که علی‌خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، نیز در شهریور ۱۳۸۸ صراحتاً «عدم حجیت شرعی اعترافات و اظهارات متهمان علیه یکدیگر» را تأیید کرده بود. ماده ۱۶۴ قانون مجازات اسلامی نیز در تعریف اقرار آن را اعتراف به ارتكاب جرم علیه خود اقرارکننده دانسته است. شهرک اکباتان یکی از بزرگترین شهرک‌های خاورمیانه واقع در غرب تهران با جمعیتی بیش از ۵۰ هزار نفر است که ساکنان آن در اعتراضات انقلاب ملی نقشی برجسته داشته‌اند. شهرک اکباتان از آغاز اعتراضات سال گذشته یکی از کانون‌های اعتراضات در پایتخت بود. ساکنان شهرک اکباتان تا امروز اعتراضات را زنده نگه داشته و حتی با وجود محدودیت‌های شدید امنیتی و انتظامی در شهرک، اگر امکان برگزاری تجمع را نداشتند با سر دادن شعارهای شبانه پایداری کردند.

بر اساس گزارش‌ها به جز شهروندانی که در پرونده کشته شدن آرمان علی‌وردی بازداشت شده‌اند، تعداد زیاد دیگری از ساکنان شهرک در ماه‌های گذشته و در پی حملات وحشیانه نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

در همین رابطه «دادبان» گزارش داده که علاوه بر افرادی که با فرض حضور در صحنه درگیری در ششم آبان در اکباتان تهران بازداشت شده‌اند، اطلاعات سپاه تهران شمار دیگری از شهروندان را تنها به دلیل انتشار پست یا مطلبی درباره آرمان علی‌وردی یا شهرک اکباتان در شبکه‌های اجتماعی نیز بازداشت می‌کند.

بر اساس این گزارش تعداد دقیق بازداشت‌های صورت گرفته در این شهرک مشخص نیست اما گزارش‌های

شاهدان عینی و منابع مطلع، نشان می‌دهد که در جریان دو هفته ابتدایی حمله ماموران به این شهرک، دست‌کم ۵۰ نفر از جوانان ساکن اکباتان توسط نهادهای امنیتی و انتظامی بازداشت می‌شوند. اگرچه عمده آن‌ها پس از مدتی با صدور قرار منع تعقیب به دلیل فقدان هر گونه شواهد و مدارک آزاد می‌شوند اما در نهایت دادسرای جنایی و امنیتی تهران برای ۱۶ نفر از بازداشت‌شدگان کیفرخواست صادر می‌کند. «محرابه»، «مشارکت در قتل عمد»، «تبلیغ علیه نظام»، «اخلال در نظم عمومی» و «ضرب و جرح عمدی» از جمله اتهاماتی هستند که بر اساس کیفرخواست صادره به این ۱۶ نفر منتسب شده است.

نام شهرک اکباتان یکبار دیگر در اسفندماه امسال و در روز جهانی زن در تیتراژ رسانه‌ها قرار گرفت.

ویدئوی رقص پنج دختر جوان در روز هفدهم اسفندماه، برابر با هشتم مارس و همزمان با روز جهانی زن، منتشر شد. این دختران بدون حجاب اسلامی و در محوطه بلوک ۱۳ شهرک اکباتان تهران رقص گروهی زیبایی را با آهنگ «Calm down» (آرام باش) از «رما» خواننده اهل نیجریه و «سلنا گومز» خواننده آمریکایی اجرا کردند.

ویدئوی این دختران نه تنها از سوی کاربران ایرانی بلکه در سطح جهانی مورد توجه قرار گرفته و ده‌ها هزار بار به اشتراک گذاشته شد. نهادهای امنیتی بلافاصله به شهرک اکباتان مراجعه و با کنترل تصاویر دوربین‌های مداربسته برای شناسایی دختران اقدام کردند.

«رقصدگان اکباتان» پس از چند روز بازداشت ناچار به ضبط ویدئویی برای اعتراف اجباری شدند و از ضبط و انتشار آن ویدئو ابراز پشیمانی کردند.

فشارهای نیروهای امنیتی و قضایی بر ساکنان شهرک اکباتان به اشکال دیگری نیز ادامه یافته است. از جمله تخریب هشت کافه‌ی «کارون»، «مازو»، «طهران»، «دوراگ»، «رادین»، «خط سیاه»، «گودار» و «بنتی» در یک شبیخون نیروهای شهرداری و انتظامی و بدون اطلاع قبلی! شهرداری «نداشت مجوز» و «قرار داشت در مشاعات» را علت تخریب عنوان می‌کند. برخی علت را «فساد و فحشا»ی جاری در این کافه‌ها و شماری نیز انتقامجویی از مردم معترض اکباتان در هشت ماه گذشته را دلیل این تخریب می‌دانند.

هفته گذشته و در پی اعدام مجید کاظمی، سعید یعقوبی و صالح میرهاشمی، سه متهم در پرونده «خانه اصفهان» مرتبط با اعتراضات جنبش ملی که سحرگاه ۲۹ اردیبهشت‌ماه در زندان دستگرد اصفهان به اتهام «محرابه» به دار آویخته شدند نیز شهروندان در شهرک اکباتان تنها دقایقی پس از انتشار خبر اعدام این جوانان اقدام به سر دادن شعار علیه جمهوری اسلامی کردند.

در چند نقطه دیگر پایتخت از جمله شهرک چیتگر نیز مردم در بامداد جمعه شعار سر دادند و این شعارها مقدمه تجمعات اعتراضی در بیش از ۱۰ شهر ایران شد. شامگاه جمعه و شنبه، ۲۹ و ۳۰ اردیبهشت، مردم در شهرهای مختلف تظاهرات و تجمعات اعتراضی برگزار کردند.

«خامنه‌ای ضحاک، می‌کشیمت زیر خاک»، «امسال سال خونه سیدعلی سرنگونه»، «شاهنشاه روحت شاد»، «رضاشاه روحت شاد»، «وای به روزی که مسلح شویم»، «اصفهان اصفهان تسلیت تسلیت»، «عزا عزاست امروز روز عزاست امروز»، «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر خامنه‌ای»، «از اصفهان تا تهران جانم فدای ایران»، «مرگ بر سپاهی بی‌شرف»، «مرگ بر بسیجی بچه‌کش»، «فقر، فساد پرونی، میریم تا سرنگونی» و «مرگ بر حکومت اعدامی» از جمله شعارهای مردم معترض در شهرهای مختلف ایران بود.

تشدید فشارهای امنیتی بر خانواده مجید کاظمی متهم اعدام شده مرتبط با پرونده «خانه اصفهان»



مجدید کاظمی متهم پرونده معروف به «خانه اصفهان» که به اتهام واهی «محاربه» ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۲ همراه با سعید یعقوبی و صالح میرهاشمی اعدام شد

از عصر جمعه در چند شهر ایران از جمله تهران، مشهد، اصفهان، بندرعباس، کرمانشاه و ملایر تجمعات اعتراضی و تظاهرات شکل گرفت.

در پایتخت مردم در چند منطقه مختلف از جمله تهران، پارس، ستارخان، صادقیه، اکباتان، نارمک، شهرک آپادانا، منطقه پونک و بلوار فردوس به خیابان آمدند و علیه جمهوری اسلامی شعار سر دادند.

در مشهد نیز شهروندان در چند محله مختلف از جمله وکیل آباد تجمع و تظاهرات برپا کردند و شعارهایی چون «تا دیکتاتور رو کاره، قیام ادامه داره» و «سکوت شما مقابل اعدام، یعنی حمایت از ظلم و ظالم» سر دادند.

ایرانیان خارج کشور نیز در چند کشور از جمله بریتانیا، هلند، آمریکا و کانادا تجمعاتی در اعتراض به «اعدام» برگزار کردند.

واشنگتن و سن دیه‌گو در ایالات متحده، تورنتو و اتاوا و ونکو و مونترال در کانادا، کپنهاگ در دانمارک، گوتنبرگ در سوئد، برلین، فرانکفورت، هامبورگ و مونیخ آلمان، لندن در بریتانیا، آمستردام در هلند از جمله شهرهایی بودند که تجمعات ایرانیان در اعتراض به اعدام شهروندان ایرانی در آن برگزار شد.

با اینهمه جمهوری اسلامی علاوه بر اینکه معترضان را زندانی کرده و با شکنجه از آنها اعترافات اجباری می‌گیرد و سپس حکم اعدام صادر کرده و آنها را به قتل می‌رساند، در ادامه به آزار و اذیت خانواده‌ها که عزیزان خود را از دست داده‌اند نیز می‌پردازد. موج دادخواهی که در سال‌های اخیر و به ویژه پس از کشتار فجیع آبان ۹۸ به راه افتاده سبب شده تا دستگاه شکنجه و سرکوب حکومت معترضان را به صورت خانوادگی تحت پیگرد قضائی قرار داده و آنها را به زندان بیندازد. هم‌اکنون شماری از اعضای خانواده‌های جانباختگان جنبش آزادیخواهی ایران در زندان بسر می‌برند از جمله منوچهر بختیاری و ناهید شیرپیشه پدر و مادر پویا از کشته‌شدگان اعتراضات آبان ۹۸ که بنیانگذار کارزار دادخواهی نیز به شمار می‌روند.

امنیتی با برادرش تماس گرفته و گفتند بیا زندان و به کسی هم چیزی نگو! بعد او را به همراه پیکر برادر تازه اعدام‌شده‌اش به آرامستان حبیب آباد در نزدیکی اصفهان برده و مجید را غریبانه به خاک سپردند.

این منبع نزدیک به خانواده کاظمی گفته که «برادر مجید کاظمی را بردند یک جای پرت، به چاله کوچک کردند، پیکر برادرش را به زور کردند تو قبری که برایش کوچک بوده است. بعد گوشی را به برادرش دادند که به خانواده‌اش بگوید که به محل خاکسپاری بیایند.»

همچنین فایلی صوتی از مادر صالح میرهاشمی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که می‌گوید که به پدر صالح میرهاشمی دستبند زدند و به آنها گفته شده اجازه برگزاری مراسم ندارند. مادر صالح گفت: «خودشان بجهام را بردند در یک ده‌کوره خاک کردند. قسم خورده بودند کاری با بجهام ندارند بعد یک شب سوت و کور برداشتند بجهام را اعدام کردند.»

مریم میرهاشمی عمه صالح میرهاشمی هم با انتشار یک استوری اینستاگرامی از آتش زدن یادبود برادرزاده‌اش خبر داد و نوشت: «ننگ به شما که آمدید عکس و یادبود صالح [را] آتش زدید و رفتید. ترسوها، از چی می‌ترسید؟ خشم هیجوقت خاموش نمی‌شود، حالا نگذارید سر خاکش برویم و عزاداری کنیم.»

گزارش‌ها حاکی از آنست که صالح میرهاشمی یک روز پیش از اعدام در تماس با خانواده خود گفته بود: «نگران نباشید همه چیز خوبه، امروز خیلی بهم رسیدن و گفتن از شنبه قراره بری باشگاه. هفته دیگه هم به ملاقات حضوری برات ترتیب میدیم.»

پس از اعدام معترضان «خانه اصفهان» از بامداد جمعه ۲۹ اردیبهشت اعتراضاتی از سوی شهروندان در شهرهای مختلف شکل گرفت. بامداد جمعه و ساعتی پس از اعلام خبر اعدام این سه جوان، مردم در چند محله تهران از جمله اکباتان و چیتگر از روی پشت‌بام علیه جمهوری اسلامی شعار سر دادند.

● مجید کاظمی همراه با سعید یعقوبی و صالح میرهاشمی سه متهم پرونده «خانه اصفهان» مرتبط با اعتراضات جنبش ملی، به اتهام «محاربه» به اعدام محکوم و حکم اعدام آنها سرگاه ۲۹ اردیبهشت‌ماه در زندان دستگرد اصفهان اجرا شد.

● پسرخاله مجید کاظمی خبر داده است که نه تنها مهدی و حسین، برادران مجید پس از یک هفته بازداشت هنوز آزاد نشده‌اند بلکه حقوق بازنشستگی پدرش را قطع کرده و خواهرش نیز از کار اخراج شده است!

محمد هاشمی پسرخاله مجید کاظمی در توییته نوشته است که پس از اعدام مجید، حقوق بازنشستگی پدرش در ۲۹ اردیبهشت‌ماه قطع شده و سمیه خواهر او نیز از کار اخراج شده است.

این عضو خانواده مجید کاظمی نوشت که مهدی و حسین، برادران مجید، نیز پس از یک هفته بازداشت هنوز آزاد نشده‌اند.

مجدید کاظمی همراه با سعید یعقوبی و صالح میرهاشمی سه متهم پرونده «خانه اصفهان» مرتبط با اعتراضات جنبش ملی، به اتهام «محاربه» به اعدام محکوم و حکم اعدام آنها سرگاه ۲۹ اردیبهشت‌ماه در زندان دستگرد اصفهان اجرا شد. از سوی دیگر در پی ادامه فشارهای امنیتی بر خانواده اعدام‌شدگان پرونده «خانه اصفهان» و برگزاری اعتراضات مردمی در شهرهای مختلف ایران، یکی از اقوام نزدیک مجید کاظمی گزارش داد، مأموران امنیتی شامگاه شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۲ با حمله به خانه این معترض اعدام‌شده، پدر و مادر و دو برادر او را به شدت مورد ضرب و جرح قرار دادند و سپس دو برادر مجید کاظمی را بازداشت کرده و با خود بردند. ساعتی بعد به دلیل پیگیری خواهر مجید کاظمی درباره بازداشت برادرانش، مأموران بار دیگر به خانه آمده و خواهر مجید کاظمی را نیز بازداشت کردند.

بر اساس گزارش منابع نزدیک به خانواده کاظمی، روز جمعه ۲۹ اردیبهشت و دقایقی پس از اعدام مجید مأموران

کارخانه قدیمی و نامدار «داروگر» تعطیل شد



دارایی‌های شرکت، عامل تعطیلی «داروگر» بوده و مشکلات مالی این مجموعه در حدی شدت گرفت که از مجموع ۲۵۰۰ کارگر شاغل در «داروگر» فقط ۴۵۰ نفر باقی ماندند و به تدریج شمار آنها نیز کم و کمتر شد و سرانجام به زیر ۱۰۰ تن رسید. حالا هم که اساساً تعطیل شده است!

یک روز پس از انتشار این گزارش و درحالی که ابراهیم اسدی، رییس کانون شورای هماهنگی کارگران قزوین گفته بود کمیته ویژه‌ای در استانداری قزوین برای رسیدگی به این مسئله تشکیل شده، محمدرضا مس‌فروش رییس وقت سازمان صنعت، معدن و تجارت استان تهران در پایگاه اطلاع‌رسانی این وزارتخانه، ضمن انتقاد از رسانه‌ای شدن توقف فعالیت این برند قدیمی، تعطیلی «داروگر» را تکذیب کرد و گفت که این کارخانه روال عادی تولید خود را طی می‌کند و در فرصت تعطیلی‌های فروردین‌ماه، در دست بهسازی و نوسازی بوده است.

البته خبر ورشکستگی این مجموعه عظیم به سال ۱۳۹۸ می‌رسد که طبق اطلاعیه سازمان امور مالیاتی، ۴۸ دستگاه کامیون شرکت داروگر به دلیل بدهی مالیاتی ۸۳۰ میلیارد تومانی به مزایده گذاشته شد.

در پایان سال ۱۳۹۹ در دهمین سال واگذاری عمده سهام این شرکت به مالک جدید، خبر دیگری از سازمان امور مالیاتی درباره مزایده اموال این شرکت منتشر شد. طبق گزارشی که خبرگزاری فارس به نقل از روزنامه «فرهیختگان» منتشر کرده بود، زیان انباشته این شرکت در پایان شهریور ۱۳۹۹ و با افزایش حدود ۱۰ درصدی نسبت به میزان زیان انباشته نیمه اول سال ۱۳۹۸ حدود ۱۰۳۰ میلیارد تومان بوده علاوه بر اینکه طی سال‌های ۹۲ تا پایان ۶ ماهه ۹۹ زیان انباشته هلدینگ داروگر نزدیک به ۲۷۰ برابر شده به این معنا که داروگر در پایان شهریور ماه سال ۱۳۹۹ معادل ۳۵۸ درصد دارایی خود یعنی حدود ۱۷۶۲ میلیارد تومان بدهی داشته که در مقایسه با سال ۱۳۹۸ معادل ۲۰ درصد افزایش یافته بود. اما در عمل سقوط اقتصادی این شرکت قدیمی و خوشنام زمانی آغاز شد که به استناد گزارش روزنامه «فرهیختگان»، در پایان دهه ۸۰، محصولات شویندهی این شرکت سهم ۷۰ الی ۷۵ درصدی بازار مصرف ایران داشت. شاهد آشکار روند ورشکستگی اما از اوایل دهه ۹۰ آشکار شد و اکنون خبر تعطیلی آن توسط مدیرعامل «داروگر» اعلام شده است.

توسط غلامرضا داروگر پی‌ریزی شد. اولین محصول تولیدی این شرکت، «صابون سوبلمه» بود و بعد از انتقال خط تولید به تهران و از سال ۱۳۲۰ به تنوع محصولات بهداشتی داروگر اضافه شد که خمیردندان و صابون «نخل» و شامپو «تخم‌مرغی» از معروف‌ترین محصولات داروگر با کیفیت و دارای استاندارد بین‌المللی بودند.

روزنامه «اعتماد» در گزارشی نوشته است که داروگر «پایه‌گذار تولید صنعتی صابون و همچنین پودر لباسشویی» در ایران است اما در سال‌های بعد تولید سایر مواد شوینده و بهداشتی و غذایی هم به محصولات این شرکت اضافه شد چنانکه در فهرست شرکت‌های زیرمجموعه هلدینگ داروگر می‌توان از ۱۲ شرکت سراغ گرفت: تیدی، تولیدارو، شرکت روغن نباتی جهان، شرکت کیوان تجارت پاسارگاد، شرکت تجزیه شیمی، شرکت کیمیا ایران، جهان کف دارو، هومن شیمی پارس، یاس خرمشهر، شرکت صنایع بسته‌بندی داروگر، شرکت ارزش آفرینان سرمایه و همچنین شرکت بسته‌بندی البرز.» «اعتماد» همچنین نوشته است «امروز در صفحه وبسایت هلدینگ داروگر که به «کفسا» تغییر نام داده، نام‌های خاطره‌انگیز می‌بینیم که روزگاری اعتبار بدنه اشتغال کشور بودند و امروز دیگر از آنها نشانی باقی نمانده است.»

بر اساس این گزارش طبق برخی اخبار منتشر شده در اینترنت، پیش از سال ۱۳۵۷، بخش‌هایی از هلدینگ داروگر از سرمایه کارآفرینی همچون خانواده خسروشاهی تغذیه می‌کرد اما در سال‌های بعد از بهمن ۱۳۵۷، هلدینگ داروگر مانند بسیاری از شرکت‌ها و موسسات اقتصادی به نهادهای دولتی از جمله بانک ملی و «بنیاد شهید» (سازمان اقتصادی کوثر) واگذار شد. این کارخانه نیز پس از وقوع انقلاب اسلامی روند همان بلایی را در پیش گرفت که بر سر دیگر کارخانجات قدیمی و با کیفیت ایران آمد. مشکلات مالی هلدینگ داروگر از نیمه دهه ۱۳۹۰ به گوش رسانه‌ها رسید در حالی که گفته می‌شود زخم اولیه، بعد از خصوصی‌سازی این هلدینگ در سال ۱۳۸۹ به بدنه این شرکت وارد شد.

پیشتر به نقل از رییس شورای کارگران کارخانه داروگر و همچنین یکی از اعضای سابق انجمن شویندگان که حاضر به ذکر نام خود نبود، گفته شده بود که بدهی ۸۰۰ میلیارد تومانی شرکت تولیدی داروگر به بانک‌ها و انباشت مشکلات مالی طی دو دهه و سبقت گرفتن رقم بدهی از مجموع

«از ۱۱۰۰ کارگر داروگر حدود ۵۰ کارگر باقی مانده و بقیه در طول ماه‌ها و سال‌های اخیر اخراج شده‌اند؛ حالا به نظر می‌رسد قصد دارند کارگران باقیمانده را هم بیکار کنند.»

● حدود دو ماه پیش در صبح چهارشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۲ ده‌ها تن از کارگران «داروگر» در مقابل ساختمان وزارت کار تجمع اعتراضی برگزار کردند.

● در سال‌های اخیر از مجموع ۲۵۰۰ کارگر شاغل در «داروگر» فقط ۴۵۰ نفر باقی ماندند و به تدریج شمار آنها نیز کم و کمتر شد و سرانجام به زیر ۱۰۰ تن رسید. حالا هم که اساساً تعطیل شده است!

● پایه اولیه شرکت داروگر در سال ۱۳۰۷ و در شهر اصفهان توسط غلامرضا داروگر پی‌ریزی شد. اولین محصول تولیدی این شرکت، «صابون سوبلمه» بود و بعد از انتقال خط تولید به تهران و از سال ۱۳۲۰ به تنوع محصولات بهداشتی داروگر اضافه شد که خمیردندان و صابون «نخل» و شامپو «تخم‌مرغی» داروگر از معروف‌ترین محصولات با کیفیت و دارای استاندارد بین‌المللی بودند.

محمدرضا فرزعلیان مسئول کانون شوراها اسلامی کار غرب تهران از پلمب شدن کارخانه داروگر خبر داد و گفت: «جمعه مدیرعامل کارخانه اطلاعیه زده و به دلیل مشکل با اداره مالیات تمام سالن‌ها و قسمت‌ها را تعطیل کرده است.» این در حالیست که به گفته وی داروگر امروز بیش از ۵۰ کارگر دارد؛ از ۱۱۰۰ کارگر داروگر حدود ۵۰ کارگر باقی مانده و بقیه در طول ماه‌ها و سال‌های اخیر اخراج شده‌اند؛ حالا به نظر می‌رسد قصد دارند کارگران باقیمانده را هم بیکار کنند. این فعال کارگری با بیان اینکه «تولید کاملاً خوابیده است» می‌گوید: «با اخراج کارگران باقیمانده، درهای کارخانه بسته می‌شود. این اواخر کارگران داروگر به تمام نهادهای مربوط مراجعه کرده‌اند اما پاسخی نگرفته‌اند؛ امروز داروگر به کما رفته و ظاهراً سرنوشتی مثل ارج و سایر برندهای قدیمی در انتظار این شرکت باسابقه است.»

به گفته فرزعلیان، «مدیرعامل داروگر چندین شرکت دیگر هم دارد؛ وضع همه این شرکت‌ها خراب است و داروگر خراب‌تر از همه! با بی‌تدبیری کار را به جایی رسانده‌اند که امروز کارگر داروگر چهار ماه حقوق و بیمه نداشته و در آستانه اخراج و بیکاری قرار دارد؛ چهار ماه است که یک ریال به کارگران حقوق ندهاده‌اند و حق بیمه‌شان واریز نشده است؛ این کارگران شب‌ها نگرانی و دستفروشی و مسافرتی می‌کنند تا خرج زندگی‌شان تامین شود.»

پیشتر ایلنا گزارش داده بود که در پی ادامه بحران مالی در کارخانه داروگر تهران، کارفرما با اعلام تعطیلی کارخانه اسامی ۲۷ کارگر قراردادی را با سوابق ۱۰ تا ۲۵ سال کار در لیست اخراجی‌ها قرار داده است. از قرار معلوم بقیه ۷۰ کارگر نیز در خارج کارخانه در انتظار تعیین تکلیف هستند. اینهمه در حالیست که حدود دو ماه پیش در صبح چهارشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۲ ده‌ها تن از کارگران «داروگر» در مقابل ساختمان وزارت کار تجمع اعتراضی برگزار کردند. در گزارشی که کیهان لندن منتشر کرده بود همان زمان از جمله آمده بود که شمار زیادی از کارگران این کارخانه طی ماه‌های گذشته از کار بیکار شدند و کارگران باقیمانده در کارخانه نیز چند ماه است حقوقی دریافت نکرده و بیمه آنها از سوی کارفرما پرداخت نشده است. پایه اولیه شرکت داروگر در سال ۱۳۰۷ و در شهر اصفهان

وزیر پیشنهادی صمت معرفی شد؛ همکار نزدیک سپاه پاسداران و قرارگاه «خاتم الانبیاء»



عباس علی آبادی

● عباس علی آبادی مدیرعامل هلدینگ بزرگ «مپنا» است و سابقه همکاری تجاری گسترده‌ای با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و قرارگاه «خاتم الانبیاء» وابسته به سپاه رادر کارنامه دارد.

● عباس علی آبادی از جمله مدیران رانتی و حکومتی است که خبرهای غیررسمی درباره بریز و پباش‌های او منتشر شده و متهم است که در «مپنا» یک شبکه از مدیران رانتی حکومت را که در سن بازنشستگی هستند به کار گرفته است.

● استخدام رانتی فرزند رضا اردکانیان وزیر نیرو در «مپنا» در زمان ریاست عباس علی آبادی از دیگر موارد حاشیه‌ساز برای این مدیر حکومتی بوده است.

عباس علی آبادی مدیر عامل هلدینگ بزرگ «مپنا» و از همکاران اقتصادی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سوی ابراهیم رئیسی به عنوان وزیر پیشنهادی صنعت، معدن و تجارت به مجلس شورای اسلامی معرفی شد.

محمد حسینی معاون پارلمانی ابراهیم رئیسی در حاشیه جلسه علنی امروز سه‌شنبه ۹ خرداد ۱۴۰۲ مجلس شورای اسلامی از معرفی عباس علی آبادی به عنوان وزیر پیشنهادی صمت به مجلس خبر داد.

محمد حسینی گفته که «عباس علی آبادی مدیر اجرایی قوی بوده و آشنایی و اشراف کاملی به حوزه صنعت کشور دارد» و «برنامه‌های فوری و اولویت‌دار دکتر علی آبادی به پوست نامه رئیس جمهور برای رئیس مجلس ارسال شده است.»

عباس علی آبادی مدیرعامل هلدینگ بزرگ «مپنا» است و سابقه همکاری تجاری گسترده‌ای با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و قرارگاه «خاتم الانبیاء» سپاه پاسداران را در کارنامه دارد. پیشنهاد یکی از مدیران رانتی و نزدیک به سپاه پاسداران به عنوان وزیر صمت قابل توجه است.

هلدینگ «مپنا» و شرکت‌های وابسته به آن، یکی از بزرگترین «مجموعه‌های صنعتی ایران»، سازنده «نیروگاه‌های بزرگ حرارتی» و «مجری پروژه‌های کلان» نفت و گاز و حمل‌ونقل ریلی در ایران است.

در عین حال، بخش‌هایی از هلدینگ بزرگ مپنا در لیست تحریم‌های بین‌المللی قرار دارد که به دلیل فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی و اقدامات خصمانه و مداخله‌جویانه جمهوری اسلامی در منطقه اعمال شده‌اند.

وزارت نفت در سال ۱۳۹۵ هشت شرکت ایرانی را «صاحب صلاحیت در حوزه اکتشاف و تولید» نفت معرفی کرد که شرکت مپنا در کنار قرارگاه سازندگی «خاتم‌الانبیاء» (وابسته به سپاه پاسداران) و شرکت توسعه نفت و گاز پرشیا (وابسته به ستاد اجرایی فرمان امام) یکی از این هشت شرکت «صاحب صلاحیت» عنوان شدند. عباس علی آبادی همچنین سابقه ریاست دانشگاه «مالک اشتر» وابسته به وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و همچنین مدیر عاملی «ایران خودرو» را نیز در کارنامه دارد. او همچنین در دولت اصلاح‌طلب حسن روحانی معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی بوده است. فعالیت در جهاد سازندگی، مشارکت در اجرا و مدیریت پروژه‌های نیروگاهی کرخه و کارون ۳، مدیریت عاملی شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران از دیگر سوابق علی عباس آبادی است.

عباس علی آبادی فارغ‌التحصیل مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد مکانیک با گرایش تبدیل انرژی از دانشگاه‌های صنعتی «شریف» و دانشگاه

مخالفان را قانع کند و در نهایت طرح استیضاح وزیر به رأی نمایندگان گذاشته و به برکناری وی منجر شد.

یکی از موضوعات مهم مورد بحث درباره وزارت صمت، تلاش دولت برای تفکیک آن به دو وزارتخانه «تجارت» و «صنایع و معادن» است. این طرح در سالهای گذشته بارها مطرح اما هر بار بی‌نتیجه رها شده است. نمایندگان مجلس شورای اسلامی آخرین بار سه‌شنبه ۱۲ اردیبهشت‌ماه و دو روز پس از عزل رضا فاطمی‌امین با دو فوریت لایحه تشکیل وزارت بازرگانی موافقت کردند.

وزارت صنعت، معدن و تجارت که به صورت سرواژه به وزارت صمت معروف است، پس از تصویب مجلس شورای اسلامی در ۸ تیر ۱۳۹۰ و تصویب شورای نگهبان در ۱۲ تیردر راستای طرح کوچک‌سازی دولت با ادغام دو وزارتخانه بازرگانی و صنایع و معادن تشکیل شد.

با تشکیل دولت روحانی از سال ۱۳۹۲ چند بار طرح تفکیک وزارت صمت مطرح شد اما این طرح سه بار از سوی نمایندگان دهمین دور مجلس شورای اسلامی رد شد. تلاش دولت روحانی برای تفکیک این وزارتخانه ادامه داشت بطوریکه بار دیگر نمایندگان مجلس شورای اسلامی مردادماه سال ۱۳۹۷ با تفکیک وزارتخانه‌های «صنعت، معدن، تجارت» و «تعاون، کار و رفاه اجتماعی» و «ورزش و جوانان» مخالفت کردند.

با تشکیل دولت ابراهیم رئیسی دوباره موضوع تفکیک وزارت صمت مورد توجه قرار گرفت اما همچنان مخالفان و موافقان زیادی دارد. برخی معتقدند وزارت صمت بیش از اندازه عریض و طویل است و وظایف زیادی در حوزه صنعت و تجارت و تنظیم بازار به عهده دارد و بهتر است به دو وزارتخانه تفکیک شود تا بهره‌وری بالاتری پیدا کند.

در مقابل مخالفان می‌گویند که تفکیک وزارتخانه به معنای تحمیل یک روند بوروکراسی اضافه بر دولت است و به هزینه زیادی نیز نیاز دارد و با توجه به آشفته‌بازار در بخش‌های صنعت و تجارت فعلا باید تمرکز بر ساماندهی و حل مشکلات حوزه صنعت و تجارت باشد. بخشی از مخالفان نیز معتقدند مافیاهای اقتصادی برای آسان شدن واردات کالا و تهدید تولید و صنعت کشور، به دنبال تفکیک وزارتخانه هستند تا راحت‌تر اهداف آمیخته به فساد خود را پیش ببرند.

تابستان گذشته نیز بار دیگر تلاش برای تفکیک وزارت صمت افزایش یافته بود اما اکثریت اعضای کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی با این طرح مخالفت کردند. همزمان علی جدی نایب رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی گفته بود علت این مخالفت مشکلات شدیدی است که با حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی ایجاد شده و موضوع تفکیک وزارتخانه را از اولویت خارج کرده است.

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی توضیح داده که «استدلال کسانی که می‌گویند باید وزارت صمت تفکیک شود، فقط این است که این وزارتخانه بزرگ است و باید جدا شود که این استدلال درست و منطقی نیست. اگر اینگونه باشد، رئیس‌جمهور هم مجموعه وظایف زیادی دارد و آیا درست است که بگوییم باید سه رئیس‌جمهور داشته باشیم؟ از سوی دیگر تفکیک وزارت صمت باعث بهم‌ریختگی در وزارت جهاد کشاورزی هم می‌شود چرا که زمان زیادی نیست که قانون تمرکز وظایف و اختیارات مربوط به بخش کشاورزی در وزارت جهاد کشاورزی در حال اجراست.»

تهران و درجه دکترای مهندسی مکانیک از دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی با گرایش کنترل است. عباس علی آبادی از جمله مدیران رانتی و حکومتی است که خبرهایی غیررسمی درباره بریز و پباش‌ها و ولخرجی‌های او نیز منتشر شده است. او همچنین متهم است که در «مپنا» یک شبکه از مدیران رانتی حکومت را که در سن بازنشستگی هستند به کار گرفته است.

بر اساس گزارش‌ها، عباس علی آبادی به جوانگرایی اعتقاد خاصی نداشته و به خاطر خصوصی بودن (خصوصی بودن) تعدادی از بازنشسته‌های وزارت نیرو در را «مپنا» جای داده است طوری که منتقدان از مپنا به عنوان حیاط خلوت وزارت نیرویی‌ها نام می‌برند. استخدام این افراد گرچه گفته می‌شود برای استفاده از دانش فنی آنهاست، ولی اغلب برای استفاده از نفوذ و ارتباطات آنها و تثبیت شبکه رانتی - مافیایی انجام می‌گیرد. استخدام رانتی فرزند رضا اردکانیان وزیر نیرو در «مپنا» در زمان ریاست عباس علی آبادی هم از دیگر موارد حاشیه‌ساز برای این مدیر حکومتی بوده است.

دو سال پیش بعد از تشکیل دولت ابراهیم رئیسی عباس علی آبادی گزینه ابراهیم رئیسی برای وزارت نیرو بود. اما گفته می‌شد وی علاقه‌ای به حضور در وزارت نیرو نداشته و به همین دلیل نام او در آخرین روز از لیست نهایی رئیسی خط خورد و علی اکبر محرابیان به عنوان گزینه پیشنهادی وزیر نیروی دولت سیزدهم معرفی شد.

رضا فاطمی‌امین وزیر پیشین صنعت، معدن و تجارت دهم اردیبهشت‌ماه استیضاح و با ۱۶۲ رأی موافق از سوی نمایندگان از این سمت عزل شد. مشکلات در صنعت اتومبیل‌سازی مهمترین علت درخواست نمایندگان برای استیضاح بود.

با وجود اینکه از یک سال و نیم پیش و از نخستین هفته‌های فعالیت رضا فاطمی‌امین به عنوان وزیر صمت انتقادات از او وجود داشت و سه بار طرح استیضاح او به مجلس رفت اما لایبی دولت سیزدهم در مجلس تا آخرین روزهای مانده به استیضاح فاطمی‌امین تلاش خود را برای ماندن او در کابینه به کار گرفت.

ابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» و رئیس دولت سیزدهم که برای دفاع از او به این جلسه مجلس شورای اسلامی رفته و به دفاع از وزیر خود پرداخته بود نتوانست

رئیس قوه قضاییه درباره معترضان محکوم به اعدام: آنهایی که باید، اعدام شدند یا می‌شوند!



● غلامحسین محسنی اژه‌ای از سرکوب‌های شهروندان در اعتراضات نیمه دوم سال گذشته دفاع کرده و گفته است «او که باید اعدام می‌شد طبق انصاف اعدام شد یا خواهد شد.»

● حکم اعدام هفت مرد جوان معترض که در جریان جنبش ملی بازداشت شده بودند طی ماه‌های گذشته به اجرا درآمد.

● سازمان عفو بین‌الملل هفته گذشته در گزارشی در مورد خطر اعدام هفت تن دیگر از بازداشت‌شدگان اعتراضات ۱۴۰۱ هشدار داد.

● بر اساس آمارهای نهادهای حقوق بشری جمهوری اسلامی در سال ۲۰۲۲ میلادی (یازدهم دی ۱۴۰۰ تا دهم دی ۱۴۰۱) دستکم ۵۷۶ نفر را اعدام کرده است.

رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی در سخنانی با دفاع از صدور احکام و اجرای احکام «اعدام» معترضانی که در جنبش ملی بازداشت شدند گفته است «او که باید اعدام می‌شد طبق انصاف اعدام شد یا خواهد شد.»

غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه عصر روز سه‌شنبه ۹ خرداد ۱۴۰۲ در مراسمی در تهران از سرکوب‌های شهروندان در اعتراضات نیمه دوم سال گذشته دفاع کرده و گفته که «او که باید اعدام می‌شد طبق انصاف اعدام شد یا خواهد شد.»

رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی بار دیگر جنبش ملی و اعتراضات ماه‌های گذشته را به «دشمن» ارتباط داده و گفته که «دست دشمن در ناهنجاری‌ها در کار است و برای ضربه زدن به اسلام و انقلاب اسلامی این اقدامات را رقم زده‌اند این افراد را باید نهادهای امنیتی و اطلاعاتی شناسایی و معرفی کنند.»

او افزوده که «این طیف از افراد به اشد مجازات خواهند رسید. دشمن امروز با لطایف‌الحیل و جنگ روانی و ابزارهای مختلف می‌خواهد دو قطبی‌هایی ایجاد کند و همه افراد را روی به روی هم قرار دهد. البته برخی از این رفتارها سازمان یافته نیستند و قصد ضربه زدن به نظام را ندارند. باید صف آنها را جدا کنیم. باید پس از جدا کردن این صف‌ها؛ اقدام حجت کرد. باید با کارهای فرهنگی به این مسایل رسیدگی کرد.»

غلامحسین محسنی اژه‌ای افزوده که «دشمن خواب براندازی کشور و نظام را دیده بود و همه نوع کمکی کرد تا کشور را به هم بریزد. ولی در کشور دست به دست هم داده شد و دشمن به هدفش نرسید و شکست خورد. صف‌ها جدا شد و او که باید اعدام می‌شد طبق انصاف اعدام شد یا خواهد شد. او که گول و فریب خورده بود هم به طور عادلانه برخورد شد و بسیاری از افراد عفو خوردند.»

رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی در حالی ادعای «عفو» بسیاری از افراد را مطرح کرده که در هفته‌های گذشته شمار زیادی از افرادی که در ارتباط با اعتراضات سال گذشته بازداشت شده و در اواخر سال با ادعای «عفو» از سوی قوه قضاییه آزاد شدند، بازداشت شده یا به دادسرا احضار شدند و پرونده‌های آنها بار دیگر به جریان افتاده است.

از سوی دیگر تأکید و دفاع غلامحسین محسنی اژه‌ای از اعدام شهروندان معترض در حالی قابل توجه است که در

بود که در اعتراضات بازداشت و حکم اعدام او در تهران اجرا شد. چند روز بعد در ۲۱ آذرماه ۱۴۰۱ حکم اعدام مجیدرضا رهنورد در مشهد به اجرا درآمد.

محمد مهدی کرمی و محمد (کیان) حسینی نیز در ۲۱ دی‌ماه ۱۴۰۱ در کرج اجرایی شد. مجید کاظمی، صالح میرهاشمی و سعید یعقوبی متهمان پرونده «خانه اصفهان» در ارتباط با کشته شدن دو بسیجی و یک سرهنگ یگان ویژه با اتهام واهی «محاربه» به اعدام محکوم شده بودند روز جمعه ۲۹ اردیبهشت در زندان «دستگرد» اصفهان به دار آویخته شدند.

هفت جوان برومند در حالی به چوبه دار سپرده شدند که بر اساس اطلاعات منابع حقوق بشری و وکلای دادگستری پرونده همه آنها با ابهامات زیادی روبرو بوده است. اعتراف اجباری زیر شکنجه، عدم وجود مستندات لازم و کافی که بیانگر ارتکاب این جوانان به جرم یا اثبات‌کننده اتهام سنگین «محاربه» باشد، عدم برخورداری از وکلای انتخابی، عدم امکان دفاع در دادگاه از جمله ایرادات حقوقی وارد به روند دادرسی آنها بوده است.

همچنین گزارش‌ها از خطر صدور یا اجرای حکم اعدام شمار دیگری از بازداشت‌شدگان اعتراضات سال گذشته حکایت دارد.

سازمان عفو بین‌الملل هفته گذشته در دوم خردادماه نیز در گزارشی در مورد خطر اعدام هفت تن دیگر از بازداشت‌شدگان اعتراضات ۱۴۰۱ هشدار داد. بر اساس این گزارش ابراهیم نارویی، کامبیز خروت، منوچهر مهمان‌نواز، منصوره دهمرده، محمد قبادلو، مجاهد[عباس] کورکور و شعیب میربلوچ‌زهی ریگی در خطر اعدام قرار دارند.

همچنین سه شهروند معترض نیز در خطر صدور حکم اعدام در پرونده معروف به پرونده «اکباتان» قرار دارند. این پرونده در رابطه با مرگ آرمان علی‌وردی از اعضای یگان امنیتی بسیج اکباتان تشکیل شد که در اعتراضات

روزهای گذشته هشدار درباره خطر اعدام چند شهروند معترض دیگر مطرح شده و در اواخر ماه گذشته نیز حکم اعدام سه معترض در پرونده «خانه اصفهان» اجرا شد.

دفتر حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو حدود یک ماه پیش اعلام کرد که جمهوری اسلامی در سال جاری میلادی یعنی از یازدهم دی ۱۴۰۱ تا زمان انتشار آن گزارش ۲۰۹ نفر را اعدام کرده که آن را رکوردی «مایه انزجار» خواند.

سخنگوی دفتر حقوق بشر سازمان ملل گفته است که در سال جاری میلادی «بطور متوسط هر هفته بیش از ۱۰ نفر در ایران اعدام شده‌اند، که این کشور را به یکی از بالاترین اجراکنندگان حکم اعدام در جهان بدل می‌کند.»

سازمان عفو بین‌الملل به تازگی اعلام کرده که جمهوری اسلامی در سال ۲۰۲۲ میلادی (یازدهم دی ۱۴۰۰ تا دهم دی ۱۴۰۱) دستکم ۵۷۶ نفر را اعدام کرده است.

عفو بین‌الملل می‌گوید آمار اعدام‌شدگان در ایران در سال ۲۰۲۲ میلادی که حداقل ۵۷۶ نفر بوده در مقایسه با آمار سال ۲۰۲۱ میلادی رشد چشمگیری نشان می‌دهد. این سازمان تعداد اعدام‌شدگان سال ۲۰۲۱ میلادی در ایران را حداقل ۳۱۴ نفر اعلام کرده بود.

این گزارش می‌گوید از ۵۷۶ اعدام شده در سال گذشته میلادی، ۲۷۹ نفر به محکوم به قصاص، ۲۵۵ نفر در جرائم مرتبط با مواد مخدر، ۲۱ نفر متهم به تجاوز جنسی و ۱۸ نفر به اتهام «محاربه» به اعدام محکوم شده بودند.

جدا از افزایش شمار اعدام‌های متهمان مواد مخدر و قصاص، به نظر می‌رسد قوه قضاییه به دنبال اجرای احکام اعدام شهروندان معترضی است که در اعتراضات سال گذشته بازداشت و با اتهامات سنگین و غیرواقعی چون «محاربه»، «بغی» و «افساد فی الارض» روبرو شدند.

حکم اعدام هفت مرد جوان معترض که در جریان جنبش ملی بازداشت شده بودند طی ماه‌های گذشته اجرایی شده است. محسن شکاری ۱۷ آذرماه ۱۴۰۱ نخستین شهروندی



دیدار هیثم بن طارق آل سعید سلطان عمان با علی خامنه‌ای / هشتم خرداد ۱۴۰۲

آکسیوس: مذاکره مقامات کاخ سفید با عمانی‌ها در مورد «توافق موقت اتمی» با جمهوری اسلامی؛ وزارت خارجه آمریکا تکذیب کرد

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفت: «هیچ صحبتی از سوی آمریکا درباره توافق موقت و هیچ حرفی درباره رفع تحریم‌ها یا بسته شدن پرونده‌های پادمان [مرتبط با برنامه‌های نظامی اتمی ایران] وجود ندارد.»

از سوی دیگر اما یک دیپلمات ارشد اروپایی تأیید کرد «ایالات متحده در حال همکاری با عمانی‌ها در مورد موضوع ایران است.»

سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید گفت که درباره دیپلماسی منطقه‌ای که جمهوری اسلامی یکی از جنبه‌های آن است، اظهار نظر نمی‌کند.

سه مقام اسرائیلی به آکسیوس گفتند که دولت اسرائیل نگران فشار احتمالی دولت بایدن برای توافق موقت با ایران است. ران درمر وزیر امور استراتژیک اسرائیل و تزاچی هانگی مشاور امنیت ملی این کشور، قرار است در دیدار روز پنجشنبه خود از کاخ سفید در مورد این نگرانی‌ها گفتگو کنند.

وزارت خارجه عمان و جمهوری اسلامی به درخواست‌های آکسیوس برای اظهار نظر در این زمینه پاسخ ندادند.

در همین حال روزنامه کره‌ای «اکنومیک دیلی» روز سه‌شنبه گزارش داد که کره جنوبی و ایالات متحده در حال مذاکره درباره راه‌هایی برای آزاد ساختن ۷ میلیارد دلار از پول‌های بلوکه شده ایران در کره جنوبی هستند.

شماره‌ای از رسانه‌های حکومتی در ایران گزارش دادند که جمهوری اسلامی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اختلاف در مورد پرونده سایت «مرویون» (آباده) و علت ذرات اورانیوم ۸۴ درصدی در فُردو را حل و فصل کرده‌اند.

بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل در یک کنفرانس مطبوعاتی در سپتامبر ۲۰۱۹ افشا کرده بود که جمهوری اسلامی در سایتی نزدیک آباده فعالیت‌های اتمی اعلام نشده داشته است.

انتظار می‌رود آژانس گزارش‌های سه ماهه را قبل از جلسه هیئت مدیره که برای هفته آینده برنامه‌ریزی شده است، منتشر کند.

وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد که نمی‌تواند درباره آنچه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ممکن است پیشاپیش اقدام کند، اظهار نظر نماید.

سخنگوی وزارت خارجه افزود: «ما به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و مدیرکل آن رافائل گروسی اعتماد کامل داریم و منتظر گزارش‌های آژانس در روزهای آینده هستیم.»

یک دیپلمات وزارت خارجه آمریکا اواخر فروردین امسال به کیهان لندن گفته بود «برجام در دستور کار ما نیست» و هیچ مذاکره‌ای بین ایالات متحده و ایران وجود ندارد.

● دو روز پس از سفر سلطان هیثم پادشاه عمان به تهران پایگاه خبری «آکسیوس» گزارش داد مک‌گورک هماهنگ‌کننده شورای امنیت ملی کاخ سفید پس از سفر به عربستان سعودی و اسرائیل به همراه جیک سالیوان مشاور امنیت ملی کاخ سفید هشتم ماه مه بی‌سر و صدا به مسقط پایتخت عمان سفر کرد.

● این ملاقات از سوی آمریکا و عمان علنی نشد. این مقامات گفتند که موضوع اصلی مورد بحث، فشار دیپلماتیک جدید بر سر برنامه هسته‌ای ایران با میانجیگری عمان بود. یک مقام ارشد اسرائیلی به آکسیوس گفت: «عمانی‌ها در حال مذاکره برای میانجیگری بین آمریکا و ایران هستند.»

● سه مقام ارشد اسرائیلی مدعی شدند که کاخ سفید از طریق دولت عمان در حال بررسی است که آیا ایرانی‌ها آماده برداشت گام‌هایی برای محدود کردن فعالیت‌های هسته‌ای خود هستند و در ازای آن چه می‌خواهند.

● یک دیپلمات وزارت خارجه آمریکا اواخر فروردین امسال به کیهان لندن گفته بود «برجام در دستور کار ما نیست.»

به گفته پنج مقام آمریکایی، اسرائیلی و اروپایی، برت مک‌گورک هماهنگ‌کننده شورای امنیت ملی کاخ سفید در امور خاورمیانه اوایل ماه جاری درباره برنامه اتمی جمهوری اسلامی با مقامات عمانی گفتگو کرده است.

دو روز پس از سفر سلطان هیثم پادشاه عمان به تهران پایگاه خبری «آکسیوس» روز سه‌شنبه ۳۰ ماه مه (۹ خرداد) گزارش داد مک‌گورک پس از سفر به عربستان سعودی و اسرائیل به همراه جیک سالیوان مشاور امنیت ملی کاخ سفید هشتم ماه مه بی‌سر و صدا به مسقط پایتخت عمان سفر کرد. این ملاقات از سوی آمریکا و عمان علنی نشد. این مقامات گفتند که موضوع اصلی مورد بحث، فشار دیپلماتیک جدید مربوط به برنامه هسته‌ای ایران با میانجیگری عمان بود.

یک مقام ارشد اسرائیلی به آکسیوس گفت: «عمانی‌ها در حال مذاکره برای میانجیگری بین آمریکا و ایران هستند.» سه مقام ارشد اسرائیلی مدعی شدند که کاخ سفید از طریق دولت عمان در حال بررسی است که آیا ایرانی‌ها آماده برداشت گام‌هایی برای محدود کردن فعالیت‌های هسته‌ای خود هستند و در ازای آن چه می‌خواهند.

یکی از مقامات ارشد اسرائیلی به آکسیوس گفت: «آمریکایی‌ها خواهان یک توافق موقت هستند.»

اینهمه در حالیست که همزمان سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید ادعاهای مقامات اسرائیلی را رد کرده است.

➔ مجروح و بعد از دو روز در بیمارستان مُرد. بنا بر کیفرخواست صادره، میلاد آرمون، محمدمهدی حسینی و مهدی ایمانی سه متهم ردیف اول تا سوم پرونده به «محاربه» متهم، و علیرضا کفایی و حسین نعمتی و یک جوان دیگر نیز به «مشارکت در قتل عمد» و اتهاماتی از جمله «تبلیغ علیه نظام» متهم شده‌اند.

هفته گذشته منابع حقوق بشری هشدارهایی درباره احتمال صدور حکم اعدام علیه میلاد آرمون، علیرضا کفایی و مهدی ایمانی دادند. همچنین روز گذشته نام نوید نجاران به عنوان متهم دیگری در این پرونده منتشر شد اما از اتهامات او خبری در دست نیست.

منابع حقوق بشری و تحلیلگران معتقدند اعدام شهروندان معترض که با دست خالی در اعتراضات سال گذشته شرکت داشته و مرتکب هیچ اقدام تروریستی یا جنایتی نشده‌اند، با هدف وحشت‌آفرینی و مهندسی افکار عمومی، و جلوگیری از شروع موج تازه‌ای از اعتراضات صورت گرفته است.

غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی در آبان ماه سال گذشته و پس از بیانیه غایبندگان مجلس شورای اسلامی که خواستار اعدام معترضان شده بودند، با صدور حکم اعدام برای افراد متهم به «محاربه» موافقت کرد.

او همچنین اواخر آذرماه گذشته خواستار واستار اجرای سریع و بدون تأخیر احکام قطعی با رعایت موازین و تشریفات قانونی و خودداری از تأخیر در اجرای احکام از جمله برای محکومین «پرونده‌های اغتشاشات» شد.

این در حالیست که اتهامات «محاربه»، «بغی» و «افساد فی الارض» علیه شهروندان و اجرای حکم اعدام آنها حتی بر اساس قوانین جمهوری اسلامی نیز اقدامی غیرقانونی است و تا کنون مخالفت‌های زیادی با آن شده است.

محسن برهانی وکیل دادگستری که در حوزه علمیه درس خوانده از جمله منتقدان شدید احکام علیه شهروندان معترض بوده است. او اتهام «محاربه» و صدور احکام «اعدام» علیه معترضان را داری «اشتباه فاحش» خوانده است.

محسن برهانی همچنین صدور احکام اعدام را «غیرشرعی» دانسته است: «در اعتراضات اخیر، کسانی که دست به سلاح بردند، هدفشان ترساندن مأموران امنیتی و انتظامی بود و اتفاقاً به دنبال ایجاد قوت قلب و تشجیع مردم بودند. بنابراین شرایط جرم محاربه محقق نشده است و چنین احکامی محل اشکال است. اعدام‌هایی غیرشرعی و به قصد ارباب عمومی!!»

مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم نیز سال گذشته با صدور بیانیه‌ای درباره صدور و اجرای حکم اعدام علیه شهروندان معترض نوشته که اجرای حکم اعدام یکی از معترضان، آنهم در شرایطی که اقتضا می‌کند حکومت با شنیدن صدای اعتراض مردم در راه آرام کردن اوضاع گام بردارد، بخش عظیمی از جامعه به ویژه فرهیختگان و دلسوزان کشور را شگفت‌زده و وجدان عمومی را جریحه‌دارتر کرد.

در این بیانیه آمده بود که «صرف نظر از اشکالات فقهی و حقوقی که در روند دادرسی، صدور و اجرای ناگهانی این حکم وجود داشته است، اساساً اعدام راهکاری درست برای تأمین امنیت و کاستن از التهاب نیست؛ زیرا این کار به خشم و کینه جامعه می‌افزاید و ناآگاهی از فضای افکار عمومی جامعه و بی‌توجهی مسئولان امر به مصالح کشور را نشان می‌دهد. افزون بر این مشکل اصلی این است که روند قضائی این محاکمات نتوانسته است افکار عمومی را قانع کند.»

سی‌ان‌ان: رژیم ایران از دریای خزر برای روسیه تسلیحات ارسال می‌کند و قدرت‌های غربی فقط نظاره‌گر هستند



تصاویر ماهواره‌ای از کشتی‌های باری مشکوک که در بندر ساحل خزر تردد می‌کنند



بندر آستاراخان روسیه

آن وجود ندارد. آنها توانایی یا انگیزه‌ای برای جلوگیری از این نوع مبادلات ندارند. آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان که همگی جمهوری‌های شوروی سابق هستند، کشورهایی هستند که بنداری در دریای خزر دارند.»

کلی تأکید می‌کند: «دریای خزر محیطی عالی برای تجارت تسلیحاتی بدون مخالفت دولت‌های مستقر در حاشیه آن است.»

به گفته این تحلیلگر، تعداد کشتی‌هایی که داده‌های ردیابی خود را در دریای خزر از دست‌خارج می‌کنند، بین اوت تا سپتامبر ۲۰۲۲ [تابستان و پاییز ۱۴۰۱] افزایش یافته. بر اساس داده‌های مرکز رصد کشتیرانی «لویدز لیست» تعداد کشتی‌هایی که سیستم موقعیت‌یاب آنها مختل شده در سال ۲۰۲۳ همچنان بالا باقی مانده است.

به گفته بریجیت دیاکون تحلیلگر اطلاعات و گزارشگر شرکت «لویدز لیست» که متخصص در تحلیل دریانوردی بین‌المللی است، این روند عمدتاً توسط کشتی‌هایی با پرچم روسیه و پرچم جمهوری اسلامی و به ویژه کشتی‌های باری که قادر به حمل سلاح هستند، هدایت می‌شود.

یکی از قوانین سازمان بین‌المللی دریانوردی اکثر کشتی‌ها را ملزم می‌کند که مجهز به سیستم ردیابی باشند که بطور خودکار اطلاعات مکان و شناسایی را در اختیار سایر کشتی‌ها و مقامات ساحلی قرار دهد. به دلایل ایمنی، این سیستم‌های شناسایی خودکار (AIS) قرار است همیشه داده‌ها را با استثنائات محدود ارسال کنند. اما کشتی‌ها می‌توانند ردیابی AIS خود را خاموش کنند، تاکتیکی که می‌تواند برای پنهان کردن بخش‌هایی از مسیر حرکت، مخفی کردن مقاصد، یا بطور کلی مخفی کردن تماس‌ها با بندر مقصد مورد استفاده قرار گیرد.

دیاکون گفت، در اواخر سال ۲۰۲۲ داده‌های اطلاعاتی فهرست لویدز نشان می‌دهد که «مراودات احتمالاً مشکوک بندری» بین روسیه و بندر شمالی ایران افزایش یافته است. ←

و همچنین در رودخانه ولگای روسیه و بندر آستاراخان رخ داده است.

آب‌های دریای خزر به طرز فریبنده‌ای آرام به نظر می‌رسند. اما این مسیر دریایی- که یک مسیر مستقیم بین ایران و روسیه را فراهم می‌کند- به مسیر حمل و نقل محموله‌های تسلیحاتی از تهران به مسکو تبدیل شده که حسابی پر تردد نیز هست.

سی‌ان‌ان شنبه ۲۶ ماه مه (۶ خرداد) در گزارشی می‌نویسد داده‌های ردیابی نشان می‌دهد جمهوری اسلامی با استفاده از کشتی‌هایی که سیستم موقعیت‌یاب آنها دستکاری می‌شود اقدام به لاپوشانی حرکت کشتی‌ها در دریای خزر (کاسپین/مازندران) می‌کند.

به گفته کارشناسان، با عمیق‌تر شدن همکاری بین رژیم ایران و روسیه، از مسیر دریای خزر برای جابجایی پهپادها، گلوله‌ها و انواع خمپاره که دولت روسیه برای تقویت ارتش خود در جنگ علیه اوکراین خریداری کرده، استفاده می‌شود.

سال گذشته، داده‌های مرکز رصد کشتیرانی «لویدز لیست» نشان داد که تعداد باگ‌های موجود در داده‌های ردیابی کشتی‌ها در خزر در ماه سپتامبر (شهریور- مهر) افزایش یافته است. این مدت کوتاهی پس از آن بود که ایالات متحده و دولت اوکراین اعلام کردند که مسکو تابستان گذشته از تهران پهپاد تحویل گرفته است. استفاده روسیه از پهپادهای ایرانی در پاییز از جمله علیه زیرساخت‌های حیاتی انرژی در اوکراین افزایش یافت.

تحلیلگران تسلیحاتی معتقدند در تولید پهپادهای ایرانی که توسط روسیه در اوکراین استفاده می‌شود از فناوری سرقت شده از غرب بهره گرفته شده است.

مارتین کلی تحلیلگر اطلاعاتی ارشد در شرکت امنیتی EOS Risk Group می‌گوید: «هیچ خطری برای صادرات ایران در دریای خزر به دلیل هم‌مرز بودن با کشورهای حاشیه

● سی‌ان‌ان شنبه ۲۶ ماه مه (۶ خرداد) در گزارشی می‌نویسد داده‌های ردیابی نشان می‌دهد جمهوری اسلامی با استفاده از کشتی‌هایی که سیستم موقعیت‌یاب آنها دستکاری می‌شود اقدام به لاپوشانی حرکت کشتی‌ها در دریای خزر می‌کند.

● به گفته کارشناسان، با عمیق‌تر شدن همکاری بین رژیم ایران و روسیه، از مسیر دریای خزر برای جابجایی پهپادها، گلوله‌ها و انواع خمپاره که دولت روسیه برای تقویت ارتش خود در جنگ علیه اوکراین خریداری کرده، استفاده می‌شود.

● سال گذشته، داده‌های مرکز رصد کشتیرانی «لویدز لیست» نشان داد که تعداد باگ‌های موجود در داده‌های ردیابی کشتی‌ها در خزر در ماه سپتامبر (شهریور- مهر) افزایش یافته. این مدت کوتاهی پس از آن بود که ایالات متحده و دولت اوکراین اعلام کردند که مسکو تابستان گذشته از تهران پهپاد تحویل گرفته است.

● مارتین کلی تحلیلگر اطلاعاتی ارشد در شرکت امنیتی EOS Risk Group می‌گوید: «هیچ خطری برای صادرات ایران در دریای خزر به دلیل هم‌مرز بودن با کشورهای حاشیه آن وجود ندارد. آنها توانایی یا انگیزه‌ای برای جلوگیری از این نوع مبادلات ندارند. آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان که همگی جمهوری‌های شوروی سابق هستند، کشورهایی هستند که بنداری در دریای خزر دارند.»

● به گفته بریجیت دیاکون تحلیلگر اطلاعات و گزارشگر شرکت «لویدز لیست» که متخصص در تحلیل دریانوردی بین‌المللی است، این روند عمدتاً توسط کشتی‌هایی با پرچم روسیه و پرچم جمهوری اسلامی و به ویژه نوع کشتی‌های باری که قادر به حمل سلاح هستند، هدایت می‌شود.

● بر اساس اطلاعات «لویدز لیست» بیشترین اختلال در داده‌های ردیابی کشتی‌های باری با پرچم روسیه و جمهوری اسلامی ایران در نزدیکی بندر امیرآباد و انزلی

معامله تهران و بروکسل با میانجیگری عمان: ملاها امدادگر بلژیکی را دادند، دیپلمات- بمب گذار را گرفتند!



اسدالله اسدی (راست) و اولیویه ونده کاستیل (چپ)

وزیر بلژیک تأیید کرد که اولیویه ونده کاستیل امدادگر این کشور پس از ۴۵۵ روزی که در ایران زندانی بود آزاد شده و در حال بازگشت به بلژیک است. طبق گزارش آسوشیتدپرس اسدالله اسدی دیپلمات- تروریست جمهوری اسلامی با ونده کاستیل مبادله شده است.

به گفته نخست وزیر بلژیک جمعه شب اولیویه ونده کاستیل به مسقط منتقل شد و در آنجا تحت مراقبت تیمی از سربازان و دیپلمات‌های بلژیکی قرار گرفت. این امدادگر صبح شنبه پس از معاینات پزشکی اجازه پرواز از عمان دریافت کرد.

وزیر خارجه جمهوری اسلامی در ارتباط با مبادله اسدالله اسدی دیپلمات- تروریستی که تدارک بمب‌گذاری در نشست مجاهدین خلق را دیده بود، در توییتی نوشته «دیپلمات بی‌گناه» در راه بازگشت به وطن است!

حاجا حبیب وزیر خارجه بلژیک دو هفته پیش از این در تماس تلفنی با حسین امیرعبداللّه‌یان وزیر خارجه جمهوری اسلامی خواسته بود فوراً شهروندان اروپایی زندانی که توسط جمهوری اسلامی در ایران به گروگان گرفته شده‌اند، آزاد شوند. وی نیز در بیانیه‌ای آزادی اولیویه ونده کاستیل امدادگر بلژیکی را تأیید کرده است.

به این ترتیب اسدالله اسدی ۱۵ سال قبل از پایان محکومیت خود آزاد شد و به دامان آمران عملیات تروریستی در جمهوری اسلامی بازگشت. بهمین ۱۳۹۹ دادگاه آنتورپ در بلژیک اسدالله اسدی دبیر سوم سفارت جمهوری اسلامی ایران در وین را به اتهام تلاش جهت بمب‌گذاری در یک نشست سازمان مجاهدین خلق در پاریس مجرم شناخت و او را به ۲۰ سال حبس محکوم کرد.

● اولیویه ونده کاستیل امدادگر بلژیکی پس از ۴۵۵ روز که توسط جمهوری اسلامی در ایران به گروگان گرفته بود با میانجیگری عمان با اسدالله اسدی دیپلمات- تروریستی که آمرانش در تهران نشسته‌اند مبادله شد.

● به گفته نخست وزیر بلژیک، جمعه شب گروگان بلژیکی به مسقط منتقل شد و در آنجا تحت مراقبت تیمی از سربازان و دیپلمات‌های بلژیکی قرار گرفت. صبح شنبه پس از معاینات پزشکی به وی اجازه پرواز از عمان داده شد.

● وزیر خارجه جمهوری اسلامی در ارتباط با مبادله اسدالله اسدی دیپلمات- تروریستی که تدارک بمب‌گذاری در نشست مجاهدین خلق را دیده بود، در توییتی نوشته «دیپلمات بی‌گناه» در راه بازگشت به وطن است!

● دولت عمان ضمن اینکه اعلام کرده این «پرونده بشردوستانه» بوده، از طرفین برای حل و فصل آن تقدیر کرده است.

به گزارش آسوشیتدپرس وزارت خارجه عمان روز شنبه ۲۶ ماه مه (پنجم خرداد) اعلام کرد بلژیک و رژیم ایران با میانجیگری این کشور به توافقی برای مبادله زندانیان با یکدیگر دست یافتند.

بر اساس این توافق دو فردی که در تهران و بروکسل آزاد شده بودند روز شنبه در مسقط مبادله شدند.

دولت عمان ضمن اینکه اعلام کرده این «پرونده بشردوستانه» بوده، از طرفین برای حل و فصل آن تقدیر کرده است.

در اعلامیه دولت عمان هویت زندانیان مبادله شده مشخص نشده است. با این حال الکساندر دو کرو نخست

→ او توضیح داد: «اگر کشتی فقط از یک بندر حرکت خود را آغاز کند بدون اینکه به بندر دیگری برود، مشکوک است، مگر اینکه کشتی محموله را به کشتی دیگری منتقل کند نه به بندر دیگر.»

بر اساس اطلاعات «لویدز لیست»، بیشترین اختلال در داده‌های ردیابی کشتی‌های باری با پرچم روسیه و جمهوری اسلامی ایران در نزدیکی بندر امیرآباد و انزلی و همچنین در رودخانه ولگای روسیه و بندر آستراخان رخ داده است. سی‌ان‌ان با استفاده از داده‌های «مارینه ترافیک» (MarineTraffic) ارائه‌دهنده ردیابی کشتی و تجزیه و تحلیل دریایی، شش کشتی با پرچم روسیه و دو کشتی با پرچم جمهوری اسلامی را ردیابی کرد که به گفته تحلیلگران، از زمان تهاجم گسترده روسیه به اوکراین رفتار مشکوکی از خود نشان داده‌اند و احتمالاً با تجارت اسلحه مرتبط هستند. الگوهای متعددی در بررسی حرکت آنها دیده شده از جمله برخی از کشتی‌ها را می‌توان دید که از بندر ایران به آستراخان سفر می‌کنند، هرچند که در آنجا تماس رسمی بندری برقرار نکرده‌اند. سایر شناورهایی که کارشناسان مشکوک بودن آنها را مشاهده کرده‌اند، در مسیر بندر امیرآباد ایران و بندر آستراخان روسیه از دسترس خارج می‌شوند یا می‌توان مشاهده کرد که داده‌های ردیابی خود را برای مدت طولانی خاموش می‌کنند.

اگرچه تحلیلگران می‌گویند که بطور قطع سخت است که فهمید چه محموله‌ای در این کشتی‌ها وجود دارد، اما بدون گزارش شاهدان عینی یا تصاویر ماهواره‌ای نیز، الگوهای فعالیت‌های مشکوک و بودار در دریای خزر گزارش‌های اطلاعاتی غرب درباره صادرات پهنادهای ایران به روسیه را تأیید می‌کنند.

مارتین کلی گفت: «بین درخواست روسیه از ایران برای دریافت پهنادهای بندری مخفی در دریای خزر و افزایش فعالیت‌های مشکوک AIS [سیستم‌های شناسایی خودکار] ارتباط وجود دارد.»

دیاکون به سی‌ان‌ان گفت: «من فکر می‌کنم این مسیر نادیده گرفته شده. در حالی که سال‌هاست کشورهایی که در حاشیه دریای خزر هم‌مرز هستند، می‌خواهند این مسیر دریایی را تقویت کنند و تجارت بیشتری انجام دهند. دریای خزر، جایی که جمهوری‌های آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان نیز دارای بندر در کرانه‌ی آن هستند، شاهد تجارت متعارف زیاد است و مسیری کلیدی برای انتقال کالاها به بازارهای آسیایی به شمار می‌رود. اما محلی برای تردد کشتی‌های تحریم شده نیز هست.»

شرکت مشاوره‌ای «بُسر آیزور» (Bosphorus Observer) مستقر در استانبول به سی‌ان‌ان گفت که رژیم ایران قبل از جنگ با اوکراین در بهبود بندر آستراخان روسیه سرمایه‌گذاری کرده بود تا گزینه‌های کشتیرانی خود را به اروپا از طریق مسیری که می‌تواند تحریم‌ها را دور بزند، تقویت کند.

طبق گفته این مرکز مشاوره، ایران همچنین در پروژه چند ساله لایروبی رودخانه ولگا به روسیه کمک می‌کند که به این ترتیب محموله‌های سنگین‌تری به بندر آستراخان و دریای سیاه و با استفاده از کانال ولگا-دون به فراتر از آن منطقه ارسال می‌شود.

جمهوری اسلامی و روسیه قصد دارند خط آهن مسیر شمال به جنوب را نیز تکمیل کنند.

سی‌ان‌ان بر اساس داده‌های ردیابی از وبسایت «فلایت رادار۲۴» (Flightradar۲۴) گزارش داده چهار هواپیمای باری در فاصله کوتاهی بین سال ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۳ دست‌کم ۸۵ پرواز بین ایران و روسیه داشته‌اند.

گفتگو با کلودیا یعقوبی نویسنده‌ی کتاب «فرهنگ فراملی در دیاسپورای ارمنه ایران»



کلودیا یعقوبی



● «بخش اعظم کتاب «فرهنگ فراملی در دیاسپورای ارمنه ایران» در مورد تأثیری است که نویسندگان و هنرمندان ارمنی ایرانی از فرهنگ جهانی پذیرفته‌اند و این تأثیر را وارد آثارشان در ایران کرده‌اند. به علت مجاورت با فرهنگ ایران و زبان فارسی، هنرمندان و نویسندگان ارمنی هم فرهنگ ایرانی را جذب کرده‌اند و هم به دلیل گسترش ارتباطات جهانی، فرهنگ جهانی را درونی کرده‌اند و آن را با فرهنگ ارمنی و ایرانی آمیخته‌اند و به این ترتیب ترکیبی فراملی به وجود آورده‌اند.»

دکتر کلودیا یعقوبی استاد و هماهنگ‌کننده برنامه مطالعات ایرانی دیپارتمان آسیایی و خاورمیانه و مدیر مرکز مطالعات خاورمیانه و اسلام دانشگاه کارولینای شمالی پژوهشگر مسائل اقلیت‌های قومی، ملی، نژادی و دگرباشان اجتماعی و فرهنگی است. نابرابری جنسی-جنسیتی چه در ایران و چه در جامعه آمریکا از دیگر زمینه‌های مطالعات اوست. وی چندین کتاب به انگلیسی منتشر کرده از جمله کتاب «ازدواج موقت در ایران» و اخیراً هم کتاب «فرهنگ فراملی در دیاسپورای ارمنه ایران» از وی انتشار یافته است. درباره این کتاب با وی گفتگو کرده‌ایم.

● دکتر یعقوبی، پروژه شما در این کتاب چیست؟

کار من تاریخ نیست و در این کتاب به تفصیل به تاریخ ارمنیان ایران نپرداخته‌ام. البته در مقدمه‌ی کتاب با استفاده از کتاب «ساکن دو فرهنگ، دیاسپورای ارمنی در ایران» اثر روبرت صفاریان و همچنین کتاب دکتر الیز سانساریان، آثار دکتر حوری بربریان، و کتاب دکتر جیمز بری خلاصه‌ای از تاریخ و زندگی اجتماعی و فرهنگی ارمنه را به دست داده‌ام. در این مرور کلی من به کوچ اجباری ارمنه در زمان شاه عباس و نیز درباره دیگر امواج مهاجرت ارمنیان در قرن بیستم نیز پرداخته‌ام. اما تمرکز من در این کتاب بر آثار فرهنگی و هنری ارمنیان در ایران و تداوم آن در کشورهای است که ارمنه ایران بعد از انقلاب و جنگ ایران و عراق به آنجا مهاجرت کرده‌اند. در این قسمت تمرکز من بر تأثیری است که کنشگران فرهنگی، هنرمندان و نویسندگان ارمنی ایران از فرهنگ ارمنی، ایرانی و جهانی پذیرفته‌اند و در آثار خود سنتزی فراملی از اینها ارائه داده‌اند.

● چه دلایلی شما را به نوشتن این کتاب برانگیخت؟

مانند هر ایرانی، من از کودکی که در زمان جنگ ایران و عراق بود، خاطراتی دارم و جنگ تأثیر عمیق روانی بر روح و روان من گذاشته و مانند بسیاری دیگر موجب یک نوع ضربه روحی شده است. همین امر و نیز به دلیل شرکت در نشستی در یکی از کنفرانس‌های ایران‌شناسی در سال ۲۰۱۸ که درباره جنگ ایران و عراق بود، من باید تحقیقاتی می‌کردم. در جریان این تحقیقات متوجه شدم که اکثریت قاطع کسانی که درباره‌ی شرکت ارمنه در جنگ نوشته‌اند خود ارمنه هستند. دیگر آنکه دیدم گرایشی وجود دارد که می‌خواهند همه شرکت‌کنندگان در جنگ را زیر علم شیعه جا بدهند. انگیزه‌ی دیگر این بود که متوجه شدم وقتی صحبت از نویسندگان ایرانی می‌شود، معمولاً شامل نویسندگان ایرانی ارمنی که حتی به زبان فارسی هم نوشته‌اند و می‌نویسند نیست.

به هر حال به این دلایل حس کردم که اگر خود ارمنه دست به کار نشوند کسی دیگر ظاهراً این کار را نمی‌کند.

زبان ارمنی در مدارس ارمنه ایران بعد از انقلاب پرداخته‌ام. فکر می‌کنم که این محدودیت‌ها و موانع زیادی که آموزش و پرورش در ایران کنونی و به ویژه در چند سال نخست بعد از انقلاب به وجود آورد باعث تسلط کمتر ایرانیان ارمنی متعلق به نسل جدید بر زبان ارمنی شده است. به خوبی یادم است که آن زمان که من در دوره ابتدایی بودم در مدرسه‌مان، در مقابله با این محدودیت‌ها و موانع اعتصاب کردیم و فعالین فرهنگی و نمایندگان ارمنی مجلس هم کمک کردند تا ما به هر حال در هفته بعد از اتمام دروس اصلی دو ساعت زبان ارمنی می‌خواندیم. هدف این بود که ما را از یادگیری زبان ارمنی دلسرد کنند.

● شما در کتابتان از ارمنه بومی و ارمنه مهاجر در ایران صحبت می‌کنید. آیا پژوهش شما دربرگیرنده تمامی این اجزاست و هنرمندان و فعالین فرهنگی ارمنی را که خودشان و اجدادشان متعلق به نسل‌های مختلف مهاجرت ارمنه به ایران هستند شامل می‌شود؟

من در این کتاب به تمامی هنرمندان و فعالین فرهنگی صرف نظر از اینکه به چه بخش از ارمنه ایران بستگی دارند پرداخته‌ام. مثلاً من به آزاد ماتیان نویسنده و شاعر که از ارمنه‌های است که اجدادش از زمان شاه عباس به ایران کوچانده شده‌اند، پرداخته‌ام؛ به لوریس چکنوریان که نسل دوم مهاجر از ترکیه به دنبال نسل‌کشی ارمنه در آنجاست. من از ناسیونالیسم ارمنی او نوشته‌ام و هم از عشق عمیق وی به ایران و فرهنگ ایران و خلق اپراهایی مانند رستم و سهراب. من از سونیا بالاسانیان نوشته‌ام که نقاش و نویسنده برجسته‌ای است که در آمریکا به آفرینش هنری خود ادامه می‌دهد. از لیلیت تریان مجسمه‌ساز نوشته‌ام که او هم اجدادش از مهاجران ارمنی اوایل قرن بیستم هستند. از مارکو گریگوریان نوشته‌ام که با اینکه خودش مهاجری از روسیه بود ولی به عنوان یک هنرمند نقاش که در طول عمر خود به درجه‌ای از ادغام فرهنگی در ایران رسید که آثار نقاشی خاصی از کاهگل و یا سنگ خلق کرد که به شدت رنگ و بوی ایرانی دارد؛ او در عین حال به هویت ارمنی خود هم بسیار می‌بالید. از آراییک باغداساریان هم نوشته‌ام

با نوشتن این کتاب خواستم که دین خودم را به ارمنی‌تباران ایران ادا کنم و در برابر این حذف و برخورد کلیشه‌ای حاکم نسبت به ارمنه بایستم.

● شما در کتابتان به انزوآگزینی فرهنگی اجتماعی ارمنیان ایران بطور کلی و فعالین فرهنگی و هنری آنان اشاره‌هایی دارید. دلیل این امر را در چه می‌بینید؟

بله، معتقد هستم که این وضعیت ایجاد شده دوطرفه است. هم خود اقلیت ارمنی با تاریخچه و هویت خاص خودش در این میان نقش دارد وهم اکثریت جامعه و سیاستمداران که در این رابطه تلاش نکرده‌اند تا این فاصله‌ها پُر شود و ارمنه در جریان اصلی جامعه ادغام شوند. یعنی هرچند که ارمنه به یک معنا در ایران بومی هستند ولی از حق و حقوق مساوی با اکثریت مسلمان شیعه برخوردار نیستند. پس از استقرار جمهوری اسلامی تازه تبعیض علیه ارمنیان به عنوان اقلیت قومی و مذهبی بیشتر شده است. پیش از انقلاب هم- که البته شرایط خیلی بهتر بود- در مواردی تبعیض علیه ارمنیان وجود داشت. از جمله اینکه ارمنه بالاتر از مقام معاونت وزیر می‌توانستند ارتقاء یابند و یا اینکه هیچکدام از امرا ارتشی ارمنی نبودند. این به معنای تبعیض و نبود شرایط و امکانات مساوی برای همه صرف نظر از تعلق دینی و قومیتی آنهاست. ولی گفتیم که بعد از انقلاب این تبعیض بیشتر شده. یعنی ما ظاهراً هم‌میهن هستیم ولی از نظر قانونی و حق و حقوق برابر نیستیم. در محل کار فرصت‌های شغلی برای مسلمانان و ارمنی‌ها برابر نیست. شهادت یک نفر ارمنی در دادگاه معادل نصف یک مسلمان است. دیه یک قربانی ارمنی مسیحی نصف دیه یک قربانی مسلمان است. این اگر اسامش تبعیض نیست پس چیست! بنابراین وقتی می‌گویند که همه ما ایرانی هستیم واقعیت این تبعیض پوشیده می‌ماند.

● با وجود انزوآگزینی نسبی ارمنه در ایران و محاوره‌ی آنها به زبان ارمنی، شما در مصاحبه‌ای اشاره به ضعف تسلط نسل جوان ایرانی ارمنی بر زبان ارمنی داشتید. دلیل این را در چه می‌دانید؟

من در بخشی از این کتاب در مورد مشکلات تدریس



یک بشکه حاوی «یک زد» که توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مهر و موم شده است در تأسیسات غنی‌سازی اصفهان در حضور بازرسان آژانس جابجا می‌شود / ۸ اوت ۲۰۰۵ / عکس: Getty Images

ادعای تهران در مورد رفع اختلاف با آژانس در مورد پرونده سایت «مریوان» و علت ذرات اورانیوم ۸۴ درصدی در فردو

● خبرگزاری تسنیم سه‌شنبه نهم خرداد به نقل از «یک منبع آگاه» گزارش داده که طبق مذاکرات فنی ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پرونده مربوط به سایت آباد (مریوان) بسته شده است.

سه یا چهار مکانی که پس از سرقت آرشو اتمی جمهوری اسلامی توسط موساد در سال ۱۳۹۷ لو رفت پارچین، لویزان (شمال شرق تهران) و تورقوزآباد (ورامین) و آباد بوده‌اند. حتا گفته شد که در آنها «آزمایش انفجاری» انجام شده است.

مقامات تهران ابتدا اساساً وجود این سایت‌ها را انکار می‌کردند اما با فشارهای آژانس، سرانجام نه تنها مجبور به تأیید وجود آنها شدند بلکه وجود این ذرات را نیز پذیرفتند ولی توجیه تراشیده و آن را به «عناصر خارجی» نسبت دادند. سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی اواخر خرداد ۱۴۰۱ اعلام کرد «احتمالاً عناصر خارجی با خرابکاری، در آلودگی برخی مکان‌ها به ذرات اورانیوم دخیل بوده‌اند و هیچ منطقه اظهارنشده‌ای در ایران وجود ندارد».

● خبرگزاری «تسنیم» همچنین ادعا کرده اختلاف آژانس و جمهوری اسلامی در مورد کشف ذرات اورانیوم ۷/۸۳ درصدی که در محل شیر سانتریفیوژهای سایت فردو شناسایی شده بود برطرف شده است. بهروز کمالوندی سخنگوی سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی انتشار این گزارش را سیاه‌نمایی و «توطئه» توصیف کرده بود. وی اواخر اسفند ۱۴۰۱ مدعی شد «وجود ذره یا ذراتی (particule) از اورانیوم با غنای بالای ۶۰ درصد در محل شیر برداشت محصول از طریق نمونه‌برداری متداول است».

در بخش دیگری از گزارش «تسنیم» آمده «ایران با نصب تعدادی دوربین در تأسیسات اتمی در اصفهان موافقت کرده است. طبق گفته این منبع آگاه تقریباً حدود یک‌سوم از دوربین‌ها نصب شده است و به‌صورت آفلاین است و اطلاعاتی منتقل نمی‌شود».

بر اساس این گزارش، اختلاف بین جمهوری اسلامی و آژانس همچنان بر سر «سه مکان دیگر» ادامه دارد با این‌همه تأکید شده «ایران آمادگی خود را برای ادامه همکاری و ارائه اطلاعات و دسترسی بیشتر و راستی‌آزمایی به منظور رسیدگی به مسائل پادمانی باقی‌مانده اعلام کرد».

برخی منابع گزارش داده‌اند نتیجه مذاکرات بین رژیم ایران و آژانس در صورتی که به حل اختلافات آنها بیانجامد زمینه‌ساز توافقات اتمی خواهد شد. در همین ارتباط گفته می‌شود اسرائیل از گزارش‌ها درباره دستیابی به توافق «هسته‌ای موقت» بین ایالات متحده و ایران در «روزها و هفته‌های آینده» نگران است.

● خبرگزاری تسنیم سه‌شنبه نهم خرداد به نقل از «یک منبع آگاه» گزارش داده که طبق مذاکرات فنی ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پرونده مربوط به سایت آباد (مریوان) بسته شده است.

● سه یا چهار مکانی که پس از سرقت آرشو اتمی جمهوری اسلامی توسط موساد در سال ۱۳۹۷ لو رفت پارچین، لویزان (شمال شرق تهران) و تورقوزآباد (ورامین) و آباد بوده‌اند. حتا گفته شد که در آنها «آزمایش انفجاری» انجام شده است.

● مقامات تهران ابتدا اساساً وجود این سایت‌ها را انکار می‌کردند اما با فشارهای آژانس، سرانجام نه تنها مجبور به تأیید وجود آنها شدند بلکه وجود این ذرات را نیز پذیرفتند ولی توجیه تراشیده و آن را به «عناصر خارجی» نسبت دادند. سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی اواخر خرداد ۱۴۰۱ اعلام کرد «احتمالاً عناصر خارجی با خرابکاری، در آلودگی برخی مکان‌ها به ذرات اورانیوم دخیل بوده‌اند و هیچ منطقه اظهارنشده‌ای در ایران وجود ندارد».

● خبرگزاری «تسنیم» ادعا کرده اختلاف آژانس و جمهوری اسلامی در مورد کشف ذرات اورانیوم ۷/۸۳ درصدی که در محل شیر سانتریفیوژهای سایت فردو شناسایی شده بود برطرف شده است.

● برخی منابع گزارش داده‌اند نتیجه مذاکرات بین رژیم ایران و آژانس در صورتی که به حل اختلافات آنها بیانجامد زمینه‌ساز توافقات اتمی خواهد شد. در همین ارتباط گفته می‌شود اسرائیل از گزارش‌ها درباره دستیابی به توافق «هسته‌ای موقت» بین ایالات متحده و ایران در «روزها و هفته‌های آینده» نگران است.

گفته می‌شود جمهوری اسلامی یکی از سه پرونده مربوط به مکان‌های هسته‌ای اعلام نشده را با آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای حل و فصل کرده است. اینها مکان‌هایی هستند که رژیم ایران منکر وجود آنها بود اما بازرسان بر اساس اطلاعاتی که اسرائیل پس از سرقت آرشو اتمی جمهوری اسلامی در اختیار آژانس قرار داده بود از آنجا بازدید کرده و بررسی به عمل آوردند.

در این بازرسی‌ها آثار ذرات اورانیوم با «منشاء انسانی» شناسایی شد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خواهان توضیح قانع‌کننده و پاسخگویی درباره علت آن از سوی مقامات مسئول در ایران شد. پرسشی که جمهوری اسلامی مرتب از پاسخ قابل اتکا به آن شانه خالی کرد.

حالا خبرگزاری تسنیم روز سه‌شنبه نهم خرداد به نقل از

➔ که گرافیسیت و کاریکاتوریست برجسته‌ای بود. در بخشی از آثار هنرمندان ارمنی هم هویت ارمنی و هم هویت ایرانی آنها مشهود است و هم گرایش آنها به فرهنگ جهانی. ولی هنرمندان ارمنی هم هستند که سنتز این تأثیرات در کار آنها به درجه‌ای می‌رسد که تشخیص تعلق آنها به یک فرهنگ ملی کم‌رنگ و جهانی بودن هویت و زبان اثرشان حاکم می‌شود و شما اگر نام هنرمند را ندانید تصور نمی‌کنید که او ارمنی است.

بگذارید که این موضوع را اینگونه توضیح دهم. بخش اعظم کتاب «فرهنگ فراملی در دیاسپورا ارمنه ایران» در مورد تأثیری است که نویسندگان و هنرمندان ارمنی ایرانی از فرهنگ جهانی پذیرفته‌اند و این تأثیر را وارد آثارشان در ایران کرده‌اند. به علت مجاورت با فرهنگ ایران و زبان فارسی، هنرمندان و نویسندگان ارمنی هم فرهنگ ایرانی را جذب کرده‌اند و هم به دلیل گسترش ارتباطات جهانی، فرهنگ جهانی را درونی کرده‌اند و آن را با فرهنگ ارمنی و ایرانی آمیخته‌اند و به این ترتیب ترکیبی فراملی به وجود آورده‌اند. به همین علت من عنوان کتاب را «فرهنگ فراملی در دیاسپورای ارمنه ایران» گذاشتم. من خودم طرفدار فراتر رفتن از مرزهای ملی و فراملی شدن هستم.

● شمامی گویند که با کوچ‌ها و مهاجرت مداوم در تاریخ ارمنیان اساساً موضوع هویت ملی در بین ارمنیان موضوع پیچیده‌ای است. ممکن است کمی درباره این پیچیدگی توضیح بدهید؟ -ببینید، وقتی تاریخ ارمنه را بررسی می‌کنیم می‌بینیم که کوچ‌های مداوم و انعطاف‌پذیری جزئی از هویت ارمنه شده که به نوعی در همه ارمنیان مشترک است. به قول آزاد ماتیان یا منتقد فرهنگی شیکانو گوریا آنزالدو دوست دارم بگویم که ارمنه مانند لاک‌پشتی هستند که هر جا مهاجرت می‌کنند خانه‌های خود را بر پشت خود حمل می‌کنند. همین هم باعث شده که ارمنه در مهاجرت سریع جا بیفتند زیرا از امتیاز چندزبانه و چندهویتی بودن برخوردار هستند که خود من طرفدار این هستم.

در ثانی می‌دانیم که اگر ارمنستان کنونی حدود ۳ میلیون جمعیت دارد ولی کل جمعیت ارمنه در دنیا در حدود ۱۰ میلیون برآورد می‌شود. ارمنه هم به دو بخش اصلی تقسیم می‌شوند: ارمنه شرقی و ارمنه غربی که با دو گویش متمایز ارمنی شرقی و غربی صحبت می‌کنند.

ارمنه ایران و ارمنستان به زبان ارمنی شرقی صحبت می‌کنند و ارمنه ترکیه و کشورهای عربی و بیشتر ارمنه‌ای مقیم کشورهای غربی به گویش ارمنی غربی صحبت می‌کنند. در موارد نه چندان کمی متکلمان این دو گویش همدیگر را چندان راحت نمی‌فهمند. ولی من این مسئله را به این صورت حل کرده‌ام که ایران برایم وطنی است که در آنجا به دنیا آمده‌ام و بزرگ شده‌ام. ارمنستان میهن آبا و اجدادی من است و آمریکا در حال حاضر محل زندگی من.

● وقتی صحبت از هویت ارمنی می‌کنیم، چه نکته‌ای می‌تواند وحدت دهنده کل ارمنه پراکنده در جهان باشد؟ -به نظر من واقعه‌ی نسل‌کشی ارمنه در ترکیه عثمانی- در فاصله سال‌های ۱۹۱۵ تا ۱۹۲۳- هویت مشترک و وحدت‌دهنده کلیه ارمنه است. این واقعه‌ی دهشتناک در تاریخ ارمنه بر ادبیات و تولیدات فرهنگی و هنری ارمنه‌ای ایران نیز تأثیر گذاشته که من به این موضوع هم پرداخته‌ام. معتقدم که هرچند ارمنه‌ی ایران، مانند ارمنه در امپراتوری عثمانی (که بعد از نسل‌کشی در سراسر دنیا پراکنده شدند)، تحت تأثیر مستقیم این واقعه نبوده‌اند، ولی این رویداد دهشتناک در حافظه و آگاهی جمعی کل ارمنیان، حک شده است. زبان ارمنی و دین مسیحیت به باور من در جایگاه دوم اهمیت قرار دارند.

قدرت و جلال و شکوه فرهنگی از پارس تا یونان در لندن



این سنگ‌نگاره با تقلید از سبک دوران هخامنشی در یونان ساخته شده است



تقلید یونانیان از اشیاء دوران هخامنشی

دوره باقی مانده است. بسیاری از این وسایل از جنس طلا هستند و شهرت جهانی دارند و در این نمایشگاه هم به نمایش درآمده‌اند. قابل توجه است که اشیایی بسیار شبیه به همین اشیاء، ولی نه لزوماً از جنس طلا در ارمنستان و در یونان با تقلید از ایده و سبک هخامنشی ساخته شده است. برخی از این اشیاء امتزاج ارگانیک یک ظرف به عنوان وسیله‌ای برای نوشیدن و خوردن و شکل و شمایل یک حیوان، به ویژه سر حیوان هستند که با هم ترکیب شده‌اند. در یونان باستان وسیله‌ی مشابهی از جنس گل رس ساخته شده که در این نمایشگاه عرضه شده است.

نکته قابل توجه اینکه نه فقط در ساخت این اشیاء و وسایل زندگی از سبک ایرانی تقلید شده بلکه یونانی‌ها از سنگ‌نگاره‌های معروف هخامنشی هم که در آنها مناسک شرابخواری نشان داده می‌شود هم تقلید کرده‌اند. البته با ذکر این نکته که سبک یونانی کمی متفاوت است و انسان‌ها در حالت طبیعی‌تری نشان داده می‌شوند.

در نمایشگاه همچنین توضیح داده می‌شود که از آنجا که امپراتوری هخامنشی در حدود سال ۵۰۰ قبل از میلاد وسیع‌ترین امپراتوری جهان باستان بوده است، پارسیان برای ادامه‌ی سلطه خود بر سرزمین‌های وسیع تحت سلطه، نظام پیشرفته و پیچیده و دقیقی را پی‌ریزی کرده بودند و تمهیدات خاصی برای نگهداری آن سرزمین‌ها به کار می‌بردند.

دربار هخامنشی علاوه بر نظام ساختاری، از شکوه و جلال خود نیز برای کمک به حفظ اقتدار خود بر سرزمین‌های وسیع استفاده می‌کرد. حاکمان نواحی مختلف امپراتوری که ساتراپ نامیده می‌شدند، در جشن‌ها هدایای گرانبهایی را تقدیم شاهنشاه هخامنشی می‌کردند. پادشاه هخامنشی هم به نوبه خود با دادن هدایای فراوان و نفیس در پی تداوم وفاداری آنها می‌بود. ساتراپ‌ها هدایا را از نواحی تحت اداره خود جمع‌آوری کرده و برای شاه شاهان هدیه می‌آوردند. سپس با نشان دادن هدایای دریافت شده از شاهنشاهان هخامنشی، عظمت، اعتبار و جلال و قدرت خود را به مردم مناطق تحت مدیریت خود نشان داده و حمایت شاهنشاه از خود را از این طریق نیز به نمایش می‌گذاشتند.

به این ترتیب در کنار این جلال و شکوه مقاصد سیاسی روشنی نیز قرار داشته تا امنیت و صلح را در آن امپراتوری حفظ کند. بیشتر روایاتی که از پارسیان باقی مانده به وسیله یونانیان نوشته شده است. بسیاری از این نویسندگان

موضوعی و موقت که در موزه‌های مختلف بریتانیا از جمله در موزه معتبر بریتانیا برگزار می‌شود بیندازیم.

این نوع نمایشگاه‌ها هم مکانی است برای لذت بصری از اشیای زیبای هنری و باستانی و هم آموختن درباره‌ی آنها. به عبارت دیگر، فرصتی است برای ارضای حس زیبایی‌شناختی و فرصت مغتنمی برای آموختن درباره‌ی نگرش، اندیشه و یا فلسفه‌ای که در پشت ساخت این اشیای نفیس و زیبا نهفته است. فراتر از این، امکانی است برای تعمیق دانش بازدیدکنندگان درباره‌ی بستر تاریخی آفرینش این اشیاء و آثار.

برای برگزاری نمایشگاه‌های موقت و موضوعی، دست اندرکاران مدتی طولانی در مورد ایده‌ای که دارند و زاویه‌ای که می‌خواهند از آثار و اشیای باستانی به نمایش بگذارند، به پژوهش می‌پردازند. سپس بر مبنای یافته‌های خود و پیامی که در نظر دارند با بازدیدکنندگان نمایشگاه به اشتراک بگذارند، اشیاء و آثار مربوطه را از موزه‌های بریتانیا و نیز کشورهای دیگر گردآوری کرده و برای مدتی به نمایش می‌گذارند. موزه بریتانیا

از این امتیاز بالا برخوردار است که بخش مهمی از اشیای لازم برای اینگونه نمایشگاه‌ها در آن موجود و متعلق به همین موزه است. در نمایشگاه اخیر از موزه‌های کشورهای نظیر بلغارستان و ارمنستان نیز اشیایی به عاریت گرفته شده است.

در بدو ورود به نمایشگاه «قدرت و شکوه و جلال، از پارس تا یونان» در توضیحاتی که برای مرور بازدیدکنندگان نصب شده آمده است که در فاصله سال‌های ۴۷۹ تا ۴۹۰ پیش از میلاد، پارسیان برای فتح سرزمین اصلی یونان تلاش‌ها کردند ولی ناموفق ماندند. یونانیان پیروزی خود را پیروزی «مردمان ساده‌زیست و دور از زرق و برق» بر دشمن» توصیف می‌کردند که از «شدت شکوه و جلال» تضعیف شده بود.

اما اشیای باستانی پارس و یونان قضیه‌ی دیگری را نیز به نمایش می‌گذارند. دربار هخامنشی از اشیای لوکس برای نمایش اعتبار، نفوذ و قدرت خود استفاده می‌کرد. سبک و مکتب آثار باستانی پارس متمایز است و نتیجه‌ی خلاقیت همراه با اقتباس و تلفیق آثار و اشیای هنری تمدن‌ها و فرهنگ‌هایی فراتر از مرزهای ایران باستان است. می‌توان گفت که سبک پارسی بر آتن «دموکراتیک» آن دوران هم تاثیر داشته و این را از آثار آن دوران می‌توان دریافت.

به عنوان یک نمونه، پادشاهان و اشراف هخامنشی شیوه‌ی خاصی در ریختن و نوشیدن شراب داشتند. از وسایل خاص و نفیسی هم به همین منظور استفاده می‌کردند که از آن

دربار هخامنشی از اشیای لوکس برای نمایش اعتبار، نفوذ و قدرت خود استفاده می‌کرد. سبک و مکتب آثار باستانی پارس متمایز است و نتیجه‌ی خلاقیت همراه با اقتباس و تلفیق آثار و اشیای هنری تمدن‌ها و فرهنگ‌هایی فراتر از مرزهای ایران باستان است. می‌توان گفت که سبک پارسی بر آتن «دموکراتیک» آن دوران هم تاثیر داشته و این را از آثار آن دوران می‌توان دریافت.

دربار هخامنشی علاوه بر نظام ساختاری، از شکوه و جلال خود نیز برای کمک به حفظ اقتدار خود بر سرزمین‌های وسیع استفاده می‌کرد. حاکمان نواحی مختلف امپراتوری که ساتراپ نامیده می‌شدند، در جشن‌ها هدایای گرانبهایی را تقدیم شاهنشاه هخامنشی می‌کردند. پادشاه هخامنشی هم به نوبه خود با دادن هدایای فراوان و نفیس در پی تداوم وفاداری آنها می‌بود. به این ترتیب در کنار این جلال و شکوه مقاصد سیاسی روشنی نیز قرار داشته تا امنیت و صلح را در آن امپراتوری حفظ کند.

در این نمایشگاه نوشته‌ای نیز حاکی از آن است که این فقط فردوسی نبود که از شکوه و جلال ایران باستان و گستردگی امپراتوری هخامنشی باخبر بوده و آن را می‌ستوده است. بی‌تی از حافظ در بخش یونانی نمایشگاه به این مضمون آمده است که: «یک جام شراب، آیینی سکندر است که وسعت قلمرو داریوش شاه را به ما نشان می‌دهد.» اشاره‌ی این متن به غزل حافظ با مطلع مشهور «دل می‌رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را / دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا» است. حافظ در غزل یادشده این بیت را آورده است: «آیینی سکندر جام می‌است بنگر / تا بر تو عرضه دارد احوال ملک دارا». اینکه تفسیر مفسران موزه بریتانیا از این بیت تا چه اندازه درست است می‌بایست به مدعیان حافظ‌شناسی سپرد.

در موزه‌ی معروف بریتانیا در لندن نمایشگاهی با عنوان «قدرت و شکوه، از پارس تا یونان» جریان دارد که مقایسه‌ای است بین هنر و صنایع دستی ایران باستان و یونان باستان. بازدید از این نمایشگاه برای هر ایرانی می‌تواند آموزنده باشد. بازدیدکنندگان همزمان با تماشای اشیای هنری، صنایع دستی، اشیای نفیس و ظریفی که مورد استفاده‌ی شاهان و اشراف هخامنشی و یونانی بوده است، می‌توانند توضیحات مختصر و مفیدی نیز درباره‌ی آنها یا بشنوند و یا بخوانند. قبل از پرداختن به خود نمایشگاه نگاهی به نمایشگاه‌های

کشف ۱۷ تن «کالای انفجاری ممنوعه» در انبار فرودگاه «خمینی» تهران!



یکی از انبارهای فرودگاه «خمینی» تهران

انبارهای سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی صورت گرفته است که «در جریان یکی از این بازدیدها ۱۷ تن کالای بسیار خطرناک و آتش‌زا و انفجاری که اصولاً نگهداری آنها در انبار فرودگاه ممنوع بوده کشف شده بود که به سرعت تعیین تکلیف و به وزارت دفاع تحویل شده است.»

اعلام نشده که این «کالاهای» دقیقاً چیست و متعلق به کدام ارگان است و چه کسانی با وجود ممنوعیت اقدام به نگهداری آن در انبار فرودگاه کرده‌اند.

اینکه تأکید شده این کالاها تحویل وزارت دفاع شده تأیید می‌کند که محموله‌ها تجهیزات «جنگی» هستند اما این نکته نیز روشن نیست که این تجهیزات یا ادوات پس از ورود به ایران برای زمان خاصی در انبار نگهداری می‌شده‌اند یا اینکه در انبار مانده‌اند تا از ایران به کشوری دیگری منتقل شوند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سابقه حمل محموله‌های تسلیحاتی با هواپیماهای مسافربری را دارد اما همواره آن را انکار می‌کرده و یا ترجیح می‌داده است که در ارتباط با چنین مواردی سکوت کند.

در همین ارتباط کاپیتان امیر اسداللهی یکی از خلبانان شرکت هواپیمایی «ماهان ایر» اواخر خرداد ۱۳۹۹ در یک مصاحبه گفته بود در سال ۱۳۹۲ طی پروازی که قاسم سلیمانی فرمانده پیشین نیروی قدس سپاه پاسداران نیز جزو سرنشینان آن بوده، هفت تن بار ممنوعه به سوریه منتقل کرده است.

● **علی القاصی رئیس کل دادگستری استان تهران می‌گوید در جریان تعیین تکلیف اموال تملیکی ۳۰ نوبت بازدید از انبارهای سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی صورت گرفت که در جریان یکی از این بازدیدها ۱۷ تن کالای بسیار خطرناک و آتش‌زا و انفجاری در فرودگاه «خمینی» کشف شد.**

● **وی تأکید کرده اصولاً نگهداری این محموله‌ها در انبار فرودگاه «ممنوع» است.**

● **اعلام نشده که این کالاهای انفجاری چه بوده و متعلق به کدام ارگان هستند اما در نهایت بعد از تعیین تکلیف به وزارت دفاع تحویل داده شده است.**

● **اینکه تأکید شده این کالاها تحویل وزارت دفاع شده تأیید می‌کند محموله‌ها تجهیزات «جنگی» هستند اما این نکته نیز مشخص نیست این تجهیزات یا ادوات پس از ورود به ایران برای زمان خاصی در انبار نگهداری می‌شده‌اند یا اینکه در انبار مانده‌اند تا از ایران به کشوری دیگری منتقل شوند.**

یک مقام ارشد قضایی جمهوری اسلامی می‌گوید در انبار فرودگاه «خمینی» تهران مقادیر قابل توجهی «کالای خطرناک انفجاری» کشف شده است.

علی القاصی رئیس کل دادگستری استان تهران هفتم خرداد در تشریح اقدامات صورت گرفته در تهران برای تعیین تکلیف اموال تملیکی، می‌گوید ۳۰ نوبت بازدید از

یونانی جلال و شکوه دربار هخامنشی را به عنوان مظهر فساد و تباهی محکوم کرده‌اند.

شاهان هخامنشی در فضای پُرشکوه و جلال دربار خود و در مناسک خاص نه فقط از اشیای نفیس و زیبا استفاده می‌کردند، بلکه لباس‌های فاخری از پارچه‌های گرانبها و کمیاب می‌پوشیدند. افزون بر این، از پادشاه عطری خوشبو به مشام می‌رسید و دربار فضای معطر داشت.

در این نمایشگاه نوشته‌های نیز حاکی از آن است که این فقط فردوسی نبود که از شکوه و جلال ایران باستان و گستردگی امپراتوری هخامنشی باخبر بوده و آن را می‌ستوده است. بیتی از حافظ در بخش یونانی نمایشگاه به این مضمون آمده است که: «یک جام شراب، آینه‌ی سکندر است که وسعت قلمرو داریوش شاه را به ما نشان می‌دهد.» اشاره‌ی این متن به غزل حافظ با مطلع مشهور «دل می‌رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را/ دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا» است. حافظ در غزل یادشده این بیت را آورده است: «آینه‌ی سکندر جام می‌است بنگر / تا بر تو عرضه دارد احوال مُلکِ دارا». اینکه تفسیر مفسران موزه بریتانیا از این بیت تا چه اندازه درست است می‌بایست به مدعیان حافظ‌شناسی سپرد.

این نمایشگاه در عین حال در توضیحات خود از روایت‌های «اروپامحور» و همچنین داستان‌های ادبی و سینمایی بدون پشتوانه‌های تاریخی مانند فیلم «۳۰۰» فاصله گرفته و ایرانیان باستان را دارای نظامی پیچیده و کارآمد با یک ارتش منظم که بتواند سرزمین‌های امپراتوری را محافظت کند، تصویر کرده است. این نمایشگاه همچنین تأکید می‌کند که یونانیان باستان بسیار از پارسیان آموخته بودند و آنها را به کار می‌بسته‌اند.

تفاوت عمده بین این دو تمدن که این نمایشگاه برآن تأکید می‌کند در نظام سیاسی آنهاست. اگر در ایران باستان شاهنشاه در مرکز قرار داشت، در یونان نوعی نظامی «دموکراتیک» شکل گرفته بود که به طبقه‌ی ممتاز مردان یونانی- و نه زنان و بردگان و عوام- حق دخالت و نظر دادن در تصمیم‌گیری‌های سیاسی مهم را می‌داد. روشن است که «دموکراسی» یونان باستان با آنچه امروز به عنوان «دموکراسی» شناخته می‌شود از زمین تا آسمان متفاوت بوده است. «دمو» یا «مردم» در یونان باستان شامل زنان و بردگان و طبقات عوام نمی‌شد! اما اندیشه‌ی مبتنی بر مشارکت «دمو» یا همان «مردم محدود» در سیاست و تصمیم‌گیری‌های مربوط به سرنوشت خود، قرن‌ها بعد پایه‌های دموکراسی امروز را تشکیل داد که با گسترش آموزش همگانی و عمومی شدن امتیازاتی که قرن‌ها فقط گروه خاصی از سران جامعه از آن برخوردار بودند، «دمو» را نه یک «گروه خاص» بلکه همه مردم فارغ از تعلقات اجتماعی و طبقاتی و جنسیتی آنها می‌داند که در شرایط دموکراتیک می‌توانند با آرای خود، صاحبان قدرت را تغییر دهند. به نظر برگزارکنندگان این نمایشگاه، نظام «دموکراتیک» یونان باستان و حضور گروه خاصی از مردم در صحنه سیاسی به نوبه خود در خودداری و احتیاط و عاقبت‌اندیشی ثروتمندان و حاکمان یونان از نمایش بی‌پروای ثروت و زندگی پُر جلال و شکوه‌شان، نقشی اساسی داشته است.

در هر صورت، با نگاهی به آثار هنری و اشیای نفیس هخامنشی می‌توان گفت که از نظر زیبایی، دقت و ظرافت، بدون اغراق، برتر از آثار یونانی دیده می‌شوند. شاید استفاده هدفمندانه‌ی سیاسی از این اشیای لوکس و قدرت‌نمایی با توسل به شکوه و جلال دربار هخامنشی، این نتیجه را نیز در بر داشته است که همه چیز می‌بایست در حد کامل و بدون نقص می‌بود. از همین رو نیز شاهان هخامنشی هیچ پروایی از نشان دادن زندگی باشکوه و پرتجمل خود نداشتند.

نمایشگاه «قدرت و شکوه» از پارس تا یونان» تا ۱۳ اوت ۲۰۲۳ در موزه بریتانیا برقرار است.

چگونه برخی رسانه‌ها به دلیل عدم تخصص و اطلاعات حرفه‌ای، ذهنیت عمومی را به اشتباه می‌اندازند؟



● رسانه مسئولیت دارد روشن سازد که «شورای حقوق بشر سازمان ملل» مانند دادگاهی نیست که مردم بتوانند به آن شکایت کنند و حکمی دریافت کرده و بعد هم بروند موجبات آزادی زندانیان را فراهم آورند. شورای حقوق بشر یک نهاد میان‌دولتی است که فقط می‌تواند توصیه‌هایی به دولت‌ها نموده و یا موارد نقض حقوق بشر را محکوم نماید، و حداکثر هیئت‌های حقیقت‌یاب تشکیل دهد.

● برای ارائه گزارش (که به آن «شکایت» هم می‌گویند) به «شورای حقوق بشر» سازمان ملل متحد به هیچ وکیلی نیاز نیست! وبسایت خود شورای حقوق بشر سازمان ملل فرم‌های استاندارد را برای تنظیم شکایت یا گزارش تنظیم کرده و راهنمایی‌های لازم را نیز به روشنی فراهم آورده است. خود شورا هم تأکید می‌کند که به هیچ وکیلی نیاز نیست. اما مردم می‌توانند از خدمات یک مشاور برای توضیح روشن موارد نقض فاحش حقوق بشر در گزارش خود یاری گیرند.

● رسانه مسئولیت خطیری دارد تا در تکرار بی‌شمار ارجاعات به چیزی به نام «دیوان لاهه» توضیح دهد که این دیوان چیست و چه کار می‌کند. در لاهه دو دادگاه وجود دارد: «دادگاه بین‌المللی دادگستری» و «دادگاه کیفری بین‌المللی». صلاحیت هیچکدام از این دو دادگاه به پیگیری موضوع زندانیان سیاسی مربوط نمی‌شود!

● رسانه‌ها موظف هستند بطور حرفه‌ای به موضوعات تخصصی بپردازند و اگر عوامل تهیه‌کننده اطلاعات کافی ندارند، نخست به تحقیق و کسب اطلاعات موثق بپردازند و یا از مشاوران مختلف در عرصه‌های تخصصی یاری بگیرند. موضوعات بدون پشتوانه‌های واقعی و تخصصی که آنها انتشار می‌دهند و گروهی از مردم هم ممکن است به آنها اعتماد کنند، نمی‌توانند منجر به آزادی و تحقق عدالت و حقوق مردم در جامعه شود بلکه راه پیروزی را با مشکل مواجه ساخته و هیچ سودی هم به حال شهروندانی که در زندان‌ها به گروگان گرفته شده و اسیر هستند، نخواهد داشت!

محمود مسائلی - اسارت هنرمند آزادیخواه توماج صالحی توسط رژیم اسلامی، همه ایرانیان را نگران و خشمگین ساخته است. طبیعی است که خانواده این شهروند و گروه‌های مختلف ایرانی برای رهایی او در تلاش و کوشش هستند. این تلاش‌ها نمی‌بایست ناکام مانده و همه راهکارهای لازم نیز برای نجات جان او باید در نظر گرفته شود. نقش رسانه‌های همگانی در این رابطه بسیار حساس و تعیین‌کننده است به ویژه به این دلیل که رسانه‌ها از طریق مصاحبه‌ها و تحلیل‌های خبری می‌توانند الگوهای روشنی از مبارزه با استبداد و تمامیت‌خواهی را به مردم معرفی نمایند. با این حال گاهی غفلت‌هایی در کار آنها مشاهده می‌شود که ممکن است مسیر مبارزه برای رهایی را با موانعی که شاید از ناآگاهی ناشی می‌شوند، روبرو ساخته و پیشرفت‌هایی را کند سازد. یک مثال می‌تواند این نکته را روشن سازد. تلویزیون «ایران اینترنشنال» و همچنین صدای آمریکا (دو بار) مصاحبه‌ای با خاچی به نام «شبنم خسروی» از وابستگان توماج صالحی داشتند. این شهروند شرحی از

۲. رسانه مسئولیت دارد روشن سازد که «شورای حقوق بشر سازمان ملل» مانند دادگاهی نیست که مردم بتوانند به آن شکایت کنند و حکمی دریافت کرده و بعد هم بروند موجبات آزادی زندانیان را فراهم آورند. شورای حقوق بشر یک نهاد میان‌دولتی است که فقط می‌تواند توصیه‌هایی به دولت‌ها نموده و یا موارد نقض حقوق بشر را محکوم نماید، و حداکثر هیئت‌های حقیقت‌یاب تشکیل دهد. اما هیچ حکمی که برای دولت‌ها قابل اجرا و الزامی باشد نمی‌تواند صادر کند. اساساً چنین صلاحیت حقوقی برای این شورا در نظر گرفته نشده است. بدون این حقایق، تصویری که رسانه‌ها در ذهن و باور مردم به ترسیم می‌کنند، نادرست و به زیان جنبش آزادیخواهی مردم است. در حقیقت، آنچه اتفاق می‌افتد این است که مردم به این رسانه‌ها باور داشته و ایمان می‌آورند. اما چون معرفی و طرز کار نهادهای حقوق بشری توسط رسانه‌ها نادرست است، همه امیدهای مردم به ناامیدی تبدیل می‌شود. در نتیجه ظرفیت‌های نهفته در این نهادهای حقوق بشری نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

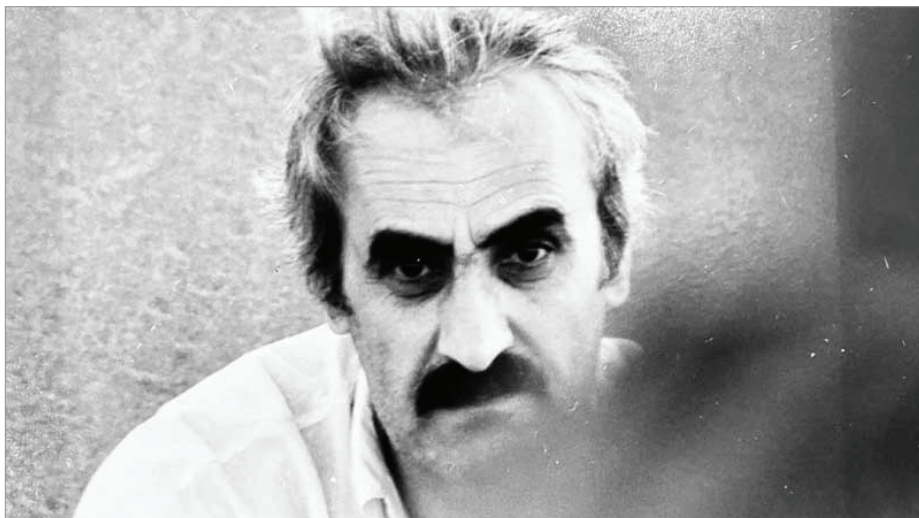
تلاش‌های خود را برای بینندگان این رسانه‌ها توضیح داد. او در این توضیحات گفت که وکیلی معروف از فرانسه را استخدام کرده‌اند تا پرونده شکایتی را برای رها ساختن توماج آماده سازد. به گفته وی (قریب به مضمون) این پرونده به «شورای بین‌المللی» در شهر ژنو و شورایی مشابه در آمریکا ارسال شده و آنها از «دادگاه لاهه» نیز پاسخ گرفته‌اند و موضوع در دست پیگیری است.

۱. رسانه باید به شکلی برای بینندگان خود توضیح دهد که منظور مصاحبه‌شونده، یعنی خانم خسروی، از «شورای بین‌المللی» در شهر ژنو، «شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد» است چرا که چیزی به نام «شورای بین‌المللی» اصلاً وجود خارجی ندارد. این رسانه‌ها اگر امکان دارد به معرفی ساده‌ای از ساختار و صلاحیت این شورا (و دیگر ارگان‌های حقوق بشری) هم بپردازند تا مردم بدانند در مقابله با موارد نقض فاحش حقوق بشر به درستی چه می‌توانند انجام دهند، چه ابزارهایی در اختیار آنهاست، و چگونه می‌توانند به نهادهای بین‌المللی مربوطه گزارش‌هایی در قبال نقض فاحش حقوق بشر توسط رژیم اسلامی، ارائه دهند.

۳. برای ارائه گزارش (که به آن «شکایت» هم می‌گویند) به «شورای حقوق بشر» سازمان ملل متحد به هیچ وکیلی نیاز نیست! وبسایت خود شورای حقوق بشر سازمان ملل فرم‌های استاندارد را برای تنظیم شکایت یا گزارش تنظیم کرده و راهنمایی‌های لازم را نیز به روشنی فراهم آورده است. خود شورا هم تأکید می‌کند که به هیچ وکیلی نیاز نیست. اما مردم می‌توانند از خدمات یک مشاور برای توضیح روشن موارد نقض فاحش حقوق بشر در گزارش خود یاری گیرند.

۴. رسانه مسئولیت خطیری دارد تا در تکرار بی‌شمار

باقر پرهام نویسنده، مترجم و پژوهشگر درگذشت



باقر پرهام - عکاس: عباس کیارستمی

باقر پرهام پس از قبولی در دو رشته زبان فرانسه و فلسفه در آزمون ورودی دانشسرای عالی، تصمیم گرفت در رشته فلسفه تحصیل کند.

او پس از پایان دوره لیسانس در مدرسه‌ای در شهر کاشان برای تدریس فلسفه، ادبیات فارسی و عربی مشغول به تدریس شد و در همانجا ازدواج کرد.

باقر پرهام در سال ۱۳۴۳ از کاشان به تهران برگشت و در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران با ریاست دکتر غلامحسین صدیقی و مدیریت احسان نراقی به عنوان دستیار تحقیق مشغول به کار شد.

او که از دوران دبیرستان به آموزش زبان فرانسوی پرداخته بود، در سال ۱۳۴۶ موفق به دریافت بورس دولتی فرانسه شد و برای ادامه تحصیل راهی پاریس گشت. تحصیلات باقر پرهام در دانشگاه نانتر در حومه شمال غربی پاریس، در دوره دکترای جامعه‌شناسی به دلیل مشکلات خانوادگی و بازگشت او به ایران نیمه‌کاره می‌ماند اما پس از مدتی در سال ۱۳۵۰ با بورس تحصیلی سفارت فرانسه به دانشگاه رنه دکارت در سوربن رفت و موفق به پایان دوره دکترای در رشته جامعه‌شناسی شد. این پژوهشگر پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۵۲ خواستار استخدام در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران بود که گفته می‌شود به دلیل نزدیکی به حزب توده و فعالیت سیاسی علیه حکومت شاهنشاهی با این درخواست مخالفت شد. او مدتی در سازمان برنامه و بودجه کار می‌کرد و در سال ۱۳۵۶ بازنشسته شد.

از ترجمه‌های باقر پرهام می‌توان به «مقدمه بر فلسفه تاریخ هگل» نوشته ژان هیپولیت، «تاریخ فلسفه در قرن بیستم» اثر کریستیان دولاکامپانی، «گروندرپسه، مبانی نقد اقتصاد سیاسی» و سه‌گانه «هجدهم برومر لوئی بناپارت»، «جنگ داخلی فرانسه ۱۸۷۱» و «نبردهای طبقاتی در فرانسه» اثر کارل مارکس، «پدیدارشناسی جان» و «استقرار شریعت در مذهب مسیح» اثر هگل، «صور بنیانی حیات دینی» اثر دورکیم، و «مطالعاتی درباره طبقات اجتماعی» از ژرژ گورویچ اشاره کرد.

در میان تالیفات وی می‌توان از کتاب‌های «جامعه و دولت»، «باهم‌نگری و یکتانگری» و «با نگاه فروسی مبانی نقد خرد سیاسی در ایران» نام برد.

● باقر پرهام دارای مدرک دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه سوربن فرانسه بود و یکی از پژوهشگران و مترجمان فلسفه در ایران به شمار می‌رود.

● باقر پرهام از اعضای فعال کانون نویسندگان ایران و همچنین از چهره‌های فعال همسو با انقلاب ۵۷ بود.

● او پس از انقلاب برای مدتی از مشاوران شاهزاده رضا پهلوی بود و راه نجات ایران از جمهوری اسلامی را برگزاری «همه‌پرسی» عنوان می‌کرد.

باقر پرهام نویسنده، مترجم و پژوهشگر فلسفه روز یکشنبه ۷ خرداد ۱۴۰۱ برابر با ۲۸ مه ۲۰۲۳ در سن ۸۸ سالگی در کالیفرنیا آمریکا درگذشت.

باقر پرهام نویسنده، مترجم و پژوهشگر فلسفه و از اعضای کانون نویسندگان ایران بود که از سال ۲۰۰۰ میلادی در شهر ساکرامنتو در مرکز ایالت کالیفرنیا ایالت متحده آمریکا سکونت داشت.

باقر پرهام از اعضای فعال کانون نویسندگان ایران و همچنین از چهره‌های فعال همسو با انقلاب ۵۷ بود. او پس از انقلاب ۵۷ اما برای مدتی یکی از مشاوران شاهزاده رضا پهلوی بود و راه نجات ایران از جمهوری اسلامی را برگزاری «همه‌پرسی» عنوان می‌کرد.

شاهزاده رضا پهلوی در پیامی توییتری به مناسبت درگذشت باقر پرهام نوشت: «شامگاه یکشنبه ۲۸ مه (۷ خرداد)، باقر پرهام در غربت چشم از این جهان فرو بست و از میان ما رفت. پرهام پژوهشگر علوم اجتماعی و فلسفه، و نویسنده و مترجمی مورد احترام همکارانش بود. او برای مدتی نیز از مشاوران من به شمار می‌رفت. باقر پرهام در سال‌های تبعید، آرزویی جز آزادی و سربلندی ایران در سر نداشت. از درگذشت او متأثرم و خود را در سوگ وی با خانواده و بازماندگانش، و نیز با جامعه فرهنگی و دانشگاهی ایران شریک می‌دانم. روحش شاد.»

باقر پرهام نهم تیرماه ۱۳۱۴ در رودبار متولد شد. پدرش آتش‌نشان «شرکت نفت انگلیس و ایران» بود. او دوران دبستان را در مدرسه «سیروس» در رودبار و دوران دبیرستان را در دبیرستان ملی تربیت در شهر رشت گذراند. باقر پرهام در سال ۱۳۳۵ دبلم رشته ادبی را دریافت کرد و برای ادامه تحصیل به تهران رفت.

➔ ارجاعات به چیزی به نام «دیوان لاهه» توضیح دهد که این دیوان چیست و چه کار می‌کند. بیش از همه چیز باید در نظر داشت که در لاهه دو دادگاه وجود دارد. یکی «دادگاه بین‌المللی دادگستری» و دیگری «دادگاه کیفری بین‌المللی» است. صلاحیت هیچکدام از این دو دادگاه به زندانیان سیاسی و موضوعی که خانم مصاحبه‌شونده در ارتباط با توماج صالحی می‌گوید و رسانه‌ها هم آنرا با گستردگی پوشش می‌دهند، مربوط نمی‌شود.

«دادگاه بین‌المللی دادگستری» یک نهاد وابسته به سازمان ملل متحد است که فقط و فقط صلاحیت رسیدگی به شکایاتی را دارد که از سوی دولت‌ها در قبال اختلافات مطرح شده به آن ارجاع می‌شود. البته پذیرش شکایت هم به شرطی امکان دارد که طرفین اختلاف بطور رسمی صلاحیت این دادگاه را پذیرفته باشند. با این حساب طرح بحث دادگاهی در لاهه در مصاحبه‌های مربوط به زندانیان سیاسی و سرکوب مردم توسط جمهوری اسلامی گمراه‌کننده است و موجبات انحراف در افکار عمومی را فراهم می‌آورد. مردمی که به رسانه اعتماد می‌کنند، ممکن است تصور کنند که دادگاهی در لاهه وجود دارد که می‌تواند برای آزادی زندانیان سیاسی خود به آن شکایت کنند و وکیلی هم می‌تواند در این راه به آنها یاری برساند و البته دستمزد نیز دریافت کند!

حالا تصور کنید ایجاد این نوع تصورات نادرست به دلیل اطلاعات و یا بیان غلط تا چه اندازه می‌تواند به سود جمهوری اسلامی تمام شود که از عدم امکان چنین شکایاتی مطلع است!

«دادگاه کیفری بین‌المللی» نیز صلاحیتی کاملا متفاوت دارد. بر اساس مقاله‌نامه رم که اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی را تشکیل می‌دهد، این دادگاه فقط صلاحیت رسیدگی به جنایات بین‌المللی به شرح مندرج در ماده ۵ آن اساسنامه را دارد. این موضوع کاملا با مباحث «شورای حقوق بشر سازمان ملل» بی ارتباط است! طرح شکایت در این دادگاه (یعنی دادگاه کیفری بین‌المللی) نیز هنگامی امکان‌پذیر است که آن شکایت و یا دعوی از سوی یک کشور عضو دادگاه، یا از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد، و یا در نهایت توسط شخص دادستان دادگاه موضوعیت پیدا کند. بنابراین، تحت هیچ شرایطی، یک فرد یا یک وکیل نمی‌تواند شکایتی را به این دادگاه تسلیم نماید!

با همه این اوصاف من بررسی موضوع را به خوانندگان می‌سپارم اما رسانه‌ها، به ویژه رسانه‌هایی که اینگونه مصاحبه‌ها را انجام می‌دهند، موظف هستند بطور حرفه‌ای به موضوعات تخصصی بپردازند و اگر عوامل تهیه‌کننده اطلاعات کافی ندارند، نخست به تحقیق و کسب اطلاعات موثق بپردازند و یا از مشاوران مختلف در عرصه‌های تخصصی یاری بگیرند. موضوعات بدون پشتوانه‌های واقعی و تخصصی که آنها انتشار می‌دهند و گروهی از مردم هم ممکن است به آنها اعتماد کنند، نمی‌تواند منجر به آزادی و تحقق عدالت و حقوق مردم در جامعه شود بلکه راه پیروزی را با مشکل مواجه ساخته و هیچ سودی هم به حال شهروندانی که در زندان‌ها به گروگان گرفته شده و اسیر هستند، نخواهد داشت! رسانه‌ها در قبال این بی‌دقتی‌ها و بی‌اطلاعی‌های تخصصی مسئول هستند و باید پاسخگو باشند.

*دکتر محمود مسائلی بنیانگذار و دبیرکل افتخاری اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدل؛ با مقام مشورتی نزد سازمان ملل متحد؛ بنیانگذار و مدیر مرکز مطالعات عالی حقوق بشر و توسعه دموکراتیک؛ اتاوا؛ کانادا

سرباز نیروی هوایی ارتش، متهم جدید پرونده اکباتان



شعارنویسی در شهرک اکباتان

در زمینه جان باختن آرمان علی وردی بسیجی کشته شده در اکباتان تهران، در اهواز بازداشت و پس از بازجویی اولیه برای ادامه تحقیقات به تهران منتقل شده است. بر اساس گزارش‌ها نوید از خانواده یا دوستان و نزدیکان تا کنون پیگیر وضعیت پرونده او نبوده است.

مسعود ستایشی سخنگوی قوه قضاییه حدود یک ماه قبل درباره پرونده شهرک اکباتان اعلام کرده بود دادگاه انقلاب اسلامی برای ۸ متهم، کیفرخواست صادر کرده که ۷ تن از آنان در بازداشت هستند و یک نفر آزاد است.

مشخص نیست منظور مسعود ستایشی از متهمی که «آزاد» بوده، نوید نجاران بوده یا امیر محمد خوش‌اقبال! اینهمه در حالیست که در پرونده معروف به «اکباتان» نیز مانند چند پرونده دیگر مشابهی که در ماه‌های گذشته از سوی نهادهای امنیتی ساخته و پرداخته شده است، ایرادهای اساسی حقوق وجود دارد.

پیام درافشان وکیل حسین نعمتی پیشتر درباره ایرادهایی که به این پرونده وارد است گفته که «حضور ضابطان متعدد و در نتیجه متهمان متعدد در پرونده» یکی از این ایرادات است به نحوی که هر یک از ضابطان یک عمل ارتكابی را به چند متهم نسبت داده‌اند و در نتیجه مشخص نیست که کدام یک از متهمان به‌واقع مرتکب عمل مجرمانه شده‌اند. اقرار و اعترافات اجباری متهمان با اعمال فشار و آزار و اذیت از آن‌ها گرفته شده است. همان‌طور که پیام درافشان می‌گوید، به عنوان نمونه یکی از ضابطان پرونده (حفاظت اطلاعات نیروی هوایی ارتش) جوانی را در استان خوزستان بازداشت کرده است و شماری از اقدامات را - که پیش‌تر به چندین متهم نسبت داده شده بود - جداگانه به او نسبت داده‌اند و این جوان نیز در اثر فشارهای وارده به‌اجبار همه آن‌ها را پذیرفته است.

از سوی دیگر حتی با تکیه بر مستندات موجود در پرونده هم مشخص نیست عامل اصلی کشته شدن آرمان علی‌وردی چه کسی است و در نتیجه صدور حکم اعدام برای

پلیس آگاهی تهران داده می‌شود.

«دادبان» افزوده که جزییات نشان می‌دهند امیر محمد به شدت از سوی ضابطان قضایی مورد شکنجه و آزار قرار گرفته تا تن به اعتراف اجباری دهد. شدت شکنجه‌ها و آزار و اذیت‌ها علیه امیرمحمد خوش‌اقبال در اداره آگاهی تهران به حدی بوده که او تصمیم به خودکشی گرفته بوده اما به دلیل شرایط موجود موفق به انجام این کار نمی‌شود.

این گزارش تأکید کرده که در نهایت شکنجه‌ها و فشارها امیرمحمد را وادار به اعتراف اجباری می‌کند و همین اعتراف اجباری به عنوان مستندی برای انتساب اتهام و صدور کیفرخواست علیه او مورد استفاده قرار می‌گیرد.

«دادبان» همچنین از خانواده، نزدیکان و دوستان امیر محمد خوش‌اقبال خواسته تا با هدف امکان فراهم آوری حمایت حقوقی و قانونی از او با «دادبان» در تماس باشند.

پرونده «اکباتان» یکی از پیچیده‌ترین سناریوسازی‌های سازمان اطلاعات سپاه (ساس) علیه شهروندان معترضی بوده که در پاییز گذشته در شهرک اکباتان تهران به خیابان آمدند و اعتراضات گسترده‌ای را علیه جمهوری اسلامی، و در کنار دیگر شهروندان در شهرهای و محله‌های مختلف، رقم زدند.

در جریان اعتراضات چهارم آبان امسال آرمان علی‌وردی از اعضای یگان امنیتی بسیج اکباتان مجروح و دو روز بعد در بیمارستان درگذشت. سازمان اطلاعات سپاه (ساس) پرونده آرمان علی‌وردی را با عنوان «قتل» پیگیری و در پی آن میلاد آرمون، حسین نعمتی، علیرضا کفایی و مهدی حسینی چهار جوان ساکن اکباتان را به قتل این بسیجی متهم کرد.

بنا بر کیفرخواست صادره، میلاد آرمون، محمد مهدی حسینی و مهدی ایمانی سه متهم ردیف اول تا سوم پرونده به «محاربه» متهم، و علیرضا کفایی و حسین نعمتی و یک جوان دیگر نیز به «مشارکت در قتل عمد» و اتهاماتی از جمله «تبلیغ علیه نظام» متهم شده‌اند.

طی روزهای گذشته نام یک متهم جدید دیگر در پرونده رسانه‌ای شد؛ نوید نجاران شهروند جوانی که توسط ضابط خاص قضایی در این پرونده به اتهام ارتکاب اعمال مجرمانه

● امیرمحمد خوش‌اقبال به «مشارکت در قتل عمد، مشارکت در ضرب و جرح عمدی، اخلال در نظم و آسایش عمومی و توقیف غیرقانونی» متهم شده است.

● سه متهم ردیف اول این پرونده با اتهام «محاربه» در خطر صدور حکم اعدام قرار دارند و همچنان متهمان جدیدی به پرونده افزوده می‌شوند.

● پرونده «اکباتان» یکی از پیچیده‌ترین سناریوسازی‌های سازمان اطلاعات سپاه (ساس) علیه شهروندان معترض به شمار می‌رود.

پرونده «اکباتان» به عنوان یکی از سناریوسازی‌های نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی علیه شهروندان معترض یکی از پیچیده‌ترین پرونده‌های مرتبط با اعتراضات جنبش ملی است و به تازگی یک سرباز نیروی هوایی ارتش نیز به متهمان آن افزوده شده است.

پرونده «اکباتان» که در آن چند شهروند شرکت‌کننده در اعتراضات آبان گذشته شهرک اکباتان با اتهامات سنگینی چون «محاربه» در خطر صدور حکم «اعدام» قرار دارند هر روز ابعاد گسترده‌تری پیدا می‌کند. بر اساس تازه‌ترین اطلاعات منتشر شده درباره این پرونده یک سرباز نیروی هوایی ارتش به نام امیر محمد خوش‌اقبال نیز به فهرست متهمان پرونده افزوده شده است.

بر اساس گزارش‌ها در کیفرخواست صادره از سوی دادسرای جنایی تهران امیرمحمد خوش‌اقبال به «مشارکت در قتل عمد، مشارکت در ضرب و جرح عمدی، اخلال در نظم و آسایش عمومی و توقیف غیرقانونی» متهم شده است. وبسایت «دادبان» که به بازداشت‌شدگان مشاوره حقوقی داده و گزارش‌هایی از پرونده‌های آنها را بازتاب می‌دهد شامگاه چهارشنبه ۱۰ خرداد ۱۴۰۲ گزارش داد بر اساس جزییاتی که دریافت کرده، امیرمحمد متولد خرداد ۱۳۷۷ است و در زمان کشته شدن آرمان علی‌وردی در اکباتان تهران، سرباز نیروی هوایی ارتش بوده و بازداشت او نیز در ابتدا توسط «حفاظت اطلاعات نیروی هوایی ارتش» انجام گرفته است. او سپس تحویل دیگر ضابطان پرونده از جمله

برگزاری کارگاه‌های آموزشی در ارتش برای مسائل ازدواج و فرزندآوری بر اساس «تدابیر ویژه» علی خامنه‌ای



مراسم عقد دانشجویان نیروی زمینی ارتش برای «ترویج ازدواج آسان» / خرداد ۱۴۰۲

پرونده تشکیل شده است که از این تعداد ۳۱۸ زوج صاحب فرزند شده‌اند... شش هزار و ۱۱۹ زوج نابارور هم به بیمارستان بعثت مراجعه کردند و تحت درمان قرار گرفتند.» به گفته فرمانده ارتش جمهوری اسلامی، سال ۱۴۰۱ در شهر مشهد همایش‌ها و جشنواره‌های فرهنگی مختلف برای زوج‌های جوان برای آشنایی با سبک زندگی ایرانی اسلامی و فرزندآوری برگزار شده است.

او توضیح داده با هدف آشنایی جوانان در نیروهای مسلح با مسائل ازدواج، آیین همسرداری و تربیت فرزند «کارگاه‌های آموزشی» برگزار می‌شود «تا شاهد جوانی جمعیت در سطح نیروهای مسلح باشیم.»

حضور کیومرث حیدری فرمانده نیروی زمینی ارتش در مراسم ازدواج دانشجویان ارتش / خرداد ۱۴۰۲

یکی از برنامه‌های ارتش برای تشویق جوانان به ازدواج، برگزاری مراسم ازدواج گروهی در تالارهای ارتش برای دانشجویان دانشگاه‌های افسری است. یکی از همین مراسم ازدواج بیش از ۷۵ زوج در تالار نیروی زمینی (لویزان) بود که اول خرداد با حضور کیومرث حیدری فرمانده نیروی زمینی ارتش برگزار شد. در این مراسم برای چند زوج به نمایندگی از سایرین مراسم عقد برگزار می‌شود و هرکدام می‌توانند تعداد محدودی از اعضای خانواده را به سالن دعوت کنند تا با میوه و شام پذیرایی شوند. در گذشته که قیمت سکه ارزان‌تر بود از طرف فرماندهان به هر زوج یک ربع سکه هدیه داده می‌شد اما اخیراً به پرداخت وام و امتیازاتی بسیار کمتر خلاصه شده است.

هرچند آمار رسمی طلاق و اعتیاد به مواد مخدر در میان خانواده‌ها و پرسنل نیروهای مسلح به صورت رسمی مشخص نیست اما بر اساس گزارش‌ها، مقالات و پژوهش‌های منتشر شده در بولتن و مجلات وابسته به ارگان‌های نظامی می‌توان دریافت که این آمار رو به افزایش است. در مورد علت طلاق مسائل مالی از اصلی‌ترین عوامل فروپاشی خانواده‌هاست. کم نیستند ارتش‌های جوان که در نخستین سال‌های پس ازدواج تصمیم به طلاق می‌گیرند و درگیر پرونده‌های قضایی به دلیل ناتوانی در پرداخت مهریه می‌شوند. مشکل اصلی ناتوانی آنها در تأمین مخارج زندگی و تهیه مسکن است.

● عبدالرحیم موسوی فرمانده کل ارتش جمهوری در همایش فرماندهان نیروهای مسلح که به مناسبت «روز جوانی جمعیت» در ستاد فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برگزار شد گفته است «در راستای تدابیر ویژه علی خامنه‌ای برای ازدواج بهنگام و فرزندآوری ارتش جمهوری اسلامی و سیاست‌های ابلاغی ستاد کل نیروهای مسلح برای ترویج فرزندآوری برنامه‌هایی در دستور کار قرار گرفته است.»

● به گفته موسوی، در کلینیک «هاجر» متعلق به بیش از ۱۵۰۰ پرونده مربوط به کمک به زوج‌ها برای فرزندآوری تشکیل شده است.

● هرچند آمار رسمی طلاق و اعتیاد به مواد مخدر در میان خانواده‌ها و پرسنل نیروهای مسلح به صورت رسمی مشخص نیست اما بر اساس گزارش‌ها، مقالات و پژوهش‌های منتشر شده در بولتن و مجلات وابسته به ارگان‌های نظامی می‌توان دریافت که این آمار رو به افزایش است. در مورد علت طلاق مسائل مالی از اصلی‌ترین عوامل فروپاشی خانواده‌هاست. کم نیستند ارتش‌های جوان که در نخستین سال‌های پس ازدواج تصمیم به طلاق می‌گیرند و درگیر پرونده‌های قضایی به دلیل ناتوانی در پرداخت مهریه می‌شوند. مشکل اصلی، ناتوانی آنها در تأمین مخارج زندگی و تهیه مسکن است.

با توصیه علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی و فرمانده کل قوا، در بالاترین رده‌های نیروهای مسلح پرسنل به ازدواج و فرزندآوری تشویق می‌شوند.

عبدالرحیم موسوی فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ششم خرداد در همایش فرماندهان نیروهای مسلح که به مناسبت «روز جوانی جمعیت» در ستاد فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برگزار شد، گفته است «در راستای تدابیر ویژه علی خامنه‌ای برای ازدواج بهنگام و فرزندآوری ارتش جمهوری اسلامی در راستای سیاست‌هایی که از سوی ستاد کل نیروهای مسلح در رابطه با قانون جوانی جمعیت ابلاغ شده‌است، اجرای این سیاست‌ها را از ابتدای سال ۱۴۰۱ در دستور کار قرار داد.»

موسوی با ارائه گزارشی از اقدامات ارتش در مورد ازدواج و فرزندآوری گفته «در کلینیک هاجر ارتش هزار و ۵۷۸

این سه متهم با قوانین قضایی جمهوری اسلامی مغایرت دارد.

پیام درافشان در اینباره توضیح داده که در بخش کیفری پرونده نیز انتساب اتهام «مشارکت در قتل عمد» و تلاش برای اعمال ماده ۳۷۰ قانون مجازات اسلامی» از سوی محمد شهریاری مبنی بر اعمال مجازات قصاص برای متهمان هم دارای ایراد است. در همین زمینه با وجود اینکه پزشکی قانونی به‌صراحت در گزارش خود علت مرگ را ضربات به سر اعلام کرده است و در نتیجه بنا بر ماده ۳۶۸ قانون مجازات اسلامی، فقط افرادی که به سر ضربه زده‌اند به عنوان شریک در قتل شناخته می‌شوند، اما اساساً مشخص نیست که کدام یک از متهمان به کدام بخش از بدن بسجی جان‌باخته و با چه شدتی ضربه زده‌اند. از این‌رو بر اساس ماده ۴۷۹ قانون مجازات اسلامی، در چنین شرایطی به دلیل نامشخص بودن عمل ارتكابی متهمان، آن‌ها قانوناً به پرداخت دیه محکوم خواهند شد، نه مجازات قصاص.

یکی دیگر از ایرادهای پرونده اعتراف‌گیری اجباری و شهادت از متهمان علیه یکدیگر است. «دادبان» در اینباره نوشته که ایراد دیگر در پرونده این است که عمده اعترافات اجباری متهمان نه اعتراف علیه خود که در واقع شهادت علیه یکدیگر است و به این شهادت‌ها بر خلاف قانون به عنوان دلیلی بر ارتكاب جرم استناد شده است. این اعترافات اجباری اخذ شده از متهمان علیه یکدیگر در حالی است که از منظر حقوقی، قانونی و شرعی اقرار متهمان یک پرونده علیه یکدیگر دلیلی بر اثبات ارتكاب جرم توسط آن‌ها نیست.

شهرک اکباتان یکی از بزرگترین شهرک‌های خاورمیانه واقع در غرب تهران با جمعیتی بیش از ۵۰ هزار نفر است که ساکنان آن در اعتراضات انقلاب ملی نقشی برجسته داشته‌اند. شهرک اکباتان از آغاز اعتراضات سال گذشته یکی از کانون‌های اعتراضات در پایتخت بود. ساکنان شهرک اکباتان تا امروز اعتراضات را زنده نگه داشته و حتی با وجود محدودیت‌های شدید امنیتی و انتظامی در شهرک، اگر امکان برگزاری تجمع را نداشتند با سر دادن شعارهای شبانه پایداری کردند.

بر اساس گزارش‌ها به جز شهروندانی که در پرونده کشته شدن آرمان علی‌وردی بازداشت شده‌اند، تعداد زیاد دیگری از ساکنان شهرک در ماه‌های گذشته و در پی حملات وحشیانه نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

در همین رابطه «دادبان» گزارش داده که علاوه بر افرادی که با فرض حضور در صحنه درگیری در ششم آبان در اکباتان تهران بازداشت شده‌اند، اطلاعات سپاه تهران شمار دیگری از شهروندان را تنها به دلیل انتشار پست یا مطلبی درباره آرمان علی‌وردی یا شهرک اکباتان در شبکه‌های اجتماعی نیز بازداشت می‌کند.

بر اساس این گزارش تعداد دقیق بازداشت‌های صورت گرفته در این شهرک مشخص نیست اما گزارش‌های شاهدان عینی و منابع مطلع، نشان می‌دهد که در جریان دو هفته ابتدایی حمله ماموران به این شهرک، دست‌کم ۵۰ نفر از جوانان ساکن اکباتان توسط نهادهای امنیتی و انتظامی بازداشت می‌شوند. اگرچه عمده آنها پس از مدتی با صدور قرار منع تعقیب به دلیل فقدان هر گونه شواهد و مدارک آزاد می‌شوند اما در نهایت دادسرای جنایی و امنیتی تهران برای ۱۴ نفر از بازداشت‌شدگان کیفرخواست صادر می‌کند. «محاربه»، «مشارکت در قتل عمد»، «تبلیغ علیه نظام»، «اخلال در نظم عمومی» و «ضرب و جرح عمدی» از جمله اتهاماتی هستند که بر اساس کیفرخواست صادره علیه این ۱۴ نفر نسبت داده شده است.

استقرار نیروهای بسیجی در مدارس به عنوان «سربازمعلم»؛ مدارس کشور در تسخیر سپاه پاسداران و حوزه علمیه



نیروهای بسیج به عنوان یکی از بازوهای پروپاگاندا و سرکوب جمهوری اسلامی فعال هستند

سابقه برای «استخدام» و... استفاده کنند. رضامراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش ماه گذشته بدون اشاره به کمبود ۳۰۰ هزار نفری آموزگار در این وزارتخانه بر کمبود ۵۰ هزار معلم پرورشی تأکید و ابراز امیدواری کرده بود که با استخدام ۲۷ هزار نیروی پرورشی بخشی از این کمبود در سال جاری جبران شود. او فعالیت‌های پرورشی را از اولویت‌های اصلی این وزارتخانه خوانده است.

وزارت آموزش و پرورش در برنامه دیگری با عنوان «طرح امین» نیز اقدام به استخدام آخوندهایی کرده که در حوزه علمیه تحصیل کرده‌اند. بر اساس طرح «امین» که از حدود ۶ سال قبل آغاز شده، روحانیون باید حدود ۳۰ ساعت در هفته در مدارس به تبلیغات مذهبی بپردازند.

معلمان پرورشی مورد اشاره‌ی وزیر آموزش و پرورش طلبه‌سربازها و آخوندهایی هستند که قرار است جذب این وزارتخانه شوند. آنها پروپاگاندا‌ی ایدئولوژیک جمهوری اسلامی در مدارس را پیش برده و حتی در نقش «مخبر» و خریچین‌های نهادهای امنیتی فعالیت می‌کنند.

کمبود آموزگار در ایران سال‌هاست یکی از مشکلات شبکه آموزش مدارس ایران عنوان می‌شود. در سال‌های گذشته سالانه ۱۰۰ هزار آموزگار در ایران بازنشسته می‌شدند و این آمار در سال گذشته به ۲۵۰ هزار نفر رسید. در مقابل اما جذب آموزگار در آموزش و پرورش با تعدادی اندک، و غالباً به صورت قراردادی و موقت، اتفاق می‌افتد.

آخرین آمارهای ارائه شده نشان می‌دهد ۳۰ استان ایران با کمبود آموزگار روبروست و برای جبران این کمبود باید دستکم ۳۰۰ هزار آموزگار جذب آموزش و پرورش شوند.

حمیدرضا حاجی‌بابایی رئیس فراکسیون فرهنگیان مجلس شورای اسلامی تعداد کمبود آموزگار در ایران را ۳۰۰ ←

و روز سه‌شنبه نهم خردادماه به استان‌های مختلف ابلاغ شده است.

جزئیات این بخشنامه نشان می‌دهد که در پی امضای تفاهم‌نامه‌ای میان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت آموزش و پرورش، «اولویت» در این طرح با جذب «بسیجیان فعال و بسیجیان دارای کارت تکمیلی» است.

بر اساس این طرح قرار است در مجموع ۳۲۰۰ سرباز معلم در سال تحصیلی پیش رو (۱۴۰۲-۱۴۰۳) جذب آموزش و پرورش شوند. جذب بسیجیان به اسم «سربازمعلم» قرار است در هر استان با نظر مستقیم سپاه پاسداران استانی صورت بگیرد و ادارات آموزش و پرورش استانی به تنهایی در اینباره تصمیم‌گیر نخواهند بود.

نیروهای بسیج در حالی بر اساس این طرح قرار است در مدارس سراسر کشور استخدام و فعال شوند که پیشتر نیز در طرحی مشابه سربازان طلبه‌ی حوزه علمیه امکان حضور در مدارس کشور را پیدا کردند. بخشنامه «جذب و ساماندهی روحانیون نظام وظیفه در آموزش و پرورش» فروردین امسال به اجرا درآمد و به طلبه‌های متقاضی تا هفته آینده، بیستم خردادماه، فرصت داده شد که برای استخدام در آموزش و پرورش برای سال تحصیلی آینده تقاضای خود را ثبت کنند. در شرایطی که آموزش و پرورش برای دروس پایه و اصلی با کمبود شدید آموزگار روبروست، سربازان طلبه در آموزش و پرورش قرار است به تدریس درس پرورشی و فعالیت‌های فرهنگی و... مشغول شوند.

همچنین برای طلبه‌ها مزایایی نیز در نظر گرفته شده؛ از جمله آنکه نیازی به پوشیدن لباس فرم (لباس آخوندی) ندارند؛ همچنین دوره خدمت امریه سربازان طلبه به عنوان «سنوات کاری» آنها در نظر گرفته می‌شود و می‌توانند از این

هیئت دولت «بخشنامه سربازمعلم» را تصویب کرده که بر اساس آن نه سربازان دانش‌آموخته در دانشگاه‌ها، بلکه نیروهای بسیجی فعال قرار است در اولویت برای استخدام و اشتغال در مدارس قرار بگیرند.

جذب بسیجیان به اسم «سربازمعلم» در هر استان با نظر مستقیم سپاه پاسداران استانی صورت می‌گیرد و ادارات آموزش و پرورش استانی به تنهایی در اینباره تصمیم‌گیر نخواهند بود.

بخشنامه «جذب و ساماندهی روحانیون نظام وظیفه در آموزش و پرورش» نیز فروردین امسال به اجرا درآمد.

وزارت آموزش و پرورش در برنامه دیگری با عنوان «طرح امین» از شش سال پیش اقدام به استخدام آخوندهایی کرده که در حوزه علمیه تحصیل کرده‌اند.

آخرین آمارهای ارائه شده نشان می‌دهد ۳۰ استان ایران با کمبود آموزگار روبرو هستند و برای جبران این کمبود باید دستکم ۳۰۰ هزار آموزگار جذب آموزش و پرورش شوند.

در حالی که ۳۰ استان ایران با کمبود آموزگار روبرو هستند و برای جبران این کمبود باید دستکم ۳۰۰ هزار آموزگار جذب آموزش و پرورش شوند، جمهوری اسلامی می‌خواهد بسیجی‌ها را بجای آنها وارد مدارس کشور کند.

هیئت دولت «بخشنامه سربازمعلم» را تصویب کرده که بر اساس آن نه سربازان دانش‌آموخته در دانشگاه‌ها، بلکه نیروهای بسیجی فعال قرار است در اولویت برای استخدام و اشتغال در مدارس قرار بگیرند.

«بخشنامه سربازمعلم» در نشست هیئت دولت تصویب

نمایشگاهی در لندن؛ پسامپرسیونیسم و آغاز هنر مدرن



یکی از بازدیدکنندگان در حال تماشای تابلوی «دیگر هرگز» از پل گوگن نقاش فرانسوی

حالا نمایشگاه «پسامپرسیونیسم» نشان می‌دهد که در طول سه دهه بعد از ۱۸۸۶ تا آستانه جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ به همراه برآمد نسل جدیدی از نقاشان و مجسمه‌سازانی که تمامی سنت‌های آفرینش هنری را به چالش می‌کشیدند، چه تحولاتی در دنیای هنری غرب روی داده است.

در این دوره، پاریس همچنان به عنوان مرکز هنری دنیا باقی ماند، ولی در عین حال شهرهای بروکسل، بارسلونا، وین و برلین نیز به عنوان مراکز جدید هنر تجربی و مکاشفه‌های هنری وارد صحنه شدند. در این میان، نشریات ادواری، داد و ستدهای هنری، تعدد مراکز و اشخاص برگزارکننده نمایشگاه‌ها، و البته طولانی‌ترین دوره‌ی صلح که اروپا در یک قرن به خود دیده بود، سهم بسزایی در مناسبات هنری بین‌المللی پیدا کردند. این دوره‌ی تاریخی را در عین حال باید بر بستر صنعتی شدن اروپای غربی، مدرن شدن جامعه و نیز سود انبوهی دید که کشورهای غربی از مستعمرات خود می‌بردند تا به رفاه و ثروت آنها افزوده شود و بتوانند از جمله به خرید و فروش آثار گرانبهای هنری بپردازند. همه این تحولات مسیری را که هنر نوین در پیش گرفت تحت تاثیر عمیق قرار دادند.

در بخش اول این نمایشگاه، کارهای هنرمندان فردگرا گردآوری شده است. این هنرمندان از سال‌های ۱۸۸۰ تا حدود ۱۹۰۰ برای ایجاد هنر نو بر بستری تاریخی- اجتماعی که به آن اشاره شد تلاش می‌کردند. از میان این هنرمندان پل سزان و آگوست رودن شهرت زیادی دارند و پیشتازان هنر متحول نقاشی و مجسمه‌سازی شمرده می‌شوند. هر کدام از این هنرمندان روش‌های متمایز و ابتکاری خاص خود را در دست و پنجه نرم کردن با سنت‌های دیرپا و

آخرین نمایشگاه زنده‌ی امپرسیونیست‌ها در سال ۱۸۸۶ در پاریس برگزار شد. با وجود چندین عقب‌نشینی، این گروه از هنرمندان شیوه‌های نوینی را برای نمایش هنرهای تجسمی در دیگر محافل هنری جا انداخته بودند. آنها موفق شده بودند که تعریف نوینی از اشکالی ارائه دهند که هنر می‌تواند به خود بگیرد و در قالب آنها بیان شود.

نمایشگاهی که هم‌اکنون در لندن برپاست، نقاشان امپرسیونیست را دارای سهم بسزا در ظهور هنر مدرن می‌داند که زمینه‌های شکل‌گرفتن آن را فراهم آوردند.

نمایشگاه «پسامپرسیونیسم» نشان می‌دهد که در طول سه دهه بعد از ۱۸۸۶ تا آستانه جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ به همراه برآمد نسل جدیدی از نقاشان و مجسمه‌سازانی که تمامی سنت‌های آفرینش هنری را به چالش می‌کشیدند، چه تحولاتی در دنیای هنری غرب روی داده است.

در گالری ملی لندن نمایشگاهی دایر است که ریشه‌ها و نطفه‌های ظهور هنر مدرن قرن بیستم را بر بستر مکتب امپرسیونیسم می‌جوید. درواقع این نمایشگاه نقاشان امپرسیونیست را دارای سهم بسزا در ظهور هنر مدرن می‌داند که زمینه‌های شکل‌گرفتن آن را فراهم آوردند.

آخرین نمایشگاه زنده‌ی امپرسیونیست‌ها در سال ۱۸۸۶ در پاریس برگزار شد. با وجود چندین عقب‌نشینی، این گروه از هنرمندان شیوه‌های نوینی را برای نمایش هنرهای تجسمی در دیگر محافل هنری جا انداخته بودند. آنها موفق شده بودند که تعریف نوینی از اشکالی ارائه دهند که هنر می‌تواند به خود بگیرد و در قالب آنها بیان شود.

هزار نفر عنوان می‌کند. او گفته که «اگر می‌خواهیم یک آموزش و پرورش بانشاط داشته باشیم باید از طریق دانشگاه فرهنگیان ۳۰۰ هزار معلم تربیت کرده و راهی کلاس‌های درس کنیم. حتما دانشجویی که در دانشگاه تربیت معلم درس خوانده، می‌تواند بهتر تدریس کند.»

محمدتقی فلاحی دبیر کانون صنفی معلمان تهران به تازگی درباره کمبود معلم در وزارت آموزش و پرورش به روزنامه «هم‌میهن» گفته که «معلم پرورشی بیشتر معلم فوق برنامه است. این در مورد معلم هنر نیز صدق می‌کند. با وجود اینکه چنین درسی در سیستم آموزش و پرورش است، اما عموماً به دلیل کمبود معلم هنر، زمان آن به درس‌های دیگر اختصاص داده می‌شود. اما نکته مهم این است که عموماً در بیشتر درس‌ها کمبود نیرو داریم.»

دبیر کانون صنفی معلمان تهران افزوده که با بیان اینکه استفاده از ظرفیت معلم دانشجو به نفع آموزش و پرورش است، تصریح کرد: «تا آنجایی که من در جریان هستم عموماً از سال سوم تحصیل از دانشجویان برای کارآموزی در کلاس‌های درس می‌توان استفاده کرد، اما آموزش و پرورش این دانشجویان را به‌عنوان معلم نه کارآموز به کلاس درس می‌فرستد و کمک‌هزینه‌ای نیز به آنها می‌دهد که این به نفع دولت است. اما دولت بهتر است برای برون‌رفت از این مشکل فکر دیگری داشته باشد برای نمونه اینکه تنها از ظرفیت دانشگاه تربیت معلم استفاده شود، سیاست خوبی نیست، زیرا این دانشگاه و خروجی آن قادر نیست تعداد مورد نیاز آموزش و پرورش برای تامین کادر آموزشی را پاسخگو باشد، به‌ویژه که در چند سال اخیر شاهد بازنشستگی زیادی از معلمان بودیم و این رویه ادامه‌دار است.»

محمدتقی فلاحی تأکید کرده که «کمبود معلم مشکل سال‌های طولانی آموزش و پرورش است و متأسفانه مسئولان به جای اینکه با سرمایه‌گذاری بیشتر و جذاب کردن فضا، کمبود نیروی کارآمد خود را جبران کنند با ایجاد محدودیت‌های شکلی از جمله جذب نیرو تنها از دانشگاه خاص، ماده ۲۸ و برون‌سپاری، استفاده و به‌نوعی استثمار معلمان شرکتی، هزینه‌ای را بر دوش خانوار منتقل می‌کنند. این رویه به نوعی رفع مسئولیت دولت از ارائه آموزش رایگان و باکیفیت است.»

محمد داوری سخنگوی سازمان معلمان ایران نیز به روزنامه «هم‌میهن» گفته که «وزارت آموزش و پرورش در تمام مراحل نیروی انسانی و مدیریت نیروی آن فاجعه عمل کرده است. در تمام مراحل (۱ پذیرش از دانشگاه فرهنگیان یا دانشگاه‌های دیگر، ۲) گزینش و مصاحبه‌ها و... (۳) نگهداری (۴) ارتقا (۵) خروج (۶) در بحث جایگزینی، دچار مشکل هستیم و می‌توانیم به جرات بگویم به طور میانگین ۲۰ درصد کمبود نیرو داریم و در برخی شهرهای پرجمعیت مانند تهران به ۷۰ درصد هم می‌رسد و در برخی مناطق کشور ۵۲ درصد است. ولی فاجعه خطرناک درباره کمبود نیرو وجود دارد.»

سخنگوی سازمان معلمان ایران گفت: «متأسفانه یکی از مصادیق نبود عدالت آموزشی این است که نیروهای کم‌تجربه به مناطق محروم می‌روند. در حقیقت جایی که محروم است و نیازمند به معلم باتجربه و توانمند، معلم ضعیف‌تر اعزام می‌شود که این نقض عدالت آموزشی است.»

محمد داوری درباره پنهان کردن کمبود معلم با افزایش تعداد دانش‌آموزان یک کلاس نیز گفته که «طبق استانداردهای جهانی در کلاس‌های درس باید کمتر از ۲۰ دانش‌آموز حضور داشته باشند.»

انجمن‌های هنری بروکسل دعوت شدند. در بروکسل بود که ون گوگ تنها اثر خود را در زمان حیات توانست بفروشد. این مراودات فرهنگی تأثیری عمیق بر هنرمندان بلژیکی و هلندی ساکن این شهر گذاشت که بعدها هنر نوین خاص خود را آفریدند.

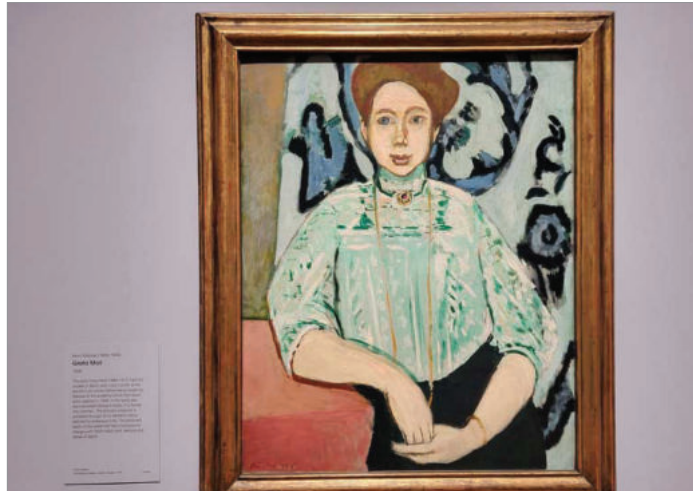
در وین پایتخت امپراتوری اتریش- مجارستان و برلین پایتخت آلمان، نقاشان و مجسمه‌سازان جوان و نوگرا از نهادهای سنتی که نمایشگاه‌های هنری را برگزار می‌کردند خارج شدند و برخلاف بارسلونا و بروکسل توانستند مراکز مستقل خود را اتفاقاً در ساختمان‌هایی که توسط معمارانی با افکار نوین و جویای سبک‌های جدید طراحی شده بودند

بسیار فشرده نقاشی شده است. همین فشرده‌گی، پرسپکتیو را در این تابلو به شدت کاهش داده ولی ون گوگ ابایی از آن ندارد که از واقعیت فاصله بگیرد و در قوانین پرسپکتیو و حجم، محدود نماند. درضمن آفتاب تابان جنوب فرانسه و تفسیر آن در نقاشی‌های این هنرمند، او را به این نتیجه رساند که در استفاده از رنگ می‌توان بیش از پیش اغراق کرد.

علاوه بر آثار این سه نقاش برجسته، سزان و وان گوگ و گوگن، که نفوذ و تأثیر زیادی بر نقاشان نسل جوان‌تر از خود داشتند، می‌توان از ادگار دگا نام برد که با تابلوهایش از رقصندگان باله در حالات مختلف معروف است. در آثار

دیرینه‌ی هنری داشتند که تأثیری مهم بر هنرمندان هم‌نسل آنها گذاشت.

در هنر نقاشی همچنین ونسان ون گوگ و پل گوگن در کنار پل سزان، نقش محوری در شکل دادن به هنر آوانگارد یا پیشاهنگ اروپایی در آستانه قرن بیستم بازی کردند. هرچند که این سه هنرمند، به ویژه در دوره متاخر خلایقیت هنری خود، بیشتر در انزوا کار می‌کردند- ون گوگ و سزان در مناطق روستایی و در طبیعت و پل گوگن در جزایر پولونزی- ولی رویکرد به شدت فردی آنها به هنر و نیز بین‌المللی شدن هنرشان به این نتیجه منجر شد که آثار و تفکر آنها به معیار و محک سنجش آثار هنرمندانی شود که



«گرتا مول» از هنری ماتیس هنرمند فرانسوی



«رقصندگان» از ادگار دگا نقاش فرانسوی

تشکیل دهند. در عین حال این مراکز بیرون از حوزه نفوذ هنر فرانسوی قرار گرفتند هرچند که پذیرای هنرمندان خارجی نیز بودند. از جمله پل سزان و پابلو پیکاسو در این وین و برلین نمایشگاه برگزار کردند.

در وین، هنرمندان اعم از زن و مرد و نیز مشتریان آنها در ارتباط با «کارگاه وین» قرار گرفتند. «کارگاه وین» مبلغ «هنر خالص» بود که در آن معماری، طراحی داخلی، هنر تزیینی میلان، مد لباس، نقاشی و مجسمه‌سازی همگی در دیالوگ متقابل قرار داشتند.

در برلین، هنرمندان «استقلال‌طلب» آلمانی در کنار هنرمندان بین‌المللی نمایشگاه می‌گذاشتند. ادوارد مونک نقاش معروف نروژی در دهه ۱۸۹۰ از مرکز هنری برلین به عنوان محل اصلی نمایشگاه‌های خود سود برد. مجسمه‌سازی هم در فرهنگ نمایشگاهی برلین نقش مهمی بازی می‌کرد. در بخش آخر این نمایشگاه لندن به عرصه‌ها و زمینه‌های جدید آفرینش هنری در اوایل قرن بیستم پرداخته می‌شود. در این دوره زنان هنرمند هم حضوری آشکار پیدا کردند و حتا کشوری مانند روسیه نیز با هنرمندانی مانند واسیلی کاندینسکی وارد عرصه‌ی بین‌المللی شدند. کاندینسکی در دوره‌ی متاخر هنری خود به شدت به سوی هنر انتزاعی گرایش پیدا کرد.

در این قسمت از نمایشگاه دو اثر از پابلو پیکاسو در ابتدای سبک کوبیسم وی به نمایش گذاشته شده است. از بین دیگر هنرمندانی که شماری از آثار آنها در این نمایشگاه دیده می‌شوند می‌بایست از دو نقاش و مجسمه‌ساز فرانسوی، هنری ماتیس و آندره دراین نام برد. تابلوی معروف «رقص» از آندره دراین به عنوان عکس پس‌زمینه‌ی آفیش این نمایشگاه مورد استفاده قرار گرفته است.

دگا رگه‌هایی از هنر مدرن و غیرمرسوم مشهود است. به عنوان مثال در تابلوی «تقرین رقصندگان در سرسرا» که در این نمایشگاه به نمایش گذاشته شده، در حالی که با حالت طبیعی رقصندگان روبرو هستیم اما عناصری عجیب و غیرمرسوم نیز در آن به چشم می‌خورد. در سمت راست تابلو رقصنده‌ای دیده می‌شود که بخشی از بدن وی خارج از چارچوب تابلوست. در سمت چپ تصویر رقصنده‌ای در پشت ستونی در سرسرا مشغول تقرین است. اما ادگار دگا ستون ساختمان را شفاف کشیده تا بینندگان نیمه پنهان بدن رقصنده را نیز ببینند.

چنانکه اشاره شد، هر چند پاریس در آستانه قرن بیستم همچنان مرکز هنری اروپا باقی ماند، ولی شهرهای دیگری مانند بارسلونا و بروکسل نیز به عنوان مراکز مهم هنری به میدان آمدند. این شهرها محل ارائه‌ی استعداد‌های هنری جدیدی شدند که از سوی برگزارکنندگان نمایشگاه‌ها، فروشندگان آثار هنری و کلکسیونرهای پیشرو و مستقل پشتیبانی می‌شدند. در بارسلونا نقاشان و مجسمه‌سازان جوان اگرچه تمایل به سفر و نمایش آثار خود در پاریس داشتند ولی اماکنی نیز در این شهر برای ملاقات، تبادل نظر و نمایش آثار هنری در اختیار آنها بود. هنرمندان کمتر شناخته‌شده می‌بایند و موضوعات و شیوه‌ها و بیان جدیدی را به کار می‌گرفتند که به هنر اسپانیا طنینی جدید و متمایز می‌داد. یکی از این هنرمندان و تأثیرپذیران جوان کسی جز پابلو پیکاسو نبود که به دلیل سبک نامتعارف خود (کوبیسم) به یکی از مشهورترین و گران‌ترین نقاشان جهان تبدیل شد.

در بروکسل نیز برگزارکنندگان نمایشگاه‌ها روابط نزدیکی با پاریس آوانگارد داشتند. گوگن، ون گوگ و سزان همگی برای ارائه آثار خود در فاصله زمانی ۱۸۷۹ تا ۱۸۹۰ به

خود را «مدرن» می‌دانستند.

این هنرمندان با آثار خود وجه ضروری هنر سنتی را که بر طبیعت‌گرایی (ناتورالیسم) و بازتاب هر چه واقعی‌تر زندگی پیرامون تکیه داشت (رئالیسم)، به چالش گرفتند.

پل سزان در پی آن بود تا بیشتر تجربه کند و بیازماید که چگونه می‌توان حجم را در دو بُعد نشان داد.

بیان خاص ونسان ون گوگ از رنگ و ضربه‌های قلم مو بر بوم و کاغذ که بیش از هر چیز روزنه‌ای به ظرفیت‌های عظیم عاطفی وی بود، بعد از مرگ زودرس این هنرمند در سال ۱۸۹۰ به صورت گسترده مورد استقبال قرار گرفت.

پل گوگن اما از جهان ذهنی خود با تصویری از محیطی که در ارتباط با زندگی غرب بیگانه و شگفت‌انگیز به نظر می‌رسید، آثار درخشانی در همراهی نزدیک با سمبولیسم و ادبیات استعاری به وجود آورد. سبک گوگن بیشتر بر انتقال ایده‌ها و عواطف ژرف متمرکز بود تا نشان دادن زندگی روزمره.

وجه بارز سبک متأخر پل سزان نیز که برای هنرمندان دیگر معماگونه می‌نمود، مبارزه‌ی آشکار این هنرمند با واقعیت‌گرایی و دوری از طبیعت‌گرایی است از جمله در تابلوی معروف «ظرف شکر، گلابی‌ها و رومیزی» (۱۸۹۳) گلابی‌ها و ظرف شکر به واقعیت نزدیک هستند در حالی که با استفاده از شگرد پرسپکتیو حجیم نقاشی شده و روی میز قرار گرفته‌اند. ولی رومیزی که در کنار آنهاست دور از قوانین پرسپکتیو نقاشی شده و دو بعدی به نظر می‌رسد. این اثر همان تابلویی است که در گسترش نفوذ سبک پل سزان در سراسر اروپا نقش مهمی ایفا کرد.

تابلوی شاید کمتر شناخته شده ونسان ون گوگ که در یکی از مناطق روستایی در فرانسه به سال ۱۸۹۶ آفریده شده و «خانه‌هایی در سن ماری دو لامر» نام دارد، در قابی

ارائه پیش‌نویس لغو‌گزینش جمهوری اسلامی به عنوان رئیس مجمع اجتماعی شورای حقوق بشر سازمان ملل



شعار نویسی روی دیوار با پوشش آزاد: «موی ما زنان، طناب دار آخوندهاست»

برای حمایت از حقوق زنان مانند این است که یک فرد آتش‌افروز را به عنوان رئیس آتش‌نشانی شهر انتخاب کنید. او این عضویت را «پوچ و بی‌معنا» و «یک روز سیاه برای حقوق زنان و همه حقوق بشر» توصیف کرده بود. شاهزاده رضا پهلوی در هفته‌های اخیر در چند مصاحبه به شدت علیه‌گزینش نماینده جمهوری اسلامی به عنوان رئیس این مجمع انتقاد کرد. وی در مصاحبه با ماریا بارتیرومو در «فاکس نیوز» در پاسخ به این پرسش که «آیا اینجا سازمان ملل همدست [رژیم ایران] شده است؟» گفت: «هی‌دانم آنها باید به موضوع بخندند یا برای آن گریه کنند؟ اما غم‌انگیز است. این یک توهین و سیلی به صورت یک ملت است. اینکه هر روز می‌شنوید به زنان شلیک می‌شود یا آنها را در مدارس با گاز مسموم می‌کنند این نمی‌تواند بدون آگاهی مستقیم یا دخالت رژیم باشد. این تصادفی نیست. این اتفاق در بسیاری از شهرها چندین هفته است اتفاق می‌افتد. آنها عامدانه به چیزی شبیه نسل‌کشی رسیده‌اند؛ به مردم آسیب می‌زنند. آنوقت شما به عنوان یک نهاد بین‌المللی به آنها جایزه می‌دهید؟! به عنوان یک نهاد بین‌المللی با دادن یکی از بالاترین کرسی‌های حقوق بشر؟! منظورم این است که این کار فراتر از یک جوک است... وحشتناک است.»

وی در ادامه افزود: «امیدوارم همه ما شهروندان انزجارمان را به سازمان ملل و نمایندگان آنها نشان دهیم و بگوییم ببینید! شما برای چه چیز ارزش قائل هستید؟ آیا به رژیم تروریستی که شهروندان خود را می‌کشد پاداش می‌دهید؟ یا به این اصل اخلاقی متعهدیم که به حاکمیت و استقلال یک ملت احترام بگذاریم؟ این به یک اصل بازمی‌گردد: حق انتخاب مردم؛ ولی آیا مردم حق انتخاب دارند؟ آیا مردم ایران امروز حق انتخاب دارند؟ نه دارند!»

اجتماعی شورای حقوق بشر سازمان ملل را به سازمان ملل ارائه کردیم. این توهین و بی‌عدالتی قابل تحمل نیست.» وی تأکید کرده وقتی طوماری که در دست امضاء است به صدهزار امضاء رسید، ما به رهبران جهان نامه می‌نویسیم تا از آنها حمایت کنیم.

در پیش‌نویس ارائه شده آمده با توجه به اینکه مأموریت شورای حقوق بشر سازمان ملل ترویج عمومی حمایت از حقوق بشر و آزادی اساسی انسان‌هاست جمهوری اسلامی به عنوان ناقض حقوق بشر و رژیمی که اقدام به تبعیض و سرکوب زنان و دختران می‌کند و با نیروهای سرکوبگر دست به کشتار آنها در تظاهرات مسالمت‌آمیز زده بسیار تأسفبار است که به عنوان رئیس این مجمع منصوب شده است.

«دیده‌بان سازمان ملل» یک سازمان غیرانتفاعی است که در سال ۱۹۹۳ تأسیس شده و تصمیمات سازمان ملل را از نگاه انتقادی بررسی می‌کند. این سازمان در اعتراض به انتخاب جمهوری اسلامی به عنوان عضو «کمیسیون موقعیت زنان» توسط شورای اقتصادی-اجتماعی سازمان ملل متحد برای یک دوره ۴ ساله نیز از لیندا توماس گرینفیلد نماینده دائمی آمریکا در این نهاد و کشورهای اتحادیه اروپا خواسته بود تا این عضویت را محکوم کنند.

در همین ارتباط دو کنشگر سیاسی مشروطه‌خواه آرش اشرف‌زاده نیک و صمد کلوانی بازیکن سابق تیم هندبال نیروی زمینی ارتش از حدود یک هفته پیش در اعتراض به گزینش نماینده رژیم ایران به عنوان رئیس مجمع اجتماعی شورای حقوق بشر دست به اعتصاب غذا زدند. آنها حالا با ارائه این پیش‌نویس اعلام کردند که به اعتصاب غذای خود پایان می‌دهند.

هیمل نویر مدیر اجرایی «دیده‌بان سازمان ملل» پیشتر گفته بود که «انتخاب جمهوری اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای

با پیگیری شماری از فعالان حقوق بشر و فشار افکار عمومی سازمان غیرانتفاعی «un watch» (دیده‌بان سازمان ملل) پیش‌نویس لغو‌گزینش جمهوری اسلامی به عنوان رئیس مجمع اجتماعی شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد را ارائه داده است.

● هیمل نویر مدیر اجرایی «دیده‌بان سازمان ملل» مستقر در ژنو در توییته نوشت: «مفتخرم اعلام کنم که پیش‌نویس قطعنامه لغو انتصاب جمهوری اسلامی ایران به عنوان رئیس مجمع اجتماعی شورای حقوق بشر سازمان ملل را به سازمان ملل ارائه کردیم. این توهین و بی‌عدالتی قابل تحمل نیست.»

● در این پیش‌نویس آمده با توجه به اینکه مأموریت شورای حقوق بشر سازمان ملل ترویج عمومی حمایت از حقوق بشر و آزادی اساسی انسان‌هاست جمهوری اسلامی به عنوان ناقض حقوق بشر و رژیمی که اقدام به تبعیض و سرکوب زنان و دختران می‌کند و با نیروهای سرکوبگر دست به کشتار آنها در تظاهرات مسالمت‌آمیز زده بسیار تأسفبار است که به عنوان رئیس این مجمع منصوب شده است.

با پیگیری شماری از فعالان حقوق بشر و فشار افکار عمومی سازمان غیرانتفاعی «un watch» (دیده‌بان سازمان ملل) پیش‌نویس لغو‌گزینش جمهوری اسلامی به عنوان رئیس مجمع اجتماعی شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد را ارائه داده است. این مجمع دو روزه قرار است در آبان ۱۴۰۲ برگزار شود.

هیمل نویر مدیر اجرایی «دیده‌بان سازمان ملل» مستقر در ژنو در توییته که سه‌شنبه ۳۰ ماه مه (نهم خرداد) منتشر شد نوشت: «مفتخرم اعلام کنم که پیش‌نویس قطعنامه لغو انتصاب جمهوری اسلامی ایران به عنوان رئیس مجمع

تلاش رژیم ایران برای «خنثی‌سازی تحریم‌ها»؛ درخواست از صندوق بین‌المللی پول برای دریافت وام!



هکری «قیام تا سرنگونی»، نزدیک به سازمان مجاهدین خلق، اسناد جدیدی از سامانه نهاد ریاست جمهوری اسلامی منتشر کرد. طبق یک نامه محرمانه، امیررضا فرزین برادر محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی سابقه زمین‌خواری و بازداشت و نوید فرزین، برادر کوچک‌تر آنها، سابقه حمل و نگهداری مواد مخدر دارد.

جمهوری اسلامی با بحران شدید مالی روبروست و زمامدارانش به دنبال پیدا کردن منابعی برای تزریق پول به اقتصاد ایران هستند هرچند که مخالفان حکومت می‌گویند، پول‌هایی که از هر طریقی به دست جمهوری اسلامی برسد، خرج تروریسم و سرکوب می‌شود.

محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی که برای ملاقات با مقامات صندوق بین‌المللی پول به واشنگتن رفته است می‌گوید که در حال حاضر ایران ۸/۴ میلیارد SDR «حق برداشت ویژه» معادل ۷/۶ میلیارد دلار دارد.

وی توضیح داده صندوق بین‌المللی پول در مقاطع زمانی مختلف که اقتصاد جهانی با رکود مواجه می‌شود به منظور کمک به اعضای خود اقدام به خلق نقدینگی موسوم به (SDR Allocation) «حق برداشت ویژه» می‌کند تا کشورها با تکیه بر آن نقدینگی مورد نیاز خود را برای برون‌رفت از وضعیت رکود به دست آورند.

با وجود این به دلایل مختلف از جمله تحریم‌های مختلف، صندوق بین‌المللی پول حتا بعد از آغاز بحران کرونا نیز از پرداخت وام به جمهوری اسلامی خودداری کرد.

محمدرضا فرزین گفته «از صندوق می‌خواهیم ضمن حمایت از برنامه‌های تقویت بانکداری بین‌المللی

● همزمان حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی در جلسه با رؤسای نمایندگی‌ها و سفیران نظام با اشاره به پیگیری جدی «مسیر خنثی‌سازی تحریم‌ها» تأکید کرد «ایرانیان خارج از کشور از اولویت‌های بالا در مسئولیت‌های وزارت خارجه هستند». به عبارت دیگر، او از سفرای جمهوری اسلامی خواسته توجه بیشتری به موضوع ایرانیان خارج کشور داشته باشند.

● همزمان با سفر محمدرضا فرزین به واشنگتن، گروه

● محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی که برای ملاقات با مقامات صندوق بین‌المللی پول به واشنگتن رفته است می‌گوید که در حال حاضر ایران ۸/۴ میلیارد SDR «حق برداشت ویژه» معادل ۷/۶ میلیارد دلار دارد.

● به دلایل مختلف از جمله تحریم‌ها، صندوق بین‌المللی پول حتا بعد از آغاز بحران کرونا نیز از پرداخت وام به جمهوری اسلامی خودداری کرد.



دیدار رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی با مدیر بخش خاورمیانه و آسیای مرکزی صندوق بین‌المللی پول

سی‌ان‌ان: دونالد ترامپ اسناد محرمانه «طرح حمله به ایران» را به خانه برده بود



در فلوریدا رفت و در آنجا اسناد محرمانه‌ای را پیدا کرد که نگهداری آن پس از پایان دوران ریاست جمهوری برای وی مسئولیت داشت. با اینهمه ترامپ می‌گوید آن اسناد محرمانه نبوده است.

دو نفر از این افراد گفتند که در این فایل، از صحبت‌های ترامپ چنین به نظر می‌رسد که او مایل بود این اطلاعات را به اشتراک بگذارد اما به محدودیت‌های شرایط پس از ریاست جمهوری برای فاش کردن اسناد محرمانه واقف بوده است.

جک اسمیت وکیل که مسئول رسیدگی به پرونده تحقیقات وزارت دادگستری آمریکا درباره ترامپ است، روی این دیدار به عنوان بخشی از تحقیقات جنایی درباره نحوه عملکرد ترامپ در قبال اطلاعات محرمانه امنیت ملی تمرکز دارد. برخی منابع مطلع می‌گویند، این فایل صوتی می‌تواند به عنوان مدرکی در پرونده‌ای علیه ترامپ به کار گرفته شود که بارها تاکید کرده بود می‌تواند اسناد ریاست جمهوری را نزد خود نگه دارد و آنها را فاش کند.

سی‌ان‌ان می‌نویسد جلسه‌ای که در آن ترامپ درباره سند ایران با دیگران گفتگو کرد، اندکی پس از آن اتفاق افتاد که روزنامه «نیویورکر» گزارشی از سوزان گلاسر را منتشر کرد که در آن توضیح می‌داد ژنرال مارک مایلی رئیس وقت ستاد مشترک ارتش آمریکا چگونه در روزهای پایانی ریاست جمهوری ترامپ به رئیس جمهور تذکر داده تا اطمینان حاصل کنند که ترامپ هیچ دستور غیرقانونی صادر نمی‌کند. این موضوع آن زمان خشم ترامپ را برانگیخته بود.

● شبکه سی‌ان‌ان به نقل از چند منبع گزارش داد بازپرس‌های فدرال به یک فایل صوتی مربوط به تابستان ۲۰۲۱ دست یافته‌اند که در آن دونالد ترامپ به نگهداری اطلاعات محرمانه پنتاگون درباره «حمله بالقوه» به ایران اذعان می‌کند.

● یکی از منابع مطلع گفت که بخش مربوط به ایران در این فایل صوتی حدود دو دقیقه است و فرد دیگری نیز که از محتوای این فایل مطلع است، گفت که بحث درباره ایران بخش کوچکی از یک دیدار طولانی بوده است.

شبکه سی‌ان‌ان به نقل از چند منبع گزارش داد بازپرس‌های فدرال به یک فایل صوتی مربوط به تابستان ۲۰۲۱ دست یافته‌اند که در آن دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا به نگهداری اطلاعات محرمانه پنتاگون درباره «حمله بالقوه» به ایران اذعان می‌کند.

بر اساس این گزارش که ۳۱ ماه مه (دهم خرداد) منتشر شد/ منابعی که این فایل صوتی را شنیده‌اند می‌گویند بخش مربوط به ایران حدود دو دقیقه است که گفته می‌شود بخشی از یک جلسه طولانی‌تر بوده است.

منابع متعددی به سی‌ان‌ان گفته‌اند که دادستان‌های فدرال یک فایل صوتی از جلسه تابستان ۲۰۲۱ به دست آورده‌اند که در آن ترامپ اذعان می‌کند که یک سند محرمانه پنتاگون در مورد حمله احتمالی به ایران را نزد خود نگه داشته است.

تابستان سال ۲۰۲۲ پلیس فدرال آمریکا به ویلای ترامپ

و روابط اقتصادی با کشورهای منطقه در حوزه خاورمیانه در تثبیت اقتصادی و تأمین مالی این برنامه ایفای نقش کند.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی فروردین‌ماه ۱۳۹۷ در یک سخنرانی در مخالفت با گرفتن وام از بانک جهانی یا صندوق بین‌المللی پول گفته بود «در طول سال‌های گذشته، در دولت‌های مختلف، چند بار می‌خواستند از بانک جهانی یا صندوق بین‌المللی پول، وام بگیرند، بنده نگذاشتم؛ جلویش را گرفتم؛ مقدمات را فراهم کرده بودند که این کار را انجام بدهند. اینکه ما از بیگانه طلب بکنیم و متعهد در مقابل بیگانه بشویم، این خطای بزرگی است؛ باید اقتصاد درون‌زا باشد.»

دولت حسن روحانی اما تلاش زیادی کرد تا بتواند برای کاهش بحران‌های اقتصادی ناشی از کرونا وام بین‌المللی دریافت کند. یکی از مأموریت‌های اصلی عبدالناصر همتی رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی در دولت روحانی دریافت وام از صندوق بین‌المللی پول بود.

از سوی دیگر، حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی روز پنجشنبه در جلسه با رؤسای نمایندگی‌ها و سفیران نظام با اشاره به پیگیری جدی «مسیر خنثی‌سازی تحریم‌ها» تأکید کرد «ایرانیان خارج از کشور از اولویت‌های بالا در مسئولیت‌های وزارت خارجه هستند.» به عبارت دیگر، او از سفرای جمهوری اسلامی خواسته توجه بیشتری به موضوع ایرانیان خارج کشور داشته باشند.

برخی منابع ادعا کرده‌اند که سفر فرزین به واشنگتن که یک روز پس از دیدار هیثم بن طارق آل سعید سلطان عمان با علی خامنه‌ای صورت گرفت با چراغ سبز آمریکا انجام شده است.

اینهمه در حالیست که در روزهای اخیر زرمه‌هایی مبنی بر مذاکرات پنهانی مقامات آمریکا با رژیم ایران برای «توافق موقت» شنیده می‌شود.

سه مقام ارشد اسرائیلی پیش از این مدعی شده بودند که کاخ سفید از طریق دولت عمان در حال بررسی است که آیا ایرانی‌ها آماده برداشت گام‌هایی برای محدود کردن فعالیت‌های هسته‌ای خود هستند و در ازای آن چه می‌خواهند.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی در زمان دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا به دلیل حمایت و تأمین مالی از تروریسم و بطور مشخص پشتیبانی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست تحریم‌ها قرار گرفت.

وزارت خزانه‌داری آمریکا شهریور ۱۳۹۸ در بیانیه‌ای اعلام کرد بانک مرکزی جمهوری اسلامی مسئول تأمین مالی سپاه پاسداران، نیروهای قدس و حزب‌الله است.

تحلیلگران معتقدند دیدار محمدرضا فرزین با مدیران صندوق بین‌المللی پول بیشتر مانور تبلیغاتی است که نشان می‌دهد حکومت در پی ایجاد موج روانی برای کاهش اثرات داخلی و خارجی بر تشدید بحران‌های اقتصادی است. با اینهمه علاوه بر تحریم‌ها، قراردادهای ایران در فهرست سپاه FATF داد و ستد مالی قانونی با جمهوری اسلامی را بسیار دشوار کرده است.

همزمان با سفر فرزین به واشنگتن، گروه هکری «قیام تا سرنگونی»، نزدیک به سازمان مجاهدین خلق، اسناد جدیدی از سامانه نهاد ریاست جمهوری اسلامی را منتشر کرده است. طبق یک نامه محرمانه، امیررضا فرزین برادر محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی سابقه زمین‌خواری و بازداشت و نوید فرزین، برادر کوچک‌تر آنها، سابقه حمل و نگهداری مواد مخدر دارد. مقامات جمهوری اسلامی تا لحظه تنظیم این گزارش واکنشی به این ادعاها نشان نداده‌اند.



عکس هفته | پسر مامان

ابوالفضل امیرعطایی نوجوان ۱۶ ساله که ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ در جریان اعتراضات مردم علیه جمهوری اسلامی از فاصله نزدیک به جمجمه‌ی وی گاز اشک‌آور شلیک شده بود، پس از هشت ماه گما و اندکی پس از آنکه علائم هوشیاری از خود نشان داد، جمعه ۵ خرداد ۱۴۰۲ جان باخت.